





امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
پوهنتون پروان

مجله علمی چراغ حکمت

فصلنامه علمی - تحقیقی پوهنتون پروان

سال دهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۴۰۲ هـ ش مطابق به ۱۴۴۵ هـ ق



چراغ حکمت

مجله علمی - تحقیقی سه ماهه پوهنتون پروان
د پروان پوهنتون درې میاشتنی علمی - څیړنیزه مجله
فصلنامه علمی شماره ۱۸ تابستان ۱۴۰۲ هـ ش / ۱۴۴۵ هـ ق

صاحب امتیاز

پوهنتون پروان

آمر مجله

مدیر مسئول

پوهنمل دوکتور حکیم الله امینی

آدرس الکترونیکی: hakim.aminy2016@yandex.ru

شماره تماس: ۰۷۲۸۹۰۹۳۰۳

سر دبیر

علوم انسانی

پوهندوی حبیب الله کاشفی

آدرس الکترونیکی: habibullahkashfi@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۷۷۲۱۷۲۱۸

علوم طبیعی

پوهندوی ذبیح الله ظاهر

آدرس الکترونیکی: zabihullahzahir116@gmail.c

شماره تماس: ۰۷۸۶۷۳۰۸۴۶

آدرس: پوهنتون پروان - ولایت پروان

شهر چاریکار - افغانستان

هیأت تحریر

علوم انسانی

1. پوهندوی دوکتور عبدالحق حنیف (معاون علمی)
2. پوهنوال محمد صابر سروری
3. پوهندوی دوکتور سید مبین هاشمی
4. پوهندوی دوکتور سید آغا رضا علوی
5. پوهنمل دوکتور محمد جان ستوده
6. پوهندوی رحم الدین راسخ
7. پوهنمل شمس الحق حنیف
8. پوهنمل محفوظ فقیری
9. پوهنمل عید محمد فلاح

علوم طبیعی

1. پوهنمل محمود الله راسخ
2. پوهنیار خالد عرفان
3. پوهنیار احمد زبیر قاضی زاده
4. پوهنمل داکتر حمید الله یونسی
5. پوهنمل ملتان زړور
6. پوهنمل سید عبدالحلیم توانا
7. پوهنمل عزیز آقا عزیز

مرورگران

1. پوهنمل عزت الله خرم
2. پوهنیار هجرت الله مبشر
3. پوهنمل شیرگل ځلانند شینواری
4. پوهنمل ملا جان رحمانی
5. پوهنمل فضل الله فضلی
6. پوهنمل فضل الربی خیرخواه
7. پوهنیار محمد خالد جويا

شماره ثبت مجوز وزارت محترم تحصیلات
عالی: RCTD-GNJR -0010-23

E-mail: Ch.hakmat@gmail.com

Phone: +93728909303-
+93786007675

رهنمود تهیه و ترتیب مقاله علمی - تحقیقی چراغ حکمت

الف: شرایط عمومی مقاله: باید دارای عنوان، شهرت نویسنده، چکیده، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بدنه تحقیق، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.

عنوان

۱- دلالتگر، روشن، فشرده و کوتاه باشد. ۲- کلی و فراتر از موضوع نباشد. ۳- توجه خواننده را برانگیزد و او را برنتایج تحقیق علاقه‌مند سازد. ۴- اصلی‌ترین واژه‌های کلیدی تحقیق در عنوان موجود باشد.

شهرت نویسنده: اسم، تخلص، دیپارتمنت، پوهن‌خ‌ی، شماره تماس و آدرس الکترونیکی (درج شود).

چکیده (۲۰۰-۲۵۰ کلمه) ۱- **استقلال:** چکیده مستقل از متن است. ۲- **ایجاز و صراحت:** نباید خواننده را به مباحث و جدول‌ها و... در متن ارجاع داد. ذکر نوآوری‌ها و دست‌آوردها آورده شود. ۳- **غیر قضاوتی:** چکیده گزارش است، نه قضاوت. ۴- **روانی و انسجام:** از فعل بیشتر از اسم و صورت‌های مصدری استفاده شود، وجه متعددی بهتر از وجه لازم است؛ تا حد ممکن از ضمیر شخص سوم استفاده شود. از عبارات‌ها و جملات فاقد اطلاعات پرهیز شود، مانند: بنابراین نتیجه می‌گیریم که...

۵- **محتوای چکیده:** موضوع مورد بحث را بیان کند، روش یافته‌های پژوهش و یافته‌ها را به طور فشرده بیان کند.

کلید واژه: کلیدواژه، واژه‌های اصلی و بنیادی تحقیق اند که باید در عنوان مقاله نیز باشند. تعداد کلیدواژه ۵ تا ۷ واژه باشد. کلیدواژه‌ها باید با واژه‌های اصلی عنوان و مسأله‌ی تحقیق و تا حد امکان با عنوان‌های فرعی مقاله تناسب داشته باشند و موضوع خاص مقاله را به خوبی نشان دهند.

مقدمه: ۱- روش و راهکار را معرفی کند. ۲- خلای آگاهی میان نویسنده و خواننده را پرکند.

۳- برای خواننده پرسش ایجاد کند و او را مشتاق دریافت جواب نماید. ۴- با اطلاعات جالب و گاه شگفت‌انگیزی آغاز کند.

متن اصلی نوشتار

این بخش بدنه اصلی و ستون فقرات نوشتار را شکل می‌دهد. داده‌ها و تحلیل‌ها باید براساس نظم منطقی و در چارچوب روشی منظم و براساس طرح کلی مقاله پیش برود. اعتبار بحث و تحلیل مقاله تا حدودی به برنامه ریزی و دقت در روش‌های پژوهش بستگی دارد. بدنه نوشتار، بندنوشت‌ها وظیفه‌ی اصلی تنظیم و انتقال مطالب را برعهده دارند و باید با سبکی منطقی به نگارش درآیند. نویسنده باید به خوبی با شیوه‌بندنویسی و تنظیم بندنوشت‌ها آشنا باشد.

نتیجه گیری:

۱- نتیجه، باید هدف اولیه مقاله و نتایج حاصل از تحقیق را بازتاب دهد. ۲- ارزیابی و قضاوت درباره اهمیت موضوع مقاله بکند. ۳- بیان مفاهیم گسترده‌تر در تحقیق را واضح سازد. ۴- پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی را دارا باشد. ۵- از آخرین بخش مقاله گسسته نباشد. ۶- در نتیجه تغییر عقیده داده نشود. ۷- از گنجانیدن نکته تازه، مطالب جزئی و فرعی، نقل قول و مطالبی که به موضوع نسبت ندارد، خود داری شود.

ب: ساختار مقالات

نوع فونت متناسب به هر زبان، مثلاً: فارسی با فونت B - nazanin و پشتو با فونت Pashto nazo و انگلیسی با فونت Times New Roman در نظر گرفته شود. تعداد صفحات از ۸ الی ۱۲ صفحه، سایز ۱۴، فاصله خط ۱۵.۱ باشد

تنظیم اشکال: برای تمام جدول‌ها، نقشه‌ها، تصاویر و الگوها شماره، منبع و عنوان درج شود و در صورتی نویسنده طراح آن‌ها باشد نام محقق و سال آن در نظر گرفته شود.

منابع درونی متنی: به شکل (APA)، مثلاً: (مولوی، ۱۳۹۱: ۲۵). در نظر گرفته شود.

منابع پایان تحقیق: تخلص نویسنده، نام نویسنده (در صورتی که کتاب ترجمه و تصحیح باشد نام و تخلص مترجم و مصحح نیز ذکر می‌شود). سال نشر. محل نشر. مثلاً: مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۷). مثنوی معنوی. به تصحیح رینولد نیکلسون. تهران: سخن.

د پروان پوهنتون چراغ حکمت مجلی د بیا خلی چاپ په مناسبت د پوهنتون د

رئیس پیغام!

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلاة على أشرف الانبياء والمرسلين محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، اما بعد: فقد قال الله تعالى في محكم كتابه بعد أعود بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم: وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ: (التوبة ١٠٥)

از آن جایی که یکی از اهداف اصلی پوهنتون‌های جهان؛ حمایت از محققان، استادان و محصلین در تولید علم و انجام تحقیقات علمی و توسعه‌ای در حوزه‌های معین می‌باشد و از طرفی، مجلات و نشریات در سطح دنیا دارای اهمیت فوق العاده اند و یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین کننده امتیاز پوهنتون‌های جهان به حساب می‌آیند؛ برای همین است که در جهان امروزی؛ حول و حوش صنعت چاپ و نشر مجله‌ها علمی، سازمان‌های بزرگ بین المللی مانند اسپرینگر و الزویر شکل گرفته اند که این نشان دهنده اهمیت این مجلات در بازار نشر است. مجله‌ها و نشریات در نظام تحصیلات عالی کشور عزیز ما نیز دارای جایگاه ارزشمندی است. اثربخشی مجلات و نشریات در نظام تحصیلات عالی کشور در مقررات مربوط به ارتقاء، کسب رتبه‌های علمی و تحقیقی و در نهایت نقش بی‌بدیلی که این مجلات و نشریات برای انعکاس نتایج حاصل از فعالیت‌های علمی دارند، بخوبی منعکس شده است. بنابراین، همواره در پوهنتون‌ها و مراکز تحقیقاتی، بر اهمیت انتشار مقاله بسیار تأکید شده و برای نشر مقالات نیاز به بستر مناسبی است و آن بستر؛ همین ژورنال‌های علمی، مجله‌ها و نشریات علمی پوهنتون‌ها می‌باشد که پوهنتون پروان نیز از آن مستثنی نیست.

با توجه به پیشرفت سریع علم و تکنالوژی جدید در سال‌های اخیر، نیازمندی به منابع و امکان دسترسی به آن بخوبی روشن است، بدون شک یکی از مهم‌ترین این منابع مجلات علمی پوهنتون‌ها هستند. این مجلات در سطوح تخصصی علمی، امکان ارتباط میان صاحب‌نظران، دانشمندان و علاقه‌مندان را فراهم کرده و موجب ارتقای علمی رشته‌های مورد نظر می‌شود. هدف ما از انتشار مجله علمی - تحقیقی چراغ حکمت در پوهنتون پروان، که در هر سه ماه یکبار منتشر می‌شود، معرفی دستاوردهای جدید علمی - تحقیقی و ایجاد زمینه تبادل اندیشه و طرح مسائل علمی تازه در رشته‌های مختلف است. پوهنتون پروان؛ مصمم است که این مجله در میان نشرات علمی کشور

جایگاه مهمی بیابد و برای نائل آمدن به این هدف، یکی از نکات بسیار مهم رعایت موازین مجله است که باید بسیار جدی گرفته شود و پیش‌گیری از داوری ناصحیح، انتشار مقالات جعلی، مقالاتی که در تضاد با ارزش‌های دینی و ملی است، کاپی و غیره مسائل همه نیاز به مراقبت ویژه‌ای دارد که باید مدیر مسؤول و تمام دست‌اندرکاران به آن توجه جدی داشته باشند.

این مجله پذیرای مقالات علمی اساتید و نویسندگان محترم در زمینه‌های مرتبط به تخصصات پوهنتون می‌باشد. از همه اساتید بزرگوار و صاحب‌نظران محترم دعوت به عمل می‌آوریم که با پیشنهادات سازنده خود ما را در هرچه بهتر شدن کیفیت مجله همکاری نمایند.

چراغ حکمت، مجلی د بیا خپریدو مجوز پروان پوهنتون لپاره ډیر د خوښی او ویاړ ځای دی، دا مجله مخکی هم چاپېده، خو دا ځل به په یوې نوي بڼه ستاسو لاسونه بنسکلی کوي. د دې مجلې د چاپ لپاره جواز هم نوي منظور شوي دي، د یو هیواد او ولس علمي فرهنگي او سیاسي پرمختگ په علم او څیړنه کی نغښتی دی، که کوم ولس خپل علمي، فرهنگي او سیاسي پرمختگ غواړی، په علمي او څیړنیزو کارونو کی دې ځان ستړی کړي. له نیکمرغه پروان پوهنتون (چراغ حکمت) علمي تحقیقي او کلتوری مجله د پروان پوهنتون استاذانو سربیره د نورو پوهنتونونو استاذانو نوي ابتکاری څیړنی چی بیلا بیلو موضوعاتو لرونکی دی د چاپ پرگانه بنسکلی کړی ده. پروان پوهنتون هیله لری چی دا څیړني او لیکني به ټولنیز سمون او پرمختگ ذریعه وگرځی، او ټولو هغو څیړونکو څیړنی چی د لیکني علمي او تخنیکي معیارونو باندی برابري وي په ورین تندی یی نشروی .

په درناوی

دکتور محمد عزیز کاظم

د پروان پوهنتون رئیس

فهرست مقالات

- ۱..... اثرات نزول قرآن کریم بر غنامندی زبان عربی پوهنیار عبدالخالق «مصدق»
- ۱۱..... اخلاق ایجابی در اداره از نظر اسلام پوهنیار میر عبدالقدیر هاشمی
- ۲۳..... روی کرد فقهی اعتدالی در تعامل با مقاصد شریعت پوهنمل شمس الحق حنیف
- ۳۵..... نقش اخوت اسلامی در ساختار و توسعه جامعه اسلامی پوهنیار محمد حیات منیب
- ۵۱..... نقش دانشمندان افغانی در شکوفایی تمدن اسلامی محمد حسین عاطفی استاد مؤسسه تحصیلات عالی دانش
- ۶۳..... رعایت مصلحت عمومی در مسایل فقهی و قوانین وضعی پوهندوی دکتور محمد الله بهادر و پوهندوی دکتور عبدالحق حنیف
- ۷۷..... معاذیر قانونی و احوال مخففة قضایی در کود جزا پوهنیار سیف الدین جاهد
- ۸۹..... تنفیذ عینی تعهدات در قانون مدنی افغانستان پوهنمل عید محمد فلاح
- تحلیل و مقایسه وضعیت تجاری افغانستان، قبل و بعد از پیوستن به سازمان تجارت جهانی ۱۰۱..... پوهنمل محمد محفوظ فقیری
- ۱۱۳..... مروری بر تغییر اقلیم و پیامد های آن بر محصولات زراعتی و هار تیکلچری پوهنیار عبد الجبار چرخی
- ۱۲۷..... مطالعه اقتصادی تولید سبزی جات برگی در شهر تالقان ولایت تخار پوهنمل آغامحمد محمدی و پوهنیار حسیب الله مشعر
- ۱۴۱..... رابطه های بازگشتی و کاربرد آن در توابع لژندر و بسیل پوهندوی ذبیح الله ظاهر و پوهنمل محمد ظریف مهرزاد

- ۱۵۱.....اتحاد هستوی و تولید انرژی در ستارگان
پوهنیار شمس الحق "روحانی"
- ۱۶۳.....مروری بر تولید دانه های مصنوعی و اهمیت آن در تکثیر نباتات
پوهندوی فریده شعیب ویدی
بیماری SALMONELLOSIS و مقاومت انتی بیوتیکی SALMONELLA بدست
آمده از منابع مختلف غذایی.....
- ۱۷۱.....پوهنمل حمیدالله عزیزاده استاد پوهنهی علوم و تفری پوهنتون بلخ
مشاوره جنتیک قبل از ازدواج : GENETIC CONSULTATION BEFORE
MARRIAGE.....
- ۱۸۱.....پوهنمل محمد شعیب شریعتی
- ۱۹۵.....معرفی سلولهای بنیادی و عملکرد آنها در بدن انسان
پوهنیار عبیدالله عالمیار
آزمایش ثبات معافیتی CALCIUM PHOSPHATE-OUTER MEMBRANE
PROTEIN VACCINE (CAP-OMP VACCINE) نگهداری شده در حرارت اتاق
در موش ها.....
- ۲۰۷.....پوهنمل محمودالله راسخ
- ۲۱۷.....نقش سیاسی محمولی خان دروازی در دولت امانی
پوهندوی درمحمد ابراهیمی
- ۲۲۹.....علل و پیامدهای بی طرفی دولت افغانستان در جنگ جهانی دوم
پوهنیار حکمت الله میرزاده
- ۲۴۵.....بررسی وضعیت ژئوپولیتیکی کشورهای اسلامی با تأکید بر منابع نفتی آن
پوهنمل ملاجان رحمانی
- ۲۵۹.....بررسی مؤلفه های هویت ملی با رویکرد نسبی گرایبی فرهنگی در افغانستان
پوهنیار شریف الله نیکویی
- ۲۷۱.....چشم انداز مدیریت آب در افغانستان با تأکید بر (بند سلما)
پوهنیار سیدحبیب الله رادمنش و پوهنیار مجتبی رفیعی

اثرات نزول قرآن کریم بر غنামندی زبان عربی

پوهنیار عبدالخالق «مصدق»

چکیده

قرآن کریم به مثابه مهم ترین کتاب آسمانی که با زبان عربی مبین برای بشر نازل شده است، ضمن پویایی و تکمیل بودن آن در ابعاد مختلف چون؛ اجتماعی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی و... از لحاظ ادبیات نیز سرآمد همه کتابها است؛ آنگونه که از متن شیوا و رسای آن هر خواننده‌ای می‌تواند به مفهوم و نتیجه برسد، اما آنچه مورد توجه است، نقش نزول قرآن کریم بر غنامندی و پویایی زبان عربی است؛ بنابراین، سوالی که مطرح می‌شود این است که اثرات نزول قرآن کریم بر غنامندی زبان عربی چگونه بوده است؟

طبق سوال مطرح شده، این تحقیق در صدد بررسی اثرات نزول قرآن بر غنامندی زبان عربی است که با استفاده از روش کیفی و با رویکرد تحلیلی - توصیفی به این بحث می‌پردازد.

نتایجی که از این تحقیق حاصل شده است، نشان می‌دهد که همزمان با نزول قرآن کریم و پخش و نشر آن در جهان و بخصوص در ساحات تحت قلمرو اسلام، ادبیات موجود در آن خوانندگان را به تعجب واداشت و این رویکرد باعث گردید تا محققین و نویسندگان زیادی در این زمینه فعال شوند و در بخش‌های مختلف زبان و ادبیات عربی چون؛ بدیع، بیان و معانی دست آوردهای مختلفی داشته باشند و در تطور خلافت اسلامی خصوصاً عصر (اموی و عباسی)، در زمینه زبان و ادبیات عربی که عمیقاً از متن و محتوای قرآن کریم متأثر بوده اند، هزاران کتاب و آثار ادبی تألیف نموده اند و همچنان صدها و هزاران شاعر و ادیب که عمیقاً از ماهیت و ادبیات قرآن کریم متأثر بوده اند، پا به عرصه وجود گذاشته اند که تا امروز آثار آن عمیقاً وجود دارد.

کلید واژه‌گان: قرآن کریم، نزول قرآن کریم، زبان، زبان عرب، غنامندی زبان عرب.

مقدمه

زبان عربی یکی از زبان‌های بومی و شناخته شده است که در شرایط کنونی در جایگاه خاصی قرار دارد و دلایل مختلفی در شکل‌گیری، تداوم و پویایی آن نقش داشته است، آنگونه که هزاران نویسندگان و زبان‌شناس در آن پرورش یافته اند و هریک دهها و صدها کتاب از خود به جا گذاشته اند، اما آنچه مورد توجه است، جایگاه قرآن کریم در رشد و

غنامندی زبان عربی است که در این پژوهش مورد توجه قرار داده شده است. بناءً با نزول قرآن کریم، زبان عربی یکی از زبانهای رایج در میان ملل های مختلف بود، اما همگام با تکمیل شدن وحی و جمع آوری قرآن کریم در چارچوب کتاب مشخص، توانست نقش کلیدی و ارزشمندی در غنامندی هرچه بیشتر زبان عربی ایفا کند. آنگونه که آیات مختلفی در قرآن کریم وجود دارد که از شیوا بودن و عام فهم بودن زبان قرآن که زبان عربی است، حکایت دارد و با این وجود قرآن کریم توانسته است نقش به سزایی در رشد و شکوفایی زبان عربی ایفا کند. با توجه به آنچه گفته شد، زبان ساده ترین ابزاری است که انسان‌ها با استفاده از آن می‌توانند در حیات اجتماعی خود، معانی متصوره خویش را با دیگران مورد تبادل و تفاهم قرار دهند؛ از این رو شرایع الهی و بخصوص دین مبین اسلام که برای هدایت انسان‌ها آمده و با آنان سخن گفته، از همین شیوه معمولی و متعارف بهره جسته است و چون روی سخن با مردم است، باید با زبانی قابل فهم باشد و قرآن کریم در میان قوم عرب نازل گردید و با زبان عربی رسا و آشکار بر آنان عرضه شده است و در واقع آنگونه که مشخص و واضح است، زبان قرآن زبان مردمی است که سهل و آسان و بدون پیچیدگی در بیان موضوع و محتوا برای بشر عرضه شده است. بنابراین، ادبیات عرب قبل از اسلام بیشتر متکی به زبان گفتاری و شعر بوده است، آنگونه که بیشتر متکی بر اصطلاحات صحرا نشینی و نسبتاً به دور از تمدن بوده است، اما با ظهور اسلام و نزول قرآن کریم، زبان عربی رشد چشم گیری پیدا کرد و بسیاری از مفاهیم مختلف علمی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی در آن اضافه گردید و این رویکرد باعث گردید که در طول تحولات سیاسی و شکل گیری خلافت های اموی و عباسی بیشتر از قبل زبان عربی به شیوایی و رسایی خاصی رسید. بنابراین، در این تحقیق تلاش بر این است تا رویکرد یاد شده مورد توجه و تحلیل قرار گیرد و اثرات نزول قرآن کریم بر غنامندی زبان عربی به بحث و بررسی علمی گرفته شود.

مفهوم زبان و ادبیات

زبان در لغت به معنی؛ لهجه و طرز تکلم و گفتار هر قوم و ملت آمده است و همچنان به معنی؛ عضو گوشتی و متحرک که در دهان انسان و حیوان قرار دارد نیز آمده است. (عمید، ۱۳۸۹: ۵۹۷)

زبان دستگاهی از نشانه های اختیاری و قراردادی است که برای ارتباط انسان بکار می‌رود. (فتوحی و عباسی، ۱۳۸۹: ۱۱)

سه شاخص مهم این تعریف عبارتند از؛ دستگاه، نشانه و ارتباط انسانی که ذیلاً به بررسی هریک به صورت جداگانه پرداخته می‌شود:

الف: دستگاه: زبان دستگاهی نظام یافته و شبکه ای درهم بافته از روابط میان آواها و واژه‌ها است؛ این نظام یافتگی در ذات زبان است و اگر زبان فاقد این ساخت می‌بود، آدمی قادر به فراگیری آن نبود. به منظور از دستگاه یا نظام زبان این است که هر چند عناصر زبان (آواها، کلمه‌ها، ترکیب‌ها و جمله‌ها) بی‌کرانند، اما می‌توان تصویر روشن و منظمی از ساختارها و روابط میان آنها ارائه کرد.

ب: نشانه: در واقع هر واژه‌ای در زبان یک نشانه است که به صورت‌های گفتاری، نوشتاری یا تصویری بیان می‌شود، نشانه دارای مفهوم خاصی است. بنابراین، این پرسش مطرح می‌گردد که میان نشانه و معنی چه رابطه‌ای وجود دارد؟ هنوز هم بی‌پاسخ مانده است و معتبرترین دیدگاه این است که رابطه میان لفظی و معنی، اختیاری است.

ج: ارتباط انسانی: زبان با توصفاتی که ذکر آن گذشت، خاصه انسان است و هیچ‌یک از دیگر موجودات از چنین پدیده‌های ارتباطی پیچیده بهره‌مند نیستند، ممکن است برخی از جانوران از نشانه‌هایی برای ارتباط بهره‌برند؛ اما این نشانه‌ها محدود و فاقد نظام و شبکه مرتب است. (فتوحی و عباسی، ۱۳۸۹: ۱۱)

زبان به عنوان مهمترین ابزار ارتباطی و از عناصر مشترک هویتی به شمار می‌آید که این ابزار می‌تواند تاحد زیادی انتقال دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و در توالی نسل‌ها برعهده بگیرد. (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

زبان پایه‌ی شکل‌گیری هویت و منشاء فرهنگ به عنوان زمینه و مبنای حرکت و ارتقای انسانی است. همچنان؛ زبان به مثابه عامل پیوند دهنده‌ی ملت عمل می‌کند و عامل اصلی ارتباط و جریان سیال فرهنگی است. (نوروزی، ۱۳۹۷: ۴۱۲ و ۴۱۹)

در نهایت، هر نوع وسیله‌ای که مفاهیم و ارتباط باهمی افراد را شامل شود؛ به عنوان زبان یاد می‌شود. (یمین، ۱۳۹۷: ۱۳)

ادب در لغت به معنی؛ دانش، فرهنگ، معرفت، روش پس‌سنجیده، خوی خوش، آداب جمع؛ علم ادب: علمی است که با تسلط بر آن شخص می‌تواند درست شعر بگوید و متن خوب بنویسد، سخن درست و نادرست، خوب و بد را بشناسد، قدما آن را شامل علوم صرف و نحو، لغت، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، عروض و قافیه و بهره یافتن از هر علمی به قدر حاجت، دانسته‌اند. (عمید، ۱۳۸۹: ۸۶)

در جای دیگر ادب و ادبیات به معنی؛ دانش‌های متعلق به ادب، علوم ادبی و آثار ادبی نیز آمده است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

ادبیات مجموعه‌ای از نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا حرفه‌ای خاص مقبولیت و تداول می‌یابد؛ مانند ادبیات پزشکی (طبی)، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق، ادبیات سینما و ادبیات سیاست که در این نوع کاربردها ادبیات به معنی

آداب و سلوک رایج در این مقولات است. همچنان؛ همه‌ی آثار مکتوب و کلاً هر نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری متعلق باشد؛ ادبیات شمرده می‌شود. (فتوحی و عباسی، ۱۳۸۹: ۱۸)

در عرصه‌ی حیات معنوی انسان، ادبیات به معنای عام مهم‌ترین جلوه‌گاه فرهنگ و به معنای خاص نمایان‌گر عالی‌ترین مظهر تلاش در بخش هنر و اندیشه است. شناخت گستره‌ی پیشینه در فرهنگی اقوام و ارزیابی آنها نیز مبتنی بر حیات معنوی آنهاست و تاریخ ادبیات به بررسی تاریخی و جریان شناسی ادبیات مختلف می‌پردازد. (فضل، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۳)

نقش نزول قرآن کریم بر رشد و تطور زبان عربی

قرآن کریم اولین کتاب آسمانی است که به زبان عربی نازل شده و تدوین یافته است که مطالعات آن برای تاریخ ادبیات عرب بسیار ضروری و کلیدی پنداشته می‌شود و قرآن کریم مظهر زندگانی معنوی و حیات ادبی عرب است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی به سبک کاملاً نو نازل شد. از زمان نزول قرآن کریم عده‌ی زیادی از دانشمندان کوشیده‌اند که به سبک آن بنویسند، اما هیچکدام در این کوشش توفیق نیافته‌اند و حتی نتوانسته‌اند نظیر یک سوره کوچک آن را بوجود آورند و آیات قرآن در طول قرن‌ها همواره زینت بخش و مایه‌ی استحکام خطابه‌های خطباء و منشآت منشیان و آثار سخنوران قرار گرفته است. (بهروز، ۱۳۵۹: ۹۵)

در واقع نثری که از دوره جاهلی (قبل از اسلام) به دسترس قرار گرفته است، خیلی اندک است، ولی زمانی که امثال و خطبه‌ها و وصایای دوره جاهلی را با خطبه‌ها و جملات قصاری که در پایان رسائل دوره اسلامی آمده، مقایسه می‌شود، معلوم می‌گردد که نثر صدر اسلام دنباله نثر جاهلی است، منتها اختلافاتی که این نثر با نثر دوره جاهلی دارد، عبارتند از موارد ذیل است:

۱. نثر صدر اسلام از لحاظ مقدار بیشتر از نثر دوره جاهلی است. بنابراین، قرآن کریم و سایر مکاتبات و خطبه‌ها که حاوی مقدار زیادی از لغت، ادب، تاریخ و قصص است.
۲. از حیث روایت معتبر تر از نثر دوره جاهلی است.
۳. نثر این دوره هم از حیث لفظ و عبارت و سبک و هم از نظر معنی و مفهوم از قرآن کریم بسیار متأثر شده است. (بهروز، ۱۳۵۹: ۹۴-۹۵).

قرآن کریم از لحاظ لفظ و معنی معجز است، اما اعجاز لفظی اش همان است که قرآن کریم همه اعراب را با وجود آنکه اهل فصاحت و بلاغت بودند، به چالش و مبارزه طلبید که به مانند یک سوره از سوره‌های آن در فصاحت و بلاغت بیاورند که همه شان با

فراخوان های مکرر و پیهم از آوردن آن عاجز ماندند. بنابراین، در برابر تحدی و مبارزه طلبی قرآن کریم از اعراب مبنی بر اینکه کتاب همانند قرآن کریم یا سوره مشابه آن بیاورند، گرچه اعراب معاصر آن زمان در عصر نزول قرآن اهل فصاحت و بلاغت فوق العاده و برجسته بودند، هیچ گونه برخورد مخالف یا معارض با قرآن را از خود بروز نداده و از این بالاتر حتی نتوانستند ادعا نمایند که قرآن با تعلقات هفتگانه مشهور شان یا خطبه های خطیبان، حکیمان و فصیحان شان یا کلام مسجع کاهنان شان کمترین مشابهتی دارد و نیز نتوانستند ادعا نمایند که حتی پیشرفته ترین کلام عرب در آینده هم یارای رسیدن و همپراز با سطوح و مجاری کلام قرآنی را خواهد داشت. (حق پرست، ۱۳۹۹: ۷ و ۹)

جایگاه سبک و تدوین قرآن کریم در ادبیات عرب

در واقع تعالیم انسانی قرآن کریم بر روحیه و افکار شاعران جاهلی اثری بارز داشته است که در این باره می توان به شاعرانی چون؛ عمر بن ابی ربیع، فرزذق، ابن الزبیری، ابو سفیان بن الحارث، حصین بن الحمام، ضرار بن الخطاب الفهری، أبو عزة الجمحی، ابن مقبل، نابغه جعدی و... اشاره کرد. بنابراین، حیات دینی اثر عمیقی در شعر شاعران اموی داشته بطوری که غیر ممکن بود شعری بگویند و این تأثیر مشاهده نشود. (ضیف، ۱۹۵۲: ۴۱)

از حیث موضوعات شعری نیز موجب تلطیف شدن موضوعات و جهت دادن به آن مؤثر بوده است. مثلاً از حیث طهارت و صفا و پاکی در غزل و قداست بخشیدن به زن و رابطه اش با مرد در نزد شعرا و مطرح شدن فضایل دینی و مدح و هجا بیشترین تأثیر را در شعر حماسی می توان ملاحظه کرد که آنهم بخاطر وجود جنگ ها و جهادهایی بوده است که مکرر رخ می داد. (ضیف، ۱۹۶۳: ۷۱)

از تأثیر محتوایی قرآن بر زبان و ادبیات عرب چه در شعر و چه در نثر (بویژه در نثر که تأثیر در اسلوب و محتوای خطبه ها مبین آن است)، اینکه به تأثیر قرآن در این زبان از حیث لفظ و معنا می پردازیم:

الف- تأثیرات عام

۱- زنده و پویا نمودن زبان و ادبیات عرب: در دنیا زبان های زیادی بوده اند که به مرور زمان از بین رفته اند و جز نامی از آنها باقی نمانده است، مثل زبان فینیقی ها، آشوریان و... و بیشتر زبان های باستانی که مورخین از آنها سخن می گویند، چنین وضعیتی را دارند. مسأله بعدی اینکه وقتی زبان ها از منطقه ای به منطقه دیگر منتقل می شوند و آمیختگی اقوام و نژادها پیش می آید، دچار تغییر اساسی در اصول و قواعد زبانی می شوند، اما زبان عربی بر خلاف چنین امری با توجه به آمیختگی نژادی و انتقال منطقه ای، با توجه به اینکه زبان دینی میلیون ها مسلمان در سراسر جهان با مناطق جغرافیایی و ویژگی های قومی

خاصی هستند، نه تنها دچار تغییر و تحول نشد که بر عکس روز به روز به رشد و بالندگی آن افزون شده که مسلماً راز این کار در قرآن نهفته است، چون مسلمانان علی‌رغم اختلاف محیطی و فرهنگی دارای یک زبان مشترک یعنی زبان قرآن می‌باشند. (اسکندری، ۲۰۱۸: ۹۸)

همچنین ملت‌های زیادی در دنیا بودند که زبانشان متحول گشته و به لغات متعددی منشعب شده و نتوانستند در حفظ آن اقدامی کنند و تحول حاصل در آن را مانع شوند. اما علمای اسلام بخاطر حفظ قرآن در پی حفظ زبان عربی بر آمدند و به قول استاد عقاد، اینکه زبان عربی به این مرحله از رشد و بالندگی رسید، بخاطر آن است که زبان کتاب مقدس مسلمانان یعنی قرآن بوده است. (سالم مکر، ۲۰۱۸: ۳۴۵-۳۴۶)

۲- وحدت بخشیدن به لهجه‌های مختلف عرب: می‌دانیم در زبان عربی لهجه‌های بسیاری وجود دارد که بعضی از آنها از بین رفته و بعضی‌ها ماندگار شدند. اما قرآن که به لهجه قریش نازل شد زبانی است سلیس و روان، ولی کلام عرب غریب و دور از ذهن. اثر قرآن این بوده است که لغت عرب را از تمام آلودگی‌ها پاک کرده و اسرار و مزایای باطنی آن را ظاهر ساخت و معانی دقیق و رموزی را در لباس اعجاز در وی به ودیعت گذاشت. (رافعی، ۱۳۸۷: ۷۱)

۳- قرار گرفتن آن به عنوان زبان رسمی مسلمانان: قبل از ظهور اسلام ملت‌های جهان چندان به زبان عربی توجه نداشتند، چون اعراب دارای مرکزیت سیاسی و دینی نبودند و این به برکت اسلام بوده است که اعراب هويت خویش را باز یافتند و اگر قرآن نبود، در قدرت و توان اعراب نبوده است که زبانشان را تا این حد در جهان منتشر سازند.

۴- قرار گرفتن آن به عنوان زبان آموزشی مدارس: دانشمندان شواهد زیادی دارند که زبان عربی برای اعراب یک امر طبیعی و جزء ملکات آنها بوده است، اما وقتی اسلام آنها را از شبه جزیره بیرون آورد و حکومت خود را در جهان گسترش دادند، اختلاط با غیر عرب موجب آن شده است که آن ملکه زبانی به ضعف و فساد گراید و به همین جهت یادگیری این زبان، لازمه‌اش آموزش و تعلیم گردید. همچنین برای فهم قرآن و سنت جهت اخذ احکام دینی، فرا گرفتن این زبان برای تمام مسلمانان امری ضروری محسوب می‌شود. (اسکندری، ۲۰۱۸: ۵۰)

ب- تأثیرات خاص

ضمن آنکه قرآن کریم توانست در بخش عام تأثیرات به سزایی را در زبان عربی ایجاد کند، در بخش خاص نیز جایگاه رفیعی داشته است که در ذیل به مهم ترین آنها پرداخته می‌شود:

۱- تهذیب الفاظ: اعراب بوا سطره بیابان گردی و صحرانشینی دارای کلمات خشن و نا مأنوس و دور از ذهن بودند، اما با ظهور اسلام که تغییر در بینش و فرهنگ اعراب را به همراه داشت، زبان عربی نیز اصلاح شد و این یک امر طبیعی بود که آنان تحت تأثیر شیوایی و فصاحت قرآن قرار گیرند. علت اصلی تهذیب در الفاظ و اسالیب زبان عربی، قرائت زیاد قرآن توسط مسلمانان و حفظ آیات و سوره‌ها و استفاده از عبارات و امثال و ایجاز و مجاز و تشبیه در استشهداد و اقتباس از آیات قرآن در سخنرانی و شعر و... بوده است. (اسکندری، ۲۰۱۸: ۵۲)

۲- توسع در معنا: بوا سطره مفاهیم جدید قرآنی بسیاری از الفاظ از آن دایره محدود و تنگ معنایی خارج شدند: «مثل لفظ مسلم و مؤمن که به معنای تصدیق مطلق است و کافر از «کفر» به معنی پوشاندن و صلاة به معنای «دعا» و زکاة به معنای «رشد و نمو» و صوم به معنای «مطلق امساک» و حج یعنی قصد و... که تمام این کلمات از دایره محدود معنایی‌شان خارج گشتند. (بیومی، ۱۹۵۲: ۱۸۸)

۳- الگو شدن در اسلوب: سبک خاص قرآن که نه شعراست و نه نثر همیشه مورد عنایت ادباء و شعراء و خطباء بوده است. قرآن دارای اسلوب بدیعی است که سابقه ندارد، نه موزن است و مقفی و نه مسجوع و مرسل. (زیات، ۱۴۲۰: ۸۶)

۴- وضع اصطلاحات و علوم و فنون: بوجود آمدن بسیاری از اصطلاحات ادبی، فقهی، کلامی، مکاتب نحوی، نقدی، فن قصه، عروض، بلاغت، تفسیر،... همه و همه در اثر توجه به قرآن بوده است. همچنان، در این زمینه قرآن سهم بزرگی در تطور مباحث زبانی و نقد لغوی دارد و اگر علاقمندی اعراب به حفظ زبان قرآن نبود، چندان به حفظ زبان شان شور و علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. (سلام، ۱۹۶۱: ۱۵۱)

پیدایش بسیاری از علوم اسلامی از جمله نحو که پیدایش آن دقیقاً در ارتباط با قرآن بوده است و از مهمترین عواملی که باعث شد علماء و حاکمان اسلامی به فکر پی‌ریزی اصول اولیه آن باشند، لحن در قرائت قرآن بوده است. همچنین اگر قرآن نبود قابل تردید بود که بسیاری از علماء به وضع علم نحو، بلاغت و پژوهش در باب مفردات و یافتن وجه صحیح و دخیل الفاظ بر آیند. (مکرم، ۲۰۱۸: ۴۵-۴۶)

۲-۳. قرآن کریم و تطور تاریخ ادبیات عرب

در واقع گروه بی شماری از بزرگان و بلیغان زبان و ادبیات عربی، اقدام به بیان اعجاز ادبی و بلاغی قرآن کریم نموده و سعی خویش را در پیگیری و جستجوی این وجوه اعجاز مبذول داشته و سرانجام موفق به کشف و استخراج نمونه‌های فراوان در این زمینه شده‌اند. بنابراین، دانشمندان و بزرگان ادبیات عرب با بهره‌گیری از جنبه اعجاز بلاغی و ادبی قرآن کریم، علوم بلاغت چون؛ معانی، بیان و بدیع را وضع نمودند. (حق‌پرست، ۱۳۹۹: ۷)

همزمان با نزول قرآن کریم و کتابت آن، علوم و ادبیات در تمدن اسلامی افزایش یافت تا آنجایی که شماره علوم در دین، زبان، تاریخ، ادبیات شعر و غیره از سیصد گذشت و اکثر این علوم در سایه قرآن کریم بوجود آمد، به حدی که دانشی نبود که از تأثیر قرآن کریم به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دور باشد. بنابراین، در آغاز اسلام، وقتی اعراب از جزیره خود بیرون می‌رفتند، در دست‌ان نشان جز قرآن کریم و آموزه‌های نبوی (صلی الله علیه وسلم) چیزی نداشتند و در واقع سبک نگارش قرآن کریم اعراب را به شگفت واداشته بود، چون؛ نظیرش را نه در نثرهای مسجع کاهنان و نه در شعرهای موزون و مقفی شاعران دیده بودند و از طرف دیگر مضامین قرآن کریم با این هردو مخالفت داشت؛ آنگونه که نه شعر بود و نه نثر مسجع. بنابراین، بلاغت و روش تعبیرات قرآن کریم نظیری در زبان عرب نداشت و اسلوب قرآن و محتوایش از شرایع و احکام و قصص انبیاء باعث مسحور شدن اعراب گردید. بنابراین، ایشان آغاز کردند به خواندن قرآن کریم و فهم احکامش و بدین ترتیب قرآن اولین کتاب مدونی است که عرب‌ها به حفظ و قرائت و فهم آن پرداختند، آنگونه که قرائت قرآن کریم و فهم مسائل و درک مفاهیم موضوعات آن، دانش زیادی را بوجود آورد که پیش از آن وجود نداشت و این دانش حاصل شده در عرصه مسائل ادبی توسط دانشمندان این حوزه وضع شد. (بهروز، ۱۳۵۹: ۹۸-۹۹)

نتیجه‌گیری

۱. با توجه به یافته‌های این تحقیق، زبان عربی یکی از زبانهای رایج و مشهور دنیای امروز است که بر مبنا و ریشه‌های عمیقی استوار است و هرچند پیشینه طولانی دارد، اما با نزول قرآن کریم، در بسیاری از ویژگی‌ها و شاخص‌های این زبان تغییرات شگرفی بوجود آمد و ماهیت معنوی خاصی بخشید.
۲. با نزول قرآن کریم علوم ادبی نه تنها در جغرافیای عرب، بلکه در تمامی ساحات تمدن اسلامی افزایش یافت تا آنجایی که شماره علوم در دین، زبان، تاریخ، ادبیات شعر و غیره از سیصد گذشت و اکثر این علوم در سایه قرآن کریم بوجود آمد، به حدی که دانشی نبود که از تأثیر قرآن کریم بطور مستقیم یا غیر مستقیم به دور باشد.
۳. با توجه به آنچه که در بالا گفته شد، قرآن کریم سرچشمه حیات عقلی و ادبی عرب است و به طور واضح و سرشار از نثر فنی و منبع معانی و اسالیب و معارف. بنابراین، تأثیر قرآن بر زندگی و آداب و علوم مسلمانان بیشتر از تأثیر انجیل بر مسیحیان بوده است، چون محور مطالب در انجیل فقط بر مسائل اعتقادی و اخلاقی است، ولی قرآن مشتمل بر احکام فقهی و اساسی است که مسلمانان را در عمل از آنان گریزی نمی‌باشد. علاوه بر اینها بیشترین اثر را در انتشار زبان عربی داشته است و زبان علمی آنان محسوب می‌شود.

۴. یکی از آثار شگرفی که با نزول قرآن کریم در ادبیات عرب ایجاد گردید، گروه بی‌شماری از بزرگان و بلیغان زبان و ادبیات عربی، اقدام به بیان اعجاز ادبی و بلاغی قرآن کریم نموده و سعی خویش را در پیگیری و جستجوی این وجوه اعجاز مبذول داشته و سرانجام موفق به کشف و تخریح نمونه‌های مختلفی در این زمینه گردیدند. بنابراین، دانشمندان و بزرگان ادبیات عرب با بهره‌گیری از جنبه اعجاز بلاغی و ادبی قرآن کریم، علوم بلاغت چون؛ معانی، بیان و بدیع را نیز وضع نمودند.

۵. منابع و مآخذ

۱. بهروز، اکبر، (۱۳۵۹)، تاریخ ادبیات عرب، تهران: نشر شفق.
۲. بیومی، السباعی، (۱۹۵۲)، تاریخ الادب العربی، دمشق: مکتب الانجلومصریه، ج ۲.
۳. حق پرست، لطف الله، (۱۳۹۹)، قرآن و علوم معاصر، کابل: نشر تمدن شرق.
۴. رافعی، مصطفی صادق، (۱۳۸۷)، اعجاز قرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه وسلم، قم: کتابخانه تخصصی اسلام و ایران.
۵. زیات، احمد حسن، (۱۴۲۰)، تاریخ الأدب العربی للمدارس الثانویة و العلیا، قاهره: دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع.
۶. سالم مكرم، عبدالحال، (۲۰۱۸)، القرآن الکریم و أثره فی الدراسات النحویة، الازهر: المکتبة الازهریة للتراث.
۷. سلام، محمد زغلول، (۱۹۶۱)، اثر القرآن فی تطور النقد العربی، قاهره: دار المعارف.
۸. ضیف، شوقی، (۱۹۵۲)، التطور والتجدید فی الشعر الأموی، قاهره: مطبعة لجنة التالیف والترجمة والنشر.
۹. عمید، محمد، (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: نشر راه رشد.
۱۰. فتوحی، محمود و عباسی، حبیب الله، (۱۳۸۹)، فارسی عمومی، کابل: اداره دارالنشر.
۱۱. فضل، فضل الحق، (۱۳۹۶)، نگاهی به تاریخ ادبیات افغانستان، فصلنامه پیام معرفت، شماره دوم.
۱۲. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر ادنا، ج ۱.
۱۳. نوروزی، علی مدد، (۱۳۹۷)، زبان و سطوح هویت: تأثیر آن بر روابط دولت-ملت و انسجام اقوام، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال اول، شماره سوم.
۱۴. یمین، محمد حسین، (۱۳۹۷)، دستور معاصر زبان پارسی دری، کابل: نشر میوند.

Abstract

Holy Quran as the most important divine book that has been revealed to mankind in the Arabic language, while being dynamic and complete in various dimensions such as; Social, political, economic, cultural, educational, religious, etc., in terms of literature, it is the best of all books; As any reader can understand and conclude from its eloquent text, but what is of interest is the role of revelation of the Holy Quran on the richness and dynamism of the Arabic language. Therefore, the question that is raised is, what were the effects of the revelation of the Holy Quran on the richness of the Arabic language?

According to the question raised, this research aims to investigate the effects of the revelation of the Qur'an on the richness of the Arabic language. The results obtained from this research show that simultaneously with the revelation of the Holy Quran and its distribution in all parts of the world, especially in the areas under the Islamic domain, the literature in it surprised its readers and this approach caused Many researchers and writers became active in this field and in different parts of Arabic language and literature such as; original, expressive and have different meanings and in the development of the Islamic caliphate, especially in the era (Umayyad and Abbasid), in the field of Arabic language and literature, which were deeply influenced by the text and content of the Holy Quran, they authored thousands of books and literary works. Also, hundreds and thousands of poets and writers who were deeply influenced by the nature and literature of the Holy Qur'an, have stepped into the arena of existence, whose works are still deeply present today.

Keywords: Holy Qur'an, Revelation of the Holy Qur'an, Language, Arabic Language, Richness of Arabic Language.

اخلاق ایجابی در اداره از نظر اسلام

پوهنیار میر عبدالقدیر هاشمی

چکیده

اخلاق گوهری ست که در هر عصر و زمان، در طول تاریخ بشر جایگاه و ارزش خود را داشته و دارد، و در وجود هر شخصی که تبلور می‌نماید شخصیت آن‌را تثبیت و در جامعه آن‌را به عنوان بهترین فرد به معرفی می‌گیرد، در مقاله حاضر تمرکز بیشتر روی اخلاق ایجابی در اداره صورت گرفته است که یک مدیر و یا مسؤول مسلمان در پیش‌برد امور آن‌را رعایت نماید، در این بحث مختصر بعضی از موارد اخلاق ایجابی را در روشنائی نصوص صحیح شریعت بیان نمودیم که بدون شک هرگاه یک مدیر و مسؤول، در هر سطحی که قرار داشته باشد در کنار تخصص به رشته مربوطه، این سجایای اخلاقی را مدنظر گرفته و از آن‌ها برخوردار باشد، گفته می‌توانیم آن شخص بهترین مدیر و مسؤول بوده و اداره‌ی که در آن وظیفه اجرا می‌کند از جمله بهترین ادارات به حساب خواهد آمد، چون این روش در کنار این که انسان پسند است، چون دستور آن از جانب خالق ذوالجلال می‌باشد، خدا پسند نیز هست که در آن صورت هم سعادت دنیا و هم سعادت آخرت را در آن می‌توان دریافت.

واژه‌های کلیدی: اخلاق، ایجابی، اسلام، اداره، مدیر، مسؤول.

۱- مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

اما بعد! قال النبی صلی الله علیه و سلم: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» مؤطاء مالک

رحمه الله.

ازین سخن حکیمانه چنین بر می‌آید که رسالت و پیامی که مسیر خود را در صفحه هستی بشریت ترسیم نموده و پیام آور این پیام‌زندگی بخش با تمام سعی و کوشش در امتداد اشعه‌ی تابناک آن و جمع‌آوری کتله‌های بزرگ انسانی حول آن تلاش نموده است، برهیچ موضوع دیگری مانند فضایل و ارزشهای اخلاقی و تقویه آن در نفوس پیروانش تأکید و ترکیز نکرده است، و با اعلام این پیام راستین آفاق کمال و عظمت

انسانی را در برابر شان منور گردانیده است تا با بینائی کامل بسوی آن بشتابند و خود را به کمال مطلوب برسانند.

بر همین مبنا اهمیت و جایگاه اخلاق را در چارچوب نظام اسلامی، به خصوص در ادارات به طور برجسته در میابیم، اما سؤال مهمی که مطرح می شود این است که داشتن چنین اخلاق در اداره را با داشتن کدام سجایای اخلاقی می توان دریافت؟ که مقاله ی حاضر پاسخ این را برای خواننده روشن می سازد که شامل اخلاص در عمل، امانت داری در امور، وقت شناسی، اطاعت از اولی الامر، انجام کار به طور دقیق و أحسن، ثبات و استقامت در امور کاری، شناخت مراتب در انجام امور، درک مراجعین، شناخت هدف از انجام وظیفه، دوری از ریب و شک، صداقت و راستی می باشد؛ در این نوشتار از روش کتاب خانه ای، و تحلیلی به طور مختصر استفاده به عمل آمده است که هر مورد تحت عنوان جداگانه مورد بحث قرار گرفته است.

۲- اخلاق ایجابی در اداره

در این شکی نیست که رعایت اخلاق حمیده دارای دو بُعد می باشد، یکی اخلاق ایجابی که یک مسلمان آن را در زندگی خود باید داشته باشد، دوم هم اخلاق سلبی که یک مسلمان باید در زندگی خود از آن دوری جوید، در این بحث تمرکز بیشتر روی اخلاق ایجابی در اداره، صورت گرفته است که یک مدیر و یا مسؤول مسلمان در پیش برد امور باید آن را رعایت نماید.

۱- ۲ اخلاص در عمل

در این شکی نیست که از نظر اسلام عزیز یگانه چیزی که م صیرا صلی اعمال را مشخص و معین می سازد نیت و اخلاص در اعمال است، پیش برد امور اداری که بخشی از اعمال محسوب می گردد، باید بر نیت و اخلاص تام به بخاطر کسب رضای الله تعالی استوار باشد، تا پاداشی که در چنان اعمال وعده گردیده بدست بیاید، این موضوع را در احادیث صحیح پیامبر صلی الله علیه و سلم به وضوح در میابیم، قسمی که می فرمایند:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»^(۱). ترجمه: همانا اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هر کس از کردارش به اندازه

۱- بخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل، صحيح البخاري، (۱/ ۶). ج: ۱. الناشر: دار طوق النجاة، بيروت، الطبعة: الأولى. و نيسابوري، مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري، صحيح مسلم، (۳/ ۱۵۱۵)، ج: ۱۹۰۷. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

نیتش اجر و ثواب می برد، پس کسی که هجرت او به سوی خدا و پیامبر بوده باشد، هجرت او به سوی خدا و پیامبر است، و هرکس هجرتش به خاطر دنیا باشد و یا به خاطر زنی که بخواهد با او ازدواج کند، اهمیت هجرت او برابر با همین قصد و همت او است.

کسی که این حقیقت را بداند تحقق اصل نیت و تلاش در هرچه کامل تر ساختن آن است.

علی رغم این که برخی معتقدند که گویا تحقق اصل نیت آنچنان دشوار است که جز برای عده ای اندک میسر نیست برایش آسان می شود، از آن جمله می توان مواردی را در امور اداری شناخت و نیت را در آن ها خالصانه به خاطر الله جل عظمته نمود.

۲ - ۲ امانت داری در امور

این را باید توجه داشت که امور اداری از جمله اماناتی است که به عهده‌ی انسان سپرده می شود، و در ادای آن (ادای مسؤولیت) نهایت دقیق و متوجه بود؛ بدانند که در کنار صلاحیت، مسؤولیت عظیمی است که به دوش می گیرد. اگر در امانت خیانت صورت بگیرد بدون شک که مورد مآخذه سخت پرورگار قرار خواهد گرفت، قسمی که روایت است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: «الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا إِلَّا الْأَمَانَةَ...»^(۲). ترجمه: " از عبدالله بن مسعود روایت است که فرمودند: کشته شدن در راه الله تمام گناهان را از بین میبرد مگر امانت را... و الله متعال جل عظمته می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...} [النساء: ۵۸] ترجمه: هر آئینه الله امر می کند که امانت ها را به اهل آن بسپارید و چون در بین مردم حکم می کنید به عدالت حکم نمایید.

بدون شک یکی از امانات مسلمین امور اداری آنها است که بدست مأمورین سپرده شده است، و اگر در آن اندک ترین کم توجهی صورت گیرد، این هشدار خطرناک متوجه وی نیز می شود.

یکی از معانی که شامل مدلول کلمه امانت داری می باشد، این است که هر فرد مطابق توان و استعداد خود در مقام و مناصب قرار داده شود، و تنها کسانی به مناصب

- صهییب، عبد الجبار، الجامع الصحیح للسنن والمسائید، (۳/ ۱۶۹)، مکتبة الشاملة. البانی رح، در صحیح 2 الترغیب والترہیب، شماره: ۱۷۶۳، ۲۹۹۵ حدیث، گفته: این حدیث حسن است.

بالای حکومتی برگزیده شوند که لیاقت، کار دانی و ایمان داری شان آن‌ها را بالا می‌برد و بس.

امانت شمردن مناصب اداری و وظایفی که به مصالح عمومی مربوط می‌شود، از طرق مختلف و با دلایل متعددی ثابت گردیده است، درین مورد به روایات ذیل توجه فرمایید: «عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَسْتَعْمَلُنِي قَالَ: فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي ثُمَّ قَالَ « يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ ضَعِيفٌ وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا »^(۳). ترجمه: از ابو ذر رضی الله عنه روایت شده که گفت: گفتم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! آیا مرا به وظیفه مقرر نمی‌نمایید؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم دست خود را به شانهام زده فرمود: ای اباذر همانا تو ناتوانی! و همانا آن امانت است، و نتیجه آن در روز قیامت خواری و پشیمانی است، مگر کسی که آن را بحقش گرفته و واجبی را که در این مورد بر دوش اوست بجای آورد.

یک مسئله را باید توجه داشت که ذم برای کسی است که اهلیت ولایت (مدیریت) را ندارد و یا عدالت را در کارش رعایت نمی‌کند و اما آنکه اهل امارت بوده و عدالت را در آن مرعی دارد، فضیلتی بس بزرگ را دارا می‌باشد، و او از جمله هفت کسی است که خداوند جل جلاله در روز قیامت وی را در سایه اش پناه می‌دهد.

بناء در احراز و قبول کردن مناسب اداری دو نکته را به طور جدی توجه داشت: ۱- به تناسب ظرفیت و توانائی باید مسؤولیت پذیرفت. ۲- مناصب اداری، امانتی است که خیانت در آن وعید سختی در قبال دارد.

۳- ۲ وقت شناسی

شناخت و ارزش وقت از جمله مسائلی است که در هر مکتب و آئین از جایگاه بلندی برخوردار است، بخصوص در عصر حاضر که گفته اند: وقت طلا است، و مفهوم معقوله عربی هم است که وقت چیزی است، اگر تو آنرا نببری آن ترا می‌برد، این مسئله بیشتر متوجه کسانی می‌شود که در امور کاری روز مره مصروف و مشغول هستند، بخصوص کسانی که در ادارات مسؤولیت و مصروفیت دارند، باید از یک طرف از وقت خود استفاده اعظمی نمایند، از جانب دیگر در حضور و انجام امور وقت شناس با شند، مثلاً: سر وقت حاضر شوند، هر کار را به وقت مناسبش انجام بدهند و به وقت از کار خود مرخص شوند؛ اسلام عزیز قبل از همه چهارده قرن قبل وقت شناسی و ارزش وقت را با

۳- صحیح مسلم، (۳/۱۴۵۷)، ح: ۱۸۲۵.

زیبائی تمام و به شیوه خاص بیان داشته است، طوری که الله متعال در سوره عصر می‌فرماید: «العصر: ۱ - ۳. ترجمه: سوگند به عصر و زمانه، هر آینه از انسان در زیانکاری است، مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح و همدیگر را بحق و صبر توصیه کردند.

یکی از مهم ترین مطالبی که در آیه اول این سوره به آن اشاره صورت گرفته است ارج گذاری به وقت و ارزش آن است که مسلمان نباید در برابر آن بی اعتنا باشد، و از کنار آن سرسری بگذرد؛ از جمله قوی ترین فکتور های که در تاریخ، انسان های موفق، چه مسلمان و غیر مسلمان، در زندگی خود به آن ارج قابل بودند و سبب موفقیت شان گردید، شناخت وقت و استفاده‌ی اعظمی از آن بوده است.

۴ - ۲ اطاعت از اولی الامر

اطاعت از اولی الامر، از جمله مسائلی است که سبب حفظ نظم در اجتماع گردیده، از جانب دیگر باعث بقای نظام و حکومت می‌گردد، از همین جاست که در آیات قرآنی و احادیث نبوی بر این امر تأکید بیشتر صورت گرفته است، چیز دیگری که در این امر خیلی مهم است شناخت سلسله مراتب و اطاعت از آن که در مورد نیز نصوص شرعی وضاحت کامل دارد.

الله متعال می‌فرماید { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... } [النساء: ۵۹] ترجمه: ای مؤمنان! از خداوند اطاعت کنید و از پیغمبر و صاحبان امر اطاعت نمایید.

این آیه پیروی از اولی الامر را واجب می‌گرداند، اما این را نیز بیان می‌کند که اطاعت از آنها مطلق نیست، بلکه در چارچوب کتاب خدا و سنت رسول الله است، چون لفظ "اطیعوا" را برای رسول تکرار می‌کند اما برای اولی الامر این لفظ را به کار نمی‌برد.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَي فَرْمَايِد: «السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ حَقٌّ مَا لَمْ يُؤْمَرْ بِالْمَعْصِيَةِ فَإِذَا أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ»^(۴). ترجمه: بر انسان مسلمان حق واجب است که گوش فرا دهد و اطاعت کند، چه دوست داشته باشد یا نه، مگر این که به گناه و معصیت مأمور گردد که در این حال گوش دادن و اطاعت کردن جایز نیست.

بنا بر این فرامین الله متعال و رسول الله صلی الله علیه وسلم، اطاعت از اولی الامر فرض و واجب می‌باشد، تا زمانی که زیر دست خود را به نافرمانی الله و رسول دستور

- صحیح البخاری ت (۷/ ۴۶۶). ح: ۲۹۵۵. صحیح مسلم-ن (۳/ ۱۴۶۹). ح: ۱۸۳۹. 4

ندهد، هر گاه فرمان اولی الامر برخلاف حکم خدا و رسول بود اطاعت از آن لازم نیست بلکه ترک آن فرض است، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیثی صراحتاً می‌فرماید: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»^(۵). ترجمه: اطاعت از مخلوق، در آن چه نا فرمانی از الله باشد جواز ندارد.

۵ - ۲ انجام کار به طور دقیق و احسن

از جمله مهم‌ترین چیزی که انسان مسلمان باید متوجه آن باشد این است که انسان در روی زمین مورد امتحان پرورگار عالمیان قرار دارد، و این امتحان در همه امور مورد توجه قرار دارد که از جمله آن کار در اداره است؛ الله جل جلاله در قرآن کریم بیان نموده است که هدف از آفرینش مخلوقات همانا امتحان و آزمایش آنها است، چنانچه می‌فرماید: «هُدًى: ۷. ترجمه: و اوست آن ذاتی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و عرش [خداوند] بر آب قرار داشت [و این آفرینش بزرگ شگفت را بدین خاطر ساخت] تا شما را بیازماید که کدام یک از شما عمل نیکوتر می‌کند.

الله متعال در آیه فوق اهمیت و ارزش والای عمل احسن و شایسته را بیان نموده است؛ ازین جهت نفرمود «ایکم اکثر عملاً» یعنی عمل کدام یک از شما بیشتر است بلکه فرمود: «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» یعنی عمل کدام یک از شما بهتر و نیکوتر است.

این آیه مراد و مقصد این قول الله جل جلاله را تو ضیح میدهد که می‌فرماید: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} [الذاریات: ۵۶]. ترجمه: و نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای این که مرا بپرستند.

باری جبریل علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد [و جلوشان نشست] سپس در ضمن سؤالاتش از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: مرا از [مرتب] احسان خبر ده؟ یعنی از آن چیزیکه مخلوقات بخاطر آزمایش و امتحان در مورد آن آفریده شده اند؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم برای جبرئیل پاسخ داده فرمودند: (هو): «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهُ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^(۶). ترجمه: خداوند را طوری عبادت کنی که گویا تو او را می‌بینی، اگر تو او را نمی‌بینی پس یقین داشته باش که او تعالی ترا می‌بیند.

۵ - الجامع الصحیح للسنن والمسائید، (۴۴۲ / ۳۶). قال الشيخ شعيب الأرنؤوط: إسناده صحيح. 5

۶ - صحیح البخاری-ن (۱ / ۲۷). ج: ۵۰. صحیح مسلم-ن (۱ / ۳۶). ج: ۸. کتاب الإیمان از ابی هریره - 6 رضی الله عنه.

زمانی که یک مأمور و یا مدیر کار خود را با اخلاص به خاطر خداوند متعال انجام دهد، یقیناً که انجام آن امور عبادت است و زمانی که عبادت به خاطر الله متعال باشد بدون شک انجام دهنده بیشتر از همه به معبود متوجه می‌باشد، این وقت است که از یک طرف در انجام امور دقت صورت می‌گیرد و از جانب دیگر آن امور را به طور احسن انجام می‌دهد، فراموش نباید کرد که بعد از ایمان در عمل احسن، دو شرط اساسی دیگر نیز وجود دارد که عبارت اند از: ۱- اخلاص در انجام عمل، ۲- انجام کار مطابق حق و حقیقت؛ این موضوع ایجاب بحث بیشتر را می‌نماید که ان‌شاءالله در یگان مقاله‌ی دیگر روی آن بحث خواهیم نمود.

۶-۲ ثبات و استقامت در امور کاری

از جمله اوامری که پروردگار هستی، جهت بقا دستور می‌دهد ثبات و استقامت در دین هست، زمانی که دین می‌گوئیم در واقع تمام جوانب زندگی و بخش‌های آن را در بر می‌گیرد؛ مانند: امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اداری و... که اهل ایمان در همه امور خود باید دین خدا را مد نظر گرفته و الله جل جلاله را حاضر دانسته تمام کارهای خود را با استواری تمام به پیش ببرد، الله ذوالجلال جل عظمت می‌فرماید: {فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ} [هود: ۱۱۲]. ترجمه: پس همانگونه که فرمان یافته‌ای (در دین خدا) استقامت کن به همراه کسانی که با تو، به سوی خدا برگشته اند، و (از حدود خدا) تجاوز نکنید که قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید، بصیر و آگاه است.

در این آیه، به رسول کریم صلی الله علیه و سلم و تمام مسلمین دستور رسیده که در هر کار و حالت، بر مسیر استقامت، استوار بمانند.

اگر در عقاید، استقامت نباشد، از بدعت‌ها آغاز و بالآخره به کفر و شرک منتهی می‌گردد؛ اگر در اصول معتدل و صحیحی که رسول کریم صلی الله علیه و سلم، مربوط به ذات و صفات و توحید خداوندی بیان فرموده، افراط و تفریط یا کمی و بیشی صورت گیرد، اگرچه از روی حسن نیت هم باشد، موجب گمراهی و خسران خواهد شد^(۷).

این جاست که با برگزیدن ثبات و استقامت انسان، انسان کامل می‌شود؛ و با ضعف استقامت و سستی رأی به انحراف می‌انجامد و بالآخره موجب پیدایش فساد می‌گردد،

۷ - عثمانی، محمد شفیع، تفسیر معارف القرآن؛ مترجم: محمد یوسف حسین پور، (۷/ ۱۲۴). انتشارات: شیخ ۷ الاسلام احمد جام، ایران.

رسول علیه السلام این امر را به طور واضح بیان می‌فرماید: عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّمَمِيِّ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ أَحَدًا بَعْدَكَ - قَالَ: « قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ فَاسْتَقِمَّ »^(۸). ترجمه: از سفیان بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که گفت: گفتیم: یا رسول الله برای من در اسلام سخنی بگو که بعد از تو از کسی نپرسم، فرمود: بگو بخدا ایمان آوردم (آمنت بالله) و سپس استقامت کن و پایدار باش.

طوریکه در روایت فوق دیده می‌شود رسول کریم صلی الله علیه و سلم، بر این باور اند که بعد از ایمان به الله تبارک و تعالی، ثبات و استقامت در امور دین، انسان را به نقطه کمال و هدف حقیقی می‌رساند که جزء از اجزای آن را می‌توان در امور اداری دریافت و عملی نمود.

۷ - ۲ شناخت و رعایت مراتب در انجام امور

طوری که در عناوین نخست تذکر داده شد، یک مامور در امور اداری خود باید نیت خود را خاص بخاطر الله جل‌عظمته خالص بگرداند و امور کاری خود را یک امر دینی و ایمانی تلقی کند، در این صورت است که اوامر دینی در همه بخش‌ها دارای مراتب و ترتیب خاص می‌باشد، از مسائل اعتقادی شروع تا اخلاقیات و همه اعمال؛ نکته دیگری را هم باید توجه داشت، زمانی که امور کاری یک امر دینی است، یک کار دعوتی به سوی دین نیز می‌باشد که یک مامور متدین با رعایت مراتب امور، کار دعوتی خود را نیز به پیش می‌برد، در کار اداره هم کلیات هست و هم جزئیات، هم واجبات و هم مستحبات، هم محرّمات و هم مکروهات، هم قضایای بزرگ و هم قضایای کوچک... هر کدام باید جایگاهش شناخته شده و سر جای خودش قرار داده شود، و در وقت خودش انجام پذیرد و رعایت گردد.

در عمل کرد و دساتیر رسول الله صلی الله علیه و سلم نیز رعایت مراتب را به وضوح مشاهده می‌کنیم، بخصوص زمانی که معاذ بن جبل رضی الله عنه را به سوی یمن می‌فرستد، و برایش می‌فرماید: «إِنَّكَ تَأْتِي قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ، فَأَدْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدُنْكَ، فَأَعْلِمِهِمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِدُنْكَ، فَأَعْلِمِهِمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى افْتَرَضَ

8. - صحیح مسلم، (۱/۴۷).

عَلَيْهِمْ صَدَقَةٌ تُؤَخِّدُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ فَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ، فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ، فَإِيَّاكَ وَكَرَائِمَ أَمْوَالِهِمْ وَأَتَقَى دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ حِجَابٌ»^(۹).

ترجمه: تو همانا نزد قومی از اهل کتاب می روی، پس آن‌ها را دعوت کن تا گواهی دهند که معبود برحقى جز الله نیست، و این که من رسول و فرستاده خدا می باشم. اگر آن‌ها در این امر از تو پیروی کردند، آن‌ها را آگاه کن که خداوند در هر شب و روز پنج وقت نماز را برای‌شان فرض نموده است، و اگر آن‌ها در این امر از تو پیروی کردند، آنان را آگاه کن که الله تعالی بر آن‌ها صدقه‌ای فرض نموده که از ثروتمندان شان گرفته شده و به فقراى شان باز گردانده می شود. پس اگر آن‌ها از این پیروی کردند، پس بر حذر باش از این که مال‌های نفیس و گران‌بهای شان را بگیری و از دعای مظلوم حذر کن، زیرا در میان او و خدا پرده و حجابی نیست.

به همین ترتیب رعایت مراتب در امور اداری نیز، هم یک اصل اداری است و هم یک اصل دینی.

۸ - ۲ صداقت و راستی

صداقت و راستی نه صرف در افعال، کردار، گفتار و پندار مسلمان به حیث اخلاق اسلامی و ارزش‌های ایمانی جایگاهی خاصی دارد، بلکه فراتر از این بخش جدا نا پذیر و کامل کننده‌ی ایمان مسلمان است؛ صداقت و راستکاری جوهر اصلی ایمان مسلمان را تشکیل می‌دهد، بخاطری که انسان مسلمان صداقت را اخلاق ارزشمند و زیننده‌ی اهل ایمان میداند، زیرا خداوند متعال اهل ایمان را به صداقت و راستی ستوده و راستکاران را مورد تمجید قرار داده و اکیداً دستور می‌دهد که در صف صادقین قرار گیرند، الله تعالی جل‌عظمته می‌فرماید {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ} [التوبة: ۱۱۹].

ترجمه: ای مؤمنان! از خدا بترسید و همگام با راستان باشید.

خداوند کریم آسمان‌ها و زمین را به حق و همراه با حقیقت آفریده است و از مردم خواست تا زندگی خود را بر حق و حقیقت استوار سازند، چون صداقت و راستی از پایه‌های اساسی و بنیادی اخلاق مسلمان و صبغهی ثابت و تغییرناپذیر تهذیب اسلامی بحساب می‌رود^(۱۰).

9 - صحیح البخاری ت (۳/۳۹۹)، ح: ۱۳۹۵. صحیح مسلم-ن (۱/۵۰)، ح: ۱۹. 9

- وثیق، نعمت الله، اخلاق اسلامی و آداب اجتماعی، (ص: ۳۳). کابل، انتشارات: سلسله‌ای تربیت و 10

اصلاح افکار.

در این شکی نیست که صداقت و راستی ظرف زندگی انسانی است، مسؤول یک اداره و یا یک بخش مجبور و مکلف است تا بخاطر پیشبرد بهتر امور و پاسخ گویی در پیشگاه حق تعالی این اصل زرین و ثابت الهی را مد نظر داشته و از دروغ، خیانت و حق تلفی بپرهیزد.

پیامبر کریم صلی الله علیه وسلم، بر عکس بر داشتهها و معمول روز که دروغ گویی و شایعه پردازی جزء برنامه‌ی جامعه‌ی ما گردیده است، نجات و کامیابی را در صداقت و راستی، و هلاکت و نا کامی را در کذب و دروغ در جامعه‌ی اسلامی و مسلمان‌ها معرفی می‌کند: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ الصَّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ، حَتَّى يَكُونَ صَدِيقًا، وَإِنَّ الْكُذْبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ، وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا»^(۱۱). ترجمه: عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «همانا راستگویی انسان را بسوی نیکی رهنمون می شود، و نیکی انسان را به بهشت می رساند، و شخص به اندازه‌ای راست می گوید که در زمهری صدیقین قرار می گیرد، و همانا دروغگویی انسان را بسوی فسق و فجور سوق می دهد، و فسق و فجور انسان را به جهنم می کشاند، و شخص به اندازه‌ی دروغ می گوید که نزد خداوند در زمهری دروغگویان نوشته می‌شود».

۳ - نتیجه گیری

بعد از بحث و تحقیق در رابطه به اخلاق ایجابی در اداره از نظر اسلام، نتایج ذیل را می‌توان دریافت:

- رعایت اخلاق، اصلی از اصول اسلام عزیز می‌باشد.
- داشتن اخلاق حمیده یکی از اسباب سعادت دنیا و آخرت است.
- ملبس بودن با زینت اخلاق نیک، سبب کسب رضای الله تعالی و بندگانیش می‌شود.
- مدیری که در انجام امور، اخلاق حمیده را رعایت می‌کند، قلب مطمئن و روان راحت دارد.
- مسؤولی که دارای سجایای نیک اخلاقی است، هیچ‌گاهی بد گمان نمی‌باشد و مورد شک قرار هم نمی‌گیرد.

- صحیح البخاری-ن (۵/ ۲۲۶۱). ح: ۵۷۴۳. و صحیح مسلم-ن (۴/ ۲۰۱۲). ح: ۲۶۰۷. ۱۱

- در رعایت اخلاق نیک سکون و آرامش است.
- و بلاخره یک اداره سالم خدا پسند، و خَلق پسند، نیاز به رعایت اخلاق اسلامی دارد.

۴ - منابع و مآخذ

۱. القرآن الکریم
۲. ألبانی، محمد ناصر الدین. (ب ت). **صحیح الترغیب والترهیب**. الناشر: مکتبه المعارف - الرياض. الطبعة: الخامسة.
۳. بخاری، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل. (۱۴۲۲هـ—). **الجامع الم سند ال صحیح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأیامه**. المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. الناشر: دار طوق النجاة، بیروت. الطبعة: الأولى.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی أبو عیسی السلمی. (۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م). **الجامع الصحیح سنن الترمذی**. تحقیق وتعلیق: محمد فؤاد عبد الباقي و أحمد محمد شاکر. الناشر: شركة مکتبه ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر. الطبعة: الثانية.
۵. صهیب، عبد الجبار. (۲۰۱۴ م). **الجامع الصحیح للسنن والمسائید**. مکتبه الشامله،
۶. عثمانی، محمد شفیع. (۱۳۸۷ هـ - ش). **تفسیر معارف القرآن**. مترجم: محمد یوسف حسین پور. انتشارات: شیخ الاسلام احمد جام، ایران.
۷. گروه ترجمه و تألیف. **اخلاق اسلامی**. این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است. www.aqeedeh.com
۸. نیسابوری، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد. (۱۴۱۱ هـ — ۱۹۹۰ م). **الم ستدرک علی الصحیحین**. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا. الناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت. الطبعة: الأولى،
۹. نیسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری. (ب ت). **الم سند ال صحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلی الله علیه وسلم**. صحیح مسلم = المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت.
۱۰. وثیق، نعمت الله. (۱۳۸۵ هـ — ش). **اخلاق اسلامی و آداب اجتماعی**. کابل، انتشارات: سلسله ای تربیت و اصلاح افکار.

الملخص

الأخلاق جوهره ثمينه في كل عصر و زمان، و قد امتلكت مكانه عليه و أهميه بالغه عبر التاريخ، و تبلور في ضمير كل شخص، حيث تثبت شخصيته، و تعرفه كأفضل فرد في المجتمع.

و هذا البحث يتركز على الأخلاق الإيجابية في الإدارة حيث يراعيها المدير أو الموظف المسلم. في هذا البحث بينا بعض الجوانب الإيجابية للأخلاق في ضوء النصوص الصحيحة للشريعة، فمن تحلى بهذه السجايا بجانب تخصصه فيمكن أن نقول إنه سيكون أفضل مدير و موظف، و الإدارة التي هو يشتغل فيها تعد من أحسن الإدارات؛ و هذه الطريقة هي محبوبه للناس؛ لأنها مأموره من الله تعالى، و هي محبوبه لله تعالى أيضاً، فبتلك الصورة نستطيع أن ندرك سعادة الدنيا والآخرة.

المصطلحات الأساسية: الأخلاق، والإيجابية، والإسلام، والإدارة، والمدير، والموظف.

روی کرد فقهی اعتدالی در تعامل با مقاصد شریعت

پوهنمل شمس الحق حنیف

چکیده

در این مقاله موقف مکتب اعتدالی در تعامل با مقاصد شریعت، به هدف مشخص ساختن جایگاه و جغرافیای مقاصد شریعت در استنباط احکام شرعی، و پاسخیابی به این سوال که در استنباط احکام شرعی به مقاصد شریعت به عنوان اصلی از اصول فقه توجه شود یا خیر، و اگر توجه شود در کدام سطح و چگونه تا منجر به تعطیل نصوص شرعی نشود؟ بررسی شده است؛ تا راه حلی به مشکل چگونگی برخورد با مقاصد شریعت در استنباط احکام فقهی ارائه شده باشد.

اعتدال و میانه‌روی منهجی است در میان روی کردهای تعطیلی و ظاهری که به نصوص قرآن و سنت پابند است و در ضمن به مقاصد شریعت توجه دارد؛ نه به سان ظاهرگرایان مقاصد شریعت را نادیده می‌گیرد و نه مانند تعطیلی‌ها به بهانه تحقق مقاصد شریعت نصوص شرعی را تعطیل می‌کند.

مکتب اعتدالی به این باور است که الله متعال از وضع احکام شرعی اهدافی دارد که در کل جلب منفعت به بنده گان و دفع مضرت از آنهاست؛ بناءً اهداف و مقاصد شریعت با محوریت نصوص قرآن و سنت که تابع اصول و ضوابط خاص است، باید محور توجه همه‌گان خصوصاً فقهاء و مجتهدین باشد.

در این مقاله مقاصد شریعت تعریف و مشخصات و محورهای فکری آن با نمونه‌هایی از نتایج و آثار این مکتب فکری در ضمن مثال توضیح داده شده است. مغالطه‌ها در مورد مقاصد شریعت و مسائل مربوط به آن حتی المقدور رفع گردیده است.
کلمات کلیدی: روی کرد، اعتدالی، تعامل، استنباط، مقاصد شریعت.

مقدمه

مقوله مقاصد شریعت از گذشته‌ها به گونه‌ی ضمنی و صریح مورد بحث و اختلاف فقهاء بوده است، که به آن در استنباط احکام شرعی به مقاصد شریعت به عنوان اصلی از اصول فقه توجه شود یا خیر؟ و اگر توجه شود در کدام سطح؟ و چگونه تعامل صورت گیرد تا منجر به تعطیل نصوص شرعی نشود؟ در این موضوع سه نظریه ظاهری، تعطیلی، و اعتدالی وجود دارد؛ قبلاً در دو مقاله دیگر تحت عناوین «روی کرد فقهی ظاهری در تعامل با

مقاصد شریعت، و روی کرد فقهی تعطیلی در تعامل با مقاصد شریعت»، روی کردهای ظاهر گرایانه و تعطیلی را به بحث گرفته بودم و در این مقاله روی کرد اعتدالی به هدف روشن ساختن جایگاه، جغرافیا، اصول و ضوابط مقاصد شریعت، به گونهٔ موجز و خلاصه به بررسی گرفته ام، تا در روشنی آن به سوالات هر عصر پاسخ ارائه شود. این مقاله مشتمل بر چکیده، مقدمه، مباحث مقدماتی، اصل موضوع، و خاتمه می‌باشد. در مقدمه به اهمیت موضوع، انگیزهٔ انتخاب موضوع، بیان مسأله، هدف تحقیق و روش کاری به گونهٔ فشرده اشاره شده است. در مباحث مقدماتی مقاصد شریعت تعریف شده و اهمیت آن بیان شده است. در بدنهٔ اصلی موضوع مشخصات و محورهای فکری مکتب اعتدالی، و نتایج این نوع طرز تفکر به بررسی گرفته شده است. در خاتمه نتیجه گیری شده و فهرست منابع درج شده است. در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است. ترجمهٔ آیات با اندک تصرف که در تغییر مفهوم اثر ندارد، از تفسیر نور اثر خرم دل گرفته شده است.

تعریف مقاصد شریعت

این عنوان از لحاظ ترکیبی و اسمی تعریف می‌شود. مقاصد جمع مقصد است و از قصد گرفته شده است، چیزی که رسیدن به آن اراده شده باشد (ابن منظور، ب ت؛ ۴: ۳۵۳). در قرآن کریم به معانی اعتدال و میانه‌روی، راه راست و نزدیکی نیز آمده است (الأصفهانی، ۱۳۹۹؛ ۷: ۴۰۴). شریعت در لغت راه و روش آشکار و واضح را گویند، اصطلاح شریعت از شریعة الماء (آبش خور) گرفته شده است. (ابن منظور، ب ت؛ ۵: ۱۷۵) این کلمه در اصطلاح اسلامی مجازاً به معنای احکام الهی [و دین] به کار رفته است. وجه شبه در میان احکام الهی و آبش خور سیراب و پاکیزه کردن است (الأصفهانی، ۱۳۹۹؛ ۷: ۲۵۸). شریعت در اصطلاح اسلامی، امروزه به دو معنای عام (عقاید، احکام، اخلاق و سایر شعبه‌های دین اسلام) و معنای خاص (احکام و قوانین) به کار می‌رود. (القرضاوی، ۱۳۹۲؛ ۲۰: ۲۱) و مقاصد شریعت به اهداف و اسراری گفته می‌شود که متضمن مصالح بنده‌گان است و شریعت آن را در تشریح احکام در نظر داشته است. (الزحیلی، ۱۹۸۶؛ ۱۲: ۱۰۱۷)

اهمیت روی کرد اعتدالی؛ جوامع اسلامی به روی کرد اعتدالی یا منهج وسطیت و میانه‌رو در برخورد با مقاصد شریعت نیاز مبرم دارند. وجه امتیاز امت اسلامی نسبت به سایر امت‌ها در همین وسطیت و میانه‌روی آن نهفته است. اعتدال در امر دین و دنیا نه تنها یک امتیاز که وجیبهٔ شرعی نیز هست؛ چنان‌چه الله متعال فرموده اند؛ **﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا**

لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ). (البقره ۱۴۳) ترجمه: و بی‌گمان شما را ملت میانه‌روی کرده ایم (به دور از افراط و تفریط) تا گواهانی بر مردم باشید.

مشخصات روی کرد اعتدالی؛ روی کرد میانه‌رو با یک سلسله مشخصات از دو روی کرد دیگر متمایز می‌شود؛ این ویژگی‌ها و مشخصات قرار ذیل اند:

- اعتقاد بر این که احکام شریعت مبتنی بر حکمت‌ها و متضمن مصالح بنده‌گان است،
- ارتباط داشتن نصوص و احکام شرعی [اعم از کلی و جزئی] با یکدیگر،
- نگاه متعادل در مورد امور دین و دنیا،
- ارتباط داشتن نصوص شرعی با واقعیت‌های عینی افراد و جوامع، و شرایط زمان و مکانی،
- تمسک جستن به قول آسان‌تر برای مکلفین،
- دید فرا منطقه‌ای، تسامح، و در پیش گرفتن روی کرد گفت و گو (القرضاوی، ۱۴۲۶؛ ۲۰: ۱۴۵).

محورهای فکری روی کرد اعتدالی؛ دکتر یوسف قرضاوی محورهای فکری روی کرد اعتدالی را قرار ذیل ماده‌وار برشمرده است:

- تحقیق و تفحص جهت یافتن مقصد و هدف نصوص قرآن و سنت، قبل از صدور فتوا و حکم بر جواز و عدم جواز چیزی،
- فهم نصوص قرآن و سنت در پرتو شأن نزول آیات و شأن ورود احادیث، و ظروف و شرایطی که در آن نص وارد شده است،
- فرق گذاشتن در میان احکام و مقاصد ثابت و متغیر، و ایجاد سازگاری در میان احکام آن دو،
- فرق گذاشتن در میان عبادات محضه و معاملات، در تعامل با فقه مقاصد. (همان: ۱۴۵)

مبنی و تکیه‌گاه‌های روی کرد اعتدالی؛ مبنی و تکیه‌گاه‌های این طرز دید، نصوص قرآن و سنت، اجتهادات اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم)، و عقل سلیم است.

قرآن کریم و مقاصد شریعت

قرآن کریم به صراحت بیان نموده است که هدف از تشریح احکام شرعی تأمین مصالح بنده‌گان و رفع مشقت و ضرر از آن‌هاست، که در متون دینی به جلب منفعت و دفع مضرت تعبیر شده است، قرآن کریم در اکثر موارد حکمی را که بیان نموده است هدف و علتش را

نیز بیان کرده است؛ چنانچه در آیت ذیل حکمت تیمم را در صورت نیافتن آب دفع حرج خوانده است:

﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (المائدة: ۶) ترجمه: خداوند نمی‌خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد، و بلکه می‌خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام اسلامی) نعمت خود را بر شما تمام نماید، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را (با دوام بر طاعت و عبادت) به جای آورید.

همچنان هدف نماز را باز آمدن از فحشا و منکرات (العنکبوت: ۴۵)، حکمت زکات را تزکیه زکات دهنده، زکات گیرنده و مال زکاتی (التوبة: ۱۰۳)، حکمت روزه را حصول تقوی (البقرة: ۱۸۳)، حکمت حج را حصول منافع مادی و معنوی (الحج: ۲۸)، و حکمت قصاص را حفظ نفس (البقرة: ۱۷۹)، بیان نموده است.

سایر رخصت‌های شرعی از همین قبیل اند مانند؛ قصر نماز در حالت سفر و خوف از دشمن، جمع بین دو نماز (خواندن نماز مغرب و عشاء) در وقت نماز مغرب یا عشاء در ایام حج در مزدلفه (و در سفر در نزد برخ مذاهب)، افطار روزه در حالت سفر، بیماری، و در ایام مخصوص زنان (القرافی، ۱۴۰۲؛ ۱۹: ۴۱ و ۴۲).

سنت و مقاصد شریعت

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نیز علت و مقاصد احکام شریعت را بیان داشته اند؛ و دانشمندان اسلامی برخی از اوامر و نواهی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را معلول علل خاص دانسته اند، که در ذیل دو مورد آن را تذکر می‌دهیم.

ممانعت از ازدواج خواهرزاده و برادرزاده با خاله و عمه؛ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از دواج با برادرزاده و عمه، و خواهرزاده و خاله را حرام قرار داده و حکمتش را قطع صلۀ رحمی خوانده اند؛ چنانچه از ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى أَنْ تُزَوَّجَ الْمَرْأَةُ عَلَى الْعَمَّةِ وَعَلَى الْخَالَاتِ وَقَالَ: «إِنَّكُمْ إِنْ فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَطَعْتُمْ أَرْحَامَكُمْ»» (الطبرانی، ۱۴۰۴؛ ۱۵: ۳۳۷/ ۱۱۹۳۱). ترجمه: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از این که زن با عمه یا خاله اش در عقد نکاح جمع شوند منع نموده اند و فرمودند: اگر چنین کردید قطع صلۀ رحمی نموده اید.

کتابت حدیث از منع تا جواز؛ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در ابتدا از نوشتن حدیث منع نمودند؛ چنانچه از ابو سعید خدری (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمودند:

«لَا تَكْتُبُوا عَنِّي وَمَنْ كَتَبَ عَنِّي غَيْرَ الْقُرْآنِ فَلْيَمْحُهُ» (مسلم، ب ت؛ ۲۳: ۲۲۹ / ۷۷۰۲). ترجمه: از من چیزی ننویسید و اگر کسی چیزی نوشته باشد پاکش کند.

ولی بعداً به اصحاب (رضی الله عنهم) اجازه دادند آن چه را که می‌گویند بنویسند، حتی احياناً دستور به نوشتن سخنان شان می‌دادند؛ چنانچه ابو شاه مردی از یمن، در فتح مکه تقاضا نمودند تا آنچه را پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می‌گویند برایش بنویسند، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دستور دادند: «اَكْتُبُوا لِأَبِي شَاهٍ» (البخاری، ۱۴۰۱؛ ۸: ۹۸۸ / ۲۴۳۴). ترجمه: برای ابو شاه بنویسید.

علماء منع از کتابت حدیث را چنین توجیه نموده اند که در اوایل به دلیل این که احتمال التباس و خلط قرآن با حدیث وجود داشت، به اصحاب اجازه نوشتن احادیث داده نمی‌شد، در اواخر با برطرف شدن این موانع اجازه نوشتن احادیث داده شد.

اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و تعامل با مقاصد شریعت

معاذ بن جبل (رضی الله عنه) و گرفتن لباس در عوض اموال زکاتی؛ معاذ بن جبل (رضی الله عنه) در عوض اموال زکاتی قیمت آن را دریافت می‌نمود؛ ایشان با توجه به فقه مقاصد، قیمت حبوبات را از زکات دهنده‌گان می‌گرفت که برای آن‌ها آسان و به نفع مسحقین زکات بود؛ چنانچه طائوس (رضی الله عنه) می‌فرمایند: قال معاذ (رضی الله عنه) لأهل الیمن ائتونی بعرض ثياب خميص أو لبیس فی الصدقة مکان الشعیر والذرة، أهون علیکم وخیر لأصحاب النبی صلی الله علیه و سلم بالمدينة. (البخاری، ۱۴۰۱؛ ۸: ۵۲۵. باب ۳۲) ترجمه: معاذ (رضی الله عنه) به مردم یمن گفتند عوض جو و ذره (نوعی از حبوبات) برایم لباس خمیص یا لبیس (نوعی از لباس) بیاورید که برای شما آسان‌تر و برای اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در مدینه مفیدتر است.

نگهداری شتران گمشده در زمان عثمان (رضی الله عنه)؛ پیامبر (صلی الله علیه وسلم) از نگهداری شتران گمشده منع نموده بودند و دستور دادند تا به حالت خودشان گذاشته شوند، تا این که صاحبش آن شتر را یافته و با خود ببرد؛ متن حدیث چنین است: «ما لک ولها معها سقاؤها وحذاؤها ترد الماء وتأکل الشجر حتی یلقاها ربها»، (البخاری، ۱۴۰۱؛ ۷: ۸۳۶ / ۲۲۴۳). ترجمه: با او چی کار داری؟ با خود آب و کفش دارد، سیراب می‌شود و از درخت می‌خورد، تا این که صاحبش آن را بیابد. در زمان پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و شیخین (ابوبکر و عمر - رضی الله عنهما) با شتر گمشده چنین تعامل صورت می‌گرفت. دلیل این امر پاک‌نفس بودن مردم در آن زمان بود که کسی متعرض شتر گمشده نمی‌شد. در زمان عثمان (رضی الله عنه) که وضعیت مردم و جامعه تغییر کرد و نفس‌ها آلوده شد، دستور دادند تا

شتران گمشده را اعلان نمایند، و در صورتی که صاحبش یافت نشد، آن شتر فروخته و پولش نگهداری شود تا صاحبش پیدا شود (الزرقانی، ۱۴۱۱؛ ۱۹: ۲۶۵).

عقل و مقاصد شریعت

از آن جا که نصوص محدود و احکام شرعی نامحدود اند، و احکام شرعی هم قابلیت تطبیق در هر زمان و مکان را دارد، ایجاب می‌نماید تا شیوه‌ای موجود باشد که در روشنی آن احکامی را که با هر زمان و مکان سازگاری داشته باشد استنباط نمود، که این شیوه همان مقاصد شریعت است (نگا: الغزالی، ۱۴۱۹؛ ۴۶۰).

ضوابط مقاصد شریعت

مقاصد شریعت آن گونه که بعضی از اباحیون که تابع قوانین شرعی نیستند و همه چیز را به خود حلال و مباح می‌دانند، مطلق نیست و از خود اصول، قواعد و ضوابطی دارد که عدم رعایت این اصول و ضوابط سبب انحراف و یاوه‌گویی می‌شود.

مبنای احکام شرعی علل احکام، ظروف زمانی و مکانی، عرف و عادات، نیاز شدید، حالت اضطرار، نیازهای همگانی (عموم بلوی)، سد ذرایع و تحقق شرایط است، که در صورت فقدان علل و اسباب، یا گرفتار شدن در چنین حالاتی احکام شرعی انعطاف پذیر می‌شود و مؤقتاً قابل تغییر است، آن هم در پرتو قرآن و سنت، نه بر اساس هوا و هوس، و خواهشات نفسانی (نگا: عثمانی، ۱۴۳۲؛ ۱۶: ۲۸۵ و ۲۸۶). چون این مقاله گنجایش شرح و بسط این همه موارد را ندارد، به برخی از این موضوعات مختصراً اشاره می‌شود.

تغییر حکم با تغییر یا فقدان علت؛ علل شرعی به دو گونه اند: دایمی و مؤقتی؛ علل دایمی هیچ گاهی مفقود نمی‌شوند و حکم هم تا قیامت باقی است، مانند حرمت زنا، قتل ناحق و...؛ اما علل مؤقتی گاهی موجود می‌باشد و گاهی نه، اگر احکام شرعی معلول علت‌های مؤقتی و وابسته به شرایط باشد، در صورت موجودیت آن علت و شرایط حکم موجود، و در عدم آن‌ها حکم هم معدوم می‌شود؛ مانند فرض شدن نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و سایر تکالیف شرعی، مشروط به واجد شرایط بودن شخص مسلمان مانند عقل، بلوغ توانایی مالی و بدنی که اگر انسان مسلمان مکلف، عاقل و بالغ باشد و توانایی مالی داشته باشد مکلف به انجام تکالیف شرعی هست، در غیر آن نه؛ و اگر زمانی واجد شرایط بوده و بعداً صفت تکلیف را از دست داده باشد مکلف نیست؛ مانند عاقلی که عقلش را از دست داده و غنی‌ای که فقیر شده است.

عدم تحقق حکم در صورت عدم موجودیت شرط؛ برخی از حکام شرعی مشروط به یک سلسله شرایط اند، در صورتی که شرط موجود باشد حکم موجود است، و در صورت عدم شرط حکم نیز معدوم می‌باشد؛ چنانچه از شرایط اجرای حد سرقت عدم اضطرار و نبود شبهه است، که در صورت مضطر بودن یا ظن اضطرار، حد سرقت ساقط می‌شود، به همین ملحوظ عمر^(رضی الله عنه) در سال قحطی مشهور به عام الرماده حد سرقت را اجرا نکردند و فرمودند: «لَا يُقْتَلُ فِي عِدْقٍ، وَلَا فِي عَامِ سَنَةِ»، (ابن ابی شیبه، ب ت؛ ۱: ۲۷ / ۲۹۱۷۹). ترجمه: در سرقت خوشه خرما، و در سال قحطی دست دزد قطع نشود. چون به احتمال قوی [بنا بر دلالت حال] کسانی که دست به سرقت می‌زدند مضطر و مجبور بودند، نه سارقین حرفه‌ای که علم مخالفت با دستورات الله متعال بلند کرده باشند. [قابل تذکر است که در هر شرایطی نمی‌توان به گونه مطلق چنین فتوایی صادر کرد، ایجاب می‌کند در چنین حالات تحقیق بیشتر صورت گیرد].

تغییر حکم با تغییر عرف؛ گاهی مبنای حکم عرف و عادت مردم می‌باشد، بناءً با تغییر عرف و عادت، حکم نیز تغییر می‌کند و قاعده فقهی داریم "العاده محکمه"، (لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية؛ ب ت؛ ۲۱: ماده ۳۶). طبق عرف و عادت حکم صورت می‌گیرد. از مثال‌های عرف روایت‌های مختلفی از پیامبر^(صلی الله وسلم) داریم که در بعض روایات صحیح اجازه داده شده است انسان حیوان کسی دیگری را بدوشد و از شیرش استفاده کند (الترمذی، ب ت؛ ۱۱: ۱۲۹۶ / ۵۹۰. أبو داود، ب ت؛ ۶: ۳۴۳ / ۲۶۲۱). و در برخ روایات دیگر منع شده است (البخاری، ۱۴۰۷؛ ۸: ۸۵۸ / ۲۳۰۳. مسلم، ب ت؛ ۲۲: ۱۳۷ / ۴۶۰۸). محدثین روایت جواز و منع را به عرف مردم توجیه کرده اند، اگر مردمی سخاوتمند و مهمان‌نواز باشند که از چنین عملی ناراحت نمی‌شده باشند، چنین عملی جایز است، ولی اگر مردمی بوده باشند که چنین عملی را اجازه نمی‌دهند، حرام و تعدی در حق غیر است. و چنین روایت منع و جواز در مورد خوردن از میوه درختان باغ دیگران نیز آمده است (عثمانی، ۱۴۳۵؛ ۱۶: ۲۹۶ - ۳۰۱).

تغییر حکم سداً للذریعه؛ بسا اوقات امری در اصل جایز و مباح است، ولی به دلیل منجر شدن به امر حرام و ناجایزی ممنوع قرار داده می‌شود؛ مانند بدگویی معبودان باطله مشرکین که در اصل خود جایز است، ولی در صورتی که منجر به عکس العمل مشرکین شود که الله متعال را دشنام دهند، نباید معبودان آنان بدگویی شود. (الأنعام: ۱۰۸) نماز خواندن زن در خانه نیز از باب سد ذرایع است (همان: ۲۹۶ - ۳۲۱).

گزار از اصل به استثناء و از عزیمت به رخصت؛ در شریعت اسلامی احکام اصلی و استثنایی وجود دارد، که از احکام اصلی به عزیمت و از استثنائات به رخصت نیز تعبیر

می‌شود، به عبارت دیگر شریعت اسلامی برای دفع ضرر بزرگ، تحمل ضرر کوچک را جواز داده است، در قرآن کریم از مصالح و مفاسد به خیر و شر، نفع و ضرر، حسنات و سیئات تعبیر شده است؛ چون مصالح در کل خیر، نافع و خوبی است، و مفاسد در کل شر، مضر و بد است (نگا: عز الدین، ۱۴۱۴؛ ۱۷: ۵).

نظریه فوق از خلال چند مثال بهتر درک می‌شود؛ در اصل خوردن گوشت خوک و سایر حیوانات حرام گوشت، و خون جاری به دلیل مضر بودنشان حرام است؛ ولی در صورتی که انسان جز اشیای فوق چیزی در اختیار نداشته باشد و جانش در خطر باشد، مجاز است به قدر ضرورت و با رعایت یک سلسله اصول و ضوابط از این غذاهای حرام بخورد و با ارتکاب ضرر اندک ضرر بزرگ را از خود دفع کند. حرمت گوشت خوک و خون جاری، و خوردن آن در صورت نیاز در آیت ۱۴۵ سوره الأنعام آمده است. اصل در نماز تکمیل خواندن است، ولی در سفر و برخ موارد دیگر قرآن و سنت دستور به قصر خواندن نماز داده است. اصل بر نمازگزار وضو گرفتن است، ولی در صورت نبود آب، خاک قایم مقام آب می‌شود. (المائدة: ۶) در ماه مبارک رمضان اصل بر روزه داشتن است، ولی قرآن برای مسافر و مریض رخصت داده است که روزه را افطار نمایند و بعد از مقیم شدن و بهبود یافتن قضاء بیاورند، و کسانی که توانایی روزه گرفتن ندارند فدیة بپردازند (البقرة: ۱۸۳).

علامه ابن قیم (رحمه الله) در کتابش أعلام الموقعین تحت عنوان "فصل فی تغییر الفتوی و اختلافها بحسب تغییر الأزمنة والأمكنة والأحوال والنیات والعوائد" تعبیر زیبایی دارد که ترجمه آن را با هم می‌خوانیم: «مبنای شریعت مصالح دنیایی و آخرتی بنده‌گان است. این موضوع بسیار مهم و سودمند است که بی‌خبری از این موضوع باعث حرج و مشقتی شده است که هیچ‌گاهی مقصود شاری که هدفش تأمین مصالح بندگان است نبوده است؛ چون مبنای شریعت مصالح دنیایی و آخرتی بنده‌گان است که سراسر عدل، رحمت و مصلحت است؛ پس هر مسأله‌ای که از عدالت به ظلم، از رحمت به زحمت، از مصلحت به مفسده، از حکمت به عبث و سفسطه عدول نماید شریعت گفته نمی‌شود، هرچند با تأویلات بعیده به عنوان شریعت جازده شود» (ابن القیم، ۱۹۷۳؛ ۳: ۳).

«شخصی که به اساس آنچه در کتابها آمده است بدون در نظر داشت عرف و عادات، شرایط زمانی و مکانی، و حالات و شرایط زندگی فتوی دهد، خود گمراه بوده و دیگران را نیز گمراه ساخته است. جنایت چنین انسانی در حق دین بزرگتر از جنایت داکتری است که بر اساس آنچه که در کتابهای طبی آمده است بدون در نظر داشت تفاوت‌های فردی و حالات مختص به بیماران دست به تداوی می‌زند، ضرر این مفتی و داکتر جاهل و نادان به دین و تن مردم از نفعش بیشتر است.» (همان: ۷۸).

در مورد این بند اخیر که دال بر در نظر داشت حالات فردی مکلفین است، از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) روایتی داریم که بیهقی و ابوداود با اسناد صحیح آن را نقل نموده اند، که: دو شخص نزد شان آمدند و در مورد هم آغوشی شخص روزه دار باخامش سوال کردند، به شخصی که سالخورده بود و توانایی کنترل نفسش را داشت اجازه هم آغوشی دادند و به جوانی که احتمال فاسد شدن روزه اش می رفت اجازه ندادند (البیهقی، ۱۴۱۴؛ ۱۰: ۲۳۱/۷۸۷۲. أبو داود، ب ت؛ ۶: ۲۳۸۹/۲۸۵).

پیامدها و نتایج عملی اعتدال گرایی

روی کرد اعتدالی با ویژگی‌ها و مشخصاتی که دارد، در استنباط احکام فقهی و زندگی فردی، فامیلی و اجتماعی نتایج مثبتی دارد. عمل به مقتضای فقه مقاصد انسان را از واقع شدن در حرج و مشقت زایدی که منظور الله نیست رهایی می بخشد (القرضاوی، ۴۲۶؛ ۲۰: ۲۱۸).

توجه به مقاصد شریعت و مصالح بنده گان فقیه و مجتهد را در استنباط حکم شرعی، خصوصاً در ترجیح اقوال و نظریات یاری می رساند. حتی شخص غیر فقیه اگر با مسأله ای مواجه شود که حکم آن را نداند و عالم و مجتهدی وجود نداشته باشد تا سوال کند، با توجه مقاصد شریعت که جلب منفعت و دفع مضرت، اخذ طیبات و پاکی ها، و ترک خبایث و پلیدی هاست، می تواند تکلیفش را مشخص سازد و حکم به حلت و حرمت آن پدیده نماید.

نتیجه گیری

از مباحث قبلی به این نتیجه رسیدیم که:

مقاصد شریعت به اهداف و اسراری گفته می شود که متضمن مصالح بنده گان است و شریعت آن را در تشریح احکام در نظر داشته است.

جوامع اسلامی به روی کرد اعتدالی یا منهج وسطیت و میانه رو در برخورد با مقاصد شریعت نیاز مبرم دارند، و وجه امتیاز امت اسلامی نسبت به سایر امت ها در همین وسطیت و میانه روی آن نهفته است.

در اصل مبنای استنباط احکام شرعی نصوص شرعی (قرآن و سنت) است، و عقل نقش ابزاری دارد؛ مجتهد در نبود نصی از قرآن و سنت می تواند با توجه به مقاصد شریعت دست

به اجتهاد بزند، و در صورت تعارض ظاهری نصوص شرعی از وجوه ترجیح به حساب می‌آید.

در میان احکام شرعی و مصالح بندگان تلازم وجود دارد، به این معنی آن‌جا که شریعت است، مصلحت آن‌جا است.

مقاصد شریعت آن‌گونه که بعضی از اباحیون که تابع قوانین شرعی نیستند و همه چیز را به خود حلال و مباح می‌دانند، مطلق نیست و از خود اصول، قواعد و ضوابطی دارد که عدم رعایت این اصول و ضوابط سبب انحراف و یاوه‌گویی می‌شود.

روی کرد اعتدالی با ویژگی‌ها و مشخصاتی که دارد، در استنباط احکام فقهی و زندگی فردی، فامیلی و اجتماعی نتایج مثبتی دارد. عمل به مقتضای فقه مقاصد انسان را از واقع شدن در حرج و مشقت زایدی که منظور الله نیست رهایی می‌بخشد.

ایجاب می‌نماید تا تحقیقات بیشتر و گسترده‌تر در مورد اهمیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط احکام شرعی و ترجیح مسائل اختلافی صورت گیرد.

منابع و مأخذ

۱. القرآن الکریم
۲. ابن ابی شیبہ، أبو بکر عبد الله بن محمد العباسی الکوفی؛ (ب ت). **مُ صنف ابن أبی شیبہ**. المجلد العاشر. تحقیق: محمد عوامه. (مکتبہ شامله).
۳. ابن القیم، محمد بن أبی بکر عبد الله الجوزیه؛ (۱۹۷۳ م). **أعلام الموقعین عن رب العالمین**. المجلد الثالث. تحقیق: طه عبد الرؤوف سعد. الناشر: دار الجیل - بیروت.
۴. ابن منظور، محمد؛ (ب ت). **لسان العرب**. المجلد الثالث. الناشر: دار الصادر - بیروت. الطبعة الأولى.
۵. ابن منظور، محمد؛ (ب ت). **لسان العرب**. المجلد الثاني. الناشر: دار الصادر - بیروت. الطبعة الأولى.
۶. أبو داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی؛ (ب ت). **سنن أبی داود**. المجلد الخامس. الناشر: دار الكتاب العربی - بیروت.
۷. الأصفهانی، ابو القاسم الحسین المعروف بالراغب؛ (۱۳۹۹ ق). **مفردات غریب القرآن**. الناشر: دار الكتاب العربی - بیروت. الطبعة الخامسة.
۸. البخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل؛ (۱۴۰۱ ق). **صحیح البخاری**. المجلد الثاني. الناشر: مکتب المطبوعات الإسلامیة - حلب. الطبعة الثانية.

۹. البخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل؛ (۱۴۰۱ق). **صحیح البخاری**. المجلد السابع. الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب. الطبعة الثانية.
۱۰. البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر؛ (۱۴۱۴ق). **سنن البيهقي الكبرى**. المجلد الرابع. الناشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة.
۱۱. الترمذی، محمد بن عيسى أبو عيسى السلمي؛ (ب ت). **سنن الترمذی**. المجلد الثالث. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
۱۲. الزحيلي، وهبه؛ (۱۹۸۶م). **أصول الفقه الإسلامي**. المجلد الثاني. الناشر: دار الفكر دمشق. الطبعة الأولى.
۱۳. الزرقاني، محمد بن عبد الباقي بن يوسف (۱۴۲۴ق). **شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك**. المجلد الرابع. الناشر: مكتبة الثقافة الدينية - القاهرة. الطبعة: الأولى.
۱۴. زيدان، عبد الكريم؛ (ب ت). **الوجيز في أصول الفقه**. الناشر: مؤسسه قرطبة - مصر.
۱۵. الطبراني، سليمان بن أحمد؛ (۱۴۰۴ق). **المعجم الكبير**. المجلد الحادي عشر. الناشر: مكتبة العلوم والحكم - الموصل. الطبعة الثانية.
۱۶. عثمانی، محمد تقی؛ (۱۴۳۲هـ). **اصول الإفتاء وآدابه**. الناشر: مكتبة معارف القرآن - كراچی.
۱۷. عز الدين، أبو محمد عبد العزيز بن عبد السلام دمشقي؛ (۱۴۱۴ق). **قواعد الأحكام في مصالح الأنام**. المجلد الأول. الناشر: مكتبة الكليات الأزهرية - القاهرة.
۱۸. الغزالي، أبو حامد محمد بن محمد الطوسي؛ (۱۴۱۹ق). **المنحول**. الناشر: دار الفكر المعاصر، بيروت - لبنان.
۱۹. القرافي، أبو العباس شهاب الدين أحمد؛ (ب ت). **الفروق**. المجلد الثاني. الناشر: عالم الكتب.
۲۰. القرضاوى، يوسف؛ (۱۴۲۶ق). **دراسة في مقاصد الشريعة بين المقاصد الكلية و النصوص الجزئية**. الناشر: دار الشروق - قاهره.
۲۱. لجنة مكونة من عدة علماء وفقهاء في الخلافة العثمانية؛ (ب ت). **مجلة الأحكام العدلية**. الناشر: نور محمد، كارخانه تجارت كتب، آرام باغ - كراتشي.
۲۲. مسلم، ابو الحسين بن حجاج نيشاپورى؛ (ب ت). **صحیح م مسلم**. المجلد الثامن. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
۲۳. م مسلم، ابو الحسين بن حجاج نيشاپورى؛ (ب ت). **صحیح م مسلم**. المجلد الخامس. الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

خلاصه البحث

في هذا المقال نستعرض موقف المدرسه الوسطية في التعامل مع مقاصد الشريعة بغيه تحديد المكانه والمجال لمقاصد الشريعة في استنباط الأحكام الفقيهيه، والإجابة على سؤال هل تعتبر مقاصد الشريعة أصلا من أصول الفقه أم لا، وإن عنيت بها كأصل من أصول الفقه لا بد من طرح سؤال هام مدى إعمالها بحيث لا يؤدي إلى تعطيل النصوص الشرعية؟ وكيف يمكننا القيام برفع الغموض عن كيفية تعاملنا مع المقاصد الشرعية في استنباط الأحكام الفقيهيه.

الوسطية هي منهج بين اتجاهي الظاهرية والمعتلة بحيث تتمسك بنصوص القرآن والسنة، ومن ضمنها تعتنى بمقاصد الشرع ولا يتجاهل مقاصد الشريعة كالظاهرية، ولا يعطل النصوص بحجة تحقيق مقاصد الشريعة كالمعتلة.

هذه المدرسه ترى أن للشارع في وضع الأحكام والتكاليف مقاصد لا بد من تحقيقها وهي جلب المنفعة ودفع المضره. إذأ على الجميع أن يهتموا بالمقاصد الشرعية التابعه للأصول والضوابط بحيث تتمحور حول نصوص الكتاب والسنة ولاسيما الفقهاء والمجتهدين. تشمل هذه الدرسة على مقدمه ومباحث تمهيدية و صلب الموضوع والخاتمة. وتتضمن تفاسير حول مقاصد الشريعة، وسماتها، ومرتكزاتها مع الأمثلة. وقد تم درء المغالطات المطروحة حول المقاصد ومايتعلق بها ما أمكن.

نقش اخوت اسلامی در ساختار و توسعه جامعه اسلامی

پوهنیار محمد حیات منیب

خلاصه: در این نوشتار نقش اخوت اسلامی در ساختار و توسعه جامعه اسلامی به بحث گرفته شده است. هدف از این تحقیق تبیین مفهوم و لوازم اخوت اسلامی و اهمیت آن در روابط انسانها باهم به خصوص مومنان و بیان نقش آن در تحکیم ساختار اجتماعی و انکشاف جامعه با بیان علل کم‌رنگی و عوامل احیای آن در جامعه در همه سطوح ارتباطی می باشد. این تحقیق کتابخانه ای و با روش کیفی تهیه گردیده و نتیجه یافته ها از این تحقیق اینست که اخوت اسلامی تنها یک امر قلبی نبوده بلکه جلوه های عملی آن در روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آشکار می گردد و برای همه مسئولیت آفرین و حقوق ساز می باشد. اساس ارتباط مردم باهم را محبت متقابل و همکاری در همه زمینه های زندگی تشکیل می دهد و همچون اعضای یک خانواده به همدیگر نگاه می کنند. و این برادری همه گروه ها و قشرهای جامعه را شامل می شود. طوریکه هیچ گروه و دسته ای برتر از برادری با دیگران نیست و هیچ طبقه و جماعتی وجود ندارد که شایستگی برادری را نداشته باشد. هیچگاه مال و نسب و موقعیت اجتماعی و اقتصادی زمینه برتری طلبی فرد یا گروهی را بر دیگران فراهم نمی سازد و روابط حاکم با مردم و رئیس با مرئوس بر اساس ارکان و لوازم این برادری تنظیم می شود که در نتیجه همبستگی اجتماعی که از شاخص های مؤثر توسعه پایدار جامعه می باشد، به وجود می آید.

کلمات کلیدی: برادری، دین، جامعه، توسعه، اسلام، اهمیت و لوازم.

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی نبینا الهادی الامین وعلی آله وصحبه الميامین وعلی جمیع ائمه الصالحین!

یکی از ارزشهای انسانی و اجتماعی که اسلام مردم را همواره به آن فرا خوانده «برادری» است. و محکمترین و صمیمانه ترین ارتباط در میان انسانها ارتباط برادری است. و به شهادت صریح قرآن و سنت مؤمنان باهم برادرند. و یکی از اقدامات نخستین و مهم اجتماعی و سیاسی پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از مهاجرت به مدینه، بستن عقد اخوت میان مسلمانان بود و آنانرا به اهمیت این پیوند مهم آگاه نیز ساخت. بنابراین مقوله برادری

همواره بر سر زبان ها بوده و در درازنای تاریخ، اندیشمندان بسیاری نیز آن را از ابعاد گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داده اند.

با آنکه اخوت اسلامی در روابط انسانی و آموزه های اسلامی جایگاه شامخی دارد و نیاز مبرم جامعه انسانی در عموم و جامعه اسلامی بصورت ویژه می باشد ولی با تاسف که نقش آنرا به علل گوناگون در میان انسانها و مسلمانان ضعیف احساس می کنیم اینکه چه عوامل بستر ساز این وضع گردیده؟ و با اعاده اخوت به مفهوم واقعی آن در میان مسلمانان چه تحولات و تغییراتی پدیدار می گردد؟ بحث حاضر تلاش دارد به دریافت پاسخ ها و راه حل آن بپردازد.

این مقاله به هدف تبیین مفهوم اخوت اسلامی و اهمیت آن در رابطه فردی بین انسانها به خصوص مومنان و بیان نقش آن در تحکیم اتحاد و همبستگی مؤمنان با بیان علل کم‌رنگی و عوامل احیای آن در جامعه اسلامی در همه سطوح ارتباطی تهیه گردیده است.

در تهیه این مقاله روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) بکار گرفته شده و از منابع کتابخانه ای کاغذی و الکترونیکی استفاده شده است و اطلاعاتی که از طریق آیات و روایات به دست می آید، به گونه ای تنظیم و به تحلیل گرفته شده تا بتواند ابعاد مختلف موضوع را روشن سازد.

این مقاله مشتمل بر چکیده دری و عربی، مقدمه، اصل موضوع و خاتمه می باشد. در مقدمه به اهمیت موضوع، انگیزه انتخاب موضوع، بیان مسأله، هدف تحقیق و روش کاری به گونه فشرده اشاره شده است. در اصل موضوع مفهوم، جایگاه، ارکان و لوازم و نقش اخوت اسلامی در انکشاف و توسعه جامعه به بررسی گرفته شده است. در خاتمه مناقشه و نتیجه گیری شده و پیشنهادات و فهرست منابع نیز درج گردیده است.

۲. مفهوم اخوت اسلامی

علمای لغت واژه اخوت مصدر «اخ» را به معنای برادری نسبی یا دینی و دوستی و مصاحبت دانسته اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ: ۱، ۹۲). معنای اصلی و حقیقی «اخ» شریک در ولادت یا شیر خواری است که برادر نسبی و رضاعی را شامل می شود و در دیگر مفاهیم (مانند: اشتراک در قبيله، کار و صنعت، دین و دوستی) به صورت استعاره و مجاز به کار رفته است (العسکری، ۱۴۲۸ هـ ۲۰۰۷ م): ۱، ۸۹).

یکی از ارزشهای انسانی و اجتماعی که اسلام مردم را به آن فرا می خواند، اخوت و برادری است. بدین معنی که مردم در جامعه ای زندگی کنند که ارکان آن بر اساس محبت متقابل و ارتباط و همکاری قرار گرفته باشد، و همچون اعضای یک خانواده به یکدیگر نگاه کنند. یکدیگر را دوست بدارند، و یار و پشتیبان همدیگر باشند. هر یک از اعضای آن توان

برادرش را توان خویش و ضعف او را ضعف خود قلمداد کند و باور کند که به تنهایی ضعیف و ناتوان و همراه با همکیشان قوی و توانا است (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۲۶).

اخوت اسلامی تعصبات جاهلی را ذوب و امتیازات ناشی از نسب و رنگ و وطن را فرو می ریزد و یگانه وسیله پیوند و همبستگی مسلمانان در جامعه اسلامی بر اساس اسلام می باشد. و برادری قاعده ای است که صفوف جامعه را درست هموار می سازد و پیش آمده از صف را بجای خود بر می گرداند و عقب افتاده را نیز در جای شایسته خویش در میان همقرینان خود قرار می دهد و هرگاه نزاع و کشمکش پیش آید یا هرج و مرجی روی دهد قوانین برادری را روی همه یکسان پیاده می کند و حکم آن را به اجراء در می آورد (الغزالی، ب.ت: ۱۵۶). «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (الحجرات: ۱۰) ترجمه: «فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.»

با اخوت اسلامی احساسات و عواطف ایثارگرانه و غمگساری و همدلی و مؤانست و نیکوکاری به هم می آمیزد و جامعه اسلامی را از والاترین و شگفت انگیزترین نمونه ها سرشار می سازد. اخوت اسلامی راهکاری است در جهت منسجم و سازگار شدن افراد جامعه با یکدیگر و برقراری تعاون میان آنان و استوار شدن رشته های محبت و دوستی میان افراد مؤمن و اساس و زیربنای روابط اجتماعی و الفت اجتماعی در جامعه می باشد (ابو زهره، ب.ت: ۲، ۲۶۵).

۲. جایگاه اخوت اسلامی در قرآن و سنت: قرآن برادری را یکی از بزرگترین نعمت های خداوند بر شمرده که آن را به جامعه اسلامی ارزانی نموده است: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳) ترجمه: «نعمت خداوند را بر خود بیاد بیاورید، آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و با این نعمت او برادر یکدیگر شدید.»

همچنان قرآن کریم برادری میان مؤمنان را صفتی ملازم با ایمان دانسته و میان اخوت و ایمان پیوندی ناگسستنی اعلام نموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (الحجرات: ۱۰) ترجمه «همانا مؤمنین باهم برادرند...».

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و سلم اصل اخوت را پس از اقرار به وحدانیت خداوند و رسالت خویش قرار داده است، چنانچه آن جناب صلی الله علیه و سلم پس از هر نمازی در دعای خویش چنین می فرمودند: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، أْنَا أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، أْنَا أَشْهَدُ أَنَّ الْعِبَادَ إِخْوَةٌ» (الدینوری، ب.ت: ۱۰۳)

ترجمه: «ای پروردگار ما و پروردگار و مالک همه موجودات! من گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده توست. ای پروردگار ما و پروردگار و مالک همه موجودات! من گواهی می دهم که همه بندگان باهم برادرند.»

۳. مهمترین ارکان و لوازم اخوت اسلامی و نقش آنها در ساختار جامعه اسلامی

در اینجا بطور فشرده از مهمترین عناصر اخوت اسلامی و ارزش آنها در آموزه های اسلامی و نقش شان در ساختار جامعه اسلامی و توسعه و پیشرفت جامعه بحث می شود.

۳-۱. عاطفه مهر و محبت متقابل

محبت یکی از عناصر و لوازم محوری برادری است، چنانچه الله متعال فرموده است: «إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (آل عمران: ۱۰۳) ترجمه: «آنگاه که دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و با این نعمت او برادر یکدیگر شدید.» و پایین ترین میزان و درجه محبت آن است که دل از حسد، کینه، بخل و اسباب دشمنی زاتهی باشد. چون هرگاه دشمنی رشد و نمو نماید و ریشه دواند و خارهای آن شاخ و برگ کند، گل شاداب ایمان را می پژمرد و مهر و سلام و شفقت را می خشکاند و آن وقت در ادای فریض عبادات نیز خیری نخواهد بود و نفس و روح از این عبادات بهره ای نمی برند و چه بسا دشمنی و کینه خرد را بر دارد و آدمی را به ارتکاب گناهان صغیره ای که مخالف و منافی مروت و مردانگی است و گناهان کبیره ای که موجب لعنت و نفرین است دچار سازد و چشم خصومت و دشمنی همواره از زاویه ای تاریک می نگرد و از دیدن فضایل کور می شود و رذایل و پستی ها را بزرگ می نماید و گاهی حقد انسان را دچار تخیل و فرضیه های دروغین می سازد و این چیزی است که اسلام از آن ناخشنود است و از وقوع در آن بر حذر می دارد و منع آن را بهترین تقریبات می داند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَوْضَلِّ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ، قَالُوا: بَلَى، قَالَ: صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، فَإِنَّ فَسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ.» (الترمذی، (۱۹۹۸ م): ۴، ۲۴۴) ترجمه: «آیا شما را به کاری برتر از نماز و روزه و صدقه رهنمایی نکنم؟ گفتند: آری! فرمودند: ایجاد صلح و آشتی در میان مردم، که بی گمان، بر هم زدن روابط بین دیگران کشنده و مرگبار است.» زیرا وقتی شر در دلها جای گیرد، مردم از همدیگر می گریزند و شیشه شان می شکند و به حالت سنگین دلی و عناد می گریند و صله رحم را که خداوند بدان امر کرده است قطع می کنند و در روی زمین فساد برمی انگیزند. (الغزالی، (بی. تا): ۱۴۷) و قرآن کریم عداوت و دشمنی و کینه را مستوجب عقوبتی در حد عقوبت کسانی بحساب می آورد که، رسالت پیامبران خداوند را انکار و از آیات الهی منحرف شوند: «وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ

فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (المائدة: ۱۴) ترجمه: «و از کسانی که می گویند: ما مسیحی هستیم پیمان گرفتیم، اما آنان قسمت قابل ملاحظه ای از آنچه بدانان تذکر داده شده بود به دست فراموشی سپردند؛ لذا به پاداش آن تا فرارسیدن قیامت، میان آنها کینه و دشمنی افکندیم، و در آن روز خداوند آنها را از کارهایی که کرده اند آگاه خواهد نمود.»

همچنان زمانیکه قرآن راجع به شراب و قمار به عنوان گناهان زشت و ذلت آفرین سخن می گوید، در ضمن بیان می دارد که یکی از علت‌های محوری تحریم آنها بطور واضح زمینه سازی ایجاد دشمنی و کینه در اجتماع است: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (المائدة: ۹۱) ترجمه: شیطان می خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنی و کینه توزی ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد.» (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

به همین خاطر تلاش برای ایجاد مصالحه و آشتی میان کسانی که باهم نزاع دارند، از برترین اعمالی است که انسان را به رحمت خداوند نزدیک می گرداند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (الحجرات: ۱۰) ترجمه: «فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.»

همچنین می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (الأنفال: ۱) ترجمه: «از خدا بترسید و در میان خود صلح و صفا به راه اندازید، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید! اگر مؤمن هستید.»

و می فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» (النساء: ۱۱۴) ترجمه: «در بسیاری از سخن‌ها و نجواهای آنان خیری نیست، مگر آنکه کسی به صدقه و یا کار خیر و یا اصلاح بین مردم دستور دهد. هر که چنین کاری را به خاطر رضای خدا انجام دهد، پاداش بسیار بزرگی را بدو عطاء خواهیم کرد.»

بخاطر اهمیت تلاش برای ایجاد آشتی میان متخاصمین رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) به کسی که برای این کار اقدام می نماید، لازم ندانسته که راست و پوست کنده مواضع یک طرف را برای طرف دیگر بازگو نماید. زیرا بازگویی برخی کلمات و موضعگیری‌ها چه بسا باعث شعله ور شدن آتش دشمنی گردد و هیچ کمکی به حل اختلاف ننماید و به هنگام بیان سخنان و نظر یک طرف برای طرف دیگر مقدراری کم و زیاد نمودن و

آراستن کلام او مانعی ندارد. در این مورد حدیث صحیحی روایت گردیده که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «لَيْسَ الْكَذَّابُ الَّذِي يَصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ فَبَيْنِي خَيْرًا أَوْ يَقُولُ خَيْرًا.» (البخاری، ۱۴۲۲: ۳، ۱۸۳). ترجمه: «کسی که در میان مردم صلح و آشتی برقرار می کند، دروغگو نیست پس خبر خیری را می رساند یا خبر خیری می گوید.»

و برترین مراتب محبت پاکی دل از ناپاکی حقد و دشمنی است، منزلتی که حدیثی صحیح آن را اینگونه بیان می نماید: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» (البخاری، ۱۴۲۲: ۱، ۱۲ و مسلم، بی. تا: ۳، ۱۲۱۹) ترجمه: «هیچ از شما ایمان نمی آورد مگر آنکه هرچه را برای خود دوست می دارد، برای برادرش نیز دوست بدارد.»

لازمه این حدیث آن است که هرچه را که برای خود بد و ناروا می شمارد، برای برادرش هم آن را ناروا و ناپسند بداند. هرگاه رفاه مادی و زندگی خوب را برای خود می پسندد آن را برای دیگر مردم هم دوست داشته باشد. هرگاه دوست دارد که خود در زندگی زناشویی موفق و سعادتمند باشد، آنرا برای دیگران نیز دوست بدارد. هرگاه فرزندان خوب و نجیب را برای خود می پسندد آن را برای دیگران نیز بیسندد. هرگاه دلش نمی خواهد رو به رو یا پشت سر، دیگران از او بدگویی نمایند، لازمه ایمانداری آن است که او هم پشت سر دیگران اقدام به بدگویی نکند. در واقع او همکیشان و برادران خود را به منزله خویش نگاه می کند و هرچه را برای خود خوب یا بد بداند، برای آنان هم همان را دوست می دارد (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۲۹-۲۳۲). و هرگاه خود را احساس کنند دیگران را نیز احساس می کند و از ضرر و زیان برادران همکیش خود ناخشنود می شود و برای دفع آن می کوشد و هرگاه دچار ضرر و زیان و اذیت و آزار شدند در غم و درد ایشان شریک می شود و احساس درد و غم می کند. چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و سلم ما را از این احساس آگاه نموده است: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَوَادِّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عَضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى» (البخاری، ۱۴۲۲: ۸، ۱۰ و مسلم، بی. تا: ۴، ۱۹۹۹) ترجمه: «مثال مؤمنان در مودت و محبت و عاطفه ی موجود در میانشان همانند یک پیکر است که اگر عضوی از اعضای آن به درد آید، سایر اعضای بدن با شب بیداری و تب همراهی اش می کنند.»

این احساس درد زمانی واقعیت دارد که مسلمانان را وادارد تا این تنگناها را از برادران مسلمان شان دور سازند و تا زمانی که اندوه ایشان بر طرف نشود آرام نگیرند و چون در این راه پیروز شدند چهره شان از شادی برافروزد و دلشان آرام گیرد. چنانچه ابن عباس در حالیکه وی در مسجد نبوی صلی الله و سلم معتکف بود مردی مسلمان به نزدش می آید و می نشیند، ابن عباس به وی می گوید: ای فلانی ترا گرفته و اندوهگین می بینم! او

می گوید: آری چنین است ای پسر عموی پیامبر خدا، شخصی به گردن من حق «ولاء» دارد به احترام و آبروی صاحب این قبر (رسول خدا) سوگند نمی توانم آنرا ادا کنم!! ابن عباس گفت: دوست داری که با وی در این باره سخن بگویم؟ گفت: اگر دوست داری بگو. گوید: فوراً ابن عباس «تعلمین» خویش را به پا کرد و از مسجد بیرون رفت. آن مرد به وی گفت: مگر فراموش کردی که در اعتکاف هستی؟ چرا از مسجد بیرون آمدی؟ ابن عباس گفت: خیر، فراموش نکردم ولی مدت مدیدی نیست که از صاحب این قبر شنیدم (در حالیکه اشک از چشمان وی جاری شد) که می گفت: «مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ اعْتِكَافِ عَشْرِ سِنِينَ، وَمَنْ اعْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَ خَنَادِقٍ، كُلُّ خَنَدَقٍ أَبْعَدُ مِمَّا بَيْنَ الْخَافِقِينَ» (ابو القاسم الطبرانی، بی تا: ۷، ۲۲۰ و ابوبکر البیهقی، ۱۴۲۳: ۵، ۴۳۵) ترجمه: «هرکس برای رفع نیاز و حاجت برادر مسلمان خویش گام بردارد و آنرا برآورده کند ثوابش از ثواب و پاداش اعتکاف ده سال بیشتر است و هر کس یک روز در مسجد به نیت رضای خداوند اعتکاف کند، خداوند میان او و میان دوزخ سه خندق قرار می دهد که فاصله هر یکی به اندازه میان مشرق و مغرب است».

این حدیث میزان توجه اسلام به روابط حسنه برادرانه میان مسلمانان و ارزش بالای انواع خدمات عمومی را نشان می دهد و این مسئله برای استحکام و صیانت زیر بنای روابط اجتماعی مردم ضروری است و جامعه بدان نیاز دارد. ابن عباس ترجیح می دهد که اعتکاف در مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم را که عبادت و استغراق در نماز و روزه و ذکر است و هر نماز در مسجد رسول الله ثواب و پاداش یکهزار نماز در دیگر مساجد را دارد، بخاطر برطرف کردن حاجت یک برادر مسلمان خود ترک کند و فقه و دانش دینی، وی را بر آن می دارد که برای خدمت به مسلمانانی که از وی کمک و یاری خواسته است چنین کند و اعتکاف در مسجد رسول الله را ترک نماید (الغزالی، بی تا: ۱۵۴).

۲-۳. ایثارگری: معنی ایثار آن است که در همه اموری که انسان برای خود دوست می دارد، اولویت را برای همکیشان خویش قایل شود. برای سیری آنها خود گر سنگی و تشنگی را تحمل کند و برای امنیت و آرامش آنان، سینه خویش را سپر بلا نماید و سختی و شب بیداری را به جان بخرد. از اینرو منزلت ایثار بسیار بالا و برتر است. قرآن دورنمای تابناکی را از برادری مسلمانان نخست در مدینه منوره ارائه می دهد که در آن با ریشه کن شدن خودخواهی و بخل ورزی مفهوم ایثار در زیباترین و کاملترین صورت آن جلوه گر بود: «وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ

شَحَّ نَفْسَهُ فَأَوْلَيْكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (الحشر: ۹) ترجمه: «آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آئین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده اند، و در درون احساس و رغبت نیازی نمی کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند. کسانی که از بخل نفس خود، نگاهداری و مصون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگارند.»

در سیره رسول گرامی هم نمادی دیگر از ایثار را آنگونه که امام بخاری روایت می نماید، مشاهده می کنیم. ایشان روایت می کند که «براساس پیمان اخوت پیشنهاد شده توسط رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) میان مهاجرین و انصار، سعد بن ربیع آمادگی خود را برای بخشیدن نیمه ثروت و یکی از دو خانه و یکی از دو همسرانش را به عبد الرحمن بن عوف اعلام کرد. عبد الرحمن بن عوف خطاب به سعد گفت: خداوند مال و ثروت و خانه و خانواده را برای تو نگاه دارد. (من هیچ یک را نمی پذیرم) فقط لطف کنی در مرا به بازاریان و تجار معرفی کنی.» (البخاری، ۱۴۲۲: ۱، ۵۵۳).

از خود گذشتگی کم نظیر و باورنکردنی که جهان کمتر چنین صحنه هایی بخود دیده است، در مقابل عدم پذیرش آن از جانب عبد الرحمن بن عوف که بسیار بزرگوارانه و بلندهمتانه بود. دو ویژگی برتر که هر یک دورنمایی از برادری واقعی در مدینه منوره که به وسیله رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) پایه ریزی گردیده بود را نشان می دهند. جامعه ای که مدام چشم به آن دوخته ایم و آن را الگوی بسیار گرانبغی برای همه مسلمانان می دانیم (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۳۵).

همچنین از ابو هریره روایت شده که گفت: انصار به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفتند: نخلستان را میان ما و برادران ما تقسیم فرما. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: خیر. گفتند: پس در مراقبت از آن همکاری کنید، شما را در ثمره آن شریک می سازیم. مهاجرین گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم (البخاری، ۱۴۲۲: ۳، ۱۰۴).

این نمونه ها، گویای صمیمیت بسیاری است که انصار نسبت به برادران مهاجر خویش داشته اند و می رساند که چه فداکاری و ایثار و محبت و یکرنگی در دل شان موج می زد، همچنین بیانگر قدرشناسی شایان مهاجرین از این عواطف است و این که از این ایثار سوء استفاده نکرده و جز به قدر ضرورت از آن بهره نگرفتند. (المبارکفوری، بی. تا: ۱۶۸).

۳-۳. وحدت: یکی از لوازم مهم اخوت وحدت است که نقطه مقابل تفرقه و چند دستگی می باشد جامعه اسلامی مبتنی بر اخوت، جامعه ای است که در عرصه عقاید، عبادات و شعایر، مفاهیم فکری، فضایل اخلاقی، رویکردهای معنوی، آداب و روش، فرهنگ اجتماعی و ارزش های انسانی و اصول قانونگذاری یکپارچگی را می طلبد. همچنان در

اهدافی که زمین را به آسمان، دنیار را به آخرت، آفریده را با آفریدگار پیوند می دهد و در اصول روشن و ارزشمندی که میان آرمانگرایی و واقعیت ایجاد الفت می کند و ثابت و متغیر را باهم می آمیزد و میان الهام از میراث فکری و فرهنگی پیشینیان و بهره گیری از پیشرفتهای معاصر توازن را ایجاد می نماید، متحد و یکپارچه است. در بهره گیری از منابعی مانند قرآن و سنت که سرچشمه هدایت آنان است، هم آوا و هماهنگ هستند. زیرا جامعه اسلامی جامعه ای است که به خداوند و کتاب و پیامبر واحدی ایمان دارد. رویکرد شان به سوی یک قبله است. در همه امور خویش یک شریعت را حکم و داور می نمایند، و دوستی و گرایش آن تنها به خداوند و پیامبر و مؤمنین است. دوستی و دشمنی و قهر و ارتباطش تنها در راستای رضایت خداوند است. خداوند متعال می فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ» (المجادله: ۲۲) ترجمه: «هیچ گروهی را که به خداوند و روز آخرت ایمان آورده باشند، نخواهی یافت که دست دوستی در دستان کسانی بگذارند که با خداوند و پیامبرش دشمنی می کنند، هرچند پدران و فرزندان و برادران و قوم و عشیره آنها باشند.» و قرآن در مورد توطئه های غیر مسلمانان غرض ایجاد تفرقه میان مسلمین هشدار می دهد، همچون کاری که یهود مدینه برای شعله ور گردانیدن آتش جنگ میان دو طایفه اوس و خزرج انجام دادند و رسول خدا با یادآوری برادری دینی آتش آن فتنه را خاموش فرمود. خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ آوَأُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ، وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (آل عمران: ۱۰۰-۱۰۱) ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از گروهی از اهل کتاب پیروی کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر باز می گردانند. و چگونه باید شما کافر شوید در حالی که آیات خداوند بر شما فرو خوانده می شود و پیغمبرش در میان شما است؟! و هرکس به خدا تمسک جوید، بیگمان به راه راست و درست رهنمود شده است.»

باز می فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳) ترجمه: «وهمگی به رشته (ناگس ستنی قرآن) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید! و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آنگاه که باهم دشمن بودید و خداوند دلهایتان را باهم الفت

داد و باهم برادر شدید. و آنگاه که بر لبه پرتگاه از آتش قرار داشتید، اما او شما را از نجات داد. خداوند این چنین آیات خود را برای شما آشکار می سازد، شاید که هدایت شوید.»

وحدتی که تحقق و محافظت از آن بر جامعه اسلامی واجب گردیده است، با تنوعی که بخاطر اختلاف محیط و فرهنگ و عادات و تحت تأثیر تمدن های گوناگون پدید آمده اند، منافات ندارد. چنانچه این اختلافات تنوعی است که در چهارچوب وحدت فراگیر اسلامی جای می گیرد. و بسان تنوع استعدادها و افکار و تخصصات گوناگون افراد یک خانواده، یا تنوع گل و میوه یک باغ است که: «يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّحٌ لُّبٌّ بِعَصْفِهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ» (الرعد: ۴) ترجمه: «از یک آب آبیاری می شود و برخی را (در نوع طعم و مزه و رنگ) بر دیگری برتری بخشیده ایم.» از مهمترین دست آورد های اسلام در این زمینه مشروعیت تنوع اجتهادها و اظهار نظر های متفاوت در چهارچوب قواعد عام و نصوص قطعی مورد اتفاق است. و اختلاف آراء و دیدگاههای گوناگون نباید اسباب تفرقه و دشمنی بشود. صحابه و تابعین در بسیاری از قضایا باهم اختلاف نظر داشتند، اما این اختلاف نظر نه اینکه منجر به چنددستگی نگردید، بلکه به همدیگر احترام می نهادند. (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۴۲-۲۴۳).

۳-۴. همکاری و تعاون: همکاری و پشتیبانی لازمه برادری دینی است، زیرا کسی که نیازمندی برادران دینی اش را برآورده نکند و در سختی هایشان دستشان را نگیرد برادر عملی و واقعی نخواهد بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و سلم فرموده است: «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا» (البخاری، ۱۴۲۲: ۳، ۱۲۹) ترجمه: «نقش مؤمن برای دیگر مؤمنین مانند نقش خشت های یک ساختمان است که هر یک از آنها دیگری را محکم نگاه می دارد.» خشت هرچند محکم باشد به تنهایی ضعیف است و هزاران خشت پراکنده نیز چیزی نیستند و ساختمانی را پدید نمی آورند. زمانی از خشت های متفرقه ساختمانی پدید خواهد آمد که در کنار هم و بر اساس ساختاری مشخص قرار گیرند، و در نهایت ساختمانی با دیوارهای متعدد و مرتبط با هم و قابل سکونت پدید می آید. ساختمانی که دستهای ویرانگر به سادگی نمی تواند ارکان آن را متزلزل نماید.

همچنان پیامبر صلی الله علیه و سلم جایگاه و نقش محبت متقابل و همکاری را اینگونه تصویر می نماید: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاحِمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عَضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمَى» (البخاری، ۱۴۲۲: ۸، ۱۰) ترجمه: «مثال مؤمنان در مودت و محبت و عاطفه ی موجود در میانشان همانند یک پیکر است که اگر عضوی از اعضای آن به درد آید، سایر اعضای بدن با شب بیداری و تب همراهی اش می کنند.» رابطه میان افراد جامعه اسلامی همانطور که رسول خدا صلی

الله علیه و سلم می فرماید، همچون رابطه اعضای بدن با یکدیگر است، از آن جدا نمی شود و بدون ارتباط با دیگر اعضا حیاتش خاتمه می یابد. سیستم تنفسی بی نیاز از دستگاه گوارش و هردو بی نیاز از سیستم عصبی و گردش خون نیستند. هریک از اعضاء مکملی است برای دیگر اعضا و یکدیگر را یاری می دهند و حیات و زندگی و انجام وظیفه آنان در گرو ارتباطشان با یکدیگر است.

و رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مورد نصرت و همیاری متقابل مسلمانان موضوع نوری را مطرح نموده و می فرماید: «أَنْصُرُ أَحَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟ قَالَ: «تَحْجُزُهُ، أَوْ تَمْنَعُهُ، مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ» (البخاری، ۱۴۲۲: ۳، ۱۲۸) ترجمه: «برادرت را چه ظالم باشد یا مظلوم کمک کن» شخصی پرسید: ای رسول خدا، کمکش می کنم وقتی که مظلوم باشد، اما وقتی ظالم باشد چطور کمکش کنم؟ گفت: «جلو ظلمش را بگیر و یا دستش را از ظلم باز دار، این است کمک کردن وی».

و قرآن تعاون و همکاری را بشرطی که بر اساس نیکی و پاکی و پرهیزگاری باشد واجب می شمارد. و چنانچه در جهت بدکاری و عداوت باشد آن را حرام نموده است، چنانچه می فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (المائدة: ۲) ترجمه: «در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمایید، اما در گناه و دشمنی همدیگر را یاری و پشتیبانی نکنید.» و پس از تحقق ایمان، ولایت و سرپرستی و دوستی متقابل مؤمنین را از لوازم آن به شمار آورده و می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (التوبة: ۷۱) ترجمه: «مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند. همدیگر را به کار نیک می خوانند و از کار بد باز می دارند» و در مورد جامعه مدینه و اصحاب و یاران رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید: «أُشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (الفتح: ۲۹). همچنین همکاری و مهربانی را از اولین ویژگی های جامعه اسلامی به شمار می آورد. پس لازمه این تعاون و برادری آن است که توانا دست ناتوان را بگیرد و ثروتمند مستمند را فراموش نکند و آگاهان افراد ناآگاه را رهنمایی نمایند و ناآگاهان جایگاه خود و علما را بشناسند و در عرصه های سخت زندگی و در زمان جنگ و صلح یار و پشتیبان یکدیگر باشند. در قرآن به این نوع از همکاری اشاره شده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانًا مَرُصُوصًا» (الصف: ۴) ترجمه: «خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او متحد و یکپارچه در خط و صف واحدی می رزمند، انگار دیوار سربی بزرگی هستند.» در قصه های قرآن به مواردی از این همکاری مثمر و سازنده اشاره

شده است. از جمله موضوع همکاری میان موسی و برادرش هارون که از خداوند خواست به او اجازه دهد در ادای مسئولیت و رسالت خود از او کمک بگیرد: «وَأَجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي، كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا، وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا، إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا» (طه: ۲۹-۳۵) ترجمه: «و یآوری از خاندانم برای من قرار بده. برادرم هارون را. به وسیله او پشت مرا استوار دار. و او را در کار رسالتم شریک گردان. تا تو را بسیار تسبیح گفته و تقدیس کنیم. و بسیار ذکر تو گوئیم و بر یاد تو باشیم. چرا که تو همیشه از حال ما آگاه هستی». جواب خداوند به موسی این بود: «قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا» (القصص: ۳۵) ترجمه: «(خداوند) فرمود: به وسیله برادرت تورا یاری خواهیم نمود و به هردوی شما دلیل و برهان خواهیم داد.» بر این اساس هارون به هنگام حضور برادرش او را یاری می داد و در غیابش جانشین او می گردید (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۴۵-۲۴۸).

یکی دیگر از صورت های تعاون و همکاری را قرآن در خلال داستان سد سازی ذوالقرنین برای جلوگیری از هجوم ویرانگرانه یاجوج و ماجوج بیان می نماید که حاصل همکاری میان حاکمی صالح و شایسته و مردمی که از حمله ستمکاران در بیم و هراس بودند می باشد: «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا قَالَ مَا مَكْنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا أَتُونِي زَبْرًا الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدْقَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» (الکهف: ۹۴-۹۷). ترجمه: «گفتند: ای ذوالقرنین! یاجوج و ماجوج مردمانی مفسد و تباهکارند. اگر ما هزینه ای برای تو فراهم کنیم می توانی میان ما و ایشان سدّ محکمی بسازی؟ او گفت: آنچه پروردگارم از ثروت و قدرت در اختیار من نهاده است (برای این کار) بهتر است. با نیرو و توان خود مرا یاری دهید، تا میان شما و ایشان سدّ بزرگ و محکمی بسازم. قطعات بزرگ آهن را برای من بیاورید. (آن گاه دستور چیدن آنها را بر روی یکدیگر صادر کرد) تا میان دو کوه را پر کرده و برابر گردیدند. بعد گفت: مس ذوب شده بیاورید تا آن را بر روی قطعات آهن بریزیم. (سد به اندازه ای بلند و محکم گردید که) آنان نمی توانستند از آن بالا بروند و به هیچ وجه توانایی سوراخ کردن آن را هم نداشتند» (قرضاوی، ۱۳۹۶: ۲۴۹).

۴- اخوت و توسعه جامعه اسلامی: چنانچه قبلا گفته شد که محبت متقابل، ایثار، تعاون و همیاری و پشتیبانی، وحدت و همبستگی، مشارکت در تحقق ارزشهای اجتماعی، نیکوکاری و نابودی مفاسد اجتماعی جهت حفظ و رشد همه جانبه جامعه ایمانی از ارکان

و لوزام برادری دینی اند. حقیقتاً توسعه و رشد جامعه که «به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی جهت رسیدن به زندگی بهتر و انسانی تر می باشد (رحمانی یزدری، ۱۳۸۸: ۲۰)، در جامعه اسلامی و در زندگی اجتماعی مسلمانان مرهون همبستگی، تعاون و همکاری افشار مختلف می باشد، به هر نسبت همکاری بیشتر باشد، حیات اجتماعی شادابتر، بالنده تر و پیشگام تر خواهد شد. جامعه ای که این فاکتورها را ندارد به خصوص جامعه اسلامی؛ گرفتار نوعی بیماری می گردد که بالآخره جامعه را به سوی نابودی سوق می دهد. از همین رو چنانچه از مباحث قبلی دریافتیم در قرآن و سنت بسیار زیاد مورد تأکید قرار گرفته است و مقتضی تحقق همه اصول و ارکان و لوزام اخوت و برادری در سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی جاری گردد. زیرا روابط سالم اقتصادی، اجتماعی و عدالت حقوقی و عملکرد کارآمد سیاسی آن وقت در جامعه حاکم می گردد که محبت و عطف، تعاون و همیاری، وحدت و همبستگی و مشارکت و ایثار و فداکاری در کار باشد.

اگر ما اصل تعاون را که رکن اساسی اخوت اسلامی است، در حیات اجتماعی خود زنده سازیم شکی نخواهد بود که در اندک زمانی کشور خود را بسازیم و بر فقر و ناکامی غلبه نمایم و بستر پیشرفت بیشتر مهیا گردد. نفرت، عدم عطف، عدم اتحاد و همبستگی، نزاد پرستی، عدم همکاری و تعاون و... از مهمترین عوامل عقب ماندگی است. زیرا عناصر یاد شده از شاخص های مؤثر توسعه پایدار اند؛ چون این عناصر نیروی انسانی را شکل می دهند و محورهای اصلی همه مؤلفه های توسعه اجتماعی نیروی انسانی است و دیگر مؤلفه ها به انسان بر می گردد و فقدان نیروی انسانی موجب خارج شدن مؤلفه ها از مدار اصلی است و در نهایت حرکت متوقف می گردد (رحمانی یزدری، ۱۳۸۸: ۳۲۶).

نتیجه گیری

از خلال مباحث فوق می توان مهمترین نتایج ذیل را بصورت مختصر نگاشت:
 الله متعال همانطور که در نظام تکوین در نهاد انسان ها گرایش و اجتماعیت را نهاده در نظام تشریح نیز برای تنظیم و تکامل مثبت گرایش به اخوت و برادری را دستور داده و آن را ضامن سعادت معرفی نموده است.

اخوت و برادری که اسلام به آن سفارش نموده تطبیق آن نتایج و ثمرات ارزشمندی در پی دارد که جامعه اسلامی به آن ضرورت مبرم دارد و قرآن و سنت به فواید بی شمار تطبیق آن و اضرار ناگوار دوری از آن را به صراحت و وضاحت بیان نموده اند.
 علت اصلی اوضاع آشفته جامعه ما به نادیده گرفتن اخوت اسلامی و عدم پابندی به موازین آن می باشد. هرگاه بخواهیم از این وضع نابسامان نجات یابیم راهی جز برگشت به اخوت فرارویمان وجود ندارد.

تحقق اخوت وادسته به دور کردن برخی خصال نکوهیده از وجود مانند: تکبر، بغض، حسد، غیبت، نامیت، تمسخر، تعصب در اشکال مختلف آن و ... می باشد که هرگاه انسان باطن خود را از این رذایل خالی کند صلاحیت آراسته شدن به جاده اخوت را پیدا می کند که نمونه های عملی آنرا در سیرت یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مشاهده می کنیم.

از لوازم اخوت اسلامی همدلی و محبت، اتحاد و یکپارچگی، تعاون و همیاری و حتی ایثار گری و فداکاری که بالاترین نماد اخوت اسلامی است را می توان برشمرد.

پیشنهادهات

۱- به امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد می گردد تا به خاطر اعاده و تحکیم اخوت اسلامی که در اثر دسایس استعمار و دشمنان اسلام آسیب و صدمه دیده، جلو تعصبات قومی، زبانی، سمتی، مذهبی، حزبی را گرفته و عناصر متعصب را که عامل انفصال روابط انسانی و اخوت اسلامی در این کشور می گردند از طریق ارگانهای مختلف چون: استخبارات، ارشاد، دعوت و امر به معروف نهی از منکر شناسایی و جهت اصلاح اش مورد برخورد مناسب قرار گیرد.

۲- به خطبا و دعوت گران پیشنهاد می گردد که از طریق منابر مساجد و حلقات اجتماعی تربیتی و سایر ابزارها در راستای تبیین مفهوم و اهمیت اخوت در روابط انسانی و ساختار جامعه سالم و راه کارهای تحقق آن در جامعه دست به کار شده برای مردم رهنمایی و ارشاد نمایند.

۳- از قلم به دستان کشور در مراکز تحقیقی و فرهنگی تقاضا می گردد که در مورد مفهوم اخوت و حذف عوامل مزاحم تحقق آن و تفهیم و تبیین آثار مثبت تحقق اخوت در جامعه از طرق تحقیقات علمی و ارایه کنفرانس ها تبیین و توضیح بیشتر به جامعه ارایه نمایند.

منابع

قرآن کریم.

۱- ابن منظور، محمد بن مکرّم بن علی الإفريقي. (۱۴۱۴هـ). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر. طبع سوم.

۲- ابو زهره. **خاتم پیامبران**. مکتبه شامله فارسی.

۳- البخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی. (۱۴۲۲هـ). **صحیح البخاری**. تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر. دار طوق النجاة. چاپ اول.

- ۴- الترمذی، محمد بن عیسی بن سَوْرَةَ بن موسی بن الضحاک، أبو عیسی. (۱۹۹۸م). **سنن الترمذی**. تحقیق: بشار عواد معروف. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- ۵- الدینوری، أحمد بن محمد بن إسحاق، معروف به «ابن السنّی». (بی.تا). **عمل الیوم واللیلۃ سلوک النبی مع ربه عز وجل ومعاشرته مع العباد**. تحقیق: کوثر البرنی. بیروت: دار القبلة للثقافة الإسلامیة ومؤسسة علوم القرآن.
- ۶- العسکری، أبو هلال الحسن بن عبد الله بن سهل بن سعید بن یحیی بن مهران. (۱۴۲۸هـ - ۲۰۰۷ م). **الوجوه والنظائر**. تحقیق وتعلیق: محمد عثمان. قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة، طبع اول.
- ۷- الغزالی، محمد. (بی.تا). **خلق المسلم**. مصر: نشر دار نهضة، طبع اول.
- ۸- قرضاوی، یوسف. (۱۳۹۶هـ ش). **دورنمای جامعہ اسلامی**، ترجمه: عبد العزیز سلیمی. تهران: نشر احسان، چاپ سوم.
- ۹- مسلم بن الحجاج، أبو الحسن القشیری النیسابوری. (بی.تا). **صحیح مسلم**. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۱۰- یزدری، علی جان رحمانی. (۱۳۸۸هـ — ش). **علل عقب ماندگی افغانستان**. قم: انتشارات میراث ماندگار. چاپ دوم.

الملخص

تعرض الكاتب في هذا المقال لدور الأخوة الإسلامية في تنمية المجتمع. هذا المقال يهدف إلى تبين مفهوم الأخوة الإسلامية و لوازمها و أهميتها في العلاقات الإنسانية و لا سيما العلاقات بين المؤمنين و تسليط الضوء على دورها في إحكام البنية الإجتماعية و تطور المجتمع الإسلامي عن طريق توضيح أسباب تدهورها و عوامل إحياؤها في المجتمع. هذا البحث يعتمد على المنهج الكيفي (الوصفي-التحليلي) و معطياته تظهر أن الأخوة الإسلامية ليست أمراً عاطفياً معنوياً بحت؛ بل لها آثار عملية في العلاقات الإجتماعية و السياسية و الإقتصادية بحيث تجعل لكل أفراد المجتمع تكاليفهم و حقوقهم. العلاقات بين الناس تعتمد على المحبة المتبادلة بينهم و التعاون بينهم في مجالات الحياة المختلفة فلا بد أن ينظر بعضهم إلى بعض كأفراد أسرة واحدة. و هذه الأخوة تشمل جميع فئات المجتمع و طبقاته، بحيث لا فضل لفئة و جماعة على الأخرى في أخوتها، و في المقابل لا توجد طبقة إجتماعية غير جديرة بالأخوة. ففي الأخوة الإسلامية لا يمكن أن يوفر المال أو النسب أو المكانة الإجتماعية و الإقتصادية المجال لتفضيل فرد على الأخرين أو مجموعة على مجموعة أخرى. بل القيم الإنسانية للأخوة الإسلامية هي التي تنظم العلاقات بين الحاكم و الشعب و بين الرئيس و المرؤوس ما يؤدي إلى الترابط الإجتماعي الذي هو من المؤشرات الفعالة في تحقيق التنمية المستدامة في المجتمع.

نقش دانشمندان افغانی در شکوفایی تمدن اسلامی

محمد حسین عاطفی استاد مؤسسه تحصیلات عالی دانش

چکیده

افغان‌ها از پیش قدمان و علم برداران مدنیت و انکشاف دهنده تمدن اسلامی به شمار می‌روند؛ این ملت پرغرور از بدو گرایش به اسلام و آشنایی با نور حق و عدل اسلام برای گسترانیدن و شریک‌سازی این نعمت بزرگ و لطف الهی به سایر ساکنین بلاد آباد دنیا و رهانیدن آنها از جور فرسایشی حکام و زعمای آلوده و نابخرد و آشنایی با زندگی سعادت‌مند و تضمین حیات مصفا در آخرت خدمات شایانی در تاریخ نامه‌ها از خود به ثبت رسانیده‌اند. در این نوشتار تلاش شده است تا: از کارنامه‌های درخشان رادمردان افغان در امر توسعه و شکوفایی تمدن نیک نام و پر دست‌آورد اسلامی اعم از حوزه‌ای مدنیت مادی و معنوی پرده برداشته شده و شمه‌ای از کارکردهای ماندگار مردان تمدن ساز این سرزمین بازتاب داده شود و پاسخ مستحکمی باشد بر ادعا‌های واهی و میان‌تهی پاره‌ای از معاندین که در حکم کلی تمدن اسلامی را مدار نقد و دست آوردهای ژرفا، چشم‌گیر و فراگیر آن را نادیده گرفته و در قاطبه برهه‌های زمانی مرجع نمی‌انگارند و هم‌چنان جهد افغان‌ها را فقط جهد نظامی - جنگی غیر مثمر و عاری از دست‌آورد قلمداد کرده‌اند.

از طرف دیگر وسیله‌ای خوبی باشد برای برداشتن نقاب از تزویر تمدنی کسانی که دست‌آورد های معنوی و مادی تمدنی افغانها را به تمدن سازان کذایی خود نسبت داده و یا هم هویت سرزمینی مردان تمدنی این سرزمین پس از انتقال به قلمرو جغرافیایی خود برچسب زده‌اند.

هرات، بلخ، غزنه، کنر، تخارستان، پروان، قندهار و جوزجان در جنب سایر نقاط سرزمین نیک نام ما ولایاتی‌اند که؛ مردان تمدن ساز و شخصیت‌های اثرگذار آنها بیشتر مورد مکث و توجه قرار گرفته و در واقع از آنها عنوانی تمدن سازان سترگ و رادمردان بی‌بدیل یاد شده است.

کلید واژه‌ها: تمدن، مدنیت، دانشمند، اسلام و احیاء مجدد.

مقدمه

بدون تردید تمدن اسلامی از با شکوه‌ترین و پر دست آورد ترین تمدن‌های بحساب می‌رود که تا به حال جهان کلاسیک و معاصر به تجربه گرفته است؛ این تمدن پر افتخار با پشتوانه‌ای وحی الهی در قرن هفتم میلادی سال (۶۱۰) با نزول یافتن وحی بالای تابلوی افتخار بشریت (محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم) با اولین واژه‌ای «اقرأ» کلید خورد.

این تمدن سترگ با گذشت زمان و با آغاز نبرد ها و فتوحات اسلامی به اقصی مناطق جهان معرفی شد؛ در جنب این که پاره‌ای از قدرت خواهان در پارس (فارس) و روم، جهد وسیعی بابت بطی سازی، توقف و حتی براندازی آن نمودند، اما بسیاری دیگر به گواهی برگ‌های تاریخی از زمره افغانها افتخار پذیرش و گسترش و شکوفایی آن را مفتخرانه یدک می‌کشند؛ به‌ویژه بعد از قرن چهاردهم که عهد رن سانس و رو شنگری غرب نام نهاده شده است؛ افغانها دست‌آورد های وافر در حوزه‌های تمدنی اعم از مادی و معنوی داشته‌اند. و حتی خود بانی نهضتی شده‌اند که سایر تمدن‌های مادی آنها را شکل بخشند و به مرحله کمال و شکوفایی برسانند.

مقاله حاضر که روش تحقیق کتابخانه‌ای را پیموده است؛ به پرسش اصلی: آیا افغانها گونه‌ای سایر مردمان تمدن ساز کاری در باب رونق و شکوفایی تمدن اسلامی نموده‌اند؟ پاسخ ارایه داشته است، و به پرسش‌های فرعی (جانبی یا غیر اصلی) همچون: کمیت نقش افغانها در انکشاف تمدن اسلامی چقدر بوده است؟ بارز ترین شخصیت‌های تمدن ساز افغانی و یا هم با اصالت افغانی کی‌ها اند؟ و افغانها در عصر حاضر چه کاری برای احیاء مجدد تمدن اسلام انجام داده می‌توانند؟، یعنی چه فرصت‌ها و چالش‌های فرا راه تمدن سازی و احیاء تمدن اسلامی آنها قرار دارد؟ پاسخ ارایه خواهد نمود.

این خامه‌ای قصیر حاوی چکیده، مقدمه و سه بحث می‌شود؛ که در بحث نخست آن؛ کارکردهای تمدنی افغانها در امر گسترش فرهنگ اسلامی به تحقیق گرفته شده است؛ و در آن شهکاری‌های افغانها در زمینه واکاوی شده است و در بحث دوم آن؛ نقش افغانها در رونق علوم متداوله روز و فنون مفیده و در بحث سوم آرمان احیای فرایند تمدن سازی توسط افغانها و احیای دوباره تمدن اسلامی تذکر داده شده است؛ این مقاله با یک نتیجه‌گیری (جمع بندی کلی) و ذکر منابع و مراجع بکار برده شده به فرجام رسیده است.

دست آوردهای تمدنی افغانها در امر گسترش فرهنگ اسلامی

افغانها با تدبیر سنجیده و مؤثر؛ طرح نبردهای مقدسی را صرف برای انتقال این تمدن و فرهنگ ناب و بی آرایش به اقصی نقاط منطقه و جهان کشیدند؛ و با رشادت کامل یکی بعد از دیگری در جهت حفظ و انکشاف این تمدن سترگ آنها به اجراء درآوردند و دست آوردهای ملموسی در این مأمول از خود بجا گذاشتند.

از جهد تیموریان هرات برای رنسانس شرق در هرات و توابع آن خطه گرفته؛ تا شهکاری های اهل غزنه و امپراتوری بزرگ غزنویان که تا هند گسترش یافت و در آنجا به روشی پایدار جامعه مسلمانان را ایجاد کرد؛ که نقش فرهنگی آن را می توان از طریق کیفیت بقایای تمدنی بجا مانده ی شان اعم از معنوی و مادی شناخت، بعد از این سلسله دیگری بنام غوریان از هندوکش مرکزی قد علم کرد و آثار نفیس تمدنی از خود بجا گذاشت و همچنان می شود از تلاش های مکرر احمد شاه ابدالی برای توسعه سیطره این تمدن بزرگ در بلاد هند و توابع هند در این مقام یاد آورد شد و مثال زد. (کوثر، ۱۳۹۲: ۷۳).

نقش فرهیخته گان افغان در انکشاف علوم متداوله روز و فنون مفیده به یقین که فرزندان صدیق و علم پرور این مرز و بوم در احیاء و انکشاف تمدن اسلامی سهم بارز و حساسی را ایفاء نموده اند؛ که به گواهی تاریخ ملت افغان همواره درین راستا از هیچ نوع تلاش و جدیت مضایقه نکرده است.

بزرگانی از علم و دانش مانند امام ابوحنیفه، امام قتیبه بن سعید بغلانی، ابراهیم بن یعقوب بن اسحاق سعدی جوزجانی، ملا علی قاری هروی، ابوعلی سینا، فارابی، جلال الدین محمد بلخی، جابر بن حیان، محمد بن موسی خوارزمی، زکریا رازی، ابو معشر جعفر بن محمد بن عمر بلخی و بسیاری دیگر ازین خطه اند که سرآمد تمدن سازان افغانی اند. و این همان جنبه ی درخشان و مثبتی از تاریخ افغانستان است، جایی که برای چهارده قرن متمادی یک واقعیت کاملاً متفاوت و شرافتمندانه و بستری بسا مهم برای گسترش علم و دانش، فرهنگ و تمدن بوده است، طوری که با تمام وجود در ساختار تمدن، تربیت بسیاری دانشمندان فقه، اندیشه، فلسفه، جامعه شناسی، اقتصاد، طب و طبابت سرزمین خود نقش اساسی ایفا نموده است، که تاریخ آن از زمان خلافت خلیفه عمر بن الخطاب رضی الله عنه در سال ۲۲ هجری - ۶۴۲ میلادی به رهبری احنف بن قیس التیمی از فتح اسلامی آغاز شده است و تا اکنون ادامه دارد. (عاطفی، ۱۴۰۱: ۹۵).

اگر صفحات تاریخ افغانستان را در دوره فتوحات اسلامی و دوره های متوالی حکومت طاهریان، صفاریان، غزنویان، غوریان مغولها، خوارزمیان، تیموریان، ازبکها و صفویان و

دیگران بررسی کنیم بدون شک در آن، تاریخ پر افتخاری پیدا خواهیم کرد که چرخه‌ی تمدن اسلامی را به چرخش درآورده است. و این انگیزه از تمام شهرها و مناطق افغانستان، از جمله بلخ، هرات، کابل، پروان، قندهار، خوست، جلال آباد و بسیاری از مناطق دیگر آن به پاخواسته است که در غنی‌سازی اندیشه و دانش، به ویژه در زمینه مطالعات اسلامی نقش مهمی داشته است؛ که ما بگونه نمونه از برخی از این رادمردان تمدن این ولایات مربوط کشور عزیز ما افغانستان یاد آور می‌شویم:

هرات و جهد تمدن سازانش

از هرات نويسندگان و فيلسوفان بسياری ظهور کردند، مانند؛ ابوالفضل منذری، که دارای تألیفات و کتاب‌های بسیاری از جمله: افتخار المقالة، الزیادات و نظم الجمان می‌باشند.

وی همچنین استاد و معلم منصور ازهری (۸۹۵ م - ۹۸۱ م)، از علمای برجسته زبان عربی و اهل شهر هرات؛ نیز بوده است. ایشان در حال بازگشت از حج بیت الله الحرام توسط برخی از بادیه نشینان عرب اسیر شد و تمام دوران اسارت خود را با مطالعه زبان عربی گذراند، تا اینکه به یکی از برترین معلمان زبان و ادبیات عربی تبدیل شد که در این زمینه کتابهای زیادی نیز به سلک نوشتار در آورده است و از جمله مشهورترین آثار وی فرهنگ لغت (تهذیب اللغه) و کتاب غریب الألفاظ التي استعملها الفقهاء، علل القراءات، کتاب الأسماء الحسنى و شرح دیوان أبو تمام همراه با تفسیری از قرآن کریم که ایشان نوشته است، می‌باشد.

شهر هرات شخصیت علمی دیگری، بنام ابوالمظفر هروی، نویسنده و نحوی مشهور را نیز تقدیم کرده است. همچنین یکی دیگر شخصیت‌های شهر هرات و از مشهورترین زبان شناسان و نحوی‌ها ابوالحسن هروی می‌باشد که به مهارت در نوشتن خط عربی نیز مشهور بود.

علی رغم گسترش زبان فارسی در قرن ششم در دوران دولت غزنویان، که در آن زمان زبان شاعران، نویسندگان و دانشمندان بود؛ مگر هنوز بسیاری به زبان عربی می‌نوشتند و تدوین می‌کردند، از جمله‌ی آنها ابوالفضل محمد بن الحسن بیهقی، که در سال ۱۰۷۷ میلادی در خراسان متولد شد و در کاخ سلطان محمود غزنوی زندگی می‌کرد و کتابهای، مانند: تاریخ غزنویان و تاریخ بیهقی را تألیف نمود، می‌باشد. (مهندس، ۱۳۸۵:۴۳). ایشان همچنین کتابهای زیادی دیگری نیز نوشته است و اشعاری نیز به زبان عربی سروده است.

اما شیخ الاسلام عبدالله خزرچی از صاری هروی شهیر به خواجه عبدالله از صاری، یکی از مشهورترین نویسندگان حوزه‌های تزکیه و احسان یا تصوف و عرفان است که این مهم را در جهان عرب گسترش داد و شعر و نثرهای عربی و فارسی در زمینه منتشر کرد.

داشته‌های افتخار آفرین أم البلاد (بلخ)

علماء و دانشمندان بلخ باستان در حوزه‌های مختلف علمی خدمات ارزنده را بویژه خامه‌ها و آثار علمی گران سنگی را از خود به ارث گذاشته‌اند که؛ ذکر آن از حوصله این خامه قصیر برون است؛ ایشان در تألیف به زبان عربی دست بلندی داشتند و جزء توسعه دهندگان ادب عربی بودند؛ از جمله سعید بن مسعود بلخی، که یکی از برجسته‌ترین نحوی‌ها است و صاحب کتابی (تفسیر معانی القرآن) و کتاب (شرح آیات المعانی) و کتاب (الإشتیاق) و ... است.

علماء و دانشمندان افغان خدمات علمی را فقط برای گسترش فکر و اندیشه‌ی عربی تقدیم نکرده اند، بلکه به تمام جهان ارائه نمودند؛ زیرا آنها کتابهایی را در اختیار بشریت قرار دادند که تا امروز به عنوان مصدر مورد استفاده قرار می‌گیرد، مانند؛ نوشته‌های ابن سینا، دانشمند طب، پزشکی و فلسفه.

یا مانند شخصیت علمی و دانشمند البیرونی، نویسنده کتابهایی از انسان شناسی که در بهره‌مندی جهان عرب و شبه قاره هند تأثیری عمیقی بجاگذاشته است.

فرزندان فرزانه و تمدن ساز پروان، تخارستان، کنر و قندهار

شخصیت برجسته و بزرگوار امام ابوحنیفه بن نعمان رحمه الله، صاحب بزرگترین مذهب فقهی اهل سنت و جماعت و بانی مکتب حنفی که پدر بزرگ او متولد یکی از نواحی کابل قدیم موسوم به پروان امروزی بود؛ یکی از دیگر رادمردان تمدن ساز این مرز و بوم است. وی با افتخارترین امام اهل سنت است؛ امامی که مذهب/ مکتب فقهی اش با دستکم هفتصد میلیون پیرو در قاره‌های مختلف دنیا رقم خیره کننده ای را در میان امت اسلامی دارد. (ابن کثیر، ۱۸، ۲۰م: ۹۷) و غاوجی، ۱۴۱۳ - ۱۹۹۳م: ۴).

همچنان هنگامی که ما سایر شخصیت‌های عربی با اصالت افغانی را بررسی می‌کنیم، به ده‌ها شخصیت تمدن ساز برمی‌خوریم که می‌توان از جمله آنها به بشار بن براد، یکی از برجسته‌ترین شاعران تاریخ شعر عربی که در اصل متعلق به تخارستان بود، اشاره کرد. همچنین می‌توان از حسین بن ضحاک، مروان بن سلیمان خراسانی، شقیق بلخی، فضیل بن عیاض خراسانی، بشر حافی و شخصیت‌های بسیار علمی دیگر که اینجا امکان پرداختن به آن نیست؛ نام برد.

همه‌ی ما سید جمال الدین افغانی را می‌شناسیم، متولد اسدآباد افغانستان را که در سال ۱۸۳۹ میلادی زاده شده است. ایشان فیلسوف بزرگ با بصیرت دقیق و عمیق بود، یکی از

بزرگانی بود که نهضت بیدارگر شرقی معا صر را پایه‌گذاری نمود. وی در طول اقامت خود در هند، مصر، عراق و اروپا توانست به نهضت اصلاح طلبان روح حیات تجدید نمایند و دانشمند بزرگ مصری، شیخ محمد عبده و دیگر دانشمندان را در این مجال تربیت کنند. وی بر زبانهای عربی، فارسی و ترکی تسلط داشت و با زبانهای فرانسوی، انگلیسی و روسی آشنا بود، کتابهای زیادی نوشته است که مشهورترین آنها (تاریخ افغانستان) می‌باشد. (عما، ۱۴۳۰: ۲۲).

یکی دیگر از شخصیت‌های نامدار و علمی افغانستان عبدالحکیم افغانی فندهاری است؛ ایشان در سال ۱۲۵۰ میلادی در قندهار افغانستان متولد شده است، وی یکی از حقوقدانان حنفی و از دانشمندان فقه و حدیث بودند که در دمشق زندگی می‌کرد و در آنجا درگذشت. موصوف شروحات زیادی را بر کتابهای مختلف نوشته است، که از آن جمله می‌توان به کتاب کشف الحقائق، شرح شاطبی، حاشیه بر شرح بخاری، التعليقات علی الهدایه، شرح منار، حاشیه ابن عابدین، حاشیه بر تفسیر نسفی و... نام گرفت. (منی، ۲۰۱۷: ۴). متأسفانه این تصویر زیبا و درخشان از صفحات تاریخ افغانستان به دلیل درگیری و جاه‌طلبی‌های استعماری و ایدئولوژی‌های افراط‌گرایانه‌ی که افغان‌ها آن را رد می‌کنند و با آن مقابله کرده است؛ از انظار عمومی افتاده است و به گونه‌ی بر آنها تحمیل شده که چهره متمدن و با فرهنگ افغانستان را مخدوش کرده است.

آرمان احیاء فرایند تمدن سازی توسط افغانها و احیاء دوباره تمدن اسلامی

از دید نگارنده این سطور دهه‌ها جنگ سبب شده است که مردم جغرافیای بنام افغانستان بدون دسترسی قابل‌ملاحظه به کاروان ترقی سیر تاریخی خویش را بپیمایند، از کاروان علم عقب بمانند و چالش‌های بزرگ اجتماعی چون تعصب، خود بدبینی، اختلافات درونی، اختلافات سمتی، زبانی، نژادی و مذهبی دامن‌گیر این مردم شود.

چنین حالتی ارمان آور حس ناامیدی برای آینده در میان مردم شده و حس پرورش اهداف بزرگ در اذهان مردم را کشته است. در چنین جامعه به زبان آوردن عباراتی چون: این وطن ساخته نمی‌شود و امیدی برای آینده‌ی این کشور وجود ندارد؛ دیگر مذموم نبوده و نشان واقع‌بینی برای مردم و حتی کارشناسان و مدعیان علم است، اما نگارنده این سطور به این باور است که چنین جملات ناامیدکننده همان قدری که واقع‌بینانه می‌نماید دور از حقیقت بوده و عذری است برای ناکاری، کم‌کاری، فرار از مسئولیت، دنباله‌روی بیگانگان و سببی است برای شکستن اعتماد به نفس سازندگان این وطن.

بعضی‌ها حتی غیرم‌سئولانه ادعا می‌کنند که مردم این مرزوبوم همی‌شه در حالت جنگ بوده و هیچ‌گاه در آرامی به سر نبرده‌اند، اما باکمال تأسف باید بگویم که این ادعا تمسخری است به علمیت تاریخی و درک کوتاه این مدعیان! این مردم مانند مردم تمام جهان در

طول تاریخ شاهد صعود و زوال‌ها بوده‌اند و تا تاریخ است چنین خواهد بود. مردم افغانستان مانند سایر انسان‌ها نسل بشرند که نظر به عملکردها در هر برهه‌ی زمان باید قضاوت شوند و عام‌گویی چون این مردم بهترین و یا بدترین مردم دنیا هستند غلط‌ترین قضاوتی است که قاضیان خودمختار همیشه به آن مبادرت می‌ورزند.

با دیدن ظاهر قضیه (حالت فعلی مردم این کشور)، چنانچه ظاهرینان می‌بینند، خطاب تمدن‌ساز برای مردمی که در چنین حالت رقت‌بار به سر می‌برند خیال‌پردازی و اوهام‌پروری بیش نمی‌نماید، اما باید یادآوری کرد که زمانی که قرآن پیروزی رومی‌ها را بر امپراتوری فارس که در جنگ‌های پیاپی رومی‌ها را شکست داده بودند و بر قدرت‌تر و قوی‌تر نسبت به رومی‌ها می‌نمودند پیش‌بینی کرد، ظاهرینان چون امیه بن خلف، باورمندان این پیش‌بینی (مسلمانان) را استهزا کرده و به واقعیت‌گرایی آن پیش‌بینی را ناممکن می‌دانستند تا حدی که امیه بن خلف با حضرت ابوبکر صدیق -رضی‌الله‌عنه- صد شتر را مبنی بر واقع نشدن چنین پیش‌بینی شرط بست. اما در همین زمان بود که به گفته‌ی مؤرخ مشهور ادوارد گیبون (کتاب تاریخ صعود و نزول امپراتوری روم) هرقل امپراتور روم از یک مرد عیاش، خوش‌گذران و راحت‌طلب به یک مرد قهرمان، مردم‌دوست و شجاع مبدل شده و به‌زودی شیری شد که توانست امپراتوری روم را از بحران شکست بیرون نموده و دشمن قوی خویش را به شکست مواجه سازد و حتی لشکر وی داخل خاک فارس شده و بزرگ‌ترین آتشکده را ویران کند.

پس با نادیده‌گیری ظاهرینان و ظاهرینان می‌توان گفت: حالتی را که مردم افغانستان سپری می‌کنند حالت بی‌پیشینه نبوده و تاریخ شاهدهی می‌دهد که مردم سایر جغرافیایها حالت‌های همسان و حتی بدتر از این را سپری کرده و بانی تمدن‌ها، پیشرفت‌ها و ساخت‌وسازهای عظیم تاریخ بوده‌اند؛ اهل اروپای که امروز قسمت چشمگیر سیاست دنیا را رهبری می‌کنند گاهی عصر تاریکی و حالت رقت‌بارتر از مردم این مرزوبوم را پشت سر گذاشته‌اند. (السباعی، ۱۴۲۰: ۱۱۲).

از دید دینی و تاریخ دینی نیز اگر بنگریم امت‌ها و مردم قبلی صعود و نزول‌های زیادی را سپری کرده‌اند. بنی اسرائیلی که در رقت‌بارترین حالت تحت بردگی و شکنجه‌های فرعون به سر می‌بردند در زمان حضرت سلیمان و داود (علیهم‌السلام) به حکومت جهانی نائل آمدند. در این رابطه الله متعال می‌فرماید: « وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ». (الأنعام: ۱۶۵). ترجمه: و او خدایی است که شمارا جانشین گذشتگان اهل زمین مقرر داشت و رتبه بعضی را از بعضی بالاتر قرارداد تا شمارا در آنچه به شما داده (در این تفاوت رتبه‌ها) بیازماید) «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶). ترجمه: بگو بار خدایا تویی که فرمانفرمایی هر آن کس را که خواهی فرمانروایی بخشی و از هر که خواهی فرمانروایی را بازستانی و هر که را خواهی عزت بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی همه خوبی‌ها به دست توست و تو بر هر چیز توانایی) (وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ) (سوره آل عمران: آیه ۱۴). ترجمه: این روزگار را با اختلاف احوال میان خلایق می‌گردانیم).

بله! تاریخ شاهد تمدن سازان زیادی است که حالت همسان و بدتر از ما را تجربه کرده‌اند که دو مثال عمده‌ی آن اروپایان و عرب‌ها می‌باشد. اروپایی‌های که امروز علم بردار تمدن مدرن غربی می‌باشند، دنبال جهانی‌سازی ارزش‌های تمدن خویش در قالب سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ هستند و اکثریت جهان را دنباله‌رو خویش ساخته‌اند قبل از ۱۵۰۰ میلادی در حالت وخیم‌تر از حالت امروز افغان‌ها زندگی می‌کردند، مانند افغان‌ها که به خاطر رهبران شبه فئودال افغانی گه گاهی به جان یکدیگر می‌افتند، فئودال‌های اروپایی توده‌ها را به جان هم می‌انداختند، کشته‌های اختلافات مذهبی در اروپا تناسب بی‌شتر و قابل‌ملاحظه‌ی نسبت به اختلافات مذهبی ما بود و کم‌ارزش بودن علم در اروپای آن روز آشکارتر نسبت به افغانستان امروزی بود. عرب‌های که بانی درخشان‌ترین، عدالت‌محورترین و روشنگرترین تمدن تاریخ بشر محسوب می‌شوند، قبل از بعثت پیامبر ﷺ به بی‌سوادان مشهور بوده، در اوج جهالت دختران خویش را زنده به‌گور می‌کردند، با کوچک‌ترین اختلافات قبیله‌ی جوی‌های خون جاری می‌ساختند و از کاروان تمدن فرسنگ‌ها فاصله داشتند.

تاریخ گواه است که پدیده‌ی بنام تمدن از زمانی که تاریخ آن‌را به یاد دارد هیچ‌گاه از صحنه‌ی جهان محو نشده است و هر زمانی که یک تمدن روبه‌زوال رفته و در حال از بین رفتن بوده تمدن دیگری برای جایگزینی عرض‌اندام کرده و در حال شکل گرفتن شده است. جهان امروز به جایی رسیده است که یک تمدن (تمدن مدرن غربی) جهانی شده است و کمتر جامعه‌ی در جهان وجود دارد که از بعضی یا تمام ارزش‌های این تمدن متأثر نشده باشد. (علوان، ۱۳۸۴: ۶۸).

نکته‌ی قابل ذکر این است که انقلاب‌های اسلامی و هر انقلاب موفق دیگر شش مرحله را پشت سر گذاشته است:

۱. ایجاد دید (نظریه) و اشاعه آن؛ ۲. بسیج شدن به محور این نظریه؛ ۳. تربیت انقلابیون؛ ۴. صبر در مقابل عکس‌العمل مخالفین؛ ۵. مخالفت بدون خشونت؛ ۶. تصادم مسلح. این شش مرحله توسط حضرت پیامبر ﷺ چنان مدبرانه و دقیق رهبری شد که در مدت اندکی ۲۳ سال انقلاب به موفقیت رسید اما امروز آن حضرت ﷺ در بعد زمانی و مکانی ما به شکل فزیکتی موجود نیست تا دوباره امت بیضا را در کوتاه‌ترین فرصت به سوی عزت از دست‌رفته

رهبری کند اما آموزه‌های مصطفوی موجود بوده و طوری معلوم می‌شود که الله ﷻ حالات را طوری آماده ساخته است که امت به شکل طبیعی این مراحل را بپیماید. (البناء، ۱۳۸۸: ۵۷).

که اگر ما افغانها از این ارشادات استفاده بریم قطعاً و بدون تردید به فلاح و رفاه خواهیم رسید و تمدن واقعی اسلامی را ما خواهیم ساخت و دوباره احیاء خواهیم کرد.

نتیجه گیری

از دراسته و مطالعه ژرف روی کارکردهای تمدنی اسلام در می‌یابیم که سهم فرزندان افغانستان در شکوفایی و توسعه این تمدن والا شأن و انسانی چشمگیر و درخور ستایش بوده است. بویژه جهد علمی و تمدن ساز پرورش یافته گان ام البلاد (بلخ)، هرات، غزنه، پروان، تخارستان، قندهار و جوزجان... بر این مدعا صحه می‌گذارد، و بدیهی است؛ که این جهد روش مند روی صفحات تأریخ به قلم زرین حک شده است، و گاه‌نامه‌ها و گاه‌نامه نویسان منصف سهم ایشان را در رونق و تکامل این تمدن فراموش نخواهند کرد.

از بزرگان تمدن ساز هرات باستان؛ ابوالفضل منذری، شیخ الإسلام عبدالله خزرچی انصاری هروی شهیر به خواجه عبدالله انصاری، ابوالفضل محمد بن الحسن بیهقی و نحوی مشهور این دیار ابوالحسن هروی کسانی بودند که بیشتر از همه جهد تمدنی شان متبلور بوده است.

شهر ام البلاد (بلخ) در دامان خود چهره‌های شگرف و اثر گذاری هم‌چون ادیب چیره دست سعید بن مسعود بلخی، طبیب بی بدیل و فیلسوف بی نظیر ابن سینا، ادیب ظریف نگر مولانا جلال الدین بلخی و فیلسوف توانا ابوریحان البیرونی را پرورش داد که بی‌گمان مایه ابهت و افتخار اند.

امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله با افتخارترین امام اهل سنت و پایه گذار بزرگترین مذهب فقهی فرزندان پروان افغانستان است و به همین ترتیب تخارستان بشار بن براد و حسین بن ضحاک و مروان بن سلیمان خراسانی را پروریده است. سید جمال الدین افغانی و عبدالحکیم قندهاری فرزندان کثر و قندهار از شخیص ترین و درشت ترین شخصیت های گرامی و ماندگار در جوامع علمی اند.

امام ابن قتیبه بن سعید بغلانی، ابراهیم بن یعقوب بن اسحق سعدی جوزجانی، ملاعلی قاری حنفی هروی، جابر بن حیان، محمد بن موسی خوارزمی، زکریا رازی، ابو معشر جعفر بن محمد بن عمر بلخی از دیگر افتخار آفرینان و تمدن سازان این سرزمین اند.

خطه ای افغانی فرزندان نیک نامی در روند تمدن سازی و انکشاف تمدن اسلامی داشته است؛ که می‌شود توسط فرزندان حال حاضر اش نمونه و الگو قرار گرفته و نقش برجسته‌ای در این روند فوق العاده مهم و حیاتی از خود به تاریخ سپارند.

دانشمندان افغانی در امر توسعه تمدن و حضاره‌ای اسلامی کارکردهای قابل لمس‌ی در حوزه‌های تمدن مادی و معنوی دارند؛ که تواریخ اعم از اسلامی و غیر آن مفتخرانه برگه‌های خود را وقف ذکر آنها نموده‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر (۲۰۱۸م). **البدایة والنهایة**، ج ۱۰. وزارة الاوقاف والشؤون الاسلامیة. ادارة الشؤون الاسلامیة: دولة قطر.
۳. البناء، حسن (۱۳۸۸ هـ ش) **پیام بیداری**. مترجم: مصطفی اربابی، تهران: نشر احسان.
۴. السباعی، مصطفی (۱۴۲۰ هـ ق) **من روائع حضارتنا**. بیروت - لبنان. دارالورق لنشر والتوزیع. الطبعة الاولى.
۵. عاطفی، محمد حسین عبدالله (۱۴۰۱ هـ ش). **تمدن اسلامی**. پروان: واحد نشراتی مؤسسه تحصیلات دانش.
۶. علوان، عبدالله ناصح (۱۳۸۴ هـ ش) **دست آوردهای تمدن اسلامی و نقش آن در رنسانس**. مترجم: مولود مصطفایی، تهران: نشر احسان.
۷. عماره، محمد (۲۰۰۸م) **جمال الدین الأفغانی موقظ الشرق وفيلسوف الإسلام**. الناشر: دارالشروق.
۸. کوثر، نورالله (۱۳۹۲ هـ ش). **اسلام وعلوم کابل: انتشارات: رسالت**.
۹. مهندس، مالک بن نبی (۱۳۸۵ هـ ش) **نقش و رسالت مسلمان در ثلث قرن آخر**. تهران: نشر احسان.
۱۰. وهبی، سلیمان غاوجی (۱۴۱۳ ق - ۱۹۹۳ م). **ابوحنيفة إمام الأئمة الفقهاء**. الناشر: دارالقلم، دمشق.

Abstract

Afghans are counted among the forefather and pioneers of civilization.

This nation full of pride, from the beginning, is inclined to Islam and familiar with the light of truth and justice of Islam to spread and share this great blessing and divine favor with other residents of Balad Abad and to free them from the erosion of diseased and unwise rulers and leaders and to introduce them to a happy life.

And the guarantee of Mosafa' life in the last useful services in the history of letters has been recorded by themselves.

In this article, an attempt has been made to highlight the brilliant achievement of Afghan men in the development and flourishing of a well-known and successful Islamic civilization, both in the field of material and spiritual civilization and reflect many of the enduring works of the civilizing men of this land.

Should be given and there should be a solid answer to the illusory and empty claims of some detractors who, in general terms, ignore Islamic civilization's deep, impressive, and comprehensive criticism and achievements, and do not consider it as a reference in the Qatabe of periods of time, and still the efforts of afghans they have considered it as an ineffective and unprofitable military effort. On the other hand, it is a good tool to remove the mask from the deception of the civilization of those who attributed the material and spiritual achievements of the Afghan civilization to their own civilization builders, or who attached the identity of the land of the civilized men of this land to their geographical territory after the invasion.

Herat, Balkh, Kunar, Takharistan, Parwan Kandahar, and Jozjan along with other parts of our land of good name, are among the provinces whose civilization-building men and influential personalities have been given more attention, and in fact, they have the title of great civilization -builders. Radmardan has been mentioned as incomparable.

Keywords: civilization, civility, scientist, Islam, revival.

رعایت مصلحت عمومی در مسایل فقهی و قوانین وضعی

پوهندوی دکتور محمد الله بهادر و پوهندوی دکتور عبدالحق حنیف

چکیده

معنای مصلحت عمومی این است که نظام‌ها مصالح همگان را به قصد تأمین منافع اتباع و دولت مد نظر دارند. کشورها بمنظور تنظیم امور سیاسی، حمایت از حقوق و حاکمیت قانون اقدام به وضع قوانین و مقررات نموده، و به مراعات مصالح و منافع در نظام حقوقی تاکید دارند. مصلحت عمومی در قانون اسلامی یکی از منابع احتیاطی شمرده می شود در وقت عدم وجود دلیلی قطعی عمل به مصلحت عمومی و مرسله که توسط علما و مجتهدین استنباط شده واجبی می باشد زیرا مصلحت نیز از احکام شریعت اسلام استخراج شده است. رعایت مصلحت عمومی در کشورها به منظور استقرار اراده اکثریت و جلوگیری از اراده انفرادی، حفظ نظم و عدالت بجای بی نظمی، جلوگیری از انتقام جویی ها تأمین آزادی‌های مدنی، برقراری روابط بین افراد و حفظ نظم در جامعه، امریست اجتناب ناپذیر. مصلحت عمومی محور اصلی قانونگذاری بوده و قانون برای تأمین منافع علیای کشورها وضع می گردد. مصلحت‌ها که توسط قواعد حقوقی و احکام قوانین، مقررات، لوایح و فرامین تضمین می گردد، محل اهمیت و توجه نهادهای حقوقی و قانونگذاران شده است. قوانین وضعی همه کشورها مصالح و منافع‌شان را در نظر می گیرند. نوعیت تحقیق حاضر توصیفی — تحلیلی بوده که به واسطه داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای و قوانین وضعی نگاشته شده است. مصلحت عمومی در وضع قوانین و در مسایل فقهی نقش عمده را بازی کرده، زیرا تنظیم مصلحت جامعه و روابط افراد توسط وضع قوانین مهم است، بناءً همه افراد به آن احترام دارند. قوانین وضعی که مخالف قواعد اسلام نیستند، بحیث قانون الزام آور و کلی پذیرفته شده است.

کلمات کلیدی: مصلحت، نظام‌ها، قانون، شریعت، وضعی، کشورها و حقوق.

مقدمه

در هر زمان و مکان بشریت نیازمند شناخت مصالح خود می باشد، بنابر این انسان‌ها همیشه در سیاست و در قانونگذاری، مصلحت عمومی را رعایت نموده و نظام را مطابق مصالح عمومی و منافع علیای جامعه طرح ریزی می نمایند. همچنان مصلحت عمومی همیشه مورد توجه مجتهدین و علما فقه اسلامی قرار داشته باید قانونگذاران نیز مصلحت

عمومی را در وضع قانون رعایت نمایند. صلاح امت اسلامی در این است، که قانون در محدوده احکام شرعی ساخته شود و مصلحت عمومی و منافع علیای کشور را حین قانون ساختن در نظر داشته باشند.

نه تنها مصلحت عمومی در زمان حاضر با اهمیت بوده، بلکه در گذشته نزد سازمان‌های جهانی و جوامع بین‌المللی نقش بسزایی داشته و مصلحت عمومی و منافع مشترک علت اصلی هماهنگی و اتحاد کشورها را تشکیل داده است. اگر به تاریخ تحولات قانونگذاری کشورهای مترقی بنگریم همواره آنها منافع خود را از طریق سیاست و قانون بدست آورده، و این امر در حقیقت سبب تمدن و پیشرفت آنها شده است ولی در مقابل، دیگر کشورها از سیاست‌های غیر مشروع استفاده می‌کنند تا منافع خود را در جهان تأمین نمایند. با در نظر داشت توضیحات سوال اصلی که در حال حاضر مطرح است، این است که مصلحت عمومی در نظام حقوقی کشورها و در فقه اسلامی از چه جایگاهی برخوردار بوده، اهمیت حقوقی و شرعی آن چگونه بوده؟ و چه نقشی در امر قانونگذاری در نهادهای تقنینی، بازی می‌نماید؟

هدف این مقاله، توضیح و تبیین محورهای اصلی قانونگذاری در قوانین وضعی و قوانین شرعی است. همچنان توضیح اینکه قانونگذار حین تسوید و تهیه مواد قانونی چه استراتژی‌ری را در سیستم حقوقی خود در ساختن قوانین، مقررات، لوایح و طرز العمل‌ها دنبال کند، نگاشته شده است.

اهمیت تحقیق پیرامون موضوع کنونی اینست که توضیح میدهد اینکه؛ اقتضات حقوقی و سیستم قانونگذاری ایجاب آنرا می‌کند که قوه مقننه و نهادهای که می‌خواهند سیستم حقوقی خود را اصلاح و ترمیم نمایند، باید در حین وضع قوانین مصلحت عمومی را رعایت نموده و عوامل و فکتورهای موثر را در وضع قوانین در نظر بگیرند و رویکردهایی که باعث اصلاحات و تغییرات نظام حقوقی می‌شود، اعمال نمایند. اقدام‌های درست و بجا در زمینه تاثیر گذاری بر جرم زدایی و فساد صورت گیرد. در این تحقیق روی محور اصلی رعایت مصلحت عمومی در مسایل فقهی و قوانین وضعی بحث صورت گرفته، و با نتیجه گیری و پیشنهادات خاتمه می‌یابد.

اولویت مصالح و منافع در قانون

حقوق اساساً جهت تنظیم امور شهروندان به میان آمده است. هنگامیکه توده‌ها و افراد در یک قلمرو معین زندگی دارند، آنها دارای مصالح مشترک و یا مخصوص می‌باشند تا توسط قوانین تنظیم گردیده مصلحت عامه از منفعت خصوصی تمییز و جدا شود. زمانیکه مصلحت عمومی و مصلحت خصوصی با همدیگر در تناقض و در تعارض قرار گیرد برای رفع این تناقضات قواعد و قوانین تنظیم‌کننده وضع می‌گردد چنانچه به اثر استعمال حق

اگر ضرری به منفعت عمومی متوجه گردد، دفع ضرر حتمی می‌باشد. در حالت تعارض ضرر عام با ضرر خصوصی، ضرر عام با ضرر خصوصی دفع می‌شود (رمضان، ۲۰۰۹: ۱۷). این حکم در حالت تقدیم مصلحت عمومی به مصلحت خصوصی رعایت و تطبیق می‌شود.

۱) قوانین و نیازها: هدف از وضع قوانین رفع احتیاجات عمومی است. نخستین هدف قانونگذار ایجاد نظم و امنیت و تعیین حدود صلاحیت‌ها و وظایف افراد در روابط اجتماعی است و هدف قانونگذاری تعاون و همکاری، هر چه بهتر و برخوردار از نتیجه کار و کوشش یکدیگر در جهت تأمین مصالح و منافع و رفع نیازهای مادی افراد است. هر قانون تأمین کننده ارزش‌های معنوی انسان‌ها نیز می‌باشد. قانون باید در ضمن تأمین مصالح مادی با ارزش‌های معنوی انسان‌ها نیز هماهنگ باشد آن قانون آینده آل همه انسان‌ها است (برنامه آموزشی وزات عدلیه، ۱۳۹۳: ۳۴).

هدف از قانونگذاری تأمین مصالح و تحقق منافع علیای جامعه است. مصلحت عمومی و منافع عمومی و یا منفعت‌های خصوصی افراد در سیستم قانونگذاری از اهمیت و جایگاه عالی برخوردار بوده، قانون و فقه اسلامی ذاتاً متکفل تأمین مصالح و منافع علیایی جامعه و افراد می‌باشد. فقه اسلامی برای دفع فساد و ضرر از امت اسلامی قواعد و ضوابطی دارد، لهذا قانونگذار در حالت تسوید و تهیه اسناد تقنینی منافع و مصالح علیای کشور را در روشنی آن مدنظر داشته باشند.

اگر حین وضع قانونگذاری که به صورت قطعی و یا ضمنی، منجر به فساد و تضییع حقوق افراد جامعه گردد یا به مصلحت عمومی صدمه وارد کند، باید از وضع چنین قانون اجتناب ورزید. مثلاً فروختن انگور به شخصیکه شراب می‌سازد (صانع الخمر)، از نظر جمهور فقهاء حرام می‌باشد. این گونه احکام در فقه اسلامی سد الذرایع نامیده می‌شود. نهادهای حکومتی و قانونگذاری حرام را مباح ساخته نمی‌تواند. و در وضع قوانین از حکم شریعت اطاعت نموده، و به تأمین منافع عمومی و به دفع همه اشکال مفساد توجه داشته باشد.

۲) مسئولیت، حاکمیت و مصلحت عمومی: در وضع قانون مبانی هستند که در واقع از عوامل و اسباب تأثیرگذار حین قانونگذاری است و قانون هم به آنها اتکا دارد و نیز باعث تقویت قوانین می‌گردد، که عبارت اند: مسئولیت پذیری و حاکمیت قانون است. این عوامل، قانونگذار را به مصلحت عمومی نیازمند می‌سازد.

الف: مسئولیت پذیری در وضع قانون: تهیه قانون بهتر و موفق در یک جامعه باعث قانونمند سازی جامعه می‌شود، لهذا قانون باید طوری تسوید و وضع گردد که موافق نفع جامعه و افراد باشد، قانونگذار در وقت وضع قانون مردم را از مصلحت عمومی و از منافع عمومی آگاه سازد. قوانین جدید با اساسات حقوق اسلام و قانون اساسی و دیگر قوانین ملی و بین المللی سازگاری داشته باشند. تسوید کننده مشکلات را تشخیص نماید و در حل

مشکلات جامعه پالیسی مؤثری را طرح ریزی نموده و مشوره‌های مناسبی را در موضوعات حقوقی در هماهنگی با تطبیق پالیسی ارائه نماید، این عمل حقوقدان روح قوانین، مسئولیت پذیری را به بار می‌آورد (منصور، ۲۰۰۸: ۲۵). به این ترتیب می‌توان اظهار داشت که قانونگذار دارای مسؤلیت‌های متعدد از جمله مسؤلیت اخلاقی، وفاداری و نگهداری اسرار یک قانون قبل از نشر و توزیع آن می‌باشد.

ب: مسؤلیت اخلاقی قانونگذار. قانون در واقع شامل مبانی اخلاقی است و جامعه را متخلق به اخلاق حمیده تشویق و ترغیب می‌نماید. اخلاق بشری در تمام عرصه امری ضروری می‌باشد بنابر این قانونگذار مکارم اخلاق را رعایت نموده و خود را از خواهشات نفسانی و از بخل و عداوت پاک ساخته شروع به وضع قانون کند و از دنبال نمودن منفعت و مصلحت شخصی در خلال وضع قانون پرهیز نماید و از جایگاه قانونگذاری سوء استفاده نمایند.

قانونگذار در مقابل بیان و اظهار قانون مسؤلیت نهایی را دارا می‌باشد باید قانونگذار از تهیه، ترتیب و آماده سازی قانون که حاکمیت قانون را ضعیف می‌سازد و همچنین قانونگذار از طرح قوانین و اسنادی که حقوق اتباع و آزادی‌های افراد را نقض و آنها را به نحوی از أنحاء مخدوش می‌سازد، اجتناب ورزد.

ج. حاکمیت قانون: رعایت مصلحت عمومی باعث حاکمیت قانون می‌گردد. از مفاد و روح قوانین می‌دانیم که قانون برای تأمین سعادت ابناء بشری وضع می‌گردد. جنبه حاکمیت قانون بر بالای افراد جامعه تقویت داده شود. مصلحت عمومی تضمین کننده حاکمیت قانون است. نفع عمومی محور اصلی قانون، حقوق و تضمین کننده منافع عمومی می‌باشد اگر این، علت حاکمیت قانون بر بالای افراد جامعه است بنام در روح قوانین مصلحت عمومی رعایت گردد زیرا که این امر سبب تقویت، حاکمیت قوانین و باعث اطاعت افراد جامعه و حکومت از قوانین می‌گردد.

د: مکلفیت نهادهای دولتی در برابر قانون. مکلف بودن دولت به رعایت مصلحت عمومی و سایر منافع شهروندان، پیامدهای مثبت در پی دارد. حکومت از یک طرف ملزم به رعایت مصلحت عامه و آرایه خدمات عامه است، و از طرف دیگر برخی مواد قانون اساسی و قوانین عادی کشور حکومت را مکلف به رعایت مصلحت عمومی می‌کند. هیچ وقت دولت از این مصلحت‌ها و منفعت‌ها سر پیچی کرده نمی‌تواند و نهادهای قانون ساز و دستگاه عدلی و قضایی حین اجرای وظایف شان، مکلف به رعایت مصلحت عمومی می‌باشند.

مصلحت عمومی در فقه اسلامی

چنانچه قانون به اساس مصلحت عمومی و منافع علیایی وضع می‌شود. فقه اسلامی به مصلحت عمومی اهمیت بیشتری قائل است. تمام احکام شرعی و فقهی در برگیرند و شامل شونده مصلحت عمومی است لهذا اجماع امت و اجتهادات علما مصلحت عمومی را اساس و هدف خود قرار داده اند.

تعریف و اهمیت مصالح عمومی در شریعت اسلامی

تعریف مصلحت: عبارت از مصلحت است که دلیل شرعی بر اعتبار و إلغاء بودن آن اشاره نشده باشد، این مصلحت مطلقه نیز نامیده شده، زیرا، دلیلی بر اعتبار حکم شرعی و یا إلغاء بودن آن وجود ندارد. به گفته امام غزالی: "مصلحت در اصل عبارت از جلب منفعت (سود) و رفع مضرت (زیان) است. اما مراد از مصلحت سود و زیان عادی یعنی مقاصد خلق نیست؛ بلکه مراد ما از مصلحت، حفظ مقاصد شرع است (محمدی، ۱۳۹۰: ۶۵). عبارتند از: محافظت دین، جان، خرد، نسل و مال مردم» بنابر این، هر آنچه به حفظ این پنج اصل بینجامد، مصلحت است. و هر آنچه موجب از بین رفتن یکی از این اصول پنجگانه شود، مفسده و دفع آن مصلحت خواهد بود.

مصلحت عمومی (مرسله) در امور دین و دنیا نهایت مهم است. دین اسلام با داشتن منابع اصلی و احتیاطی نسبت به دیگر شرایع آسمانی قبلی و نظام‌های زمینی غنی می‌باشد، مصلحت عمومی از منابع احتیاطی است که توسط آن امکان ایجاد و إحداث تشریعات و قوانین جهت بررسی تمام تغییرات و حوادث زندگی، صورت می‌گیرد. تحقیق منفعت و پاسخگوی حاجت و مطالب امت اسلامی که روز به روز در حالت تجدد و پیشرفت می‌باشد از دیدگاه شریعت اسلامی بررسی شود و بر آن صبغه شرعی داده شود، زیرا به مسایل که قرآن کریم، سنت نبوی، إجماع و قیاس به آن اشاره نکرده باشد، باید مصلحت عمومی اساس قرار داده شود.

صحابه کرام و تابعین عزام به وقایع و حوادث طبق مصلحت عمومی حکم و عمل کردند که بیانگر اهمیت مصالح و منافع عمومی است. از عملکردها، أمثال و مواقف صحابه و تابعان اصحاب و ائمه مجتهدین پیروی شده است. مراجعه به مصلحت عمومی امر ضروری و حیاتی است چرا که بدون عمل به آن ایجاد حل و فیصله متعذر و دشوار خواهد بود به دلیل وسعت مشاکل فقهی و قانونی و به دلیل تفاوت شهرها در زندگی، عمل به مصلحت منحصر به گذشته نمی‌باشد بلکه در عصر امروزی جهت تأمین منافع بزرگ که باید آنها حفظ و مراعات شود نیازمندی به تطبیق اصول مصلحت عمومی احساس می‌گردد و عمل به مصلحت داوم دارد. مصلحت مرسله یکی از علایم تفوق فکر اسلامی و فقهی در مدت طولانی می‌باشد (صالح، ۲۰۰۰: ۳۲). به اساس مصلحت، حق ملکیت مطلق نمی‌باشد. لهذا

قیود متعدد بر ملکیت وارد می‌گردد به ویژه در ملکیت خصوصی، به همین ترتیب بالای قواعد و مبانی مصلحت مسئله قیود زیر مترتب می‌شود:

(۱) هر زمانی که منفعت خاص بالفرد با منفعت عمومی در تعارض و تناقض واقع شود، پس مصلحت و منفعت عمومی ترجیح داده می‌شود. ضرر عمومی باید توسط ضرر خصوصی دور ساخته شود.

(۲) اهمیت منفعت عمومی بالای منفعت خصوصی زیاد است.

(۳) منفعت عمومی در اغلبیت قرار دارد و عوض عادلانه برای منفعت خصوصی که در خطر افتیده باشد به علت رعایت منفعت عمومی، پرداخت می‌شود.

به همین دلیل منفعت عمومی به منفعت خصوصی ترجیح دارد، زیرا منفعت آن جامع و شامل بوده و خطرات ناشی از آن بزرگتر است. رعایت آن عدالت را بصورت عالی و بهتر تأمین می‌نماید. تقدیم و ترجیح منفعت خاص بالفرد در برابر منفعت عمومی ظلم و بی‌عدالتی است. (نذیر، ۱۳۹۱: ۳۸).

هدف شریعت اسلامی تأمین منفعت و تحقیق مصلحت مسلمان‌ها، مردم و افراد جامعه می‌باشد. احکام تکلیفی فقه از جانب صاحب شریعت بیهوده و بدون هدف وضع نشده است بلکه هدف اولی از آن تحقیق و تأمین مصلحت و منافع بندگان در روی زمین است، این ذاتش تکمیل رحمت الهی به آنها است.

بخشی از مقاصد شرعی تعبدی و توقیفی است به این معنی که جنبه عقلی ندارد و عقل در درک آن نقش ندارد، بنا بر این به آن حکمی بنا شود و مطلوب از مکلفین فقط اطاعت است و طبق توضیحات و مقررات شارع ایمان آورده و عملی نمایند. بعضی از احکام شرعی در ادراک آن عقل و اجتهادات علمی در معرفت مصلحت و منفعت دخیل می‌باشد. این قسم احکام شرعی به احکام عادی و معاملات مسمی شده مربوط به تعاملات انسان‌ها با بعضی شان است که در امور زندگی شان مربوط می‌شود (عمرو، ۱۹۹۸: ۴۵).

قانون شرعی و تثبیت مصلحت عمومی

هدف تقنین و تدوین احکام فقهی توحید احکام و مسائل متشابه است یعنی بر قاضی لازم است که در یک مسأله معین مطابق به نص حکم نماید. در تدوین احکام فقهی ایجاد سهولت مراجعه به احکام فقهی می‌باشد. قانون و احکام شریعت اسلام تثبیت کننده مصالح بشر و مسلمان‌ها است. پس نماز برای پاک و تهذیب نفس‌ها مشروع شده است، الله متعال می‌فرماید "وأقم الصلاة ان الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنکر" (سوره عنکبوت: ۴۵). روزه گرفتن برای تحقق معنی تقوی، تقویت عزیمت و تقویت اراده بر علیه خواهشات نفسی است، بنابر این، الله تعالی فرموده است: "کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون" (سوره بقره: ۱۸۳). بخاطر پاک ساختن نفس انسانی از کینه و بخل،

و پاک ساختن جامعه از دشمنی‌ها، جرمه مالی و زیادت مال و رشد آن، زکات مشروع شد (رمضان، ۲۰۰۲: ۳۵). چنانچه الله متعال فرموده است: "خذ من أموالهم صدقةً و تطهرهم و تزكهم بها" (سوره توبه: ۱۰۳).

همچنان حج برای تحقیق منافع بندگان است پس در کنفرانس عمومی جهان اسلام است که در آن مسلمان‌ها از دور دنیا جمع می‌شوند تا در امور مربوطه به امت اسلامی و در راه های وحدت آنها تبادل افکار نمایند تا به معنویات، فضایل، برابری و عدالت در میان بشر کمک کند. همین منوال دیگر احکام شرعی برای تحقیق مصلحت بندگان و تضمین سعادت آن‌ها در دنیا و در آخرت وضع گردیده است.

پیدایش انسان و جن برای عبادت الله است. بندگان خدا را در تمام امور زندگی شان اطاعت نمایند. از نواهی الله اجتناب ورزند پس این حقیقت عبادت و ایمان‌داری است چنانچه الله متعال فرموده: «وما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله أمرا ان يكون لهم الخيرة من أمرهم ومن يعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلالاً مبيناً» (سوره الاحزاب: ۳۶). پس برای مؤمنان و مسلمان در امر و فیصله الله و به امر پیامبر اکرم اختیار عدم اطاعت و یا اطاعت نیست و دیگر راهی نیست غیر از تسلیم شدن تام و اظهار رضایت به حکم الله، برابر است آن موافق خواهشات نفس بنده یا مخالف باشد.

عوامل و اسباب عمل به مصالح و منافع عمومی

اسباب که باعث عمل به مصالح مرسله یا عمومی می‌شود. عمل به مصلحت بطور مطلق نا جایز می‌باشد مگر آن اسباب که باعث عمل به آن می‌شود مانند وجود اسباب و علل در عمل به مصلحت ضروری، تحسینی و کمالی.

اول: اسباب عمل به مصلحت عمومی: این اسباب باعث تغییر روش از طریق اصلاح و إحداث احکام عمومی که به اثر آن تشریح و قوانین تضمین و تأمین سعادت بشری در جامعه می‌گردد. جمود در منقولات و عدم سازگاری با پیشرفت‌های زندگی گمراهی در دین، غفلت از مقاصد علما اسلام و سلف الصالحین است (صالح، ۲۰۰۰: ۲۸).

(۱) جلب منفعت باشد و مفهوم این عبارت از امور که مردم به آن نیازمند هستند برای تأمین حیات انسانی و برای اصول مستقیم استوار می‌باشد (الجابری، ۲۰۰۳: ۲۹).

(۲) دفع مفاسد که منجر به فساد و الحاق ضرر به افراد جامعه می‌گردد، برابر است آن ضرر مادی و یا معنوی باشد.

(۳) تغییر عصر و زمان یعنی در عادات، تقالید، اخلاق و وضعیت زندگی عمومی که از حالت گذشته بودند، در آنها تفاوت رونما گردد (الریسونی، باروت، ۲۰۰۰: ۸۷).

دوم: اسلام و ابعاد مصلحت بشر

اسلام دینی است که همه ابعاد زندگی انسان را در نظر گرفته و شریعت بر تحقق آن مصالح تاکید نموده است.

۱) **منفعت‌های ضروری:** به این منافع حیات انسان استوار است اگر این منافع نباشند، نظم جامعه برهم میخورد، بحران و فساد در سرزمین کشور حاکم می‌شود. امنیت و مصلحت به اختلال مواجه می‌گردد در جامعه استقرار و آرامش از بین می‌رود. منافع ضروری شامل امور پنجگانه می‌باشد مانند حفظ دین اسلام، نفس، نسل، عقل و مال است. بخاطر حفظ دین اسلام، جهاد مشروعیت پیدا کرد، نفس توسط قصاص و اخذ دیت در وقت تجاوز حفظ می‌گردد. حفظ نسل و نسب توسط تعیین حدود زنا، و حفظ مال، توسط تعیین حد سرقت صورت گرفته است. هدف حدود و مجازات مقرر در اسلام تضمین منفعت و مصلحت انسان‌ها بوده و ضامن کاهش تلفات است.

۲) **منافع تحسینی و حاجات.** این نوع مصالح و منافع عبارت از منافع که مردم بخاطر رفع حرج به آن محتاجیت دارند. احیانا آن منافع برهم خورد نظام زندگی افراد در جامعه برهم نمی‌خورد. فقط زندگی شان در حرج و تنگنا و به دشواری مواجه می‌گردد. احکامی را که این منافع در نظر داشته جهت رفع حرج از مردم مشروع شده است. مانند رخصت‌های شرعی: نماز چهار رکعتی در حالت سفر به دو رکعت قصر و رخصت شده است. جواز افطار در ماه رمضان در وقت بیماری یا در حالت سفر، را در بر می‌گیرد.

۳) **منافع امور کمالیه:** مانند، آداب خوردن، نوشیدن و پوشیدن لباس پاک در روز جمعه، و پوشیدن کالای نو در عیدین، این منافع فقط برای تکمیل و بجا آوردن عادات و تقالید است (نذیر، ۱۳۹۱: ۸۷). اما در نبودن آن کدام خلل در زندگی افراد وارد نمی‌شود. شریعت هم برای موجودیت وی بستگی ندارد.

سوم: محور اصلی سیاست شرعی مصلحت است. احکام منسوبه به سیاست شرعی ظنی می‌باشد. مقصود از سیاست شرعی عمل چیزی از جانب حاکم برای مصلحت در مواردی که در باره آن نص شرعی وجود ندارد به و یژه اموراتی که طبیعت آن بر یک حالت باقی نمی‌ماند بلکه مطابق تغییر و تبدیل حالت و مکان در حالت تغییر و تبدیل است.

یاران امام شافعی سیاست شرعی را تعبیر به مصلحت می‌کنند و آن را مرادف و مساوی مصلحت میدانند، صاحب شریعت تقدیر و تشخیص مصلحت را به پادشاه مسلمان و به حکام گذاشته است مثلاً آنها گفتند اخراج (تغریب) مجرم از طرف امام و حاکم تعیین می‌شود هر جای را که آن مناسب بداند، و مصلحت آن را تقاضا کند. مثال دیگر اینکه محتسب از کسب و حرفه نمودن با اشیاء لهو و لعب منع می‌نماید و گیرنده و دهنده آنرا تأدیب می‌کند و در ظاهر تعامل لهو و لعب مباح است از جانب شریعت ممانعت وجود ندارد و معصیت

نمی‌باشد و این ممانعت محتسب را مصلحت عمومی ایجاب می‌کند (عمرو، ۱۹۹۸: ۵۶). سیاست شرعی در نزد احناف توسط وضع قانونی که جهت رعایت آداب و مصالح و تنظیم زندگی مردم است صورت می‌گیرد. حکومت و قانونگذار به آن مصلحتی حکم می‌کند که ارتباط به آن دلیل شرعی وجود نداشته باشد.

موجودیت حکم به اساس مصلحت و منفعت خود بخودی ثابت می‌گردد (الجابری، ۲۰۰۸: ۷۶). لہذا مصلحت اصل پذیرفته شده در امور قانونگذاری اسلامی و حقوقی است و وظیفه قانونگذار یا رئیس دولت است مصلحت عمومی را به عنوان یک وجیبه دینی و حقوقی تبدیل نماید، تا که دولت اسلامی تضمین کننده بهتر برای تحقق مصلحت و دفع ضرر گردد.

همچنان سیاست شریعت و قانون در حالت متغیر و غیر ثابت است، چرا که این تغییر ضروری است، که طبق مصلحت و منفعت عمومی تغییر و تبدیل می‌شود. در هر زمان و مکان است هرگاه مصلحت وجود نداشته باشد پس تداوم بر عمل سیاست شرعی نادرست است زیرا در وقت منتفی بودن مصلحت که اساس حکم شرعی را تشکیل میداد و مشروعیت دینی داشت، بعد از اینکه بر آن کدام مصلحتی وجود ندارد، به استمرار و دوام آن کدام فایده مترتب نمی‌گردد.

قوانینی که برای تنظیم مصلحت ملت وضع می‌گردد. اهداف پادشاه و رؤساء در آن قوانین مغایر شریعت اسلام، دنبال نکنند. باید معصیت خالق هم در آن نباشد، مردم بخاطر مصلحت و منفعت عمومی از قوانین مذکور اطاعت و تطبیق می‌کنند. این در صورتی است که احکام صریح وجود نداشته باشد. اما حکم شرعی و صریح وجود داشته باشد، عمل به آن قوانین ممنوع است. چونکه مخالفت آن از لحاظ حکم شرعی نادرست می‌باشد (عمرو، ۱۹۹۸: ۷۶).

۴) نظریات علما در مورد حجیت مصلحت عمومی یا مرسله: جمهور علما حکم به صحت استدلال و عمل به مصلحت مرسله می‌کنند، که در مورد آن کدام حکم صریح از جانب شریعت اسلامی وجود نداشته باشد. در مقابل تعدادی از دانشمندان اسلام حکم به عدم جواز کرده‌اند که عمل به مصلحت مرسله نادرست بوده و از حجیت شرعی برخوردار نمی‌باشد (الریسونی و باروت، ۲۰۰۰: ۳۵).

اما اینکه مصلحت مورد حمایت شریعت قرار گرفته است، پس این امر در نزد علما اصول فقه ثابت است. قواعد شرعی که به اساس اعتبار مصلحت مرسله یکی از دلیلهای احتیاطی و از منابع قانونگذاری می‌باشد. غیر از این بعضی از قواعد دیگری است در اساس و ذات خود مصلحت عمومی را رعایت و در نظر دارند و احکام شرعی مصلحت مذکور را اساس قرار داده است مانند استحسان از دلیل احتیاطی شمرده شده و در بسیار حالت

مصلحت عمومی و عدالت را مورد توجه قرار داده است، و سد الذرایع نیز محصول دفع مفسد است.

یاران پیامبر گرامی صلی الله علیه و سلم که ارتباط به آن دلیل اثبات و إلغاء ذکر نشده است و بر حجت بودن مصلحت مرسله حکم نموده است. مثال‌های که مصلحت عمومی و مرسله اساس حکم شرعی آنها را بیان می‌کند عبارت‌اند: حضرت ابی بکر عمر بن الخطاب را به عنوان جای نشین خود اختیار نمود تا که امیر المؤمنین و خلیفه مسلمانها شود این بخاطر تحقق مصلحت و تامین منافع مسلمانها صورت گرفت و در این جای نشینی کدام دلیل قطعی شرعی وجود ندارد، زیرا که رسول اکرم صل الله علیه و سلم بعد از خودش برای تولی و تصاحب امامت به کسی اشاره نکرده بود (زیدان، ۱۹۹۹: ۸۷).

جمهور علماء عقیده دارند که مصالح مرسله در بنای احکام شرعی حجت شده می‌تواند. علاوه ازین حکم صریحی به اعتبار و إلغاء مصلحت مذکور وجود ندارد بناء دلایل و شواهد مستنده که جمهور ذکر کرده اند، می‌توانیم به آن حکم نمائیم تا که احکام شرعی پیشرفتهای زمان و مکان را تحت پوشش خود قرار دهد. و اما گفته بعضی که مصلحت مرسله با وحدت و عمومیت دین اسلام سازگار نمی‌باشد این گفتار بی اساس و باطل است زیرا که احکام شرعی تمام مصلحت‌ها را در نظر دارد. مقاصد شرعی که در واقع تأمین کننده منافع مردم بوده و برای رفع نیازمندی‌ها می‌باشد، این امر با عمومیت شریعت اسلام در تضاد نمی‌باشد. عمل نمودن به مصلحت مرسله که وجود مصلحت را اساسگذاری می‌کند، از علائم تطبیق شریعت می‌باشد.

شروط عمل به مصلحت عمومی و مرسله: شرایط قبولیت مصالح مرسله به

عنوان ضرورت شرعی از جانب طرفداران و مؤیدین آن قرار ذیل است:

(۱) باید مصلحت حقیقی و واقعی باشد نه وهمی و ظنی: مراد مجتهد از بنای حکم به مصلحت مرسله اثبات جلب منفعت و دفع ضرر و فساد بوده و این تقاضای موازنه و مقایسه میان نفع و ضرر می‌باشد و در صورت عدم موجودیت مصلحت میان نفع و ضرر، مصلحت وهمی می‌باشد. مثال مصلحت حقیقی: سلب حق طلاق از شوهر در تمام حالات و سپردن صلاحیت طلاق برای قاضی منجر به ازهم‌پاشیدن نظام خانواده و جامعه می‌گردد.

(۲) شرط دیگری عمل به مصلحت این است که آن مخالف حکم ثابت شرعی یا اجماع نباشد پس هرگاه مصلحت مغایر و خلاف حکم صریح و اجماع باشد لغو است و اعتبار شرعی ندارد مثلاً اگر حکم کرده شود به برابری پسر و دختر در میراث به اساس مصلحت پس این گونه مصلحت باطل است، بخاطریکه خلاف حکم صریح قرآن بوده است. الله متعال می‌فرماید "لذکر مثل حظ الانثیین" در مال میراثی برای یک مرد، دو حصه یک دختر است.

۳) شرط دیگری عمل به مصلحت عمومی بودن آن است نه اینکه شخصی باشد. هدف این مصلحت تثبیت و تعیین حکم به اساس مصلحت که جلب منفعت و دفع زیان از عموم امت اسلامی می باشد نه برای تأمین منافع شخصی، عده اشخاص، فرد معین و گروه معین باشد. مثال سپر قرار دادن کفار مسلمانها را تا که مسلمانها آنها را قتل نکند و لکن کفار به این سپر استفاده نموده مسلمان دیگری را به شهادت می‌رساند پس درین صورت مسلمانها برای تأمین مصلحت عمومی دیگر مسلمانان میتوانند کفار را هدف قرار دهند ولو اینکه مسلمان اسیر نزد کفار من حیث سپر انسانی از بین برود مشروط بر اینکه نیت آنان هدف قرار دادن مسلمان نباشد.

۴) شرط اخیر عمل مطابقت مصلحت مذکور با مقاصد شرعی که توسط آن تأمین می‌گردد، پس هرگاه مصلحت با مقاصد و اهداف شرعی مطابقت نداشت اعتبار شرعی ندارد (رمضان، ۱۹۹۸: ۳۷).

علاوه بر آنچه توضیح شد، رعایت شرایط زیر باعث تقویت قانونمندی شده و در تأمین مصالح مردم مفید تمام می‌شود:

- در قانون مصلحت تمام اقشار، اقوام و وحدت ملی رعایت شده و سیاست‌های افغانستان در نظر گرفته شود.
- در قوانین موضوعه احکام شریعت اسلام بطور کامل رعایت شده و از هرگونه مغایرت و مخالفت با دین مبین اسلام پرهیز گردد.
- تمام افکار و خواسته ملت و دولت در قوانین گنجانیده شود و نیازهای اتباع برآورده شود، همچنان جلب منفعت و دفع مفسده هدف اصلی قانون باشد.
- قوانین از لحاظ تطبیق یکسان باشد. فرق اندک میان مقامات حکومتی و غیر دولتی وجود نداشته باشد.

بعض اجتهادات فقهی بر اساس مصلحت عامه (مرسله)

در مذاهب اسلامی اجتهاداتی وجود دارد که بر مصلحت مرسله استوار می‌باشد، از آن جمله: مالکی‌ها در صورت عدم موجودیت مجتهد حکم به جواز فتوی امام که به درجه مجتهد نرسیده باشد، می‌دهند. جمع آیات قرآن کریم در یک مصحف، و مصلحت ایجاد زندانها برای مجرمین (زیدان، ۱۹۹۹: ۹۷)، بقاء سر زمین عراق و شام در نزد صاحبان اصلی شان و اخذ خراج از آن در عهد عمر بن الخطاب. همچنان مقرر نمودن تکس و مالیات بر اغنیاء و سرمایه داران در صورت خالی بودن بیت المال یعنی خزانه عمومی از مال لازم جهت برآوردن مصارف ضروری دولت مانند پوره ساختن نیازمندی‌های ارتش تا زمانکه در بیت المال مال پدید آید و تا زمانکه در آن چیزی کافی یافت شود. در مورد جراحات و

زخم‌های اطفال شهادت اطفال را بر یکدیگر شان بخاطر مصلحت جواز داده اند چون عادتاً در بازی اطفال غیر شان وجود ندارد و شرط بلوغ در آنها تکمیل نشده باشد که از جمله شروط عدالت در شاهد می‌باشد.

شافعی‌ها گفته‌اند: تلف ساختن حیوانات جواز ندارد اما اگر از آن برای قتل مسلمانان استفاده کرده شود، پس تلف حیوانات مذکور جواز دارد. از بین بردن درخت نیز نادر است اما در صورتیکه ضرورت جنگی و یا ظفر یابی و غلبه بر دشمن مستلزم این کار باشد جواز دارد. حنفی‌ها می‌گویند: وسایل و گوسفندهای که مسلمانان از حمل آن و دیگر اشیای که از غنیمت حاصل نموده‌اند عاجز آیند سوزاندن و نابود ساختن آنها جواز دارد همچنان سوزاندن گوشت و وسایل دیگر تا دشمن از آن نفع و سود نبرد. (زیدان، ۲۰۰۴: ۹۰).

نتیجه گیری:

از آنجائیکه احکام شرعی و حقوقی، مبنای سیستم‌های حقوقی کشورها می‌باشد: قانون برای عموم مردم ساخته می‌شود. مصلحت عمومی توسط احکام شریعت اسلامی و قوانین و ضعی تعیین و تشخیص می‌گردد که این مصلحت عمومی در واقع ترسیم کننده نقشه راه قانونگذاری می‌باشد. هدف قانون تنظیم امور عمومی است لهذا همیشه هدف از وضع قوانین تامین امنیت و برقراری یک سیستم حقوقی که بتواند جمع کثیری از مردم را به اطاعت و فرمانبرداری سوق دهد. اساس زندگی انسان‌های متمدن قانون بوده و در سایه قانون، عدالت و انصاف به وجه احسن تامین و ارزش‌های انسانی معنی و مفهوم پیدا کرده و مورد احترام قرار می‌گیرد. فرایند وضع قوانین مراحل مختلفی را طی می‌کند. دستگاه‌های مختلف و متنوع در این فرایند سهیم بوده و ادارات مختلفی اجرائی و تقنینی قانون را تقنین و تهیه نموده و بعنوان قانون رسمی به جامعه تقدیم می‌دارند. اگر در قانونی که منافع دولت، ملت و مصلحت عمومی، در نظر گرفته نشود، آن قانون ناقص و معیوب است. فرهنگ قانون پذیری سالم به مصلحت مردم افغانستان است.

قوانین و ضعی در زمینه حفظ مصالح عمومی، از قواعد و احکام شریعت اسلامی الهام گرفته نقش خویش را در ایجاد آرامش و رفاه اتباع کشورها داشته است.

منابع و مأخذ

١. برنامه آموزش آموزگاران (١٣٩٣) (تحقيق و پژوهش حقوقی — تهيه وطی مراحل اسناد تقنينی) رياست عمومي تقنين وزارت عدليه. افغانستان.
٢. حسين، منصور قاسم حسين. (٢٠٠٨). حق الملكية في ذاته. القاهرة: دار النهضة العربية.
٣. الجابري، دكتور محمد عابد (٢٠٠٨). الدين و الدولة و تطبيق الشريعة، بيروت: مركز دراسات الوحدة العربية.
٤. رمضان، عبد العزيز. (٢٠٠٢) تاريخ التشريع الاسلامي و مصادره، مصر: دار النهضة العربية.
٥. الريسوني، الدكتور أحمد. بروت، محمد جمال (٢٠٠٠). الاجتهاد بين النص والمصلحة والواقع. دمشق: دار الفكر العربي. حسين، منصور قاسم حسين. (٢٠٠٨). حق الملكية في ذاته. القاهرة: دار النهضة العربية.
٦. زيدان، دكتور عبد الكريم (١٩٩٩). المدخل لدارسة الشريعة الاسلامية، لبنان: مؤسسة الرسالة.
٧. زيدان، دكتور عبد الكريم. (٢٠٠٤) الوجيز في اصول الفقه، لبنان: مؤسسة الرسالة.
٨. الشاطبي، الموافقات للامام الشاطبي: ٢ جلد، بي.جا.
٩. صالح، عبد الله محمد (٢٠٠٠) الم سلحة المر سلة و تطبيقاتها المعاصرة، مجلة جامعة دمشق. المجله ١٦ — العدد الاول.
١٠. عمرو، دكتور عبد الفتاح. (١٩٩٨) السياسة الشرعية في الاحوال الشخصية، الاردن: دار النفايس.
١١. غزالي، الامام محمد (١٩٩٧). المستصفي من علم الأصول. تحقيق. لبنان: مؤسسة الرسالة.
١٢. محمدی، عبد العلی (١٣٩٠) حقوق اداري افغانستان. کابل: عرفان.
١٣. نذيرداد محمد نذير، (١٣٩١) اساسات حقوق اسلام. کابل: رساله.

خلاصه البحث

معنى المصلحة العامة هو أن الأنظمة سواء كانت تلك الانظمة دينية أو سياسية أو قانونية، تراعى المصلحة العامة من أجل ضمان مصالح المواطنين والحكومة و من أجل تنظيم شؤونهم وحماية الحقوق وسيادة القانون، سنت الدول قوانين وأنظمة، وتؤكد من خلالها على احترام المصلحة العامة فى النظام القانوني. تعتبر المصلحة العامة فى الشريعة الإسلامية من المصادر الاحتياطية عند عدم وجود أسباب محددة للعمل على المصلحة العامة التى يستنتجها العلماء والمجتهدين واجبة العمل بها لأنها مستمدة من أحكام الشريعة الإسلامية و الفقه الإسلامى. مراعاة المصلحة العامة فى البلدان من أجل ترسيخ إرادة الأغلبية ومنع الإرادة الفردية، والحفاظ على النظام والعدالة بدلاً من الفوضى، ومنع الانتقام التقليدى، وتوفير الحريات المدنية، إن إقامة العلاقات بين الناس مطلب سياسى و ضروره حفظ النظام فى المجتمع أمر لا مفر منه. المصلحة العامة هى المحور الرئيسى للتشريعات ويتم سن القانون لضمان المصالح العليا للبلاد. أصبحت الوسائل، التى تضمنها القواعد والمواد القانونية واللوائح والتشريعات والمراسيم، مكاناً مهماً واهتماماً للمؤسسات القانونية والمشرعين. جميع قوانين الدول تؤكد على مصالحها. طبيعة البحث الحالى وصفية تحليلية تتم كتابتها من خلال بيانات ومعلومات المكتبات وقوانين الدول. لعبت المصلحة العامة دوراً رئيسياً فى وضع القوانين والفقه الإسلامى، لأن الغرض من وضع القوانين هو تنظيم مصلحة المجتمع والعلاقات بين الأفراد، لذلك يحترمها جميع الناس. يتم قبول قوانين الدولة التى لا تتعارض مع أحكام الإسلام كقوانين ملزمة وعامة.

الكلمات المفتاحية: المصلح، الانظمة، القانون، الشريعة الإسلامية، المصادر، البلدان و الحق.

معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی در کود جزا

پوهنیار سیف الدین جاهد

۱. چکیده

معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی، یکی از راهکارهای مؤثر در جهت استقرار اصل فردی کردن مجازات‌ها و تشویق مجرمین به انصراف از ادامه ارتکاب جرم و تلاش برای جلوگیری از اشاعه آثار زیان بار آن می‌باشد. معاذیر قانونی اموری است که قانونگذار تعیین نموده و تأثیر آن‌ها در پاره موارد معافیت مطلق مرتکب جرم از مجازات است (معاذیر معاف کننده از مجازات) و در مواردی هم موجب آن است که قاضی مجازات مرتکب را حتی از حد اقل مقرر در قانون کمتر تعیین نماید (معاذیر قانونی تخفیف دهنده مجازات). احوال مخففه قضایی اوضاع و احوالی هستند که در صورت وجود بعضی شرایط، قانونگذار اختیار تخفیف را به محکمه اعطا نموده که در مقام تخفیف می‌تواند مجازاتی را کاهش یا به مجازات مساعد دیگر تبدیل نماید. در مورد معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی کدام اثر مستقل وجود ندارد و تنها در کتب تعدادی از حقوقدانان به طور مختصر و کوتاه روی آن بحث شده است. تحقیق روی این موضوع از این جهت با اهمیت است که قضات در هنگام رسیدگی قضایا، با نظر داشت بر اصل فردی بودن مجازات و رعایت آن حکم صادر می‌نمایند. هدف این تحقیق، بررسی معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی در جزایم تعذیری در پرتو کود جزای افغانستان است. نوع این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی در کود جزا بر تعیین مجازات تأثیر دارد و در مواردی باعث معافیت و در موارد دیگر باعث تخفیف مجازات مرتکب جرم می‌گردند.

کلید واژه‌ها: جرم، جزا، انگیزه جرمی، معاذیر قانونی، احوال مخففه قضایی.

۱. مقدمه

قانونگذار در بسیاری از موارد مجازات‌ها را به دلایلی تخفیف می‌دهد و یا امکان اجرای آنها را غیر ممکن می‌سازد. این موضوع تحت عنوان معاذیر قانونی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. به عنوان مثال ماده ۵۱۹ کود جزا در مورد معافیت از مسئولیت جزائی و تخفیف مجازات در جرم قاچاق انسان تصریح می‌دارد؛ هرگاه شخصی که به نحوی از انحا با

قاجا قیر از سان یا گروه جنایت کار همکاری دارد، قبل از ارتکاب جرم مراجع مسئول را در افشاء و گرفتاری مساعدت نماید از مسئولیت جزایی معاف می‌گردد؛ اگر این کار بعد از ارتکاب جرم صورت بگیرد که منجر به گرفتاری سایر اعضای گروه سازمان یافته جرمی گردد محکمه به تخفیف مجازات پیش بینی شده در مورد وی حکم می‌نماید. در این کیفیات یا معافیت‌ها علی‌الاصول و در شرایط عادی قاضی باید به مجرد حصول یقین، در اعمال آنها اقدام کند. به عبارت دیگر صدور حکم با توجه به این کیفیات اجباری و الزامی است. اما علاوه بر این کیفیات معاف‌کننده و مخففه قانونی؛ کیفیات مخففه دیگری نیز وجود دارند که در اختیار محاکم است و احوال مخففه قضایی نامیده می‌شوند. ماده ۲۰۹ کود جزا در مورد تصریح می‌نماید که محکمه علاوه بر احوال مخففه قانونی مندرج این قانون، احوال مخففه قضایی را از اوضاع و احوال مربوط به جرم و متهم استنباط می‌نماید. اعمال این کیفیات وقتی است که محاکم به دلایلی صدور حکم مجازات شدید را برای مرتکب جرم، سنگین می‌دانند و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری می‌شناسند. آنچه که باید به آن توجه کرد این است که در جرایم حدود، قصاص و دیت کیفیات مخففه هیچ تاثیری ندارند. اما در جرایم تعزیر، معاذیر قانونی و کیفیات مخففه در نوع و مقدار مجازات مؤثر است. تحقیق روی این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که قضات محاکم در رسیدگی قضایای جنائی مکلف به رعایت معاذیر قانونی اند و در اعمال احوال مخففه قضایی مختار اند که آنرا در نظر بگیرند یا نگیرند. صدور حکم با در نظر داشت معاذیر قانونی و احوال مخففه در واقعیت امر اجرای یکی از اصول اساسی محاکمه عادلانه که اصل فردی کردن مجازات است، می‌باشد. سوال اصلی در این تحقیق این است که معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی چیست و چه تأثیری بر تعیین مجازات دارند؟ موضوعات مورد بحث در این نوشتار در دو مبحث ترتیب گردیده است قسمی که در مبحث اول تعریف اصطلاحات، در مبحث دوم معاذیر قانونی، انواع و تأثیر آن بر تعیین جزا و در مبحث سوم احوال مخففه قضایی و تأثیر آن بر تعیین جزای مرتکب جرم مورد بررسی قرار گرفته است. در اخیر یک نتیجه گیری مختصر از موضوعات ارائه شده صورت گرفته است؛ که بیان‌کننده خلاصه یافته‌های این تحقیق است.

۲. تعریف اصطلاحات

قبل از آن که به بررسی اصل موضوعات پرداخته شود، تعریف و توضیح چند اصطلاحی را که در این نوشتار بیشتر استفاده شده است لازم می‌دانم.

۲,۱. معاذیر قانونی: معاذیر در لغت جمع عذر است. عذر به معنای بهانه و دست آویز است. (البلبکی، ۱۳۸۸: ۷۱۷) قانونی به معنای مربوط به قانون، حقوقی یا منسوب به قانون. معاذیر قانونی به معنای عذر های قانونی و یا بهانه و دست آویز قانونی. معاذیر قانونی در اصطلاح عذر ها و حالاتی اند که به موجب آن شخص بر طبق قانون بطور کلی از مجازات معاف می‌گردد و یا مجازات آن تخفیف داده می‌شود. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۳۴) معاذیر قانونی اموری هستند که از طرف قانونگذار پیش بینی شده است و خاصیت آن از بین بردن یا کم کردن مجازات است. مطابق ماده ۲۱۲ کود جزا، معاذیر قانونی، حالات و مواردی است که موجب معافیت، تخفیف جزا و یا تبرئه از جزا می‌گردد. رعایت معاذیر قانونی در اصدار حکم از سوی محکمه اجباری است و محکمه مکلفیت دارد در حکم خود معاذیر تبرئه کننده و تخفیف دهنده را تصریح نماید.

۲,۲. احوال مخففه قضایی: این اصطلاح از سه واژه ترکیب شده است. احوال در لغت جمع حال است و حال به معنای حالت، وضع، هیئت، اوضاع و احوال و موقعیت می باشد. مخففه با کسر (ف) به معنای تعدیل کننده، تسکین دهنده و آرام کننده است و قضایی به معنای مربوط و منسوب به قضاء است. (البلبکی، ۱۳۸۸: ۸۲۴) احوال مخففه قضایی در لغت به معنای حالات و کیفیاتی است که قاضی محکمه در صورت موجودیت آن جزای مرتکب جرم را تخفیف می‌دهد یا کم می‌نماید. کیفیات مخففه ای که مورد نص قانون (با ذکر عنوان کیفیت) قرار گرفته باشد مانند رساندن مصدوم به نقاط ممد معالجه توسط راننده متخلف. (لنگرودی، ۱۳۸۵: ۵۸۰) در اصطلاح کیفیات مخففه قضایی مواردی است متعلق به شخص مرتکب جرم و یا حالات، کیفیات، اوضاع و شرایط جرم و مجرم که قانونگذار صلاحیت آن را به قاضی واگذار کرده است تا با رعایت شرایط و اوضاع، در مورد متهم تطبیق کند. (ر سولی، ۱۳۹۶: ۵۷۸) در اینجا قانون گذار اختیار تخفیف را به محکمه اعطا نموده که در مقام تخفیف می تواند مجازاتی را کاهش یا به مجازات مساعد دیگر تبدیل نماید. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۵۵) مطابق ماده ۲۰۹ کود جزا، محکمه علاوه بر احوال مخففه قانونی مندرج این قانون، احوال مخففه قضایی را از اوضاع مربوط به جرم و متهم استنباط می‌نماید. اعمال کیفیات مخففه برای محکمه برخلاف معاذیر قانونی جنبه اختیاری دارد.

۲,۳. انگیزه جرمی: حالت روانی که مرتکب رابه ارتکاب جرم میکشاند. انگیزه جرمی تمایلات خودآگاه یا ناخودآگاهی هستند که رغبت و شوق را برای ارتکاب جرم در مجرم ایجاد می‌کند، چون مهر، مهبت، حسادت، خشم، کینه و مانند اینها. (رسولی، ۱۳۹۶: ۳۰۶) استفانی انگیزه را سود، ذوق و احساسی می‌داند که اراده یک شخص را به سوی ارتکاب جرم سوق می‌دهد و موجب بروز جرم می‌شود یا علت و تعیین کننده عمل جنایی است.

(نیا، ۱۳۷۰: ۸۰) ماده ۴۶ کود جزا انگیزه جرمی را در رابطه به عنصر معنوی بی تأثیر دانسته و تنها در تعیین حد اقل و حد اکثر مجازات موثر می‌داند. میان قصد مجرمانه و انگیزه تفاوت وجود دارد. قصد مجرمانه اراده ارتکاب رفتاری است که قانون آنرا جرم شناخته است. مثل قصد قتل انسان زنده که مرتکب با اراده آزاد و به خاطر حصول نتیجه مشخص دست به این عمل می‌زند؛ اما انگیزه علتی است که مرتکب را وادار به انجام رفتاری می‌کند و مربوط احساس شخص است که عمل جرمی را روی چه اسبابی مرتکب می‌شود، با انگیزه شریفانه و یا انگیزه دنی و پست. که مطابق ماده ۲۰۸ کود جزا محکمه مکلف است هنگام تعیین جزا، انگیزه و ماهیت جرم، تناسب خطر و زیان اجتماعی یا فردی جرم ارتکابی، شخصیت، احوال و سوابق متهم، احوال مخففه و مشدده جرم را در نظر گیرد. بر اساس ماده فوق محکمه مکلفیت دارد در هنگام تعیین جزا انگیزه جرم را در نظر بگیرد. انگیزه شریفانه مطابق بند یک فقره دوم ماده ۲۱۳ کود جزا، به حیث یکی از موارد احوال مخففه مسئولیت جزایی پیش بینی شده است.

۳. معاذیر قانونی در کود جزا

فقره یک ماده ۲۱۲ کود جزا معاذیر قانونی را حالات و مواردی دانسته است که موجب معافیت، تخفیف و یا تبرئه از جزا می‌گردد. در ادامه، ماده متذکره مقرر می‌دارد که موارد معافیت، تخفیف و تبرئه کننده جزا در این قانون تصریح می‌گردد. معاذیر قانونی اموری هستند که قانونگذار تعیین نموده و تاثیر آن‌ها در پاره ای موارد معافیت مطلق مرتکب جرم از مجازات است و در مواردی هم موجب آن است که قاضی مجازات مرتکب را حتی از حداقل مقرر در قانون تنزل میدهد. (رسولی، ۱۳۹۶: ۴۵۵) معاذیر قانونی در واقعیت امر عذر هایی اند که قانونگذار در صورت موجوبیت آن‌ها جزای مرتکب جرم را در بعضی حالات قابل عفو و در بعضی موارد دیگر قابل تخفیف دانسته است. طوری که معلوم است هیچ امری عذر قانونی تلقی نمیشود و به استناد آن نمی‌توان مرتکب را از مجازات عفو نمود و یا در مجازات آن تخفیفی پذیرفت مگر آنکه آن امر صریحاً در قانون عذر قانونی تلقی شده باشد و اثر آن را هم که معافیت مرتکب از مجازات و یا تخفیف مجازات است قانونگذار مشخصاً معلوم نموده باشد. بر اساس ماده ۲۰۸ کود جزا محکمه مکلف است هنگام تعیین جزا، انگیزه و ماهیت جرم، تناسب خطر و زیان اجتماعی یا فردی جرم ارتکابی، شخصیت، احوال و سوابق متهم، احوال مخففه و مشدده جرم را در نظر گیرد. با در نظر داشت موارد فوق معاذیر قانونی به مواردی گفته می‌شوند که خود قانون به شکل موردی در جرایم مشخص حالاتی را از جمله آن دانسته و محکمه را مکلف به رعایت آن نموده است. فقره (۲) ماده ۲۱۲ کود جزا محکمه را مکلف نموده است در حکم خود معاذیر تبرئه کننده را تصریح نماید. عذر های قانونی یا تبرئه کننده از مجازات اند و یا هم تخفیف

دهند از مجازات که این مورد در ماده های متعدد کود جزا پیشبینی شده است. بنابراین عذر های قانونی به دو دسته تقسیم می شوند: یکی عذر هایی که سبب معافیت مرتکب از مجازات می شوند و دیگری عذر هایی که سبب تخفیف مجازات مرتکب می گردند. (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۷۶)

۱.۳. معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات: معاذیر معاف کننده مجازات اسبابی اند که در صورت موجودیت آن ها، مرتکب از تطبیق جزا معاف دانسته می شود. (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۷۶) عذر های معاف کننده تأثیری بر تقصیر و مسئولیت فاعل ندارد، بلکه بنابر ملاحظات سیاست جنایی و فایده اجتماعی موجب معافیت مجرم از مجازات می شود. عذر های معاف کننده به جرایم خاصی تعلق می گیرد و به هیچ وجه عمومیت ندارند. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۰۰) طور مثال ماده ۵۳۹ کود جزا در مورد معافیت از مجازات در جرم حیازت سلاح بیان می دارد: شخصی که سلاح ناریه یا مهمات، مواد منفجره یا سایر سلاح ها را در حیازت، کنترل یا تملک خود داشته، اما قبل از افشاء یا گرفتاری، به صورت داوطلبانه آنرا تسلیم نماید، از مجازات معاف دانسته می شود. ماده ۷۲ در مورد معافیت از مجازات در صورت اطلاع از اتفاق در جرم، مقرر می دارد: (۱) مجازات مندرج ماده ۷۱ این قانون بر اشخاصی تطبیق نمی گردد که از اتفاق در جرم به مراجع مربوط اطلاع دهند، مشروط بر این که اطلاع قبل از وقوع جرم صورت گرفته باشد. (۲) اطلاع دهنده بعد از آغاز جستجو و تفتیش مراجع ذیصلاح به شرطی از مجازات معاف می گردد که اطلاع وی سبب تثبیت هویت متهم یا متهمینی گردد که نزد مراجع مذکور معلوم نباشد. به همین ترتیب ماده ۵۱۹ کود جزا در مورد معافیت مسئولیت جزایی در جرم قاچاق انسان بیان می دارد: (۱) شخصی که به نحوی از انحا با قاچاقبر انسان یا گروه جنایتکار سازمان یافته ارتباط و همکاری داشته ولی قبل از ارتکاب آن جرم مراجع مسؤل را در افشاء یا گرفتاری مرتکبین مساعدت نماید، از مسئولیت جزایی معاف می گردد. ماده ۸۷۹ کود جزا در مورد معافیت از تعقیب عدلی جرایم سایبری مقرر می دارد: (۱) شخصی که از طریق نوشتار، گفتار، یا تصویر یا هر وسیله دیگری، در فضای سایبر از دولت یا سایر نهادها و اشخاص با رعایت احکام قانون رسانه های همگانی و سایر قوانین، انتقاد نماید، تحت تعقیب عدلی قرار نمی گیرد. ماده ۸۷ کود جزا در مورد معافیت از تعقیب عدلی و تخفیف مسئولیت جزایی تصریح می نماید: (۱) شخصی که به نحوی از انحا با مرتکبین جرایم مندرج این قانون ارتباط و همکاری داشته ولی قبل از ارتکاب جرم، مراجع مسؤل را در افشاء یا گرفتاری مرتکبین مساعدت نماید، مورد تعقیب عدلی قرار نمی گیرد. (۲) هرگاه همکاری و مساعدت مندرج فقرة (۱) این ماده بعد از ارتکاب جرم صورت گرفته باشد و زمینه را طوری فراهم سازد که سبب گرفتاری سایر اعضای گروه جرمی شود، محکمه به تخفیف مجازات پیش

بینی شده حکم می‌نماید. با نظرداشت مواد متعدد کود جزا که در فوق ذکر گردید واضح می‌گردد که معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات در موارد مشخص و به شکل موردی، در بعضی جرایم پیش بینی گردیده است بناء عذر های معاف کننده به جرایم خاصی تعلق می‌گیرد و به هیچ وجه عمومیت ندارد که عذر همکاری و عذر اطلاع از مهمترین آن به شمار می‌رود. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۰۰)

آثار معاذیر قانونی تبرئه کننده از جزا: مطابق فقره ۱ ماده ۲۱۲ کود جزا معاذیر تبرئه کننده جزا را تنها قانون پیش بینی می‌نماید. وفق فقره دوم این ماده محکمه مکلف است معاذیر تبرئه کننده را در حکم خود تصریح نماید. بر اساس فقره ۳ و ۴ ماده فوق معاذیر تبرئه کننده مانع مسئولیت جزایی بوده و مانع صدور جزای اصلی، تبعی و تکمیلی می‌گردد. با در نظر داشت متن ماده ۲۱۲ کود جزا محکمه مکلف است هرگاه یکی یا چند مورد از معاذیر قانونی در قضیه ای موجود باشد آنرا در حکم خود تصریح نماید. همچنان اثر موجودیت معاذیر قانونی تبرئه کننده لغو مسئولیت جزایی بوده و مانع صدور جزا از نوع اصلی، تبعی و تکمیلی بر مرتکب جرم می‌گردد.

۲.۳. معاذیر قانونی تخفیف دهنده مجازات: معاذیر تخفیف دهنده مجازات معاذیری اند مربوط به شرایط، نحوه رفتار یا ویژگی های خاص مربوط به متهم. (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۷۷) فقره (۱) ماده ۲۱۳ کود جزا مقرر می‌دارد: احوال مخففه مسئولیت جزایی عبارت از حالات و اوضاعی می‌باشد که موجودیت یک یا چند مورد آن باعث تخفیف جزای مرتکب می‌گردد. بر اساس فقره (۲) ماده متذکره احوال مخففه مسئولیت جزایی قرار ذیل می‌باشد:

۱- ارتکاب جرم به اساس انگیزه شریفانه.

۲- ارتکاب آنی جرم از اثر هیجان قوی روحی که زاده عمل غیر قانونی و تحریک آمیز مجنی علیه یا شخص ثالث باشد.

۳- ارتکاب جرم هنگام دفاع مشروع در صورتی که از حدود دفاع مشروع تجاوز صورت گرفته باشد.

۴- ارتکاب جرم از اثر تهدید یا اجبار ناشی از قدرت مادی و معنوی یا اجبار وظیفوی در صورتی که از حدود شرایط اکراه، ایفای وظیفه و تعمیل امر، تجاوز صورت گرفته باشد.

۵- کوشش مرتکب برای جلوگیری از عواقب جرم انجام یافته.

۶- جبران دواطلبانه خساره وارده یا رفع ضرر ناشی از جرم.

۷- ارتکاب جرم برای بار اول.

۸- اعتراف یا اقرار متهم به ارتکاب جرم و ابراز ندامت جدی وی به نحوی که در تثبیت واقعیت قضیه یا معرفی یا بازداشت یا گرفتاری شرکا یا معاونین جرمی، مساعدت نماید.

۹- ارتکاب جرم توسط زن حامله و یا دارای طفل شیر خوار.

۱۰- ابرای مجنی علیه.

۱۱- کبر سن، برای مرد اکمال سن هفتاد و برای زن اکمال سن شصت و پنج.

۱۲- سایر حالات مندرج این قانون....

مطابق بند ۱۲ فقره دوم ماده ۲۱۳ سایر حالات به مواردی گفته می‌شود که کود جزا در جرایم مشخصی بعضی امور را از جمله معاذیر مخففه دانسته است. بطور مثال ماده ۳۸۶ کود جزا حالات مخففه در جرم رشوت را پیش بینی نموده است و چنین صراحت دارد: هرگاه رشوت دهنده مستحق اجرای عمل یا امتناع از آن بوده ولی به دادن رشوت وادار گردیده باشد، این عمل حالت مخففه شناخته شده، مرتکب به مجازات بدیل حبس یا جزای نقدی معادل رشوت، محکوم می‌گردد. فقره (۲) ماده ۵۱۹ کود جزا در مورد تخفیف مجازات در جرم قاچاق انسان صراحت دارد: هرگاه مساعدت مندرج فقره ۱ این ماده، بعد از ارتکاب جرایم قاچاق انسان صورت گرفته باشد و زمینه را طوری مساعد سازد که منجر به گرفتاری سایر اعضای گروه سازمان یافته گردد، محکمه به تخفیف مجازات پیش بینی شده در مورد وی حکم می‌نماید. ماده ۴۸۶ در مورد اعدار مخففه در جرم شهادت دروغ، ماده ۷۳۰ در مورد تطبیق حالات مخففه در جرم اختفای اشیای ناشی از جرم و موارد دیگر، بیانگر آن است که علاوه از معاذیر عمومی قانونی برای تخفیف مجازات، موارد مشخصی در جرایم متفاوت به حیث عذر تخفیف مجازات پیش بینی شده است که چند مورد آنرا در سطور فوق ذکر کردیم.

۴. احوال مخففه قضایی در کود جزا

احوال یا کیفیات مخففه قضایی مواردی اند متعلق به شخص مرتکب جرم و یا حالات، کیفیات، اوضاع و شرایط جرم و مجرم که قانونگذار صلاحیت آنرا به قاضی واگذار کرده است تا با رعایت شرایط و اوضاع، در مورد متهم تطبیق کند. (رسولی، ۱۳۹۶: ۵۷۸) احوال مخففه قضائی نیز مانند عذرهای قانونی اوضاع و احوالی هستند که سبب کاهش مجازات میگردند با این تفاوت که هرگاه وجود آنها برای قاضی محرز گردد در اعطای تخفیف مختار

است. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۰۷) مطابق ماده ۲۰۸ کود جزا محکمه مکلف است هنگام تعیین جزا، انگیزه و ماهیت جرم، تناسب خطر و زیان اجتماعی یا فردی جرم ارتكابی، شخصیت، احوال و سوابق متهم، احوال مخففه و مشدده جرم را در نظر گیرد. بر اساس ماده فوق محکمه مکلفیت دارد هنگام تعیین جزا اصل فردی کردن جزا (تعیین جزا با در نظر داشت شخصیت مرتکب) را رعایت نماید. ماده ۲۰۹ کود جزا در مورد استنباط احوال مخففه قضایی مقرر می‌دارد: محکمه علاوه بر احوال مخففه قانونی (معاذیر مخففه) مندرج این قانون، احوال مخففه قضایی را از اوضاع مربوط به جرم و متهم استنباط می‌نماید. این ماده استنباط احوال مخففه قضایی را از اختیارات محکمه دانسته که می‌تواند علاوه بر احوال مخففه قانونی، احوال مخففه قضایی را از اوضاع مربوط به جرم و شخصیت متهم استنباط نماید. دایره شمول احوال مخففه قضایی وسیع است و به رای و نظر قاضی ارتباط دارد. به این معنی که قانون معاذیر تخفیف دهنده را هم به طور عمومی و هم در جرایم مشخص پیش بینی نموده است و مواردی را که در قانون پیش بینی نشده است، صلاحیت تشخیص و استنباط آنرا به قاضی واگذار کرده است. در صورتی که موارد آن در قانون محدود و منحصر شود تحت عنوان احوال مخففه قانونی قرار می‌گیرد نه قضایی. (جمعی از قضات، ۱۳۹۸: ۸۴) بند ۱۲ فقره ۲ ماده ۲۱۳ کود جزا مقرر می‌دارد: احوال مخففه قضایی حالاتی است که محکمه از اوضاع و احوال مربوط به جرم و متهم استنباط می‌کند. مهمترین فوایدی که برای احوال مخففه قضایی برشمرده اند یکی منطبق کردن مجازات با شخصیت مجرم و دیگری اجرای عدالت با عنایت به افکار عمومی است. احوال مخففه به قاضی اجازه می‌دهد تا با توجه به روحیات و سوابق و همچنین انگیزه مجرم در ارتکاب جرم، تصمیم خود را هرچه بهتر با وضع فعلی او متناسب سازد. از سوی دیگر، افکار عمومی همچنانکه از بعضی از وقایع ناگوار به شدت بر انگیزه می‌شود و خواهان مجازاتهای سخت است، نسبت به بعضی دیگر تخفیف و ملایمت را مقتضی عدالت می‌داند. قاضی با تمسک به کیفیات مذکور می‌تواند عدالت را همان گونه که افکار عمومی خواستار آن است به نحو مطلوب تأمین کند و آرامش را بار دیگر به جامعه بازگرداند. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۲۰۸) اعمال احوال مخفف قضایی وقتی است که محاکم به دلایلی صدور حکم مجازات شدید را برای مجرم سنگین می‌دانند و رعایت تخفیف در مجازات را ضروری می‌شناهند. هر چند اعمال این کیفیات به میل و نظر قاضی واگذار شده اما این بدان معنی نیست که قاضی از اختیار تام جهت اجرای آنها برخوردار است، زیرا در اینجا نیز قانون است که حدود اعمال این کیفیات را مشخص می‌سازد؛ چرا که اگر اختیار محاکم در این مورد موسع باشد یا مسأله تخفیف را به طور کامل به قاضی واگذار کنند، امکان غلبه احساس و عاطفه بر عقل و قانون فراوان پیش می‌آید و خطر تزلزل قوانین جزایی زیاد خواهد بود. (نوربها، ۱۳۸۵: ۳۸۳-۳۸۴) فقره

(۱) ماده ۲۱۶ کود جزا مقرر می‌دارد: هرگاه محکمه به سبب موجودیت احوال مخففه مسؤلیت جزایی به تخفیف جزا حکم نماید، حالاتی را که به موجب آن جزا تخفیف داده شده، در اسباب و دلایل حکم خود تصریح می‌نماید. فقره (۲) ماده فوق مقرر می‌دارد: هرگاه متهم یا وکیل مدافع وی به موجودیت دلایل مخففه مسؤلیت جزایی، استناد نماید، در صورتی که مورد قبول محکمه واقع نشود، محکمه مکلف است، دلایل رد آن را در فیصله ذکر نماید. ماده فوق الذکر محکمه را مکلف ساخته است در صورتی که احوال مخففه موجود گردد، آنرا در اسباب و دلایل حکم ذکر نماید. اگر متهم یا وکیل مدافع وی به دلایل مخففه استناد نماید و از طرف محکمه رد گردد، باید دلایل رد آن در حکم محکمه ذکر گردد. از ماده فوق بر می‌آید که احوال مخففه قانونی باشد و یا قضایی در هر صورت باید در حکم محکمه دلایل تأیید و یا رد آن ذکر گردد. نکته مهم دیگر اینکه قاضی تنهادر جرایم تعزیری می‌تواند احوال مخففه را در نظر بگیرد و در مورد حدود و قصاص ودیت از احوال مخففه استفاده کرده نمیتواند.

آثار احوال مخففه: مطابق ماده های ۲۱۴ و ۲۱۵ کود جزای افغانستان معاذیر و احوال مخففه تنها در جرایم جنایت و جنحه در نظر گرفته میشود. ماده های فوق کود جزای کشور آثار احوال مخففه را بطور عام بیان کرده است که شامل معاذیر مخففه قانونی و احوال مخففه قضایی می‌شود. نکته مهم دیگر اینکه، احوال مخففه تنها در جرایم جنایت و جنحه (تعزیری) قابل اعمال اند و در جرایم قباحت و جرایم حدود و قصاص و دیات قابل اعمال نیستند. (عوده، ۱۳۹۰: ۸۲) حکم قانونگذار افغانستان بر پایه این واقعیت قرار دارد که در جرایم قباحت مجازات ها ساده و خفیف هستند و لطمه ای بر حیثیت و آبروی اجتماعی محکوم وارد نمی‌آورند، و از این رو تخفیف مجازات ضرورتی ندارد. (صانعی، ۱۳۸۲: ۷۵۰) بنابراین تنها به آثار احوال مخففه در جنایت و جنحه اشاره می‌نمائیم.

آثار احوال مخففه در تعیین جزای جرم جنایت: مطابق ماده ۲۱۴ کود جزای افغانستان هرگاه یک یا چند حالت از احوال مخففه مسؤلیت جزایی در جرم جنایت موود گردد، جزای آن به شکل ذیل تخفیف می‌یابد:

- در صورتی که جزای جرم ارتكابی اعدام باشد، به حبس دوام درجه ۱.
- در صورتی که جزای جرم، حبس دوام درجه ۱ باشد، به حبس دوام درجه ۲.
- در صورتی که جزای جرم ارتكابی، حبس دوام درجه ۲ باشد، به حبس طویل.
- در صورتی که جزای جرم ارتكابی، حبس طویل باشد، به حبس متوسط.

آثار احوال مخففه در تعیین جزای جنحه: مطابق ماده ۲۱۵ کود جزا، هرگاه یک یا چند حالت از احوال مخففه مسؤلیت جزایی در جرم جنحه موجود گردد، محکمه به تخفیف جزا به ترتیب ذیل حکم می‌نماید:

- در صورتی که جزای پیش بینی شده حبس متوسط بوده و حد اقل داشته باشد، به کمتر از حد اقل.

- در صورتی که جزای پیش بینی شده حد اکثر حبس قصیر باشد، به حبس سه ماه.

- در صورتی که جزای پیش بینی شده شامل حبس و جزای نقدی باشد، به یکی از آن.

- در صورتی که جزای پیش بینی شده در قانون حبس یا جزای نقدی باشد، به جزای نقدی.

نتیجه گیری

بعد از مرور آثار و جمع آوری معلومات و بررسی آنها به این نتیجه می‌رسیم که پیش بینی معاذیر قانونی و احوال مخففه قضایی در کود جزای کشور، اجرای یکی از اصول اساسی حاکم بر تعیین جزا، همانا اصل فردی کردن جزا است. معاذیر قانونی به اوضاع و احوالی گفته می‌شود که قانون آن را سبب عفو و یا تخفیف مجازات مرتکب جرم قرار داده است. پیش بینی معاذیر قانونی در قانون و رعایت آن از طرف محاکم در هنگام تعیین جزا، مطابق کردن مجازات‌ها با شخصیت مرتکب است که از یک طرف تشویق مرتکبین جرایم را به اطلاع از جرم، همکاری با نهاد های عدلی و اصلاح مجدد مجرمین می‌گردد و از جانب دیگر مؤثریت مجازات‌ها را افزایش می‌دهد. معاذیر قانونی دو نوع است که عبارت اند از معاذیر معاف کننده و معاذیر تخفیف دهنده مسؤلیت جزایی. در کنار معاذیر پیش بینی شده در کود جزا، قانونگذار به قاضی محکمه نیز صلاحیت و اختیار داده است تا علاوه بر معاذیر قانونی، سایر اوضاع و احوال مخفف جزا‌ها را که در قانون پیش بینی نگردیده است استنباط نماید و در هنگام تعیین جزا آنرا سبب مخفف جزای مرتکب جرم قرار دهد. این حالات در کود جزا تحت عنوان احوال مخففه قضایی پیش بینی شده است. معاذیر قانونی و احوال مخففه قانونی و قضایی تنها در جرایم تعذیری (جنایت و جنحه) قابل اعمال بوده و در جرایم حدود، قصاص و دیات قابل اعمال نیستند. معاذیر قانونی تبرئه کننده مانع مسؤلیت جزایی بوده و مانع صدور جزای اصلی، تبعی و تکمیلی می‌گردد و محکمه مکلف است آنرا در حکم خود تصریح نماید. احوال مخففه قانونی و قضایی در جرایم جنایت و جنحه مطابق ماده ۲۱۴ و ۲۱۵ کود جزا سبب تنزل جزا به یک درجه پایین تر می‌گردد که محکمه باید دلایل آنرا در اسباب و دلایل حکم ذکر نماید.

منابع

- ۱- جریده رسمی، (۱۳۹۶). کود جزا. کابل: وزارت عدلیه.
- ۲- جمعی از قضات. (۱۳۹۸). توضیح برخی از مواد کود جزا. کابل: ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان.
- ۳- استانکزی، نصرالله و دیگران، (۱۳۸۷). قاموس اصطلاحات حقوقی. کابل: پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان.
- ۴- صانعی، دکتر پرویز. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: طرح نو.
- ۵- نوریها، دکتر رضا. (۱۳۸۵). زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۶- البعلبکی، روحی. (۱۳۸۸). فرهنگ عربی فارسی. مترجم: محمد مقدس، تهران: امیر کبیر.
- ۷- عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلام و قوانین عرفی جلد ۲. مترجم: دکتر حسن فرهودی نیا، تهران: یادآوران.
- ۸- رسولی، قانونپوه محمد اشرف. (۱۳۹۶). حقوق جزای عمومی. کابل: واژه.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۱۰- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: سمت.
- ۱۱- کی نیا، مهدی. (۱۳۷۰). مبانی جرم شناسی. تهران: دانشگاه تهران.

Abstract

Legal excuses and judicial abbreviated conditions are one of the effective ways to establish the principle of individualizing punishments and encouraging criminals to avoid from committing crimes and trying to prevent the spread of its harmful effects. Legal excuses are things that the legislator has determined and their effect is in cases of absolute exemption of the perpetrator of the crime from punishment (exemptive excuses from punishment) and in some cases it causes the judge to determine the punishment of the perpetrator even less than the minimum prescribed in the law (legal excuses mitigating punishment). Judicial abbreviated circumstances are situations and circumstances that, in the presence of certain conditions, the legislator has granted the court the power of mitigation, which can reduce a punishment or change it to another favorable punishment as a mitigation. There is no independent work on legal excuses and judicial abbreviated conditions, and it has only been briefly discussed in the books of a number of jurists. The research on this issue is important because judges issue sentences while considering the individuality of the punishment and complying with it. The purpose of this research is to examine the legal excuses and judicial summary conditions in the criminal penalties in the light of the Afghan Penal Code. The type of this research is descriptive-analytical and its data has been collected by library method.

The findings of this research show that legal excuses and judicial abbreviations in the Penal Code have an effect on determining the punishment and in some cases they cause exemption and in other cases they cause a reduction in the punishment of the perpetrator of the crime.

Keywords: crime, punishment, criminal motive, legal excuses, judicial abbreviated status.

تنفیذ عینی تعهدات در قانون مدنی افغانستان

پوهنمل عیدمحمدفلاح^{۱۲}

چکیده

طبق قانون مدنی کشور، مهمترین آثار قراردادها ایجاد تعهدات و مهمترین آثار تعهدات، تنفیذ یا اجرای آن می‌باشد. تنفیذ به عینی و تعویضی تقسیم می‌گردد که در این تحقیق به تنفیذ عینی تعهدات پرداخته می‌شود. تنفیذ عینی تعهدات اینست که شخص متعهد عین آنچه را که تعهد نموده است اجراء نماید. ماده ۸۱۵ قانون مدنی در مورد تنفیذ عینی تعهدات چنین مقرر می‌دارد: متعهد به ایفای عین آنچه تعهد نموده مکلف می‌باشد، در صورت عدم امکان تنفیذ عینی، مکلف گردانیدن متعهد به تعویض مالی جواز دارد، مگر اینکه از تعویض مالی بطرف مقابل ضرر کلی عاید گردد. سوالی اصلی تحقیق، این است که تحت کدام شرایط تنفیذ عینی تعهدات صورت می‌گیرد؟ این تحقیق دارای دو بخش اساسی است که بخش اول آن مربوط به شرایط تنفیذ عینی تعهدات و بخش دوم آن تنفیذ عینی در تعهدات اعطای شی، اجرای عمل و امتناع از عمل و وسایل تنفیذ است. تحقیق حاضر اهمیت علمی و عملی دارد. اهمیت علمی آن اینست که بحث تعهدات یکی از مباحث مهم حقوق مدنی است و حقوق مدنی در واقع مادر حقوق خصوصی محسوب می‌گردد. اهمیت عملی آن اینست که متعهدله با توجه به قواعد مربوط به تنفیذ عینی می‌تواند در صورت عدم اجرای تعهدات، متعهد را از طریق تنفیذ عینی به اجرای تعهداتش مکلف نماید. از جانب دیگر متعهد نیز با توجه قواعد مربوطه می‌تواند به تنفیذ عینی یا تعویضی بپردازد. یافته‌های این تحقیق این است که تنفیذ عینی در صورت موجودیت سه شرط (ممکن بودن، درخواست تنفیذ عینی و عدم عسر و حرج) امکان پذیر می‌باشد. در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و نحوه جمع آوری مطالب کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلید واژه: تنفیذ، تعهدات، متعهد، متعهدله و تنفیذ عینی.

^{۱۲}. استاد دیپارتمنت قضاء و حُرانوالی پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون پروان.

مقدمه

بحث وجبیه یا تعهد و آثار آن یکی از موضوعات مورد بحث حقوق مدنی و خصوصاً حقوق وجایب (حقوق تعهدات) می‌باشد. حقوق مدنی عبارت از مجموعه قواعد و مقررات است که روابط اشخاص را از دو جهت (مالی و شخصی) تنظیم می‌کند. قواعد و مقررات که روابط مالی را تنظیم می‌کند بنام احوال عینه، قواعد و مقررات که روابط شخصی را تنظیم می‌کند بنام احوال شخصیه یاد می‌شود. (صفایی، ۱۳۹۲)

احوال شخصیه شامل ازدواج، میراث، وصیت، اهلیت و ولایت می‌شود که در حقوق فامیل و حقوق میراث مطالعه می‌گردد و احوال عینه (بخش مالی) شامل حق عینی و حق دینی می‌گردد که حق عینی در رشته جداگانه تحت عنوان حقوق عینی (حقوق اموال و ملکیت) مطالعه می‌گردد و از مهمترین بحث آن اموال و ملکیت‌ها است و حق دینی در حقوق وجایب مطالعه و بررسی می‌گردد که بنام حقوق التزام و حقوق تعهدات نیز یاد می‌شود. اصطلاح حق شخصی، تعهد، حق دینی و وجبیه باهم مترادف است. ماده ۴۸۸ قانون مدنی حق شخصی یا تعهد را چنین تعریف نموده است: حق شخصی یا تعهد عبارت از رابطه ایست بین ذمه داین و مدیون که باساس آن داین می‌تواند اعطاء شی، اجرای عمل و امتناع از آن را از مدیون مطالبه نماید. از ماده فوق فهمیده می‌شود که موضوع دین یا تعهد قرار ذیل می‌باشد:

۱. اعطای شی؛
۲. اجرای عمل؛
۳. امتناع از عمل.

مهمترین اثر وجبیه و یا تعهد لازم بودن تنفیذ وجبیه و یا تعهد است، یعنی وجبیه یا تعهد باید بصورت حتمی اجراء گردد. تنفیذ تعهدات از دو طریق صورت می‌گیرد، یکی تنفیذ عینی است و دیگری تنفیذ تعویضی که هر کدام این‌ها یا تنفیذ اختیاری است و یا تنفیذ اجباری. تنفیذ اختیاری را اداء یا وفای دین می‌نامند. در این تحقیق صرف به تنفیذ عینی در قانون مدنی کشور خواهم پرداخت. در قدم نخست مفهوم و شرایط تنفیذ عینی بررسی می‌گردد و بعداً به موضوع تنفیذ عینی و وسایل تنفیذ عینی خواهم پرداخت.

۱= مفهوم تنفیذ عینی

تنفیذ عینی به این معنا است که دین یا تعهد باید عیناً اجرا شود، یعنی مدیون درست همان چیز را بجا آورد که عهده دار شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۳۱) مثلاً اگر موضوع تعهد تسلیمی خانه است، تنفیذ عینی، تسلیم دادن خانه است و اگر موضوع تعهد ساختن چهل کیلومتر سرک است، تنفیذ عینی ساختن چهل کیلومتر سرک است. برای تبیین موضوع لازم است که تنفیذ عینی در قالب یک مثال بیان گردد. شخصی به نام احمد

مسکونه ناحیه ششم ولایت کابل یک جریب زمین واقع ناحیه ششم ولایت کابل را از شخص بنام محمود مسکونه ناحیه دهم کابل با ثمن پنج میلیون افغانی خریداری می‌کند در این صورت هر دو طرف نسبت به همدیگر تعهد دارد. تعهد و دین احمد پرداخت پنج میلیون افغانی است و تعهد و دین محمود تسلیمی یک جریب زمین است. سوالی که در این مثال مطرح می‌گردد، اینست که تنفیذ عینی و تعویضی دین در این قضیه چگونه صورت می‌گیرد؟ در جواب این سوال می‌توان گفت که تنفیذ عینی دین در این قضیه از جانب احمد اینست که احمد باید پنج میلیون افغانی ثمن زمین را به محمود پرداخت کند و تنفیذ عینی دین از جانب محمود اینست که محمود یک جریب زمین فروخته شده را به احمد تسلیم نماید. اگر احمد قادر به پرداخت پنج میلیون افغانی نباشد، اما یک موتر دارد که پنج هزار افغانی ارزش دارد در صورتی که محمود رضایت داشته باشد، می‌تواند که عوض پنج هزار افغانی موتر خود را به محمود بدهد. این نوع اجراء و تنفیذ دین را بنام تنفیذ تعویضی یاد می‌کنند. راجع به تنفیذ عینی ماده ۸۱۵ قانون مدنی چنین بیان می‌نماید.

متعهد به ایفای عین آنچه تعهد نموده مکلف می‌باشد، در صورت عدم امکان تنفیذ عینی مکلف گردانیدن متعهد به تعویض مالی جواز دارد، مگر اینکه از تعویض مالی بطرف مقابل ضرر کلی عاید گردد.

مثلاً شخصی بنام احمد یک دربند خانه ای را از محمود با ثمن پنج هزار افغانی خریداری می‌کند و ضمناً توافق می‌کنند که ثمن نقداً پرداخت گردد، مبیعه بعد از مدت یکماه تسلیمی داده شود. در این مثال احمد متعهد له است و محمود متعهد می‌باشد. محمود، مکلف است که عین خانه ای فروخته شده را بعد از سپری شدن یکماه به احمد تسلیم نماید. اگر خانه در اثر سیل و یا زلزله تخریب می‌شود و تنفیذ عینی یا تسلیمی خانه غیرممکن می‌گردد، در این صورت اگر محمود عوض خانه یک جریب زمین که ثمن آن نیز پنج هزار افغانی است به محمود تسلیم نماید، جواز دارد. البته این امر در صورت امکان پذیر است که با تنفیذ تعویضی (تسلیمی یک جریب زمین) احمد متضرر نگردد و اگر متضرر گردد تنفیذ تعویضی جواز ندارد.

در قانون مدنی کشور، از اصطلاح «تنفیذ» استفاده گردیده است، نه اصطلاح اجراء. در بسیاری از قوانین کشورها نیز فصل یا مبحث مستقل تحت عنوان اجرای تعهد باز نشده است، مگر در قانون تعهدات سویس مواد ۶۸ به بعد و قانون تجارت یکنواخت آمریکا (۵۱۵-۲ و ۵۰۱-۲) به طور مستقل به مقررات اجرای تعهد پرداخته شده است. (پزشکی زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۶)

۲- شرایط تنفیذ عینی

مطابق ماده ۸۱۵ قانون مدنی، تنفیذ عینی دارای سه شرط است، یعنی در صورت تنفیذ عینی صورت می گیرد که سه شرط ذیل موجود باشد.

۲-۱- تنفیذ عینی ممکن باشد

یکی از شرایط تنفیذ عینی اینست که تنفیذ عینی امکان داشته باشد. در صورتیکه تنفیذ عینی غیر ممکن گردیده باشد، دین به صورت عینی اجرا نخواهد شد. مثلاً موضوع دین از بین رفته باشد و اگر موضوع دین اجرای عمل باشد، اجرای عمل برای مدیون محال شده باشد، یعنی مدیون قدرت و توانایی انجام آنرا از دست داده باشد. این شرط از ماده ۸۱۵ قانون مدنی کشور قابل استنباط است که ماده متذکره بیان می دارد، در صورت عدم امکان تنفیذ عینی، متعهد به تعویض مالی مکلف می گردد.

۲-۲- درخواست تنفیذ عینی از جانب داین

دومین شرط تنفیذ عینی اینست که داین یا متعهد له تنفیذ عینی را از متعهد یا مدیون خواسته باشد و مدیون حق ندارد که از تنفیذ عینی امتناع ورزد و تنفیذ تعویضی را انجام دهد، بلکه باید عین آنچه را که تعهد کرده است اجراء نماید و از جانب دیگر اگر مدیون یا متعهد عین آنچه را که تعهد کرده اجراء نماید و داین یا متعهد له نمی تواند تنفیذ تعویضی را از مدیون بخواهد. مثلاً احمد ده عراده موتور را از محمود بخواند، محمود مکلف است ده عراده موتور احمد تسلیمی ده عراده موتور را از محمود بخواند، محمود مکلف است ده عراده موتور فروخته شده را به محمود تحویل بدهد و نمی تواند به جای ده عراده موتور ده دربند خانه را بدهد و اگر محمود ده عراده موتور را به احمد می دهد اما احمد که بجای ده عراده موتور پنج دربند خانه را از محمود طلب می کند در این صورت محمود مکلف به دادن خانه نیست. (عبدالله، ۱۳۹۵)

۲-۳- عدم عسر و حرج

سومین شرط تنفیذ عینی اینست که تنفیذ عینی برای مدیون مشکل آفرین نباشد و ضرر بزرگی از تنفیذ عینی بر مدیون متحمل نگردد، در صورت تنفیذ عینی برای مدیون مشکل آفرین باشد و ضرر بزرگی را بر مدیون وارد کند تنفیذ عینی لازم نیست، باید تنفیذ تعویضی صورت بگیرد. البته از تنفیذ تعویضی داین نیز باید متضرر نگردد. (سنهوری، بی تا: ۶۱۷)

۳- موضوع تنفیذ عینی

همانطوریکه قبلاً بیان شد موضوع حق دینی یا تعهد گاهی اعطای شی است و گاهی هم اجرای عمل و گاهی امتناع از عمل می‌باشد. در هر سه صورت متعهد مکلف است که عین موضوع دین را اجراء کند.

۳-۱- تعهد به نقل ملکیت و سایر حقوق عینی

در برخی از موارد موضوع دین اعطاء، دادن و یا تسلیمی شی می‌باشد مثلاً: شخصی به نام احمد موتر محمود را به مبلغ یک ملیون افغانی خریداری می‌کند و هر دو توافق می‌کنند که احمد پول را باید نقداً پرداخت کند و محمود بعد از یک‌ماه موتر را به احمد تسلیم نماید در این صورت احمد داین است و محمود، مدیون و تسلیمی خانه دین است که محمود مکلف است بعد از یک ماه موتر را به احمد تسلیم نماید، در این مثال موضوع دین اعطاء شی (موتر) است. داین (احمد) می‌تواند که اعطای شی (موتر) را از محمود مطالبه کند. در صورتی که موضوع دین ملکیت و یا سایر حقوق عینی مانند حق ارتفاق، حق انتفاع و حق رهن و غیره باشد دو حالت وجود دارد

حالت اول: موضوع تعهد مال است که ذاتاً معین است (عین معین)

حالت دوم: موضوع تعهد مال است که ذاتاً معین نیست مگر با نوع آن معین می‌گردد (عین کلی)

حال اول - موضوع تعهد مالی است که ذاتاً معین است (عین معین): عین معین عینی است که از هر جهت معین و جدا شده باشد. مثلاً یک دوکاندار ده سیر برنج سیله اول هندی دارد به خریدار می‌گوید که این ده سیر برنج سیله اول هندی را به شما فروختم. در صورتیکه موضوع دین و یا تعهد، عین معین باشد گاهی منقول است و گاهی غیر منقول می‌باشد. اگر مال منقول باشد نیاز به ثبت و راجستر ندارد به محض توافق، ملکیت انتقال می‌کند و اگر اموال غیر منقول باشد، نیاز به ثبت و راجستر دارد تا زمانی که قرارداد ثبت و راجستر نشده باشد انتقال ملکیت صورت نمی‌گیرد و ماده ۸۱۶ قانون مدنی در زمینه چنین بیان می‌دارد:

تعهد به انتقال یا هر نوع حق عینی دیگر با رعایت قواعد متعلق به ثبت اسناد، موجب انتقال فوری این حق می‌گردد مشروط بر اینکه موضوع وجبیه ذات شی معین بوده و شخص متعهد، مالک آن باشد.

حال دوم - موضوع تعهد مال است که ذاتاً معین نیست اما با نوع آن معین می‌گردد (عین کلی): لازم است که عین کلی را در یک مثال بیان نمایم. مثلاً یک تاجر هزار سیر گندم در گدام خود دارد برای شخص خریدار می‌گوید که صد سیر گندم را از هزار سیر گندم که در گدام است به شما فروختم، در این نوع مال انتقال ملکیت زمانی

صورت می‌گیرد که صد سیر گندم از هزار سیر گندم جدا و افزاز گردد تا زمانیکه جدا نشود انتقال ملکیت صورت نمی‌گیرد.

۳-۲- اجرای عمل

در برخی از دیون موضوع تعهد اجرای عمل است، یعنی مدیون و یا متعهد مکلف است که عملی را برای داین یا متعهد له انجام بدهد. مثلاً: شخص بنام احمد با شرکت مخابرات افغان بیسیم قرارداد کار را بسته می‌کند که موجب آن احمد باید در هر هفته ۴۰ ساعت برای شرکت افغان بیسیم کار کند و شرکت هم مکلف است مبلغ ۱۵۰۰۰ افغانی معاش در هر ماه به احمد پرداخت نماید در این مثال موضوع دین از جانب احمد اجرای عمل است. یعنی احمد باید هفته ۴۰ ساعت برای شرکت افغان بیسیم کار کند. داین (شرکت افغان بیسیم) می‌تواند اجرای عمل (۴۰ ساعت در هفته) را از احمد مطالبه کند. در صورتیکه موضوع دیون اجرای عمل باشد دو حالت دارد.

۱- تعهد قایم به شخص

۲- تعهد غیر قایم به شخص

اول - تعهد قایم به شخص: تعهد قایم به شخص تعهد است که شخص مکلف است خودش آنرا انجام دهد اشخاص دیگر نمی‌تواند آنرا انجام دهد. مانند یک نجار تعهد می‌کند برای شخص بنام احمد یک کلکین فرمایشی شخصاً خودش بسازد، تعهد نجار در این مثال تعهد قایم به شخص است که باید شخصاً کلکین را بسازد. نجار نمی‌تواند کلکین را توسط شخص دیگر بسازد. ماده ۸۱۹ قانون مدن در این مورد چنین صراحت دارد.

هرگاه طبیعت وجبیه یا موافقه طرفین مستوجب اجرای یک عمل توسط شخص متعهد بوده باشد داین می‌تواند اجرای عمل مذکور را توسط غیر متعهد قبول نه نماید مثلاً احمد با یک داکتر متخصص جراح بنام شکیب توافق می‌کند که وی را جراحی کند. داکتر شکیب بعد

ا برای احمد می‌گوید که وی نمی‌تواند شکیب را جراحی کند و عمل جراحی را به شخص دیگر بنام عمر واگذار می‌کند. درین صورت احمد حق دارد که عمل جراحی را توسط داکتر عمر قبول نکند و از داکتر شکیب بخواهد که شخصاً وی را جراحی کند. البته این امر در صورت است که تعهد، قایم به شخص باشد، یعنی در زمان توافق داکتر شکیب تعهد کرده باشد که خودش عمل جراحی را انجام می‌دهد و اگر اینطور تعهد نکرده باشد و گفته باشد که عمل جراحی شما در این شفاخانه صورت می‌گیرد و شخصی خاص را تعیین نکرد باشد در اینصورت احمد حق ندارد که از داکتر شکیب شخصاً عمل جراحی را مطالبه کند. مواد ۸۲۰، ۸۲۱ و ۸۲۲ قانون مدنی نیز در همین مورد می‌باشد.

دوم - تعهد غیر قایم به شخص: منظور از این نوع تعهد، تعهدی است غیر از شخص متعهد توسط اشخاص دیگر نیز قابل اجراء می باشد. در این نوع تعهد، متعهد می تواند شخصاً به اجراء تعهد بپردازد یا اینکه توسط شخص دیگر به اجراء تعهد اقدام نماید. این نوع تعهد، تعهد به نتیجه است نه تعهد به وسیله.

۳-۳- امتناع از عمل

در برخی از دیون موضوع دین امتناع از عمل است. مثلاً وزارت مبارزه علیه مواد مخدر با دهاقین ولایت هلمند توافق می کند که دهاقین از کشت تریاک خود داری نمایند و در مقابل وزارت تخم اصلاح شده گندم به آنها توزیع نموده و مبلغ معین پولی را به عنوان قرض طویل المدت به دهاقین می پردازد. در این مثال موضوع دین و تعهد دهاقین خوداری و امتناع از کشت تریاک است که نباید دست به زرع و کشت تریاک بزنند. داین (وزارت مواد مخدر) می تواند امتناع از عمل (عدم کشت تریاک) را از دهاقین ولایت هلمند مطالبه کند. ماده ۸۲۳ قانون مدنی در این زمینه چنین بیان می نماید:

هر گاه در تعهد یا امتناع از عمل متعهد تخلف ورزد طرف مقابل می تواند ازاله آنچه را بخلاف از تعهد اجراء گردیده و در صورت لزوم با جبران خسارت از متعهد مطالبه نماید. در مثال فوق اگر دهاقین ولایت هلمند از کشت تریاک دست نکشند و امتناع نکنند، حکومت می تواند به ازاله و محو تریاک بپردازد و اگر ازین جهت حکومت متضرر شده باشد، علاوه بر محو تریاک، خسارت خود را نیز مطالبه کرده می تواند. (سمنگانی، ۱۳۹۳: ۱۴۱)

۴- وسایل تنفیذ عینی

هنگامی که تعهدات از سوی یکی از طرفین نقض گردد، قانون گذار در راستای حمایت از منافع اشخاص متعهد به تعهد، دو راهکاری تحت عنوان شیوه ها و راه های جبرانی اندیشیده اند؛ یکی بنام تنفیذ عینی و دیگر جبران خسارت است. سوالی که ممکن است مطرح گردد این است از میان این دو راهکار کدام اصل و کدام فرع است؟ در جواب این سوال باید گفت که نظام حقوقی کشورها بصورت کلی به دو دسته تقسیم می گردد. نظام حقوقی رومن جرمی برای تنفیذ عینی اصالت قایل اند و نظام حقوقی کامن لا برای جبران خسارت اصالت قایل اند. (شکیبا، ۱۳۹۹: ۱۴۳) نظام حقوقی افغانستان نیز برای تنفیذ عینی اصالت قایل است، یعنی اگر متعهد به تعهد خود عمل نکند در قدم نخست به تنفیذ عینی مکلف ساخته می شود و در صورتی که تنفیذ عینی ممکن نباشد به تنفیذ از طریق جباران خسارت پرداخته می شود.

همان طوریکه قبلاً بیان شد، تنفیذ دین گاهی به صورت اختیاری است که مدیون به خواست خود دین و تعهد خود انجام می دهد این نوع تنفیذ تحت عنوان وفا به تعهد نامیده

می‌شود که از موضوع بحث ما خارج است. اما گاهی تنفیذ به صورت جبری و قهری می‌باشد. پس تنفیذ عینی از دو طریق صورت می‌گیرد

۱- تنفیذ اختیاری

۲- تنفیذ جبری

۴-۱- تنفیذ اختیاری

تنفیذ عینی اختیاری، تنفیذی است که مدیون یا معتمد به رضایت خود به اجرای دین خود می‌پردازد که این موضوع تحت عنوان ادای دین مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. (قاسم زاده، ۱۳۸۳: ۱۷۵) در حقوق کشورهای عربی به این مورد «التنفیذالاختیاری» گفته می‌شود. در حقوق انگلیس به وفای اختیاری «voluntary payment» گفته می‌شود و وفای اختیاری به معنای وفایی است که ناشی از اجبار و اکراه معتمدله نباشد. (سربازیان، ۱۳۹۵: ۱۶۷)

۴-۲- تنفیذ اجباری

تنفیذ جبری تنفیذی است که خود مدیون به رضایت خود به اجرای دین نمی‌پردازد در این صورت بحث تنفیذ جبری مطرح می‌گردد و تنفیذ جبری خود بر دو نوع می‌باشد

اول - تنفیذ از طریق اجبار بدنی

دوم - تنفیذ از طریق تهدید مالی

اول - تنفیذ از طریق اجبار بدنی: این نوع تنفیذ در شرایط فعلی قابل قبول نیست از جمله تنفیذهای قدیمی بود که در صورت که داین به پرداخت دین یا تعهد نمی‌پرداخت از طریق حبس کردن و شکنجه دادن مجبور می‌ساختند. (شهیدی، ۱۳۸۶، ص: ۴۸)

دوم - تنفیذ از طریق تهدید مالی: تنفیذ از طریق تهدید مالی اجرای دین است که اموال مدیون مورد تهدید قرار می‌گیرد نه جان و بدن مدیون یا به عبارت دیگر تهدید مالی به این مفهوم است که قاضی شخص مدیون را به تنفیذ وجبیه اش در خلال مدت زمان معینه ملزم می‌سازد در صورتیکه از اجرای وجبیه در مدت مذکور امتناع نموده از طرف قاضی محکوم به غرامت مالی می‌گردد. (ماری نوپل و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶۲) قانون مدنی افغانستان در ماده ۸۲۴ این موضوع را به رسمیت شناخته چنین مقرر می‌دارد.

هرگاه تنفیذ عینی بدون اجرای وجبیه از طرف شخص متعهد غیر ممکن یا غیر مناسب باشد طرف مقابل می‌تواند حکم محکمه را مبنی بر الزامیت متعهد بر تنفیذ در صورت امتناع با غرامت تهدیدی مطالبه نماید.

مثلاً احمد موتر خود را به محمود به فروش می‌رساند و ثمن موتر را نقداً اخذ می‌کند، احمد مکلف به تسلیمی موتر به محمود است. اما موتر قبل از تسلیمی در اثر یک حادثه از

بین می‌رود. تفنیذ و تسلیمی موتر غیر ممکن می‌گردد و یا اینکه بجای موتر فروخته شده یک موتر که ثمن آن کمتر از موتر فروخته شده است به محمود تسلیمی می‌دهد که این غیر مناسب و غیر عادلانه است، درین صورت محمود می‌تواند که به محکمه مراجعه نموده حکم محکمه را بر الزمیت تحویل و تسلیم دادن قیمت موتر و یا مثل آن موتر را جهت تفنیذ حاصل نماید. در صورتیکه احمد از پرداخت ثمن و یا تسلیمی مثل موتر تلف شده امتناع ورزد تحویل ندهد محمود می‌تواند که از محکمه تهدید غرامتی مانند جریمه را نماید و محکمه می‌تواند برای هر روز تاخیر یک مبلغ را به عنوان جریمه بالای احمد تعیین کند که اگر احمد پرداخت را هر روز تاخیر می‌نماید مکلف است همان مبلغ جریمه را به محمود پرداخت نماید. قانون مدنی کشور در این زمینه از قانون آلمان پیروی نموده است. در حقوق آلمان حق اولیه متعهدله این است که می‌تواند الزام متعهد را به اجرای عین تعهد بخواهد. متقابلاً متعهد مکلف است تعهدش را به شیوه مقرر در قرار داد ایفاء نماید. در صورتی که اجرای تعهد غیر ممکن باشد، متعهد صرف نظر از تقصیر یا عدم تقصیر در عدم امکان اجراء از تعهد اولیه مبنی بر اجرای تعهد مبرا می‌شود، بدون اینکه به حقوق دیگری که ممکن است در نتیجه نقض برای متعهدله حاصل شده باشد، خدشه وارد گردد. اگر متعهد له به فسخ قرارداد و یا مطالبه جبران خسارت متوسل گردد، باید ابتداء مهلت معقولی برای اجرای تعهد به متعهد بدهد. (طهماسی، ۱۳۹۶: ۳۳)

ماده ۸۲۵ قانون مدنی کشور نیز در این مورد چنین مقرر می‌دارد: هرگاه متعهد بعد از غرامت، تعهدش را عیناً تفنیذ نمایند و یا به امتناع از تفنیذ اصرار ورزد، محکمه با رعایت ضرر عاید به طرف مقابل و تعهد متعهد مقدار جبران خسارت را تعیین می‌نماید. در مثال فوق در صورتیکه محکمه علیه احمد حکم صادر کند که قیمت و یا مثل موتر را به محمود تسلیم نماید. اما احمد به تعهدش عمل نکند و یا به عدم اجرای تعهد خودش اصرار کند و محمود ازین ناحیه متضرر گردد، محکمه علاوه بر تعیین جریمه، مقدار و اندازه ضرر و خسارت که بر محمود عاید شده است نیز معین می‌کند که احمد باید به محمود پرداخت کند.

نتیجه گیری

تعهدات و یا وجایب گاهی ناشی از قراردادهای است که بنام تعهدات قراردادی یاد می‌گردد و گاهی ناشی از قانون است که بنام تعهدات خارج از قرارداد یا قانونی یاد می‌گردد. اثر تعهدات اعم از قراردادی و غیرقراردادی در قانون مدنی کشور، تفنیذ است. باب سوم کتاب دوم قانون مدنی کشور به آثار وجبیه اختصاص یافته است. در باب چهارم سه نوع تفنیذ (عینی، تهدید به غرامت و جبران خسارت) بیان شده است. در حالی که تفنیذ از طریق تهدید به غرامت، وسیله و ابزار تفنیذ عینی است و تفنیذ از طریق جبران خسارت در واقع

همان تنفیذ تعویضی است. پس در قانون مدنی کشور تنفیذ به عینی و تعویضی (جبران خسارت) تقسیم گردیده است. وسیله تنفیذ عینی تهدید به غرامت و تهدید بدنی است که تهدید بدنی در قانون مدنی کشور به رسمیت شناخته نشده است و صرف تهدید به غرامت به عنوان وسیله تنفیذ عینی به رسمیت شناخته شده است. شرایط تنفیذ عینی نیز به سه نوع (ممکن بودن، درخواست داین و عدم ضرر بزرگ) می‌باشد. در قانون مدنی کشور تنفیذ عینی مقدم بر تنفیذ تعویضی (جبران خسارت) است. بدین معنی اگر متعهد به اجرای تعهدات خود نپردازد، متعهدله باید وی را تنفیذ عینی مکلف نماید و در صورتی که تنفیذ عینی ممکن نباشد می‌تواند از محکمه تنفیذ تعویضی (جبران خسارت) از متعهد مطالبه نماید، برعکس نظام کامن لا که در صورت نقض تعهدات، متعهدله در گام نخست به تنفیذ تعویضی (جبران خسارت) رو می‌آورد.

منابع و مأخذ

- ۱- پزشکی زاده، سعید، (۱۳۹۶)، بررسی حقوقی اجرای تعهد بانگاهی به شرط قدرت، فصلنامه علمی - حقوق یار، ص ۱۰۶.
- ۲- سمنگانی، یادگار راجی، (۱۳۹۳)، تشریح و توضیح قانون مدنی، کابل، ستره محکمه.
- ۳- سنهوری، عبدالرازق، (بی تا)، الوسیط فی شرح القانون المدنیة المصر، دمشق، بی نا.
- ۴- سربازیان، مجید، (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی اجرای اختیاری تعهد، فصلنامه‌ی تعالی حقوق، ص ۱۶۷.
- ۵- شکبیا، علی، (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی الزام به انجام عین تعهد در حقوق ایران و کامن لا، دوفصلنامه علمی حقوق تطبیقی، ص ۱۴۳.
- ۶- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۶) آثار قراردادها و تعهدات، تهران، مجد.
- ۷- صفایی، عبدالحسین، (۱۳۹۲)، حقوق مدنی، تهران، سمت.
- ۸- طهماسی، علی، (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی الزام به ایفای عین تعهد و فسخ قرارداد در حقوق ایران و آلمان، پژوهشهای حقوق تطبیقی، ص ۳۳.
- ۹- عبدالله، نظام الدین، (۱۳۹۵)، حقوق وجایب، کابل، سعید.
- ۱۰- قاسیم زاده، مرتضی، (۱۳۸۳)، اصول قراردادها و تعهدات، تهران، دادگستر.
- ۱۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، نظریه عمومی تعهدات، تهران، میزان.
- ۱۲- نوپل، ماری و همکاران، (۱۳۹۲)، دوره حقوق وجایب، کابل، سعید.
- ۱۳- وزارت عدلیه، جریده رسمی، قانون مدنی، ۱۳۵۵، شماره ۳۵۳.

Abstract

According to the civil act of the country, the most important effects of contracts are the creation of obligations and the most important effects of obligations are their enforcement or implementation. Enforcement is divided into objective and substitute, which in this research deals with the enforcement of obligations. The fulfillment of commitments means that the committed person will carry out exactly what he has committed. Article 815 of the Civil act stipulates the following regarding the objective enforcement of obligations: the obligee is obliged to fulfill exactly what he has committed, if objective enforcement is not possible, it is permissible to obligate the obligee to exchange money, unless the exchange of money causes a total loss to the other party. The main question of the research is, under what conditions are obligations enforced? This research has two basic parts, the first part of which is related to the conditions of the objective enforcement of obligations and the second part is the objective enforcement of the obligations to grant the object, the implementation of the action and the refusal of the action and the means of enforcement. The present research has scientific and practical importance. Its scientific importance is that the discussion of obligations is one of the important topics of civil rights, and civil rights are actually the mother of private rights. Its practical importance is that, according to the rules related to specific enforcement, in case of non-fulfillment of obligations, the obligee can obligate the obligee to fulfill his obligations through objective enforcement. On the other hand, according to the relevant rules, the obligee can do objective or substitute enforcement. The findings of this research are that objective enforcement is possible if three conditions exist (possibility, request for objective enforcement, and no hardship). In this research, the descriptive-analytical method is used and the method of collecting library materials.

Key words: enforcement, obligations, obligee, warrantee and objective enforcement.

تحلیل و مقایسه وضعیت تجاری افغانستان، قبل و بعد از پیوستن به سازمان تجارت جهانی

پوهنمل محمد محفوظ فقیری

چکیده

مطالعات را که، تا امروز تمام سازمان‌های تحقیقاتی، در سطح منطقه و جهان، در رابطه به سازمان تجارت جهانی، پیامدها و آثار آن انجام داده اند، همه از اثرات و پیامدهای وصل شدن به این سازمان جهانی سخن گفته است. با این وجود پیامدهای این سازمان در کشورهای مختلف متفاوت بوده و اثرات متفاوت را بر وضعیت اقتصادی ممالک جهان به صورت کل و بالای وضعیت کشورهای در حال توسعه به صورت خاص وارد نموده است. در تحقیق حاضر محقق تلاش نموده است، تا پیامدهای پیوستن به سازمان تجارت جهانی را، بر وضعیت تجاری و اقتصادی کشور افغانستان به عنوان یکی از اقتصادهای عقب نگهداشته شده در سطح منطقه به کنکاش گرفته و به طور خاص وضعیت تجارت این کشور را قبل و بعد از پیوستن به سازمان تجارت جهانی مطالعه همه جانبه نماید. نتایج به دست آمده از این تحقیق که با استفاده از آزمون تی زوجی انجام شده است، نشان می‌دهد که، میانگین سهم تجارت در تولید ناخالص داخلی حقیقی افغانستان، بعد از پیوستن به سازمان تجارت جهانی به صورت معنی‌دار کاهش نموده و پیوستن این کشور در سازمان فوق باعث شده است، تا میزان تجارت (واردات + صادرات) کاهش نماید.

واژه‌گان کلیدی: آزمون تی زوجی، تجارت، خدمات، زراعت، صنعت، سرمایه‌گذاری‌های

مجموعی و عایدسرا نه

مقدمه

ثنا، درود و سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید، به طریق علم و دانش رهنمون مان شد و به هم‌نشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود. عوامل زیادی، مانند ظهور اقتصادهای توسعه یافته، افزایش نیازهای جوامع، شکل‌گیری مارکیت‌های جدید، تقویه روز افزون نظریات، تخصص و تقسیم کار در فرایند تولید، تغییرات جدی در رفتار مستهلکین و مولدین، تبارز و طرح تعریف جدید از رفاه اقتصادی - اجتماعی، توجه جدی پالیسی‌سازان و دولت‌مردان، برای حد اکثر ساختن رفاه جوامع، مهم‌تر از همه تغییرات تکنالوژیکی، جهانی شدن و ده‌ها و صدها عوامل کوچک و بزرگ دیگر از جمله موارد و عواملی اند که علم اقتصاد را به صورت کل و تعاملات اقتصادی میان کشورها را به صورت

خاص، بیش تر از گذشته پیچیده و با اهمیت تر ساخته است (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۸). بی تردید پیشرفت و انکشاف تکنالوژی دنیا را از مرحله بودن به مثابه یک دهکده به سطح یک خانواده فشرده است. امروز اگر نسخه یک محصول جدید آیفون تولید می شود در مدت زمان کم تر از بیست و چهار ساعت در مارکیت های کلان دنیا به منظور استفاده مصرف کنندگان عرضه می گردد. ترجیحات مصرف کنندگان به کیفیت فرآورده های تولیدی در مقایسه با قیمت و سایر مشخصات به شعار مطلوب متقاضیان در مارکیت مبدل شده که بدون شک بیان گر افزایش سطح رفاه و توقعات بلند مستهلكین در اکثریت جوامع بشری است. بی تردید در عقب این همه تحولات مثبت برای رفاه مصرف کنندگان که از ویژگی های بارز قرن بیست و یکم به شمار می رود، تجارت و توسعه تعاملات اقتصاد بین الملل قرار دارد، که بایست به نقش و اثرگذاری جدی و موثر آن عطف توجه صورت گیرد (راستی و کمالی اردکانی، ۱۳۸۹: ۲۰) با این وجود، تجارت و توسعه تعاملات اقتصاد بین الملل به عنوان ضرت جامعه بشری یکی از مسبب های اصلی جهانی شدن بوده و امروزه پدیده جهانی شدن در اکثر مراکز علمی و پژوهشی در سطح منطقه و جهان از مباحث عمده و اساسی قلمداد می شود و موافقان و مخالفان زیاد را به همراه دارد. با این وجود یکی از ابعاد جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد پنداشته می شود و باید انتظار داشت که در مواجهه با نهادهای اقتصاد جهانی و به صورت خاص WTO^{۱۳} که در رأس سازمان های اقتصادی بین المللی مؤثر جهان قرار دارد و مولفه های اقتصادی کشورها بیش از هر زمانی دیگری، مورد توجه این سازمان بین المللی قرار گرفته و در ضمن تأثیرات ژرف را در عرصه های مختلف کشورهای جهان و مسایل مربوط به رشد اقتصادی و تجارت وارد نموده است (هاشمیان اصفهانی و گرجی، ۱۳۸۶: ۱۲).

بنابراین ضرورت جدی است، تا برخورد با مسئله جهانی شدن اقتصاد از جمله تحلیل وضعیت کشورهای رو به توسعه منجمله افغانستان در باب استفاده بهینه از پیوستن به WTO و الگو برداری از تجربیات کشورهای منطقه و جهان، به صورت دقیق تر مورد بازبینی، کنکاش و بررسی های علمی قرار گیرد. همان گونه که تذکر رفت، تعاملات اقتصادی در سطح بین المللی و WTO به عنوان هدایت دهنده فعالیت های اقتصادی کشورهای عضو، بر رفاه و زندگی انسان ها، پیامدهای را به همراه دارد، بنابراین تحلیل وضعیت فعالیت های اقتصادی و تجاری و اثرگذاری WTO بر موارد فوق می تواند برای جامعه علمی و پالیسی سازی مفید واقع شود.

^{۱۳}. سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization)

این تحقیق در محدوده کشور افغانستان طی سال‌های ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰، به هدف روشن شدن وضعیت تجاری افغانستان، قبل و بعد از پیوستن به WTO صورت می‌گیرد و گمان برده می‌شود که سهم تجارت در RGDP^{۱۴} افغانستان قبل از الحاق و بعد از الحاق به WTO، با یکدیگر تفاوت معنی دار دارد.

مبانی نظری

مبادلات اجناس، سرمایه، تکنالوژی و کار به عنوان موضوع اصلی اقتصاد بین‌الملل، باعث بهبود سطح زندگی در ممالک مختلف به درجه‌های مختلف می‌گردد (سالواتوره، ۱۳۹۵: ۱۰). به همین منظور «یکی از اهداف (منشور آتلانتیک) که در سال ۱۹۴۱ بین روزولت و چرچیل به امضا رسید، ایجاد یک سیستم تجارت بین‌المللی بود که بر اساس عدم تبعیض و مبادله آزاد کالا و خدمات پایه گذاری گردیده باشد» (موسوی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۶۲). بنابر همین دلیل موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT^{۱۵}) در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد (مانور، ۲۰۱۵: ۴۴۴). و در ادامه آن در سال ۱۹۹۵ سازمان فوق به سازمان WTO به هدف اطمینان حاصل شدن از روند آزاد تجاری میان کشورها تبدیل شد (www.wto.org). افغانستان یکی از کشورهای عضو WTO است که در دسامبر سال ۲۰۱۵ مؤفقاغه عضویت سازمان فوق را بدست آورد (زمین پرداز و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸). و چنین ادعا می‌رود که این کشور یکی از کشورهای است که بعد از پیوستن به WTO کمترین مزیت‌ها را برده است.

۱. **نظریه دکترین مکتب سوداگران:** بر پایه مکتب فکری سوداگران نقش تجارت دو جانبه خنثی دانسته شده و ایشان بدین عقیده بودند که ملت‌ها همواره از طریق بیلاس مثبت تجاری می‌توانند ثروت خود را افزایش دهند و این بیلاس تادیات مثبت از طریق صادرات بیش‌تر به دست می‌آید، با این وجود سوداگران طرفدار مداخلات دولت در عرصه تجارت بوده است (سالواتوره، ۱۳۹۵: ۳۸).

۲. **نظریات دکترین مکتب فکری کلاسیک:** نظریات فکری کلاسیک‌ها یکی از مهم‌ترین نظریات در حوزه تجارت هستند که در اواخر سده‌های شانزدهم، تا هجدهم میلادی توسط دانشمندان، چون آدم اسمیت، دوید ریکاردو، هابرلر و هشکور – اوهلین تحت عناوین مزیت مطلق، مزیت نسبی، نظریه هزینه فرصت و نظریه بر خورداری از عوامل (موجودی عوامل) شکل گرفتند. این مکتب فکری که توسط علمای فوق، بنا نهاده شد طرفدار آزادی بلاقید و شرط تجارت بودند و تجارت میان کشورها را مفید قلمداد نمودند (همان اثر).

^{۱۴} تولید ناخالص داخلی حقیقی (Real Gross Domestic Product)

^{۱۵} (General Agreement on Tariffs and Trade)

تفسیر اقتصاد دانان کلاسیک در ارتباط به همبستگی تجارت خارجی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها بر این بود که تجارت و بازرگانی خارجی عامل عمده رشد و توسعه اقتصادی است، با این وجود یکی از پیش‌نهادهای مطرح این علما، پیش‌نهاد تئوری هکشر- اوهلین بود. بر بنیاد تئوری فوق هر کشور کالایی را صادر می‌کند که در تولید آن نیاز به عامل نسبتاً ارزان دارد و متقابلاً کالایی را وارد می‌کند که تولید آن نیاز به استفاده از عامل نسبتاً کمیاب و گران دارد (رضوی و سلیمی‌فر، ۱۳۹۲: ۱۰).

۳. نظریه شکاف تکنولوژیکی: تئوری‌های ریکادیان و هکشر- اوهلین بر این فرض استوار اند که فناوری در همه کشورهای تجاری یکسان است. به این ترتیب، آن‌ها تأثیر تغییرات تکنولوژیکی بر تجارت را تجزیه و تحلیل نمی‌کنند، اما پوزنر در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۱ به تحلیل تأثیر فناوری بر تجارت پرداخته و تغییرات تکنولوژی را فرآیندی مستمر می‌داند که بر الگوی تجارت بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. بگونه‌ای که یک نوآوری تکنولوژیکی در قالب تولید کالای جدید در یک کشور، منجر به شکاف فناوری و شکاف تقاضا در کشور دیگر می‌گردد. هنگامی که یک شرکت در قالب یک محصول جدید نوآوری می‌کند و در بازار داخلی سودآور می‌شود، از یک موقعیت انحصاری برخوردار خواهد شد، زیرا محصول را به بازارهای خارجی صادر می‌کند و در این محصول مزیت مطلق دارد، پس از مدتی، سود شرکت نوآور؛ تقلید را در کشورهای دیگر تشویق می‌کند، اما تا زمانی که کشور واردکننده فرآیند جدید، تغییر کارخانه، تجهیزات و غیره را برای تولید آن فرا نگیرد، به صادرات محصول و مزیت نسبی در تولید خود ادامه خواهد داد (جینگان، ۲۰۱۶: ۹۵).

۴. نظریه دوران عمر کالا: با توجه به الگوی فوق وقتی یک کالا یا محصول جدید تولید می‌شود، گفته می‌توانیم که نیروی کار فنی در تولید آن نقش دارد و زمانی که این کالا به مرحله بلوغ خود نزدیک شد، مورد قبول اکثر مردم قرار می‌گیرد. با شناخته شدن محصول فوق، این محصول می‌تواند توسط نیروی کار نیمه فنی تولید شده و در ادامه آن دانش تولید آن از کشورهای مؤلد که ابتدا کالا را تولید نموده به کشورهای دیگر که در ابتدا در تولید کالا نقش نداشته و نیروی کار ارزان دارد انتقال می‌کند، با این وجود مدل فوق به مرسوم سازی کالا تأکید دارند (صبغ کرمانی، ۱۳۹۳: ۳۹).

۵. نظریه مزیت رقابت ملی: نظریه مزیت رقابت ملی، یکی از مفاهیم مهم در حوزه اقتصاد بین‌الملل است. این نظریه توسط مایکل پورتر، معرفی شده است (ترکمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). نظریه فوق، تأثیر به‌سزایی در سیاست‌گذاری دولت‌ها و تجارت جهانی داشته و باعث شده، تا دولت‌ها برای ایجاد مزیت رقابتی در بازار جهانی، به اصلاحات داخلی خود بپردازند. تز آقای پورتر این بود که هر کشور چهار عامل اصلی محیطی را شکل می‌دهد که در آن

شرکتهای محلی به رقابت پرداخته و موجب افزایش یا کاهش مزیت رقابتی کشور مورد نظر می شود که این عوامل عبارت است از برخورداری از منابع اولیه تولید، شرایط تقاضا، وجود صنایع حمایت کننده و نوع استراتیژی، ساختار و توان شرکت‌ها (پوره‌اشیم و مطلق، ۱۳۹۴: ۵۶).

۶. **نظریه مزیت‌های پیش‌تاز بودن:** بر اساس این تئوری هر کشور ممکن است تمرکز خود را بر تولید کالایی بگذارد که شرکت‌های تولید کننده آن کالا در آن کشور از نوع صنعت پیش‌تاز در صنعت مربوطه تلقی شده و از مزیت پیش‌تاز بودن برخوردار بوده باشد. به عبارت دیگر بر اساس این نظریه، کشورهای که با فاکتورهای پیش‌تاز بیش‌تری مانند دانش، فناوری، مهارت و سرمایه در ارتباط هستند، باید در تولید محصولات بسیار پیش‌رفته و فناوری‌محور روی آورند. کشورهای با فاکتورهای کم‌تر پیش‌تاز، کالای را تولید کنند که نیاز به فاکتورهای پیش‌تاز ندارند؛ در ضمن این نظریه دخالت و نقش دولت در محیط تجاری را مورد تأیید قرار می‌دهد (ترکمانی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

پیشینه تحقیق

مطالعات تجربی که راجع به WTO و چگونگی اثرگذاری آن در بخش اقتصاد، به صورت عام و در ارتباط به تجارت به صورت خاص در منطقه و جهان صورت گرفته است، همه از WTO و پیوستن کشورها به سازمان فوق به عنوان هدایت دهنده فعالیت‌های اقتصادی و بهبود دهنده وضعیت تجاری کشورها سخن گفته است، ولی این اثرگذاری پیوستن به WTO تأثیرات یکسان را بالای اقتصاد و تجارت کشورهای مختلف وارد ننموده، بلکه اثرات پیوستن به WTO برای کشورهای مختلف متفاوت بوده که در ذیل به مهم‌ترین مطالعات تجربی که در این زمینه صورت گرفته است پرداخته می‌شود.

۱. اعجاز علی‌خان و لطیف (۲۰۰۹). در تحقیقی که تحت عنوان (تجزیه و تحلیل تجارت قبل و بعد از پیوستن به WTO) (با مطالعه موردی کشورهای جنوب آسیا) با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی انجام داده است به این نتیجه رسیده است که تجارت کشورهای جنوب آسیا به اندازه انتظارات افزایش نیافته است که منجر به کاهش سود از تجارت جهانی شود. حجم تجارت هند بعد از پیوستن به WTO افزایش یافته و هند تنها کشوری است که در تحلیل کنونی از مزیت WTO و چشم اندازه‌های این سازمان در عرصه تجارت بین‌الملل بهره برداری نموده است.

۲. سیننگ (۲۰۱۴). در یک مقاله که تحت عنوان تجزیه و تحلیل تجارت قبل و بعد از پیوستن به WTO (با مطالعه موردی هند) نوشته، با استفاده از آزمون تی به این نتیجه رسیده است که حجم تجارت هند قبل از WTO و بعد از آن افزایش نموده است و از ۶.۴۶ در صد به ۶.۷۲ در صد تغییر نموده است.

۳. هاشم باناصفهان‌ی و گرجی (۱۳۸۶). مقاله‌ی را تحت عنوان بررسی تأثیر الحاق به WTO بر امنیت اقتصادی کشورهای جهان به منظور اتخاذ سیاست‌های کلان تجاری جمهوری اسلامی ایران به بحث گرفته است. یافته‌های تحقیق فوق با استفاده از روش‌های تجربی و آماری نشان می‌دهد که در تمامی حالات پیوستن به WTO حکایت از کاهش امنیت اقتصادی کشورها داشته و این اثر گذاری در تمام کشورها یکسان نمی‌باشد. روش تحقیق شناسائی روش مناسب تحقیق نقش عمده و اساسی را در باب دسیابی محقق به نتیجه مطلوب تحقیق دارد، بنابراین در این بخش سعی شده است، تا در ارتباط به روش تحقیق و چگونگی نحوه آزمون فرضیه تحقیق بحث همه جانبه صورت گیرد.

نوع تحقیق از نظر هدف و ماهیت

با در نظر داشت این که عنوان تحقیق حاضر تحلیل و مقایسه و وضعیت تجاری افغانستان، قبل و بعد از پیوستن به WTO است. بنابراین تحقیق فوق از نظر هدف کاربردی بوده و عبارت از تحقیق است که از اصول نظریه‌ها و قوانین تحقیقات بنیادی و اساسی برای حل مسائل اجرائی را به کار می‌گیرد (تیموری، ۱۳۹۲: ۷۰). داده‌های به کار رفته در این تحقیق از نظر ماهیت کمی بوده و این نوع تحقیق ریشه در مکتب اثبات گرایی (پوزیتیویستی) دارد. صاحب نظران این روش علاقه‌مند تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی؛ جهت استفاده مؤثر از قابلیت تجزیه و تحلیل‌های آماری و ریاضی برای توصیف و تحلیل پدیده‌های اجتماعی می‌باشند (حبیب پورگنابی و صفری شالی، ۱۳۹۴: ۲۳). با این همه داده‌های کمی داده‌های هستند که قابل شمارش بوده و می‌توان آن را شمارش و به صورت اعداد و ارقام نمایش داد.

نوع تحقیق از نظر روش جمع آوری داده‌ها و ابزار آن

این تحقیق از نظر روش جمع آوری داده‌ها اسنادی بوده و روش اسنادی یکی از جمله روش‌های پر کاربرد در تحقیقات علمی است. در این روش تلاش صورت می‌گیرد، تا غرض پاسخ گفتن به سوالات تحقیق و آزمون فرضیه‌های تحقیق، داده‌ها از کتاب‌ها، مقالات و سایت‌ها بدست آید (حیدری چروده، ۱۳۹۰: ۵۰). داده‌های که بر اساس آن فرضیه‌های تحقیق فوق آزمون شده است از نظر تحلیل‌های اقتصادی زمانی بوده و از طریق بانک جهانی و صندوق وجهی بین‌المللی پول بدست آمده است. ابزار جمع آوری داده‌ها در این تحقیق، فورم تحلیل محتوا است و فورم تحلیل محتوا در روش تحقیق اسنادی، ابزاری است که به طور مشخص برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات طراحی می‌شود (قربانی، ۱۳۹۸: ۱۹۹).

روش تجزیه و تحلیل داده و ابزار آن

در تجزیه و تحلیل، محقق تمام اطلاعات و داده های پژوهش را جمع آوری نموده و به کمک آمار استنباطی مورد بررسی همه جانبه قرار داده است. آزمون تی زوجی برای بررسی فرضیه تحقیق بکار برده شده و در ضمن برای توصیف و تلخیص داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

روش آمار استنباطی

روش های آمار استنباطی فرایندی است که برخی از ویژگی های مورد نظر داده های نمونه را بررسی و با استفاده از شواهد موجود در نمونه، برخی از ویژگی های جامعه را استنباط می کند. هدف اساسی این است که استنباط صحیح و درست صورت گیرد، از استنباط نادرست جلوگیری شود و از احتمال درست بودن و استنباط خاص اطمینان کامل حاصل گردد (وایلینس، ۱۹۷۸: ۵).

آزمون تی زوجی (Paired-Sample T Test)

آزمون تی زوجی با دو نمونه های جفتی معمولاً در تحقیقات آزمایشی و تجربی در حالتی استفاده می شود که محقق قصد دارد، تا تأثیر نوعی مداخله را در دو زمان متفاوت مورد غور و بررسی قرار دهد، بنابراین از این آزمون برای محاسبه فاصله اطمینان و آزمون فرضیه تفاوت میانگین ها استفاده می شود (حبیب پور کتابی و صفری، ۱۳۹۵). مزیت این آزمون در این است که هر فرد یا وضعیت دارای دو اندازه و یا حالت است و به راحتی می توان تفاوت مشاهده شده را دانست (کشاورز، ۱۳۹۵: ۲۰۷).

معرفی متغیرهای تحقیق

جدول (۱) معرفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	نماد	تعریف
تجارت	TRD	فیصدی سهم تجارت (صادرات+ واردات) در تولید ناخالص داخلی حقیقی
عاید سرانه	PCI	عاید سرانه ارقام به دالر امریکایی (تولید ناخالص داخلی حقیقی/تعداد نفوس کشور)
صنعت	IND	فیصدی سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی حقیقی
خدمات	SRV	فیصدی سهم خدمات در تولید ناخالص داخلی حقیقی
زراعت	AGR	فیصدی سهم زراعت در تولید ناخالص داخلی حقیقی
سرمایگذاری مجموعی	INV	فیصدی سهم سرمایه گذاری های مجموعی در تولید ناخالص داخلی حقیقی

تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

داده‌های استفاده شده در این تحقیق به کمک احصائیه اسنتباطی، با استفاده از آزمون تی زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در آن تفاوت میانگین متغیرهای مورد بررسی، قبل از پیوستن به WTO و بعد از پیوستن به سازمان فوق دیده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی زوجی

همانگونه که در روش تحقیق بیان گردید، آزمونی زوجی معمولاً در تحقیقات آزمایشی و تجربی و در شرایطی به کار می‌رود که قصد داریم، تا تأثیر نوعی مداخله را بر روی یک گروه در دو زمان متفاوت مورد بررسی قرار دهیم. در این بخش داده‌ها به کمک این آزمون مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول (۲) نمایش داده شده است

جدول (۲). نتایج آزمون تی

متغیرها	میانگین	فریکونسی	تفاوت میانگین‌ها	معنی داری
TRDB	۵۸,۶۸	5	۸,۳	0.052
TRDA	۵۰,۳۸	5		
PCIB	۵۸۵,۷	5	۹۲,۴۵	0.006
PCIA	۴۹۳,۲	5		
INDB	۲۱,۵۳	5	۹,۱۴	0.001
INDA	۱۲,۳۹	5		
SRVB	۵۱,۸۳	5	۵,۵۶۱-	0.022
SRVA	۵۷,۳۹	5		
AGRB	۲۲,۷۴	5	-2.616	0.082
AGRA	۲۵,۳۵	5		
INVB	۲۲,۱۵	5	4.062	0.054
INVA	۱۸,۰۹	5		

منع: یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق با استفاده از آزمون تی مبنی بر تفاوت میانگین سهم تجارت افغانستان در RGDP، قبل و بعد از پیوستن به WTO و به همین ترتیب میانگین سایر متغیرهای

تحقیق، مانند عاید سرانه، صنعت، خدمات، زراعت و سرمایه‌گذاری‌های مجموعی، قبل و بعد از پیوستن به WTO در جدول (۲) نشان داده شده است. نتایج آزمون فوق بیان‌کننده آن است که سهم تجارت در RGDP افغانستان بعد از پیوستن نظر به قبل از پیوستن کاهش نموده و با این وجود پیوستن افغانستان در سازمان تجارت باعث شده است، تا میانگین سهم تجارت افغانستان در RGDP به صورت منفی تحت تأثیر قرار گرفته و بایکدیگر تفاوت معنی‌دار دارد. این تفاوت میانگین با سطح اطمینان ۹۰ درصد و سطح خطایی ۱۰ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. به عبارت دیگر فرضیه صفری که بیان‌کننده عدم تفاوت میانگین سهم تجارت در RGDP افغانستان، قبل و بعد از پیوستن به WTO است رد شده و فرضیه مخالف آن که بیانگر تفاوت معنی‌دار، سهم تجارت در RGDP، قبل و بعد از پیوستن به WTO است مورد تأیید قرار می‌گیرد. همین گونه میانگین متغیرهای دیگر مانند عاید سرانه، صنعت و سرمایه‌گذاری‌های مجموعی کاهش نموده است. با در نظر داشت یافته‌های تحقیق در قبال این متغیرها می‌توان حکم کرد که پیوستن افغانستان به WTO منجر به کاهش تجارت، عاید سرانه، صنعت و سرمایه‌گذاری در افغانستان شده و ممکن است عوامل زیادی در این قسمت نقش داشته باشد که مهم‌ترین آن می‌تواند کاهش عاید سرانه، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، افزایش جنگ‌ها و ناامنی‌ها، خروج نسبی نیروی‌های خارجی و در ادامه آن فرار سرمایه از افغانستان، محدودیت‌های کشورهای همسایه در قسمت موضوعات تجاری از جمله پاکستان و ایران، بلند بودن رشد نفوس نسبت به RGDP و پیروی از اصول WTO بوده باشد. در میان متغیرهای مورد بررسی تنها میانگین دو متغیر، که شامل خدمات و زراعت می‌شود پس از پیوستن افغانستان به WTO افزایش نموده است، که مهم‌ترین عامل آن ممکن است، پیوستن به WTO و پیروی از اصول سازمان فوق، رشد صنعت بانکداری، افزایش فعالیت‌های شرکت‌های مخابراتی، افزایش شرکت‌های خدمات پستی، شرکت‌های بیمه، برنامه دولت در قسمت ساخت و ساز سردخانه‌ها برای دهاقین، سهولت‌های قرضه دهی در بخش زراعت و قرضه‌های زراعتی، توزیع ماشین‌آلات و کمک آدویه و تخم‌های اصلاح شده زراعتی برای دهاقین بوده باشد.

نتیجه‌گیری

تجارت از جمله دلایل مهم ایجاد تعاملات بین‌المللی بوده و WTO نیز به منظور ایجاد سهولت هرچه بیش‌تر در روند تجارت میان کشورهای عضو تشکیل گردیده است. در این تحقیق، با تکیه بر مبانی نظری و مطالعات تجربی انجام شده، تجارت و متغیرهای مانند عاید سرانه، صنعت، خدمات، زراعت و سرمایه‌گذاری‌های مجموعی، به صورت مقایسه وی

قبل و بعد از الحاق افغانستان به WTO به صورت همه جانبه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق با استفاده از آزمون تی زوجی، مبنی بر تفاوت معنی دار میانگین سهم تجارت در RGDP افغانستان، قبل و بعد از پیوستن به WTO و به همین ترتیب میانگین سایر متغیرهای دیگر مانند عاید سرانه، صنعت، خدمات، زراعت و سرمایه‌گذاری‌های مجموعی به بررسی گرفته شده است. نتایج آزمون فوق بیان کننده آن است که میانگین تجارت افغانستان قبل از پیوستن به WTO نسبت به بعد از پیوستن به WTO بلند بوده و با یکدیگر تفاوت معنی دار دارد. این تفاوت میانگین به سطح اطمینان ۹۰ درصد و سطح خطای ۱۰ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در کل نتایج حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی افغانستان بعد از پیوستن این کشور به WTO عقب‌گرد داشته و در این خصوص ضرورت است، تا دولت افغانستان اقدامات لازم را در موارد ذیل انجام دهد.

۱. با در نظر داشت اینکه هم‌گرایی‌های اقتصادی نقش عمده و اساسی را در قسمت رشد فعالیت تجاری و اقتصادی ممالک دارد و در ضمن آزادی تجارت در نتیجه پیوستن افغانستان به سازمان تجارتی جهانی سبب شده است، تا وضعیت تجاری و اقتصادی در این مملکت بهبود پیدا نکند و این کشور مزیت‌های لازم را از پیوستن به WTO نبرد، بنابراین ضرورت جدی است، تا افغانستان در بلند مدت از کشورهای که عضویت شان در WTO منجر به بهبود وضعیت اقتصادی آنها گردیده، الگو برداری کند.

۲. برای پژوهش‌گران بعدی پیش‌نهاد می‌شود، تا روی موارد مانند مقایسه وضعیت تجاری کشورهای، همسایه و منطقه قبل و بعد از پیوستن به WTO و بررسی مقایسه متغیرهای اقتصادی افغانستان با متغیرهای اقتصادی کشورهای که عضویت WTO را کسب نموده و کشورهای که تا اکنون عضویت WTO را کسب ننموده است مطالعه همه جانبه نماید.

منابع

۱. بالام، دیوید و وست، مایکل. (۱۳۹۷). در آمدی بر اقتصاد سیاسی بین الملل. (مترجمان: احمد ساعی و عبدالمجید صیفی) تهران: قومس.
۲. پورهاشم، سیدجمال و مطلق، احسان‌احد. (۱۳۹۴). بررسی نقش موثر تجارت الکترونیک بر تجارت بین‌الملل با رویکرد نظریه‌ها و کاربردها. ماهنامه پژوهش‌های مدیریت و حسابداری، ۴۸-۶۱.
۳. ترکمانی، پور یادینی. (۱۳۹۱). مروری بر نظریه‌های تجارت بین الملل. مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی. شماره ۲، ۹۹-۱۰۴.

۴. تیموری، شراره. (۱۳۹۲). تبیین و بررسی شاخص‌های روش تحقیق کاربردی در طراحی صنعتی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۴، ۶۸-۷۴.
۵. حبیب‌پورگنابی، کرم و صفری شالی، رضا. (۱۳۹۴). راهنمای جامعه کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی). تهران: نشر لویه.
۶. حیدری‌چروده، مجید. (۱۳۹۰). راهنمای پژوهش علمی به زبان ساده. مشهد: نشریه تعلیم و تربیه.
۷. راستی، محمد و اردکانی، مسعود. (۱۳۸۹). آزاد سازی تجارت خدمات و رشد اقتصادی: تجربه کشورهای عضو WTO. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۸. رضوی، سید عبدالله و سلیمی‌فر، مصطفی. (۱۳۹۲). اثر جهانی شدن اقتصاد بر رشد اقتصادی با استفاده از روش خود تو ضیحی برداری. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن. شماره ۹، ۱۰-۳۱.
۹. زمین‌پرداز، مصطفی و خسرویان، محبوبه. (۱۳۹۵). تحلیل سیاسی و حقوقی آثار ورود افغانستان به سازمان تجارت جهانی (WTO) پژوهش ملل. شماره ۷، ۷-۸۸-۱۰۱.
۱۰. سالواتوره، دومینیک. (۱۳۹۵). اقتصاد بین الملل (تجارت بین الملل). (مترجم: حمید رضا ارباب) تهران: نشر نی.
۱۱. صباغ‌کرمانی، مجید. (۱۳۹۳). اقتصاد منطقه‌ای (تئوری و مدلها). تهران: سمت.
۱۲. قربانی، محمد. (۱۳۹۸). روش تحقیق پیمایشی (رهمائی عملی). مشهد: دانشگاه فردوسی.
۱۳. کشاورز، امراله. (۱۳۹۵). اس. پی. اس و کاربرد آن در تحلیل‌های آماری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۴. موسی‌زاده، رضا. (۱۳۹۵). سازمان‌های بین‌المللی. تهران: میزان.
۱۵. تجاری جمهوری اسلامی ایران. مجله دانش و توسعه (علمی-پژوهشی). شماره ۲۱، ۱۲-۳۴.
16. Jhingan, M. (2016). *International Economics*. Delhi: Nisha Enterprises.
17. Mannur, H.G. (2015). *International Economics*. New Delhi: Vikas.
18. Rana Ejaz Ali, Khan and Muhammad Ijaz, Latef. (2009). **Analysis of trade before and after the WTO: A case study of south Asia**. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences*. vol2, 53-67.

19. Singh, Shamsheer.(2014).**Analysis of Trade Before and After the WTO A case Study of India.** *Global Journal of Finance And Management. vol6*,801-808.
20. wyllys, Ronalde.(1987).**Teaching descriptive and inferential statistics in library schools.** *journal of education for libararianship* ,pp3-20.

Abstracts

The studies that have been conducted by all the research institutions, at the regional and international level, in relation to the World Trade Organization, its consequences and effects, have all spoken about the effects and consequences of joining this world organization. However, the consequences of this organization are different in most countries and have different effects on the economic situation of the countries as a whole and on the situation of the developing countries in particular. In this research, the researcher has tried to explore the consequences of joining the World Trade Organization on the commercial and economic situation of Afghanistan as one of the backward economies in the region, and in particular, to comprehensively study the trade situation of this country before and after joining the World Trade Organization. The results obtained from this research, which was conducted using the Paired-Sample T Test, show that the average share of trade in Afghanistan's real GDP decreased significantly after joining the World Trade Organization, and joining in this organization has reduced the volume of trade (imports + exports).

Key words: Paired-Sample T Test, Trade, Service, Agriculture, Industry, Total Investment and Per Capita Income.

مروری بر تغییر اقلیم و پیامد های آن بر محصولات زراعتی و هار تیکلچری

پوهنیار عبد الجبار چرخى

چکیده

اقلیم و آب و هوای جهان در اثر فعالیت های انسانی تغییر می کند. انسان ها با استفاده از سوخت های فسیلی و تولید گاز های گلخانه ای به تغییرات اقلیمی دامن زده و سرعت افزایش گازات گلخانه ای و گرمایش جهانی را سریع کرده است، و بسیار از نباتات برای شکستن خواب زمستانی خود ضرورت به سردی زمستانی دارند. سکتور زراعت ضرورت خواهد داشت تا به منظور تضمین بقا و پایداری خود، نسبت به این تغییرات سازگار گردد. نتایج تحقیقات مختلف نشان می دهد که تا نیمه ی قرن حاضر پدیده تغییر اقلیم، پیامد های قابل توجهی را بر بسیاری از شاخص های اقلیمی مرتبط با زراعت به همراه خواهد داشت، از آنجا که اهمیت هریک از این شاخص ها بر نوع نبات متفاوت است، ارزیابی پاسخ نباتات زراعتی به این تغییرات مستلزم انجام مطالعات بیشتر خواهد بود. در این زمینه اثر تغییر اقلیم بر رشد و عملکرد محصولات زراعتی معنی دار بوده است. از آنجا که رابطه ی بین اقلیم و حیات زنده یک رابطه دو طرفه است، انسان های امروزی دو راهکار اصلی را برای مقابله و یا کنار آمدن با پدیده ی تغییر اقلیم انتخاب کرده اند. که عبارت اند از توافق و کاهش شدت تغییر اقلیم است. توافق به نبود محیط زندگی سالم و کاهش شدت آن اطلاق می گردد.

واژه های کلیدی: تغییر اقلیم؛ گازات گلخانه ای؛ محصولات و زراعتی و هار تیکلچری

مقدمه

محصولات هار تیکلچری بخش مهم از محصولات نباتی بوده که معمولاً با تولید میوه جات، سبزیجات، گلها، نباتات زینتی، نباتات طبی، نباتات عطری و نباتات مساله ای سر کار دارد. محصولات هار تیکلچری دارای ارزش های غذایی، طبی و اقتصادی بوده، دهاقین و باغداران با تربیه تعداد زیادی نباتات هار تیکلچری بلدیت دارند و فرصت های زیادی اجتماعی، اقتصادی، جیوپولیتیکی و جهانی برای رشد و انکشاف سکتور هار تیکلچر در کشور مساعد است. اقلام عمده صادراتی کشور را محصولات هار تیکلچری تشکیل می دهد

و این محصولات بازار خوبی را در منطقه دارا است. انکشاف همه جانبه در رشد و توسعه سکتور هارتکلچر نهفته است، زیرا این انکشاف باعث فقر زدایی، ایجاد فرصت های کاری، انکشاف صنعتی، صحت انسانی، رشد تجارت، بلند رفتن عواید ملی و رفاه اجتماعی می گردد. محصولات نباتات هارتکلچری سرشار از مواد غذایی کمیاب و مهم بوده که ویتامین ها، منرال ها، انتی اکسیدانت ها، آب و فیبر غذایی را برای بدن فراهم می سازد. اغلب میوه ها و سبزی ها منابع خوب فولاد، پوتاشیم، ویتامین سی و پیش ساز های ویتامین ای (مانند کاروتینوئید که در ع ضویت به ویتامین ای تبدیل می شود) می باشند. میوه ها و سبزی ها جز مهم وارزنده یک رژیم غذایی صحی را تشکیل می دهند که با مصرف کافی روزانه آن ها (۴۰۰-۵۰۰ گرم در روز) صحت و سلامتی بدن تأمین شده و از امراض مزمن مانند مرض شکر، امراض قلبی و سرطان ها جلوگیری می شود (قاضی زاده، ۱۳۹۷).

تغییر اقلیم بر اساس تعریف کنوانسیون سازمان ملل، عبارت از دگرگونی آب و هوا که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از فعالیت های انسان بر روی زمین به وقوع می پوندد. در دوره های زمانی دیگر تنوع اقلیمی به شکل طبیعی وجود داشته است، با این حال منظور از تغییر اقلیم، تغییراتی است که فعالیت های انسانی در ترکیب جو جهان به وجود آورده است و این افزایش بر تنوع طبیعی اقلیمی است که در دوره های مشابه مشاهده شده است. پدیده تغییر اقلیم نتیجه پروسه های صنعتی که در چند قرن اخیر بوقوع پیوسته می باشد. استفاده روزافزون نفت و ذغال سنگ در کنار قطع جنگلات و یک تعداد از فعالیت های زراعتی سبب افزایش قابل توجه تولید گاز های گلخانه ای مانند کاربن دای اکساید، گاز میتان و اکساید نایتروجن در اتموسفیر شده است. افزایش مقدار گاز های گلخانه ای باعث تغییر دادن اقلیم بشمول افزایش درجه حرارت جهانی شده است.

تغییر اقلیم در سطح جهانی پیامد هایی مانند افزایش تدریجی اوسط درجه حرارت، بالا رفتن سطح آب ابحار، شدیدتر شدن و ازدیاد حوادث غیرمترقبه اقلیمی مانند سیلاب ها، خشکسالی ها و طوفان های ناگهانی به بار می آورد. تاثیرات فزیکتی متعلق به جغرافیا و ارتباطات محلی میان گرمایش جهانی و نمونه های موجود آب و هوا می باشد. هرچند که این پیامد های مخرب بر توسعه اجتماعی و بشری، تنها وابسته به روند های فزیکتی نیست و به آسیب پذیریهای اجتماعی و اقتصادی نیز بستگی دارد (برنامه محیط زیست ملل متحد، ۲۰۰۹).

افغانستان از جمله کشور های به طور اوسط در انتشار تولید گاز های گلخانه ای است، مجموع میزان انتشار گاز های گلخانه ای افغانستان از اوسط جهانی ۴،۴۰ مرتیک تن

کاربن دای اکساید کمتر است. این کشور در حدود ۰٫۶۰ فیصد از مجموع انتشار گاز های گلخانه ای جهان را تولید میکند. انتشارات گاز های گلخانه ای افغانستان از سال ۱۹۹۵ میلادی دو برابر شده است. به غیر از تاجیکستان، انتشار گاز های گلخانه ای افغانستان از تمام کشور های همسایه پایینتر است. میزان انتشار گاز های گلخانه ای هر سکتور در افغانستان تصویر خیلی متفاوت تری از میانگین جهانی عرضه میکند. باوجود آنکه سکتور های انرژی و صنایع نزدیک به ۸۵ فیصد مجموع انتشارات گاز های گلخانه ای جهان را ارایه میکنند، این در حالی است که در افغانستان کمرت از ۱۵ فیصد انتشارات گاز های گلخانه ای برآیند سکتور های انرژی و صنایع است. برعکس، این سکتور زراعت است که بیش از نصف تولیدات گاز های گلخانه ای افغانستان را تشکیل می دهد. در حالی که این سکتور در سطح جهانی حداکثر ۱۱ فیصد انتشارات جهانی را به خود تخصیص میدهد. البته با در نظر داشت سطح پایین توسعه انرژی و صنعت در افغانستان این امر چندان هم تعجب برانگیز نیست. هر چند این کشور، از جمله آسیب پذیرترین کشور های جهان در مقابل تغییرات اقلیمی و بطور مشخص این کشور در مقابل خشکسالی، سیلاب، لغزش زمین، زمین لرزه برفکوج آسیب پذیر است (اداره ملی حفاظت محیط زیست ۲۰۱۱).

اقلیم نقش اساسی در تولید موفق محصولات زراعتی و تجارت جهانی ایفا میکند. بخصوص فعالیت های باغداری به شدت وابسته به شرایط آب و هوایی محل است. خواب زمستانی یک جنبه کلیدی در چرخه سالانه نباتات برگ ریز باغداری و خشکبار محسوب میشود. نباتات برای شگوفایی مناسب در فصل نمویی نیازمند شکستن خواب زمستانی است (Saure, 1985). درختان جهت خارج شدن از حالت خواب، باید در معرض مقداری از پیش تعیین شده هوای سرد قرار بگیرند، به این پروسه در اصطلاح سرمای زمستانی یا بهاره سازی می گویند. برآورده نشدن هوا سرد زمستانی موجب رشد نامنظم و جوانه زنی اندک، نمو ضعیف میوه، کوچک ماندن اندازه و زمان های غیر یکنواخت رسیدگی میوه شود (Oukabli, et al., 2003, Petri and Leite, 2003).

در سال ۲۰۰۸ میلادی کمبود باران به همراه برف کمتر از حد طبیعی سبب شد که سقف تولید محصولات ۴۰ الی ۵۵ فیصد در سطح کشور کاهش یابد (MAIL, 2009 and USDA, 2008) اگر این برخلاف اطلاعات سال ۲۰۰۷ میلادی که یک سال عادی در نظر گرفته شده، ارزیابی شود، تاثیر خشکسالی در زمین های للمی (با کاهش ۸۵ فیصدی) نسبت به زمین های آبی (با کاهش ۱۶ فیصد) شدیدتر احساس شده است. طبق تخمین ها، در دوره خشکسالی سال ۲۰۰۱ میلادی در قندهار، میزان تولید گندم نسبت به یک سال معمولی ۴۰ فیصد و میزان تولید باغ های میوه بین ۵۰ تا ۷۵ فیصد کاهش یافته بود.

به همین شکل، کم آبی سال ۲۰۰۴ میلادی باعث شد که میزان کاهش تولیدات گندم در مجموع به سقف ۴۷ فیصد برسد. در عین حال تولیدات للمی با ۶۸ فیصد کاهش و محصولات آبی با ۳۸ فیصد کاهش مواجه شده است (FAO and WFP 2004).

عکس العمل نباتات بر تغییر اقلیم:

جنبه های مختلف تغییر اقلیم مانند افزایش کاربن دای اکساید، افزایش درجه حرارت و تغییر مقدار متفاوتی بارش، اثرات متفاوتی بر محصولات زراعتی دارند. در ترکیب این تاثیرات می تواند باعث افزایش یا کاهش محصول شده و در نهایت اثر مستقیم تغییر اقلیم بالای تولید محصولات زراعتی به اثر متقابل بین این عناصر بستگی دارد (Liancourt, et al., 2013).

۱- تاثیر غلظت کاربن دای اکساید در اتموسفر بر رشد و نمویی نباتات:

غلظت کاربن دای اکساید در اتموسفر هم از جهت رشد و تولید نباتات و هم از جهت خواص تابش اتموسفر و اقلیم از اهمیت زیادی برخوردار است. افزایش سریعتر غلظت کاربن دای اکساید در اتموسفر یکی از جنبه های قطعی تغییر اقلیم در دهه های پیش روی پیش بینی شده و آنچه از گزارش های اخیر می توان دریافت، تجمع کاربن دای اکساید در اتموسفر نسبت به آنچه انتظار می رفت سریعتر بوده است (Jentsch and Anke, 2007). بر اساس گراف کیلینیک که بر پایه آمار مرکز معتبر مائونالوئا در هاوایی رسم میگردد، میزان کاربن دای اکساید اتموسفر زمین از ۲۸۰ ppm در سال ۱۹۵۱ میلادی به ۳۷۹ در سال ۲۰۱۰ میلادی افزایش یافته است. به طور مشابه، حرارت سطحی کره زمین در سال های ۱۱۵۰ تا ۲۰۰۰ میلادی حدود ۰,۴۴ درجه سانتی گراد افزایش یافته است که شتاب افزایش درجه حرارت در ۵۰ سال اخیر تقریباً دو برابر وقفه زمانی قبل از ۱۹۵۰ میلادی است (Marx and Haunschild, 2017). افزایش کاربن دای اکساید در اتموسفر، باعث افزایش غلظت کاربن دای اکساید در فضای بین حرات میشود که خود منجر به افزایش شدت فتوسنتز و کاهش قدرت انتقال مجرا های تنفسی میگردد. در بسیاری از نباتات وجود پوشش قشر کیوتین (کیوتیکل) روی بافت اپیدرمیس آن را نسبت به آب و گازها غیرقابل نفوذ ساخته، تنها مجرا های تنفسی در بافت اپیدرمیس راه ارتباط بافت های درونی و یا بخش های داخلی نباتات با محیط خارج برای تبادلات گازی و دفع مازاد آب جذب شده، هستند.

مجرا های تنفسی تقریباً در تمام سطح اندام های نباتات به جز در ریشه و ساقه های مسن که از چوب پنبه پوشیده شده اند، پراکنده است. در نهایت افزایش شدت فتوسنتز و کاهش قدرت انتقال مجرا های تنفسی، مقدار تعرق را کاهش میدهد، از اینرو افزایش غلظت کاربن دای اکساید باعث افزایش تولید بایومس و محصول نهایی می شود (بنایان اول، ۲۰۱۰). نسبت به این افزایش غلظت، انواع نباتات واکنش متفاوتی نشان میدهند. در حقیقت، دو برابر شدن غلظت کاربن دای اکساید در اتمسفر باعث افزایش فتوسنتز به میزان ۳۰ تا ۵۰ درصد در نباتات مختلف میشود. در این میان، افزایش مقدار محصول نهایی کمتر از افزایش مقدار فتوسنتز است، با این حال در غلظت های بین (۵۵۰-۵۰۰ ppm) عملکرد تخم نباتات مختلف به میزان ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش می یابد و این مقدار در بعضی نباتات حدود ۱۳ درصد است. همچنین لوبل و فیلید در سال ۲۰۰۷ میلادی نشان داده اند که عملکرد تخم به افزایش کاربن دای اکساید در حدود ۰،۰۷ درصد افزایش می یابد (Lobell, et al., 2007).

بیشترین اثر افزایش غلظت کاربن دای اکساید زمانی حاصل میشود که شرایط محدودیت رطوبت وجود داشته باشد زیرا غلظت بیشتر کاربن دای اکساید باعث افزایش موثریت استعمال رطوبت در برگ ها و دیگر بخش های نباتات میگردد. کمبود مواد مغذی میتواند اثرات مثبت افزایش غلظت کاربن دای اکساید را کاهش دهد. به دلیل وجود عوامل محدود کننده تولید، اثر افزایش غلظت کاربن دای اکساید در مزرعه احتمالاً کمتر از مقدار مشاهده شده در شرایط کاملاً کنترل شده در لابرتوار است. اثر غیرمستقیم و مهم افزایش غلظت کاربن دای اکساید، کاهش غلظت مواد مغذی در نبات موجب کاهش کیفیت محصول میشود. اثر غیرمستقیم دیگر افزایش غلظت کاربن دای اکساید، افزایش درجه حرارت تاج نبات است. که سبب کاهش قدرت انتقال مجرا های تنفسی در برگ ها می شود. بنابر این کاهش قدرت انتقال مجرا های تنفسی ناشی از افزایش غلظت کاربن دای اکساید ممکن است تأثیری مشابه به تأثیر افزایش درجه حرارت بر رشد و توسعه نبات داشته باشد (Long, et al., 2004).

۲- تاثیر درجه حرارت بر عملکرد محصولات زراعتی:

درجه حرارت، اغلب پروسه ی مرتبط با تخمین مقدار محصول را تحت تاثیر قرار می دهد. در جایکه محصولات در نزدیکی حد بالای درجه حرارت قابل تحمل کشت می شوند، وقوع

دوره های بسیار گرم می تواند برای نبات کاشنده باشد در حالیکه در مناطق سرد تر مانند شمال شرق چین، افزایش متوسط سالانه ی درجه حرارت از سال های ۱۹۸۰ میلادی به بعد باعث افزایش تولید محصولات شده است. درجه حرارت بالاتر می تواند اثر مخربی در مقدار تولید محصولات داشته باشند، زیرا باعث افزایش فنولوژی نبات شده و زمان تجمع بایومس را کاهش می دهند.

با بررسی اطلاعات فنولوژی نبات در ۲۰ کشور اروپایی دریافتند که برای سال های ۱۹۷۱ الی ۲۰۰۰ میلادی در ۷۸ فیصد موارد جوانه زنی، گلدهی و میوه دهی زودتر انجام شده است. سادراس و مونزون در سال (۲۰۰۶) میلادی اثر تغییر واقعی درجه حرارت را بالای توسعه فنولوژیکی گندم شبه سازی کردند و نشان دادند که گلدهی پیش از موعد در طول دوره گل دهی تا تکامل نبات ایجاد نشده است (انتقال زمان گلدهی به ماه های سردتر سال). بنابر این درجه حرارت بالا میتواند اثر منفی زیادی بر رشد و تولید محصول داشته باشند (Sadra, et al., 2006).

به عنوان مثال در مورد گندم افزایش درجه حرارت در نزدیکی دوره جوانه زنی می تواند وزن تخم را کاهش داده و باعث کاهش محصول شود. افزایش متوسط درجه حرارت می تواند خسارات ناشی از یخبندان را کاهش دهد (کاهش متواتر روز های بسیار سرد). با این حال، اثر غیر مستقیم درجه حرارت می تواند در برخی مناطق باعث افزایش وقوع یخبندان گردد. سادراس و مونزون در سال (۲۰۰۶) میلادی نشان دادند که انتقال زمان گلدهی به ماه های سردتر سال باعث افزایش سرعت فنولوژی نبات حاصل از افزایش درجه حرارت می تواند سبب وقوع یخبندان در دوره گلدهی را افزایش دهد (Sadras, et al., 2006). همچنان بلاگر و همکاران در سال (۲۰۰۲) میلادی نشان دادند که افزایش درجه حرارت می تواند باعث کاهش خسارات سرمازدگی در خزان گردد. در اقلیم سردتر و در ارتفاعات بالاتر، افزایش درجه حرارت می تواند طول فصل رشد نبات را افزایش دهد (Belanger, et al., 2002).

اثر افزایش درجه حرارت در نباتات مختلف متفاوت است. درجه حرارت مناسب برای فتوسنتز برگ ها و رشد نباتات دارای کارایی بیشتر، سرعت فتوسنتز بیشتر و سرعت رشد بالاتر می باشد. بعضی نباتات با درجه حرارت بالا برای جوانه زنی نباتات مانند جواری، ارزن، گل آفتاب پرست و برخی از حبوبات مانند لوبیای هندی می توانند از اثرات مثبت افزایش درجه حرارت در مناطق سرد تر بهره مند شوند. غلات و بعضی از روایتی های حبوبات مانند نخود و عدس که دارای درجه حرارت پایین تر هستند شاهد افزایش سرعت فنولوژی خواهند بود (Belanger, et al., 2002).

به عنوان مثال، سادراس و موزون در سال (۲۰۰۶) میلادی دریافتند که شروع گل دهی گندم در اقلیم های مختلف، به منظور هر درجه افزایش درجه حرارت، در حدود ۷ روز زودتر اتفاق می افتد (Sadras, et al., 2006).

در شرایطی که حداقل و حداکثر درجه حرارت با شدت متفاوتی دچار تغییر می شوند، تغییر دامنه تغییرات درجه حرارت روزانه بر روی برخی نباتات اثر می گذارد. لوبل در سال (۲۰۰۷) میلادی با تحلیل اطلاعات تاریخی مقدار محصول گندم، برنج و جواری نشان داد که افزایش دامنه تغییرات درجه حرارت روزانه، در بسیاری از مناطق دنیا، موجب کاهش مقدار محصول برنج و جواری شده است. این مسئله نشان دهنده واکنش غیر خطی محصول به درجه حرارت است که احتمالاً از تنش های حرارتی بزرگ تر در روز های بسیار گرم حاصل می شود (Lobell, 2007). پنگ و همکاران در سال (۲۰۰۴) میلادی نیز دریافتند که محصول برنج بخاطر هر واحد افزایش حداقل درجه حرارت، ۲ فیصد کاهش می یابد (به دلیل تعلق شبانه)، اما این نتیجه گیری در مطالعات دیگر با چالش روبرو شده است (Peng, et al., 2004).

با فرار رسیدن فصل خزان رشد درختان خزان دار متوقف و برگ های آنها می ریزد و در برابر سردی زمستان مقاوم می شوند. در نهایت با پایان زمستان، رکود در نباتات به طور طبیعی بوسیله سردی زمستان شکسته می شود که مقدار سردی مورد ضرورت به نوع و وراثتی نباتات بستگی دارد. حداقل زمان لازم برای سردی یک نبات در طی فصل رکود که موجب از سرگیری رشد طبیعی آن در فصل نمویی می شود. در اصطلاح ضرورت هوا سرد (Chilling requirement) نامیده می شود. عدم تأمین ضرورت هوا سرد در نباتات خزان دار موجب کاهش رشد میان گره ها، ریزش زیاد جوانه، تأخیر در گل دهی و برگ دهی و کاهش میوه درخت حتی در سال پر محصول می شود.

تحقیق که توسط علی و رضا در سال (۱۳۹۴) هجری شمسی صورت گرفته نشان میدهد به دلیل گرم شدن غیر طبیعی کره زمین در سال های آینده، میزان سردی زمستان برای تأمین ضرورت هوای سرد درختان خزان دار کافی نیست. با توجه به یافته های این تحقیق کم تر شدن مقادیر ساعات سردی مورد ضرورت برای خارج شدن از رکود به عنوان یکی از پیامد های تغییر اقلیم در ولایت همدان کشور ایران می تواند گل دهی درختان خزان دار با ضرورت سردی بالاتر از مقدار موجود (بر اساس پتانسیل اقلیمی) را به تأخیر بیندازد. به عبارتی انواع نباتات که ضرورت به هوای سردی بیشتر برای خارج شدن از رکود دارند در آینده با مشکل مواجه شده و به دلیل عدم تأمین ضرورت هوای سرد زمستانی با تأخیر در گلدهی و حتی عدم تشکیل جوانه کاهش محصول را متحمل می شود (علی و رضا، ۱۳۹۲).

۳- تاثیر بارندگی بر محصولات زراعتی:

گرمایش زمین به احتمال زیاد مقدار و الگوی بارش را در سطح جهان تغییر می دهد. مجموعه ی بارندگی سالانه در عرض های بالایی و در نزدیکی خط استوا افزایش می یابد، در حالیکه در مناطق نیمه حاره ای، مقدار بارندگی کاهش یافته و تغییرات آن بیشتر می شود که تغییر مقدار بارندگی می تواند اثرات متفاوتی بر تولیدات زراعتی داشته باشد (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۷). در مناطق خشک و نیمه خشک، افزایش بارندگی باعث افزایش رشد محصول شده، در حالیکه کاهش بارندگی می تواند تولید محصول را با محدودیت مواجه سازد. در مقابل، در مناطق مرطوب، افزایش بارندگی باعث آب گرفتگی خاک شده و رشد محصول را با مشکل مواجه سازد و یا باعث شستشوی مواد مغذی از خاک های ریگی می شود. در چنین مناطق کاهش بارندگی می تواند اثرات منفی شستشوی مواد مغذی خاک را کاهش دهد. توزیع بارندگی نیز نقش مهمی در تعیین مقدار محصول نهایی دارد. بارندگی در زمان جوانه زنی و اطمینان از وجود منابع آب در طول دوره های شکل گیری و پر شدن تخم را افزایش می دهد و این مسئله به ویژه برای محصولات یک ساله اهمیت زیادی دارد (Levine and jonathan, 2008).

بنابر این تغییرات در آینده در توزیع بارندگی فصلی بر رشد و مقدار تولید محصول اثر گذار خواهد بود. ایجاد تعادل بین رشد و آب مصرفی قبل و بعد از جوانه زنی یکی از روش های مقابله با توزیع غیر یکنواخت بارش و کمبود آب آبیاری است. راهکار های مدیریتی برای تغییر در نیاز آبی نباتات، شامل تغییر زمان کاشت، مدیریت مواد مغذی، تراکم کشت و انتخاب انواع مناسب محصول است (Levine et al., 2008).

۴- تاثیر تابش نور آفتاب بر محصولات زراعتی:

کاهش تابش نور آفتاب می تواند تاثیر منفی شدیدی بر تولیدات زراعتی داشته باشد که البته می تواند به صورت کامل یا جزئی توسط افزایش پراگندگی بیشتر نور آفتاب جبران شود (اسدی و همکاران، ۲۰۱۹).

حجرات نباتات انرژی آفتاب را به قند تبدیل می کنند و کاهش تابش نور آفتاب می تواند به صورت بالقوه میزان فتوسنتز و رشد نباتات را کاهش دهد. با این حال، مقدار و شدت فتوسنتز معمولاً تحت تاثیر محدودیت های مانند مقدار مواد مغذی و رطوبت موجود است (اسدی و همکاران، ۲۰۱۹).

کاهش تابش نور آفتاب هم چنین باعث کاهش ظرفیت تبخیر می شود. در مناطقی که به کمبود آب مواجه است این مسئله می تواند افزایش رطوبت موجود برای نبات و افزایش تولید محصول را در پی داشته باشد. هم چنین، کاهش تبخیر و تعرق می تواند مقدار زهکشی و شستشوی مواد مغذی را که اثرات منفی شدیدی دارد کاهش دهد (Klaring, 2013).

۵- تاثیرات اوزون (O₃) بر محصولات زراعتی:

اوزون (O₃) شکلی از اکسیژن است که جز منابع آلودگی هوا در سطح زمین محسوب می شود. در حدود ۹۰ فیصد اوزون (O₃) موجود در اتموسفر در طبقه فوقانی جو قرار دارد و باقی آن، در طبقه پایین جو توزیع شده است.

اوزون (O₃) موجود در لایه های مختلف اتموسفر، اثر متفاوتی در زندگی بر روی سطح زمین دارند. اوزون (O₃) واقع در طبقه فوقانی، نقش مثبتی در جذب اشعه ماورا بنفش دارد و اجازه رسیدن آن به سطح زمین را نمی دهد. با تخریب لایه اوزون (O₃) موجود در این بخش از اتموسفر مقدار اشعه ماورا بنفش اندازه گیری شده در سطح زمین نیز در طی دهه های گذشته افزایش پیدا کرده است. این افزایش، باعث کاهش توسعه ی برگ ها و تجمع بایومس در نباتات شده است و می تواند موجب افزایش توان و تحمل نباتات نسبت به آفات شود.

اوزون (O₃) یک اکساید بسیار قوی است. بنابر این اوزون (O₃) نزدیک تر به سطح زمین به صورت بالقوه برای نباتات مضر است. در محصولات زراعتی، اوزون (O₃) می تواند باعث افزایش سرعت پیری زودرس در نباتات شود. در مجموع افزایش غلظت کاربن دای اکساید می تواند باعث افزایش رشد نبات شود اما افزایش مقدار اوزون (O₃) در مقدار ثابت کاربن دای اکساید می تواند مقدار محصول را در بسیاری از انواع کاهش دهد. پلیژل و همکاران در سال (۲۰۰۵) میلادی گزارش کرده اند که غلظت نایتروجن در تخم محصولات، با افزایش میزان اوزون (O₃) افزایش پیدا کرده است و منجر به بهبود کیفیت نان در گندم بهاری گردیده است. با این حال، افزایش اوزون (O₃) می تواند بر کیفیت نبات کچالو اثر منفی داشته باشد. به طور کلی افزایش غلظت اوزون (O₃) بالای رشد نباتات اثر منفی داشته و نیز مقدار افزایش محصول از افزایش غلظت کاربن دای اکساید را تحت تاثیر قرار می دهد (Ashmore, 2005).

۶- اثر ترکیبی تغییر اقلیم بر محصولات زراعتی:

به منظور تدوین استراتژی‌های سازگاری با تغییر اقلیم درک روابط متقابل تغییر در درجه حرارت، بارندگی و غلظت کاربن دای اکساید از اهمیت زیادی برخوردار است. این مسئله در مطالعه صحرایی اثر کاربن دای اکساید و مقدار آب موجود بر روی گندم و اثر متقابل کاربن دای اکساید و درجه حرارت بر روی نوعی چمن مورد ارزیابی قرار گرفته و چنین نتیجه بدست آمده است. در بلند مدت متغیر کاربن دای اکساید و سطح زیرکشت در سطح یک فیصد و متغیر بارندگی در سطح پنج فیصد معنیدار شده است و رابطه مستقیم با مقدار تولید گندم دارد و از آنجایی که مدل به صورت لگاریتم طبیعی بکار رفته است، ضریب هر متغیر نشان دهنده کشش آن متغیر خواهد بود (امیر نژاد و همکاران، ۲۰۱۷).

ویلر و همکاران در سال (۲۰۲۱) میلادی نشان می‌دهند که اثر مثبت افزایش غلظت کاربن دای اکساید تا مرز ۷۰۰ حیصه در میلیون در انگلستان، توسط افزایش درجه حرارت بین ۱ تا ۱٫۸ درجه سانتی گراد خنثی می‌شود. درک این مسئله مهم است که روابط متقابل عناصر موجود در ارزیابی اثر تغییر اقلیم، پیش از تدوین استراتژی‌های سازگاری مشخص شود. به عنوان مثال، روش سازگاری با درجه حرارت‌های بالا می‌تواند با روش سازگاری با کاهش مقادیر بارش متفاوت باشد (Vila and Montserrat, 2021).

نتیجه گیری:

محصولات هارتیکلچری بخش مهم از محصولات زراعتی بوده که نقش بسیار مهم در تغذیه، جذب اسعار خارجی و اشتغال زایی داشته و افغانستان اقلیم مناسب برای کشت و پرورش نباتات برگ ریز دارد. با افزایش گازات گلخانه ای، تغییر اقلیم و گرمایش جهانی تربیه و پرورش محصولات زراعتی بالخصوص محصولات هارتیکلچری با مشکلات فروان مواجه گردیده است. وقتی از انتشار گاز های گلخانه ای صحبت می‌کنیم، افغانستان از جمله کشور های است که میزان انتشار گازات گلخانه ای آن در حد متوسط در سطح جهان است. هر چند، از نظر آسیب پذیری در برابر تغییر اقلیم و مشخص تر خشکسالی، سیلاب و لغزیش زمین یا برف کوچ، این کشور در قطار آسیب پذیرترین کشورها قرار دارد.

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که تا نیمه قرن حاضر پدیده تغییر اقلیم، پیامد های قابل توجهی را بر بسیاری از شاخص های اقلیمی مرتبط با زراعت به همراه خواهد داشت. از آنجا

که اهمیت هریک از این شاخص ها بر نوع نبات، متفاوت است، ارزیابی پاسخ نباتات زراعتی به این تغییرات مستلزم انجام مطالعات بیشتر خواهد بود. از آنجا که اقلیم یکی از عوامل تعیین کننده امکان و کیفیت زیست موجودات زنده به ویژه انسان است، تغییر اقلیم اثراتی جهانی، برگشت ناپذیر و تدریجی بر تنوع زیست و حیات زنده، برخلاف سایر تهدید های انسانی مانند آلودگی، افزایش گاز های گلخانه ای یا تغییر کاربرد اراضی، اعمال می کند. از میان شاخص های اقلیمی افزایش غلظت کاربن دای اکساید به دو روش بر پروسه تولیدات محصولات زراعتی تاثیر می گذارد، یکی تاثیر مستقیم این گاز ها بر پروسه فیزیولوژیکی نبات است و دیگری تاثیر غیر مستقیم از راه تغییرات درجه حرارت، بارندگی و تابش نور آفتاب است. تغییر اقلیم و اثر کاربن دای اکساید ممکن است از یک منطقه به منطقه ای دیگر و یا حتی در یک مقیاس کوچک تر اثری متفاوت داشته باشد. نباید پیش بینی های که در مطالعات علمی داخلی و خارجی و گزارش های که حاکی از افزایش درجه حرارت در آینده است را نادیده گرفت، چرا که یکی از مهم ترین عوامل گرم شدن زمین افزایش گاز های گلخانه ای است. این عامل باعث تاثیرات اقلیم که در واقع همان افزایش درجه حرارت و عدم تأمین ضرورت هوای سرد زمستانی، تأخیر در گلدهی و حتی عدم تشکیل جوانه خواهد شد و منجر به کاهش تولید محصولات زراعتی و هارتیکلچری می شود. برای تحقق این اهداف نهاد های دولتی، نهاد های خیریه غیر دولتی و سازمان های رضاکارانه باید دست به دست هم دیگر داده و از بدتر شدن اوضاع جلوگیری کنند. بناً توصیه می شود که به جای استفاده از سوخت های فسیلی از انرژی های تجدید پذیر مانند انرژی آب، انرژی آفتاب و انرژی بادی در کشور استفاده شود و برای جذب بیشتر گاز کاربن دای اکساید به طور طبیعی، مانع از قطع جنگل ها و طرح های درختکاری اجرا و نهادینه شود.

منابع:

- ۱- اسدی، ز.ا.، دلاور، ح. و اسدی، آذر. (۲۰۱۹). اثر پدیده ی تغییر اقلیم بر فرا سنجه های اقلیمی همدان. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست. ص: ۴ - ۱۹.
- ۲- امیر نژاد، ح، کردی، اسدپور. (۲۰۱۷). بررسی اثرات تغییر اقلیم بر تولید گندم ایران ". فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی (۲۰۱۷): ۹، ۳۵: ص: ۱۶۳-۱۸۲.
- ۳- سبزی پرور، ع.ا.، نوروز ولاشیدی، ر. (۱۳۹۴). اثر تغییر اقلیم بر روند تأمین نیاز سرمایی گیاهان خزان دار. ۲۹. ۳. ص: ۳۵۷-۳۶۷.
- ۴- قاضی زاده، ا. ز. (۱۳۹۷). مبادی باغداری. انتشارات سید حسیب الله. ص: ۱-۱۰.
- ۵- فراهانی، ن.، راسخی، م. ع.، بهنام، آ.پ.، کشوری، ع. (۱۳۹۷). بررسی اثرات تغییر اقلیم بر دما، بارش و خشک سالی های دوره آبی حوضه شادگان.

- 6- Ashmore, M. R. (2005). Assessing the future global impacts of ozone on vegetation. *Plant, Cell & Environment*. 28.8. pp: 949-964.
- 7- Belanger, G., Rochette, P., Castonguay, Y., Bootsma, A., Mongrain, D. and Ryan, D.A.J., 2002. Climate change and winter survival of perennial forage crops in eastern Canada. *Agronomy Journal*. 94. Pp: 1120-1130.
- 8- Berner, R. A. (2018). Chemical weathering and its effect on atmospheric CO₂ and climate. *Chemical weathering rates of silicate minerals*. Pp 565-584.
- 9- Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO) and World Food Programme (WFP), (2004). "Special Report: FAO/WFP Crop and Food Supply Assessment Mission to Afghanistan". Economic and Social Development Department, Rome: FAO.
- 10- Jentsch, Anke, Jurgen Kreyling, and Carl Beierkuhnlein (200). "A new generation of climate-change experiments: events, not trends." *Frontiers in Ecology and the Environment*. Pp: 365-374.
- 11- Klaring, H-P. and A. Krumbein (2013). The effect of constraining the intensity of solar radiation on the photosynthesis, growth, yield and product quality of tomato. *Journal of Agronomy and Crop Science*. Pp: 351-359.
- 12- Liancourt, Pierre, et al., (2013). Plant response to climate change varies with topography, interactions with neighbors, and ecotype. 94. 2. Pp: 444-453.
- 13- Lobell, D.B. (2007). Changes in diurnal temperature range and national cereal yields. *Agricultural and Forest Meteorology*. 145. Pp: 229-238.
- 14- Marx W, Haunschuld R, French B, Bornmann L. (2017). Slow reception and under-citedness in climate change research: A case study of Charles David Keeling, discoverer of the risk of global warming. *Scientometrics*. 112. 2. Pp: 1079-92.
- 15- Ministry of Agriculture, Irrigation and Livestock (MAIL), (2009). "Pilot for Improving On-Farm Water Management in Irrigated Agriculture", Kabul.
- 16- National Environmental Protection Agency (NEPA), (2011). "Afghanistan Initial National Communication to the United Nations Framework Convention on Climate Change". Kabul: Islamic Republic of Afghanistan.

- 17- Oukabli, A., Bartolini S. and Viti, R. (2003). Anatomical and morphological study of apple (*Malus X domestica* Borkh.) Flower buds growing under inadequate winter chilling. *Journal of Horticultural Science & Biotechnology*. 78. Pp: 580-585.
- 18- Peng, S.B., Huang, J.L., Sheehy, J.E., Laza, R.C., Visperas, R.M., Zhong, X.H., Centeno, G.S., Khush, G.S. and Cassman, K.G. (2004). Rice yields decline with higher night temperature from global warming. *Proc. Natl. Acad. Sci.* 101. Pp: 9971-9975.
- 19- Petri J.L., Leite G.B. (2003). Consequences of insufficient winter chilling on apple tree bud-break. VII International Symposium on Temperate Zone Fruits in the Tropics and Subtropics. 662, pp. 53-60.
- 20- Sadras, V.O. and Monzon, J.P. (2006). Modelled wheat phenology captures rising temperature trends: Shortened time to flowering and maturity in Australia and Argentina. *Field Crops Research*. 99. Pp: 136-146
- 21- Saure M. (1985). Dormancy release in deciduous fruit trees. *Horticultural Reviews*. 7: 239-300.
- 22- United States Department of Agriculture (USDA), (2008). "Afghanistan: 2009/10 Wheat Production Outlook Uncertain", *Commodity Intelligence Report*, 11 December, Foreign Agricultural Service. Washington D.C.: USDA.

Abstract

The global climate and wheatear changes due to human activities. The use of fossil fuel and producing greenhouse gases by human caused climate changes and accelerated the global warming. Since most of plants needs winter frost for breaking their dormancy, the agricultural sector will need to adopt according to the climatic changes, in order to assure existence and sustainability. The results of many investigations shows that up to middle of current century, the phenomenon of climate change will effect agricultural activities. Since the characteristics of agricultural crops are different; the assessment of agricultural crops in response to climate change is needed to be studied. In this regards, the effects of climate change on growth and performance of agricultural crops were significant. Since the relationship between climate change and living organisms are a tow way relationship, today's human has been recognized two ways for compromising climate changes. The first one is adaptation and the second one is reducing the severity of climate change, which is adaptation is called to no save environment for living and compromising is called to low effect of climate change.

Key words: climate change; greenhouse gases; horticultural crops; agricultural crops

مطالعه اقتصادی تولید سبزی جات برگی در شهر تالقان ولایت تخار

پوهنمل آغامحمد محمدی و پوهنیار حسیب الله مشعر

خلاصه

سبزی قسمت‌های مختلف قابل خوردن گیاهان علفی یکساله، دو ساله یا چند ساله هستند که به منظور استفاده آن‌ها جهت تغذیه انسان کشت گردیده و از قسمت‌های مختلف آن‌ها مانند برگ، غنچه، ساقه، ریشه، غده، پیاز، گل، میوه و دانه به صورت خام، پخته، خشک شده، پودر شده، یخ زده و یا کنسرو شده به مصرف تغذیه انسان می‌رسد. سبزی جات برگی یک بخش عمده غذایی بشر و بخصوص مردم شهر تالقان را تشکیل داده و این ولایت به نسبت داشتن زمین‌های آبی و هموار و اقلیم مساعد به کشت انواع مختلف سبزی جات برگی مناسب به کشت بوده و سالانه به مقدار زیادی در این منطقه تولید می‌گردد. این تحقیق در شهر تالقان ولایت تخار در سال ۱۴۰۰ خورشیدی انجام یافته که به تعداد ۳۵ پرسش‌نامه به تولیدکنندگان سبزی جات برگی توزیع و از آنها در رابطه به سوالات از قبل تعیین و ترتیب شده پاسخ درخواست گردیده و دیتای جمع آوری شده در برنامه اکسیل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان تولید سبزی جات برگی دهاقین در شهر تالقان طور اوسط ۱۴۳۸ کیلوگرام در سال بوده و فیصدی کمتر دهاقین تولید شان از مرز ۴۰۰۰ کیلوگرام در سال می‌گذرد. هم‌چنان درآمد بدست آمده از فروش سبزی جات برگی بیش‌ترین دهاقین کمتر از ۵۰۰۰۰ افغانی بوده و طور اوسط ۲۷۸۰۵ افغانی در سال از تولید و فروش سبزی جات برگی دهاقین درآمد بدست می‌آورند. و مصارف تولید کمتر از ۱۰۰۰۰ افغانی بوده و طور اوسط دهاقین ۶۲۷۷ افغانی در سال مصرف تولید شان است و این رقم در مقایسه با میزان درآمد دهاقین مناسب بوده و دهاقین از تولید سبزی جات برگی در حدی عایدی مناسب دارند. ناگفته نماند که خریداران سبزی جات برگی در شهر تالقان بیشتر تجاران محلی و میدان فروشان می‌باشند. هم‌چنان مشکلات عمده تولید سبزی جات برگی در شهر تالقان کمبود سرمایه، موجودیت امراض، آفات و حشرات و کمبود معلومات تخنیکی تولید می‌باشند.

کلمات کلیدی: سبزی جات برگی، تولید، درآمد، خریداران و شهر تالقان.

مقدمه

سبزی به قسمت‌های مختلف قابل خوردن گیاهان علفی یکساله، دو ساله یا چند ساله اعم از برگ، دم‌برگ، ساقه، میوه، گل و یا قسمت‌های زیرزمینی آن‌ها اطلاق می‌گردد. بنابراین

سبزی‌کاری عبارت از تولید گیاهانی است که به منظور استفاده از قسمت‌های مختلف آن‌ها جهت تغذیه انسان کشت می‌گردند (آنتیک، ۱۳۸۶: ۶). سبزی‌جات گیاهانی علفی هستند که قسمت‌های مختلف آن‌ها مانند برگ، غنچه، ساقه، ریشه، غده، پیاز، گل، میوه و دانه به صورت خام، پخته، خشک شده، پودر شده، یخ زده و یا کنسرو شده به مصرف تغذیه انسان می‌رسد (پیوست، ۱۳۸۸: ۲۴). سبزی‌جات از نظر سطح زیر کشت و اشتغالزایی، صادرات و ارز آوری و تامین نیازهای غذایی بشر دارای اهمیت اقتصادی است (ادیبیان، ۱۳۹۵: ۳-۴). در اکثر ولایات کشور یک تعداد زیاد سبزی‌جات مانند بادنجان رومی، کچالو، بادنجان سیاه، مرچ، گلپی، کرم، بادرنگ و غیره تحت کشت و پرورش درآمدی که از همین طریق اکثریت مردم نیازهای زندگی خویش را مرفوع می‌سازند (ظاهریان، ۱۳۹۴: ۷). سبزی‌جات برگی یک بخش عمده غذایی بشر و بخصوص مردم شهر تالقان را تشکیل داده و این ولایت به نسبت داشتن زمین‌های آبی و هموار و اقلیم مساعد به کشت انواع مختلف سبزی‌جات برگی مناسب به کشت بوده و سالانه به مقدار زیادی در این منطقه تولید می‌گردد. پس از قرن ۱۸ در افغانستان تبلیغات برای خوردن سبزی‌جات اضافه شد، در پهلوی یک تعداد سبزی‌جات افغانی تخم یک تعداد سبزی‌جات از خارج وارد و بذر گردید. امروز در افغانستان به جز براكلی تقریباً تمام سبزی‌جات به انواع مختلف می‌رویند، سبزی‌جات اصلی افغانستان را ابوعلی سینای بلخی معرفی نموده است خوردن پیاز، بادرنگ، ترابی، گشنیز، نعنا، سیر، تره، مرچ و کاهو در قدیم مروج بوده و بادنجان رومی، بادنجان سیاه، کرم، کدو، کچالو، گلپی و غیره از خارج وارد شده است (ثانی، ۱۳۸۶: ۳۱). بیشتری این ۲۳ نوع سبزی‌جات در این خاک موجود است.

بسیاری از سبزیجات یک ساله و برخی نیز دو ساله هستند. سبزیجات یک ساله طول عمر یک ساله و یک فصله دارند که سبزیجات برگی بیشتر یک ساله می‌باشند (کیانمهر، ۱۳۸۸). سبزی‌جات برگی به دلیل تامین انواع ویتامین، عناصر غذایی، فایبر و غیره اهمیت زیادی در تغذیه و سلامتی انسان دارد. سبزی‌کاری در باغچه منزل علاوه بر تولید محصول مطمئن و سالم، نوع تفریح و سرگرمی نیز می‌باشد. کشت و توجه بیشتر به محصولات سبزی که تامین کننده ویتامین، فایبر و املاح مورد نظر بدن هستند، مانع سوء تغذیه و فقر غذایی شده و تاثیر قابل توجهی در کاهش و پیشگیری بیماری‌ها در نتیجه موجب کاهش هزینه‌های مصرف دارو و درمان شده و در نهایت باعث سلامتی جامعه می‌شود. سبزی‌جات برگی گروه از گیاهان استند که از برگ آن‌ها به عنوان سبزی خوردنی و استفاده غذایی صورت می‌گیرد.

اهداف تحقیق

این تحقیق دارای اهداف ذیل میباشد.

۱. مطالعه وضعیت اقتصادی تولید سبزیجات برگی و سنجش عاید و مصرف دهاقین سبزیکار در شهر تالقان
۲. بررسی مشکلات تولید سبزیجات برگی در شهر تالقان.
۳. تاثیرات اقتصادی ناشی از چرخش فراورده های سبزیجات برگی بالای خانواده هاییکه تولید این محصولات را میکنند.

فرضیه های تحقیق

در این تحقیق فرضیه های ذیل دنبال خواهد شد.

۱. دهاقین سبزی کار در آمد خوبی از تولید سبزیجات بدست می آورند.
۲. کشت و تولید سبزیجات برگی بطور فنی و تخنیکی باعث رشد اقتصادی زارعین می شود.
۳. موجودیت زمین های آبی باعث رشد کشت سبزیجات برگی گردیده است.
۴. تولید سبزیجات برگی باعث بالا رفتن سطح درآمد و هم چنان صحت مندی مردم شهرتالقان گردیده و به شکل قابل توجهی بالای سطح اقتصاد دهاقین نیز تاثیر می گذارد.

سوالات تحقیق

این پژوهش به این پرسش ها پاسخ ارایه خواهد کرد.

۱. آیا دهاقین سبزی کار از کشت و تولید سبزی درآمد خوبی بدست می آورند؟
۲. آیا دهاقین شهر تالقان به گونه های فنی و تخنیکی در این بخش کار می کنند؟
۳. چگونه میتوان سطح تولید سبزیجات برگی را بالا برد؟
۴. چگونه میتوان سطح فروش سبزیجات برگی را بالا برد؟
۵. چگونه میتوان مارکیت های جدید برای سبزیجات برگی جستجو نمود؟

مواد و روش تحقیق

این تحقیق که یک تحقیق میدانی و ساحوی است و در سال ۱۴۰۰ خورشیدی در شهر تالقان ولایت تخار انجام یافته است. داده‌ها از دهاقین شهر تالقان در رابطه به تولید سبزی‌جات برگی از طریق انجام مصاحبه حضوری و تکمیل پرسشنامه جمع‌آوری شده است. نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده و ارقام گردآوری گردیده است. در این تحقیق به تعداد ۳۵ پرسشنامه در مناطق چون: سرای سنگ، بشیرآباد و شهروان به دهاقین توزیع شده است. پارامترهای مورد مطالعه این تحقیق برسی میزان تولید فی جریب زمین، درآمد دهاقین و مشکلات موجود تولید سبزی‌جات برگی در شهر تالقان می‌باشد. ارقام بعد از جمع‌آوری در نرم افزار اکسیل (Excel) وارد شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته شده است. در تحلیل و تجزیه ارقام از فورمول‌های دریافت اوسط، ارقام بزرگ و کوچک و انحراف معیار استفاده شده است.

نتایج و مناقشه

ویژگی‌های فردی، حرفه‌ای، اجتماعی و اقتصادی تولیدکنندگان سبزی‌جات برگی:

۱. سن

با توجه به جدول (۱) و نتایج تحقیق، بیشترین دفعات بین ۲۰ الی ۳۹ سال که ۱۷ رقم و میزان ۴۵.۴۸ فیصد مجموع دفعات را نشان می‌دهد است. بر اساس همین نتایج، اوسط سن تولیدکنندگان سبزی‌جات برگی در شهر تالقان ۴۰ سال می‌باشد.

جدول (۱) توزیع دفعات تولیدکنندگان سبزی‌جات برگی از نظر سن

سن (سال)	دفعات (تعداد تولیدکننده‌ها)	فیصدی
۲۰-۳۹	۱۷	۴۵.۴۸
۴۰-۵۹	۱۵	۷۵.۴۲
۶۰-۷۹	۳	۵۵.۸
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط سن	۴۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

۲. جنسیت:

از نظر جنسیت تمام تولیدکنندگان سبزی‌جات برگی (دهاقین) مورد مطالعه مرد بوده اند.

۳. وضعیت تأهل:

نتایج تحقیق در جدول (۲) مربوط به تولید کننده‌گان سبزیجات برگی نشان می‌دهد که بیشترین دهاقین یعنی ۳۴ نفر متأهل بوده که این رقم میزان ۱۵.۹۷ درصد را نشان می‌دهد.

جدول (۲) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزیجات برگی از نظر وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی
مجرد	۱	۸۵.۲
متأهل	۳۴	۱۵.۹۷
جمع کل	۳۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۴. تعداد اعضای خانواده:

جدول (۳) نشان دهنده توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزیجات برگی در شهر تالقان از نظر تعداد اعضای خانواده است و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین دهاقین یعنی ۲۱ نفر اعضای خانواده شان بین ۱-۹ نفر است که این رقم میزان ۸۵.۵۹ درصد را نشان می‌دهد. هم چنان اوسط تعداد اعضای خانواده دهاقین ۸ نفر می‌باشد.

جدول (۳) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزیجات برگی از نظر تعداد اعضای خانواده

تعداد اعضای خانواده (نفر)	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی
۱-۹	۲۱	۸۵.۵۹
۱۰-۱۸	۱۳	۰۵.۳۷
بالتر از ۱۸	۱	۸۵.۲
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط	۸	

منبع: یافته‌های تحقیق

۵. تحصيلات:

افراد مورد مطالعه در این تحقیق از نظر سطح تحصيلات به ۴ گروه تقسیم‌بندی شده است که شامل بی سواد، در حد نوشتن و خواندن، ۱۴ پاس و دیپلم می‌باشد. جدول (۴) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزی‌جات برگی را از نظر سطح تحصيلات نشان می‌دهد که ۰۵.۳۷ درصد از دهاقین بی‌سواد و ۰۵.۳۷ درصد در حد خواندن و نوشتن می‌باشند. همچنین ۸۵.۲ درصد ۱۴ پاس و ۸.۲۲ درصد دارای مدرک دیپلوم هستند.

جدول (۴) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزی‌جات برگی از نظر تحصيلات

سطح تحصيلات	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدي
بی‌سواد	۱۳	۰۵.۳۷
خواندن و نوشتن	۱۳	۳۷.۰۵
۱۴ پاس	۱	۸۵.۲
دیپلوم	۸	۸۰.۲۲
جمع کل	۳۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۶. سابقه کشت

جدول (۵) نشان دهنده دفعات تولید کننده‌گان سبزی‌جات برگی از نظر سابقه کشت محصول بوده که بیش‌ترین دهاقین کمتر از ۲۰ سال تجربه کشت محصول را که میزان ۸.۷۹ درصد را نشان می‌دهد دارا هستند. هم‌چنان اوسط سابقه کشت محصول ۱۲ سال می‌باشد.

جدول (۵) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزی‌جات برگی از نظر سابقه کشت

سابقه کشت محصول (سال)	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدي
۰-۲۰	۲۸	۸۰.۷۹
۲۱-۴۰	۶	۱۰.۱۷
۴۱-۶۰	۱	۸۵.۲
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط	۱۲	

منبع: یافته‌های تحقیق

۷. نوع ملکیت

جدول شماره (۶) مربوط به نوع ملکیت تولید کننده گان سبزیجات برگی در شهر تالقان است که بیشترین شان یعنی ۲۵ نفر آن‌ها که میزان ۲۵.۷۱ درصد را نشان می‌دهد دارای زمین‌های ملکی یا شخصی هستند. هم‌چنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۱۷ درصد دارای زمین اجاره‌ای و ۱۱ درصد نصفه کاری می‌باشند.

جدول (۶) توزیع دفعات تولید کننده گان سبزیجات برگی از نظر نوع ملکیت

نوع ملکیت	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی
ملکی	۲۵	۲۵.۷۱
اجاره‌ای	۶	۱۰.۱۷
نصفه کاری	۴	۴۰.۱۱
جمع کل	۳۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

۸. سطح زیر کشت

جدول شماره (۷) نشان دهنده توزیع دفعات تولید کننده گان سبزیجات برگی از نظر سطح زیر کشت می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین تولید کننده گان یعنی ۲۸ نفر که میزان ۸۰.۷۹ درصد است دارای کمتر از ۵.۰ جریب زمین می‌باشند. هم‌چنان ۹۵.۱۹ درصد دارای کمتر از یک جریب و تنها ۸۵.۳ درصد دهاقین بالاتر از ۲ جریب زمین دارند. ناگفته نماند که اوسط زیر کشت تولید کننده گان سبزیجات برگی در شهر تالقان ۴۵.۰ جریب زمین می‌باشد.

جدول (۷) توزیع دفعات تولید کننده گان سبزیجات برگی از نظر سطح زیر کشت

سطح زیر کشت محصول (جریب)	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی
۰,۵ - ۰	۲۸	۸۰.۷۹
۱ - ۰,۶	۷	۹۵.۱۹
بالاتر از ۱	۱	۸۵.۲
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط	۴۵.۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

۹. مقدار تولید

با توجه به جدول (۸) که میزان تولید سبزی جات برگی را در شهر تالقان نشان می‌دهد، بیش‌ترین دهاقین یعنی ۲۵ نفر کمتر از ۲۰۰۰ کیلوگرام تولید شان است و این رقم میزان ۲۵.۷۱ درصد را نشان می‌دهد. ۹۵.۱۹ درصد دهاقین بین ۲۰۰۱ - ۴۰۰۰ کیلوگرام و تنها ۵۵.۸ درصد دهاقین بالاتر از ۴۰۰۰ کیلوگرام در سال سبزی جات برگی تولید دارند. هم‌چنان نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اوسط تولید دهاقین سبزی جات برگی کار ۱۴۳۸ کیلوگرام در سال می‌باشد. نتایج این مطالعه با تحقیق اوگونی که در سال ۲۰۱۱ در ایالت اوپو کشور نایجریا انجام شده یکسان است، نتایج تحقیق اوگونی نشان می‌دهد که فعالیت‌های افراد کهن سال و با تجربه کم دارای موثریت پایین در تولید سبزیجات برگی است.

جدول (۸) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزی جات برگی از نظر مقدار تولید

میزان تولید (کیلوگرام)	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی %
۰ - ۲۰۰۰	۲۵	۲۵.۷۱
۲۰۰۱ - ۴۰۰۰	۷	۹۵.۱۹
بالاتر از ۴۰۰۰	۳	۵۵.۸
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط تولید	۱۴۳۸	

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰. ارزش مجموعی

جدول شماره (۹) عبارت از توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزی جات برگی از نظر ارزش تولید شان است که بیش‌ترین دهاقین یعنی ۳۲ نفر از میان ۳۵ نفر که ۲۰.۹۱ درصد می‌شود، ارزش تولید شان کمتر از ۵۰۰۰۰ افغانی در سال می‌باشد. هم‌چنان ۷۰.۵ درصد بین ۵۰۰۰۱ الی یک لک افغانی و تنها ۸۵.۲ درصد بالاتر از یک لک افغانی درآمد شان از فروش سبزی جات برگی است. نا گفته نماند که با توجه به نتایج تحقیق اوسط ارزش مجموعی تولید دهاقین سبزی جات برگی کار ۲۷۸۰۵ افغانی در سال می‌باشد. نتایج این تحقیق با پژوهش ولوالانا که در کشور نایجریا در سال ۲۰۱۹ انجام یافته است یکسان است طوری‌که اوسط درآمد خالص سبزیکاران در ایالت وگون نایجریا ۸۰۴۰۱ N (۹۶۴۸ افغانی) می‌باشد.

جدول (۹) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزیجات برگی از نظر ارزش مجموع تولید

ارزش تولید (افغانی)	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی
۵۰۰۰۰ - ۰	۳۲	۲۰.۹۱
۱۰۰۰۰۰ - ۵۰۰۰۱	۲	۷۰.۵
بالاتر از ۱۰۰۰۰۰	۱	۸۵.۲
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط ارزش مجموعی	۲۷۸۰۵	

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۱. مصرف عمومی (افغانی)

مصرف مجموعی تولید کننده‌گان سبزیجات برگی در جدول شماره (۱۰) نشان داده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین ده‌اقلین یعنی ۲۷ نفر از میان ۳۵ نفر که میزان ۹۵.۷۶ درصد را نشان می‌دهد، مصرف مجموعی تولید شان کمتر از ۸۰۰۰ افغانی است. هم‌چنان ۹۵.۱۹ درصد بین ۸۰۰۱ - ۱۶۰۰۰ افغانی و تنها ۸۵.۲ درصد بالاتر از ۱۶۰۰۰ افغانی در سال مصرف تولید شان می‌باشد.

جدول (۱۰) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزیجات برگی از نظر مصرف تولید

میزان مصرف تولید (افغانی)	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی %
۸۰۰۰ - ۰	۲۷	۹۵.۷۶
۱۶۰۰۰ - ۸۰۰۱	۷	۹۵.۱۹
بالاتر از ۱۶۰۰۰	۱	۸۵.۲
جمع کل	۳۵	۱۰۰
اوسط مصرف	۶۲۷۷	

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۲. خریداران سبزیجات برگی

نتایج تحقیق نشان می‌دهد خریداران سبزیجات برگی عبارت از تجاران محلی، تجار عمده و میدان فروش می‌باشند. با توجه به جدول (۱۱) بیشترین ده‌اقلین یعنی ۱۷ نفر از میان

۳۷ نفر که میزان ۹۰.۴۵ درصد است، محصول شان را به تجاران محلی به فروش می‌رسانند. هم چنان ۶۰.۲۱ درصد دهاقین به تجاران عمده، ۲۷ درصد به میدان فروش و تنها ۴۰.۵ درصد به دیگران سبزی جات برگی شان را به فروش می‌رسانند.

جدول (۱۱) توزیع دفعات تولید کننده‌گان سبزی جات برگی از نظر خریداران

خریداران	دفعات (تعداد تولید کننده‌ها)	فیصدی
تجار محلی	۱۷	۹۰.۴۵
تجار عمده	۸	۶۰.۲۱
میدان فروش	۸	۰۰.۲۷
دیگر	۲	۴۰.۵
جمع کل	۳۵	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه گیری

سبزی جات برگی یک بخش عمده غذایی بشر و بخصوص مردم شهر تالقان ولایت تخار را تشکیل داده و این ولایت به نسبت داشتن زمین‌های آبی و هموار و اقلیم مساعد به کشت انواع مختلف سبزی جات برگی مناسب به کشت بوده سالانه به مقدار زیادی در این منطقه تولید می‌گردد. پس از قرن ۱۸ در افغانستان به خصوص ولایت تخار تبلیغات برای خوردن سبزی جات اضافه شد، در پهلوی یک تعداد سبزی جات افغانی تخم یک تعداد سبزی جات از خارج وارد و بذر گردید. امروز درافغانستان به جز براکلی تقریباً تمام سبزی جات از انواع مختلف می‌رویند. خوردن پیاز، بادرنگ، ترابی، گشنیز، نعنا، سیر، تره، مرچ و کاهو در قدیم مروج بوده و بادنجان رومی، بادنجان سیاه، کرم، کدو، کچالو، گلپی و غیره از خارج وارد شده است بیشتر از ۲۳ نوع سبزی جات در شهر تالقان موجود است. سبزی جات برگی به دلیل تامین انواع ویتامین، عناصر غذایی، فایبر و غیره اهمیت زیادی در تغذیه و سلامتی انسان دارد؛ با توجه به تغییر شیوه زندگی در جامعه امروزی ضروری است جیره غذایی کم انرژی اما مفید باشد.

با توجه به تحقیق انجام شده چنین نتیجه بدست آمد که میزان تولید سبزی جات برگی دهاقین در شهر تالقان طور اوسط ۱۴۳۸ کیلوگرام در سال بوده و فیصدی کمتر دهاقین تولید شان از مرز ۴۰۰۰ کیلوگرام در سال می‌گذرد. هم چنان درآمد بدست آمده از فروش سبزی جات برگی بیشترین دهاقین کمتر از ۵۰۰۰۰ افغانی بوده و طور اوسط ۲۷۸۰۵ افغانی در سال از تولید و فروش سبزی جات برگی دهاقین درآمد بدست می‌آورند.

و مصارف تولید کمتر از ۱۰۰۰۰ افغانی بوده و طور او سطر دهاقین ۶۲۷۷ افغانی در سال مصرف تولید شان است و این رقم در مقایسه با میزان درآمد دهاقین مناسب بوده و دهاقین از تولید سبزیجات برگی در حدی عایدی مناسب دارند. نا گفته نماند که خریداران سبزیجات برگی در شهر تالقان بیشتر تجاران محلی و میدان فروشان می باشند. هم چنان مشکلات عمده تولید سبزیجات برگی در شهر تالقان کمبود سرمایه، موجودیت امراض، آفات و حشرات و کمبود معلومات تخنیکی تولید می باشند.

سفارشات

از آنجای که سبزیجات برگی نقش عمده را در سبد غذایی انسان ها داشته و یک بخش عمده غذای مردم شهر تالقان می باشد، هم چنان اهمیت کلیدی را در اقتصاد دهاقین دارا است. بنا نکات ذیل سفارش می شود:

۱. نظر به شرایط مساعد اقلیمی و میزان فراوان آب آبیاری، دهاقین محترم میزان تولید خود را افزایش بدهند تا بتوانند درآمد قناعت بخش را از این بخش بدست آورند.
۲. دولت و نهاد های ذیربط باید دهاقین سبزیکار را تشویق نموده و مورد حمایت فنی و تخنیکی ومالی قرار دهد.
۳. هم چنان دولت و نهاد های ذیربط باید در جهت دریافت بازار و خریداران داخلی و خارجی دهاقین را کمک و رهنمایی نماید.
۴. به شما و مردم شریف تالقان سفارش می نمایم که سبزیجات برگی را بیشتر استفاده نموده و از ترکیبات ضروری موجود مانند آهن، فایبر و ویتامین استفاده اعظمی نمائید.

منابع و ماخذ

۱. پیوست، غلام علی. (۱۳۸۵). سبزیکاری. انتشارات دانش پزیر، چاپ چهارم. ص ۳۸۷.
۲. پیوست، غلام علی. (۱۳۸۸). سبزیکاری. انتشارات دانش پزیر، چاپ پنجم. ص ۲۴.
۳. ثانی، نعمت الله. (۱۳۸۶). بررسی امکان تولیدی سبزی های برگی در شرایط بدون خاک، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان. ص ۳۱.
۴. صارمی نیا، س. (۱۳۸۷). بررسی اثرات دو نوع کود عالی، کود دایمی و کمپوست زباله ها شهری بر خصوصیات کیفی و کمی سبزیجات برگی در کشت ارگانیک. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان. ص ۱۹.
۵. پیوست، علامه علی، صدقی مقدمه و م، میرزایی. (۱۳۸۸). بررسی اثرات آماده سازی بند یا پلی اتیلن گلایکول بر اسکوتو دورمانی و ترموتو دورمانی بذرهایی سبزیجات برگی، مجله علوم کشاورزی ایران (زیری چاپ).
۶. آنتیک، مرضیه و فاطمه دربیدی. (۱۳۸۶). کاشت داشت و برداشت سبزی. حوزه ترویج و نظام بهره برداری استان یزد. ص ۶.
۷. ادیبیان، محمد. (۱۳۹۵). درسنامه سبزیکاری. مجتمع آموزش عالی سراوان. ص ۳-۴.
۸. ظاهریان، گل احمد و روح الله ظاهریان. (۱۳۹۴). تکنالوژی تولید تخم سبزیجات. پوهنتون کابل. ص ۷.
۹. کیانمهر، هرمزدیار. (۱۳۸۸). گل‌های اپارتمانی و سبزیکاری. آبیژ، تهران.
10. Oluwalana et. Al., (2019). Economics Analysis of Small Scale Vegetable Production in Odeda Local Government Area of Ogun State. Direct Res. Social Sci. Edu. Studies. 6(9): 127-132.
11. Ogunniyii., L.T. (2011). Economic Efficiency of Leafy Vegetable Production In Oyo State., Nigeria. Report and Opinion. 3(1): 85-92.

Abstract

Vegetables can be eaten in different parts. They are one-year, two-year or several-year-old herbaceous plants that are cultivated for human nutrition and their different parts such as leaves, buds, stems, roots, tubers, bulbs, flowers, fruits and seeds. Raw, cooked, dried, powdered, frozen or canned form is used for human nutrition. Leafy vegetables form a major part of human food, especially the people of Taloqan city and this province is suitable for cultivation of various types of leafy vegetables due to its watery and flat lands and favorable climate, and a large amount is produced in this region every year. This research was carried out in Taloqan city of Takhar province during 2021, where 35 questionnaires were distributed to the producers of leafy vegetables and they were asked to answer the pre-determined and arranged questions, and the collected data was analyzed in the Excel program. The results of the research show that the amount of leafy vegetables produced by the farmers in Taloqan is 1438 kilograms per year on average, and a smaller percentage of farmers produce more than 4000 kilograms per year. Also, most of the farmers' income from selling leafy vegetables is less than 50000 Afghani and on average, farmers earn 27805 Afghani per year from the production and sale of leafy vegetables. And production costs are less than 10000 Afghani, and on average, farmers consume 6277 Afghani per year, and this figure is appropriate compared to the income of farmers, and farmers have a reasonable income from the production of leafy vegetables. It goes without saying that the buyers of leafy vegetables in Taloqan city are mostly local merchants and street vendors. Also, the main problems of leafy vegetable production in Taloqan city are lack of capital, existence of diseases, pests and insects and lack of production technical information.

Key words: Leafy vegetables, Production, Income, Buyers and Taloqan city.

رابطه‌های بازگشتی و کاربرد آن در توابع لژندر و بسیل

پوهندوی ذبیح الله ظاهر و پوهنمل محمد ظریف مهرزاد

چکیده

در این مقاله هر دو تابع لژندر و بسیل، معادلات مربوطه، با رابطه‌های بازگشتی آنها به ترتیب مورد بررسی قرار گرفته است. از اینکه موضوع نسبتاً وسیع است و توضیح تمام ابعاد و قضایای آن در این مقاله مقدور نیست، ناگزیر با آوردن یک قضیه و ثبوت آن از هر بخش اکتفا شده است.

این تحقیق روی چگونگی تطبیق هریک از رابطه‌های بازگشتی در معادلات مختلف که یک مفهوم مهم در معادلات تفاضلی معمولی است بکار گرفته شده است.

ذهن ما هیچ پیشرفتی را در خصوص معادلات تفاضلی نخواهد پذیرفت مگر اینکه در مورد سلسله‌های هندسی معلومات کافی داشته باشیم. بر علاوه بعضی موضوعات تطبیقی را که در این بحث مهم دانسته می‌شود مورد مطالعه قرار داده ایم.

معلومات در این تحقیق، از طریق مطالعه کتاب‌های مختلف، مجله‌های علمی و مقالات مرتبط بدست آمده است.

تحلیل و تجزیه معلومات به شکل کیفی بوده و توضیح داده شده است که چطور رابطه‌های بازگشتی را می‌توانیم در توابع لژندر و بسیل استفاده نماییم. و چرا برای توسعه دانش ریاضیات دارای اهمیت می‌باشد.

در نتیجه استفاده از رابطه‌های بازگشتی یک روش موثر و سهل در ثبوت قضایای مربوط به توابع لژندر و بسیل است.

واژه‌های کلیدی: روش بازگشتی، تابع لژندر، تابع بسیل، اعداد تام و غیر منفی.

مقدمه

رابطه‌های بازگشتی روش موثر برای ثبوت قضایای مربوط به توابع لژندر و بسیل و حالات مختلف آن به شمار می‌رود همچنان برای حل مسایل مربوط به آنالیز ترکیبی و فکتوریل‌ها که بعضاً به معادلات درجه بلند تر منتهی می‌شود یک روش خوب و کوتاه محسوب می‌گردد.

در این تحقیق روی نوع اول و دوم تابع لژندر، جذور تابع لژندر، رابطه‌های بازگشتی برای تابع لژندر، با ذکر و ثبوت فضاییای مربوط به رابطه‌های بازگشتی، معادله و تابع بسپیل، رابطه‌های بازگشتی برای تابع بسپیل، رابطه بازگشتی برای تابع اصلاح شده بسپیل، رابطه بازگشتی برای $G_n(x)$ و رابطه بازگشتی برای $K_n(x)$ که جز تابع بسپیل اند و قضایای مربوط به هر بخش آن یک کار صورت گرفته است.

چگونگی رابطه‌های بازگشتی

۱- تابع لژندر

معادله تفاضلی

$$(1-x^2) \frac{d^2 y}{dx^2} - 2x \frac{dy}{dx} + n(n+1)y = 0 \quad (1)$$

طوری که n یک عدد حقیقی باشد، بنام معادله لژندر یاد می‌شود. واگر

$$y = \sum_{s=0}^{\infty} a_s x^{-(r+s)} \quad (2)$$

یک حل معادله (1) باشد در این صورت رابطه بازگشتی آن عبارت است از:

$$a_{s+2} = -\frac{(r+s)(r+s+1)a_s}{n(n+1)-(r+s+2)(r+s+1)}$$

حالا قیمت‌های مختلف r را بطور جدا گانه به فرض می‌گیریم.

(47: 2009, C.R.Mondal)

حالت اول: فرضاً $r = -n$ باشد، و $s = 0, 1, 2$ فرض گردد به ترتیب

$$a_2 = -\frac{n(n-1)a_0}{2(2n-1)}, \quad a_3 = \frac{(n-1)(2-n)a_1}{n(n+1)-(3-n)(2-n)} = 0$$

$$a_4 = -\frac{n(n-1)(n-2)(n-3)a_0}{2.4(2n-1)(2n-3)}, \text{ etc.}$$

قیمت‌های a_2, a_3 و a_4 را در معادله (2) وضع کرده یک حل معادله را بدست می‌آوریم، که دارای شکل زیر است:

$$y_1 = \frac{(2n)!}{2^n (n!)^2} \left[x^n - \frac{n(n-1)}{2(2n-1)} x^{n+2} + \frac{n(n-1)(n-2)(n-3)}{2.4(2n-1)(2n-3)} x^{n+4} \dots \right] \quad (3)$$

$$= P_n(x), \quad (م \ اند \ n \ د)$$

طوری‌که $P_n(x)$ پولینوم نوع اول درجه n لژندر نامیده می‌شود، در صورتیکه n یک عدد تام مثبت باشد.

(97:1956, J.C.Burkill)

حالت دوم: فرضاً $r = n + 1$ باشد. پس حل دیگر معادله (1) عبارت است از:

$$y_2 = \frac{\sqrt{\pi} \Gamma(n+1)}{2^{n+1} \Gamma\left(n + \frac{3}{2}\right)} \left[x^{-n-1} + \frac{(n+1)(n+2)}{2(2n+3)} x^{-n-3} + \frac{(n+1)(n+2)(n+3)(n+4)}{2.4(2n+3)(2n+5)} x^{-n-5} + \dots \right] \quad (4)$$

$$= Q_n(x), \quad n \geq 1$$

در اینجا $Q_n(x)$ نوع دوم معادله لژندر نامیده می‌شود:

(485:2009, B.V.Ramana)

رابطه‌های بازگشت برای $P_n(x)$

قضیه ثبوت کنید که

$$P'_{n+1}(x) - P'_{n-1}(x) = (2n+1)P_n(x)$$

ثبوت نظر به رابطه $nP_n(x) = (2n-1)xP_{n-1}(x) - (n-1)P_{n-2}(x)$ داریم که

$$nP_n(x) = (2n-1)xP_{n-1}(x) - (n-1)P_{n-2}(x) \quad (5)$$

n را با $(n+1)$ تعویض می‌کنیم، بدست می‌آوریم

$$(n+1)P_{n+1}(x) = (2n+1)xP_n(x) - nP_{n-1}(x)$$

نظر به x مشتق می‌گیریم، داریم که

$$(n+1)P'_{n+1}(x) = (2n+1)P_n(x) + (2n+1)xP'_n(x) - nP'_{n-1}(x) \quad (6)$$

نظر به معادله

$$xP'_n(x) - P'_{n-1}(x) = nP_n(x) \quad (7)$$

از معادلات (6) و (7)،

$$\begin{aligned} (n+1)P'_{n+1}(x) &= (2n+1)P_n(x) + (2n+1)[P'_{n-1}(x) + nP_n(x)] - nP'_{n-1}(x) \\ &= (2n+1)P_n(x) + [(2n+1) - n]P'_{n-1}(x) + n(2n+1)P_n(x) \\ &= (2n+1)(n+1)P_n(x) + (n+1)P'_{n-1}(x) \end{aligned}$$

یا

$$P'_{n+1}(x) = (2n+1)P_n(x) + P'_{n-1}(x)$$

پس،

$$P'_{n+1}(x) - P'_{n-1}(x) = (2n+1)P_n(x) \quad (8)$$

(9.48: 2014, Dr.M.D.Rai sin ghania)

قضیه برای هر n (تام غیر منفی)، ثبوت کنید که

$$(x^2 - 1)Q_n(x)P'_n(x) - P_n(x)Q'_n(x)$$

یک عدد ثابت است

ثبوت از آنجائیکه $Q_n(x)$ و $P_n(x)$ دو جذر معادله لژندر زیر است:

$$(1-x^2)\frac{d^2y}{dx^2} - 2x\frac{dy}{dx} + n(n+1)y = 0$$

بنابراین،

$$(1-x^2)\frac{d^2P_n(x)}{dx^2} - 2x\frac{dP_n(x)}{dx} + n(n+1)P_n(x) = 0$$

یا

$$\frac{d}{dx}\left[(1-x^2)\frac{d}{dx}P_n(x)\right] + n(n+1)P_n(x) = 0 \quad (9)$$

بطور مشابه،

$$\frac{d}{dx}\left[(1-x^2)\frac{d}{dx}Q_n(x)\right] + n(n+1)Q_n(x) = 0 \quad (10)$$

معادله (9) را با $Q_n(x)$ و معادله (10) را با $P_n(x)$ ضرب و از هم تفریق می‌کنیم، بدست می‌آوریم

$$Q_n(x)\frac{d}{dx}\left[(1-x^2)\frac{d}{dx}P_n(x)\right] - P_n(x)\frac{d}{dx}\left[(1-x^2)\frac{d}{dx}Q_n(x)\right] = 0$$

یا

$$Q_n(x)(1-x^2)P''_n(x) + P'_n(x)(-2x)Q_n(x) - P_n(x)(1-x^2)Q''_n(x) - P_n(x)Q'_n(x)(-2x) = 0$$

یا

$$(-1+x^2)(Q_nP''_n - P_nQ''_n) + 2x(p'_nQ_n - P_nQ'_n) = 0$$

یا

$$\frac{d}{dx}\left[(x^2-1)(p'_nQ_n - P_nQ'_n)\right] = 0$$

بنابراین،

$$(x^2-1)(p'_nQ_n - P_nQ'_n) = const$$

مثال نشان دهید که

$$P'_n = (2n-1)P_{n-1} + (2n-5)P_{n-3} + (2n-9)P_{n-5} + \dots$$

طوری‌که حد آخر $3P_1$ یا P_0 اگر n جفت و یا تاق باشد.

حل داریم که

$$P'_{n+1}(x) - P'_{n-1}(x) = (2n+1)P_n(x)$$

بنابراین، n را با $(n+1)$ تعویض می‌کنیم، داریم که

$$P'_n = (2n-1)P_{n-1} + P'_{n-2}$$

$$P'_{n-2} = (2n-5)P_{n-3} + P'_{n-4}$$

$$P'_{n-4} = (2n-9)P_{n-5} + P'_{n-6}$$

$$P'_{n-6} = (2n-13)P_{n-7} + P'_{n-8}$$

بنابراین

$$P'_n = (2n-1)P_{n-1} + (2n-5)P_{n-3} + (2n-9)P_{n-5} + \dots$$

اگر n جفت باشد حد آخر $P'_2 = 3P_1 + P'_0$ است. مگر $P_0 = 1$ بنابرین $P'_0 = 0$. به این

$$P'_2 = 3P_1$$

بنابراین حد آخر $3P_1$ است.

اگر n تاق باشد حد آخر $P'_1 = P_0 + P'_{-1}$ است. داریم که $P_n = P_{n-1}$ بنابرین $P_0 = P_{-1}$.

مشق گرفته بدست می‌آوریم $P'_{-1} = 0$. به این ترتیب، $P'_1 = P_0$. بنابر این حد آخر P_0

است.

(C.R.Mondal, 71: 2009)

۲- تابع بسیل

معادله

$$x^2 \frac{d^2 y}{dx^2} + x \frac{dy}{dx} + (x^2 - n^2)y = 0 \quad (1)$$

طوری‌که n یک عدد ثابت غیرمنفی باشد، بنام معادله ترتیب n ام بسیل نامیده می‌شود.

توابع که در حل خود موجود باشد بنام تابع بسیل نامیده می‌شود.

نوع اول ترتیب n ام تابع بسیل بشکل $J_n(x)$ نوشته شده و به شکل زیر تعریف

می‌گردد.

$$j_n(x) = \sum_{k=0}^{\infty} \frac{(-1)^k}{k! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k}$$

(فیروز کوهی، ۱۳۹۲: ۵۶)

۱.۱- رابطه بازگشتی برای تابع بسیل

قضیه ثبوت کنید که

$$xJ'_n(x) = nJ_n(x) - xJ_{n+1}(x)$$

ثبوت داریم که

$$j_n(x) = \sum_{k=0}^{\infty} \frac{(-1)^k}{k! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k}$$

نظر به x مشتق می‌گیریم، که در این صورت بدست می‌آوریم

$$j'_n(x) = \sum_{k=0}^{\infty} (-1)^n \frac{n+2k}{k! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k-1} \left(\frac{1}{2}\right)$$

یا

$$\begin{aligned} xj'_n(x) &= \sum_{k=0}^{\infty} (-1)^k \frac{n+2k}{k! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k} \\ &= n \sum_{k=0}^{\infty} \frac{(-1)^k}{k! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k} \\ &\quad + \sum_{k=0}^{\infty} (-1)^k \frac{2k}{k! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k} \\ &= nJ_n(x) + 2 \sum_{k=0}^{\infty} \frac{(-1)^k}{(k-1)! \Gamma(n+k+1)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2k} \end{aligned}$$

در مجموعه دوم قیمت $(n-1) = m$ را می‌گذاریم، پس

$$\begin{aligned} xJ'_n(x) &= nJ_n(x) + 2 \sum_{m=0}^{\infty} \frac{(-1)^{m+1}}{m! \Gamma(n+m+2)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2m+2} \\ &= nJ_n(x) - \frac{2x}{2} \sum_{m=0}^{\infty} \frac{(-1)^m}{m! \Gamma(n+m+2)} \left(\frac{x}{2}\right)^{n+2m+1} \\ &= nJ_n(x) - xJ_{n+1}(x) \end{aligned} \quad (2)$$

(C.R.Mondal, 91: 2009)

۲،۲- رابطه بازگشتی برای تابع تغییر یافته بسیل

قضیه ثبوت کنید که

$$tI'_n = nI'_n + tI_{n+1}$$

ثبوت داریم که

$$xJ'_n = nJ_n - xJ_{n+1}$$

یا

$$\frac{xd}{dx} J_n(x) = nJ_n(x) - xJ_{n+1}(x)$$

را $x = it$ می‌گذاریم، یک معادله بشکل زیر را دریافت می‌کنیم

$$it \frac{d}{dt} [J_n(it)] \frac{dt}{dx} = nJ_n(it) - (it)J_{n+1}(it)$$

هر دو طرف را با $e^{-in\pi/2}$ ضرب می‌کنیم، بدست می‌آوریم

$$e^{-in\pi/2} (it) \frac{d}{dt} [J_n(it)] \frac{1}{i} = ne^{-in\pi/2} J_n(it) - ite^{-(in\pi/2)-(i\pi/2)} J_{n+1}(it) e^{-i\pi/2}$$

یا

$$\frac{td}{dt} I_n(t) = nI_n(t) + tI_{n+1}(t)$$

یا

$$tI'_n = nI'_n + tI_{n+1}$$

(4)

(J.C.Burkill, 97:1956)

۳،۲- رابطه بازگشتی برای $G_n(x)$

قضیه ثبوت کنید که

$$xG'_n = nG_n - xG_{n+1}$$

ثبوت داریم که

$$xG'_n = \frac{\pi}{2 \sin(n\pi)} (xJ'_{-n} - e^{-in\pi} xJ'_n)$$

$$xJ'_{-n} = nJ_{-n} + xJ_{-n-1}$$

اکنون،

$$xJ'_n = nJ_n - xJ_{n+1}$$

بنابر این،

$$\begin{aligned}
 xG'_n &= \frac{\pi}{2\sin(n\pi)} \left[(nJ_{-n} + xJ_{-n-1}) - e^{-in\pi} (nJ_n - xJ_{n+1}) \right] \\
 &= \frac{\pi n}{2\sin(n\pi)} (J_{-n} - e^{-in\pi} J_n) + \frac{x\pi}{2\sin(n\pi)} (J_{-n-1} + e^{-in\pi} J_{n+1}) \\
 &= \frac{\pi n}{2\sin(n\pi)} (J_{-n} - e^{-in\pi} J_n) - \frac{x\pi}{2\sin(n+1)\pi} \left[J_{-n-1} - e^{-i(n+1)\pi} J_{n+1} \right] \\
 &= nG_n - xG_{n+1} \tag{5}
 \end{aligned}$$

(نیکوکار، ۱۳۹۰: ۱۰۱)

۴،۲ - رابطه بازگشتی برای $K_n(x)$

قضیه ثبوت کنید که

$$tK'_n(t) = nK_n(t) - tK_{n+1}(t)$$

ثبوت داریم که

$$xG'_n(x) = nG_n(x) - xG_{n+1}(x)$$

را در رابطه فوق گذاشته نتیجه ذیل را بدست می‌آوریم $x = it$

$$itG'_n(it) = nG_n(it) - itG_{n+1}(it)$$

یا

$$\frac{it}{i} \frac{d}{dt} \left[e^{in\pi/2} G_n(it) \right] = ne^{in\pi/2} G_n(it) - ite^{(in\pi/2)+(i\pi/2)} G_{n+1}(it) e^{-i\pi/2}$$

یا

$$t \frac{d}{dt} K_n(t) = nK_n(t) - it(-i)K_{n+1}(t) \tag{6}$$

یا

$$tK'_n(t) = nK_n(t) - tK_{n+1}(t)$$

(Dr.B.Krishna Gandhi, 223: 2014)

نتیجه گیری

از بررسی‌های فوق نتایج ذیل استنتاج می‌گردد:

با استفاده از رابطه‌های بازگشتی می‌توانیم مسایل بانکی مانند نفع، ضرر و سرمایه را محاسبه نماییم.

و هم چنان استفاده از رابطه‌های بازگشتی روش آسان و موثر برای حل مسایل مربوط به سلسله‌های حسابی و هندسی می‌باشد، و نیز می‌توانیم از آن در مسایل احصایوی مانند تخمین نفوس یک کشور با دانستن نرخ رشد و تعداد نفوس در گذشته استفاده نماییم. روش‌های بازگشتی اساس ریاضیات مجزا، تحلیلی و تجزیه الگوریتم‌ها را تشکیل می‌دهد و همچنان ازین روش برای دریافت جذور حقیقی مجزا، مختلط و جذور حقیقی تکراری می‌توان استفاده کرد.

پیشنهادات

با در نظر گرفتن نتایج فوق موارد ذیل را پیشنهاد می‌نمایم:

- ۱- از اینکه رابطه بازگشتی برای دریافت عدد فیبوناچی قابل استفاده است لذا پیشنهاد می‌کنم تا در سیستم‌های بانکی جهت ساختن الگوریتم‌های کمپیوتری نیز از آن استفاده گردد.
- ۲- در این تحقیق از رابطه‌های بازگشتی صرف در توابع لژندر و بسیل استفاده بعمل آمده است، از اینکه این مورد یک روش موثر برای محاسبه دانسته می‌شود لذا ایجاب می‌کند تا در توابع هیرمت و سایر توابع نیز استفاده گردد.
- ۳- از اینکه روش بازگشتی در بسیاری از کتابها برای دریافت جذور معادلات خطی متجانس استفاده شده است، لذا پیشنهاد می‌کنم تا در بخش‌های دیگر ریاضی از جمله برای دریافت جذور معادلات خطی غیر متجانس نیز استفاده گردد.

مأخذ

- ۱- پور کاظمی، محمد حسین، (۱۳۸۳) معادلات دیفرانسیل و کاربردهای آن در مهندسی، علوم اقتصاد، تهران: انتشارات نی.
- ۲- فیروز کوهی، خالقداد (۱۳۹۲) می‌تودهای ریاضی در فزیک، کابل: انتشارات سعید.
- ۳- نیکوکار، مسعود، (۱۳۹۰) معادلات دیفرانسیل، تهران: انتشارات آزاده.

- 4- Burkill, J.C.(1956) Theory of ordinary differential equations, Oliver and Boyd, Edinburgh.
- 5- mathematical methods ramnagar, New Delhi.

- 6- Mondal, C.R.(2009) Ordinary differential equations, Shilling Meghalaya, New Delhi.
- 7- Raisinghania, Dr.M.D.(2014) Ordinary and partial differential equations, Ramnagar, New Delhi.
- 8- Ramana, B.V.(2009) Discrete and combinatorial Mathematics Andhra Pradesh, India.

Abstract

The purpose of this article is to describe recurrence relations and its usage in Bessel and Legendre functions. In this article, both the Legendre and Bessel functions associated with their recurrence relations will be introduced respectively. Since the topic is too large to explain all the theorems, we will limit this article with only one theorem and its proof from each section. This research will focus on method of implementing each of the recurrence relation on difference equations, which are two important concepts in ordinary differential equations. Our development will not employ any ideas from differential equations but will start with the notion of a geometric progression. As further ideas are developed, we shall see some of the many applications that make this topic so important. The data and information used in this article, is completed through reading difference books, academic journal and another related articles. The data is analyzed qualitatively and it is explained how to use recurrence relations in Legendre and Bessel functions and why it is important for extending mathematics knowledge. As a result, recurrence relations is an effective and easy method for evidence of the relevant cases.

Keywords: Recurrence relation, Legendre functions, Bessel functions, integer numbers and non-negatives.

اتحاد هستوی و تولید انرژی در ستارگان

پوهنیار شمس الحق "روحانی"

چکیده

انرژی هستوی در عصر حاضر قوی‌ترین و موثرترین انرژی شناخته شده برای پیشرفت و انکشاف جامعه است که از اثر متلاشی شدن ذرات داخل هسته اتم در پروسه تعاملات هستوی بوجود می‌آید. این تعاملات عمده به دو طریق صورت می‌گیرد: یکی انشقاق (Fission) که در این پروسه یک هسته بزرگ به دو هسته کوچک تجزیه می‌شود؛ دیگری اتحاد (Fusion) می‌باشد که در آن دو هسته کوچک طی یک پروسه با هم یکجا شده و یک هسته بزرگتر را تشکیل می‌دهد. در هر دو حالت یک مقدار انرژی آزاد می‌گردد، از انرژی آزاد شده به مقصد عمرانی و صلح آمیز مثلاً تولید برق و اهداف دیگر زندگی یا به هدف تخریبی مثلاً سلاح‌های هستوی استفاده می‌شود.

موضوع اصلی این مقاله را پروسه‌های اتحاد هستوی در سطح ستارگان بخصوص خورشید تشکیل می‌دهد. هدف دانش بنیادی آن شناخت و بدست آوردن معلومات در مورد پروسه‌های اتحاد در ستارگان، و هدف کاربردی آن ضرورت و اهمیت انرژی آزاد شده از پروسه‌های اتحاد و استفاده آن در حیات روزمره می‌باشد.

در مورد این موضوع به نوع کتابخانه‌ای با استفاده از منابع معتبر ملی و بین‌المللی به روش کمی و کیفی تحقیق صورت گرفته است. محاسبات مورد ضرورت آن با استفاده از روابط بین کمیت‌های مورد نظر و واحدهای آن انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: انشقاق، اتحاد، پروسه، عمرانی، رایکتور، پسماند.

۱- مقدمه

سال‌هاست دانشمندان، تعاملاتی را که در خورشید رخ داده است، کشف نموده‌اند. این تعاملات عبارت از ترکیب هسته‌های نسبتاً سبک و تولید هسته‌های سنگین‌تر است که بنام اتحاد هسته‌ای یاد می‌شود. این منشأ انرژی آفتاب و دیگر ستاره‌ها یک سلسله از این تعاملات انرژی‌زا می‌باشد. اتم‌های که در این تعاملات در داخل ستاره شرکت

می‌کنند کاملاً آیونایز شده اند، یعنی الکترون‌های آن‌ها کنده شده است. به عبارت دیگر به پلازما تبدیل شده اند. این تعاملات را بنام تعاملات گرما (حرارت) هسته‌ای نیز یاد می‌کنند.

چون از سال‌های زیادی است که خورشید و دیگر ستاره‌ها می‌درخشند و در اثر تعاملات اتحاد هسته‌ای از خود حرارت و نور تشعشع می‌کنند، بخصوص نور و حرارت خورشید که باعث تداوم حیات در روی زمین گردیده و می‌گردد. بناءً در این جا مسئله‌ای مطرح می‌شود که پروسه اتحاد هسته‌ای در خورشید و دیگر ستاره‌ها چگونه صورت می‌گیرد؟ در این مقاله پروسه اتحاد هستوی در خورشید و دیگر ستارگان مورد بررسی قرار گرفته است که هدف بنیادی آن شناسایی پروسه‌های اتحاد هستوی در ستارگان و هدف کاربردی آن استفاده از انرژی آزاد شده این پروسه‌ها در کره زمین و طرح ریاکتورهای اتحاد هسته‌ای می‌باشد.

موضوعاتی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است عبارت از معرفی اتحاد هستوی، اتحاد هستوی در ستارگان، پروسه یا دوره پروتون - پروتون، محاسبه انرژی آزاد شده در پروسه پروتون - پروتون، دوره کاربن و انرژی آزاد شده از آن می‌باشد.

برای جمع آوری و نوشتن موضوعات این مقاله از منابع معتبر ملی و بین‌المللی استفاده شده است که به روش کمی و کیفی صورت گرفته است. محاسبات آمار و ارقام در این مقاله به اساس تجارب تدریسی محقق با استفاده از روابط بین کمیت‌ها و واحدهای فیزیکی انجام شده است.

نتیجه ای که در جریان تحقیق مقاله بدست آمده است نشان دهنده آن است که پروسه‌های اتحاد هستوی در ستارگان از اهمیت خاصی برخوردار بوده که بدون این پروسه‌ها و آزاد شدن انرژی حیات در روی زمین ناممکن است. همچنان بشر را در آینده به تولید انرژی بهتر و بادوام بدون پسماندهای خطرناک امیدوار می‌سازد.

۲- اتحاد هستوی

در پروسه اتحاد نیز بر اثر عکس‌العمل‌های هسته‌ای انرژی آزاد می‌شود. در این پروسه دو هسته سبک با هم ترکیب می‌شوند و یک هسته سنگین‌تر به وجود می‌آورند.



شکل (۱) دو هسته سبک اتم هایدروجن با هم ترکیب شده و یک هسته نسبتاً بزرگتر را بوجود آورده و یک مقدار انرژی را آزاد می‌کند (<https://encrypted.tbnogstati.com/images>).

انرژی آزاد شده در این پروسه، تفاوت انرژی بستگی هسته سنگین و هسته‌های سبکتر است، این پروسه می‌تواند تا زمانی که نمبر کتلوی هسته‌ها بیشتر از $A=60$ نباشد انرژی آزاد کند؛ مثلاً، عکس‌العمل زیر را در نظر می‌گیریم:



در عکس‌العمل فوق مقدار انرژی برابر به $4.0MeV$ است، و در نتیجه این عکس‌العمل در حدود $1MeV$ برای هر نوکلید انرژی آزاد می‌کند، که تقریباً مانند عکس‌العمل انشقاق است. این آزمایش را می‌توان در آزمایشگاه‌های هستوی، با تعجیل دادن دوتریوم‌ها انجام داد.

برای مشاهده عکس‌العمل، باید دوتریوم‌ها را به اندازه کافی به هم نزدیک کنیم تا نیروی هسته‌ای باعث انجام عکس‌العمل یا اتحاد شود: یعنی، باید بر دافعه کولنی متقابل دو ذره غلبه کنیم. می‌توان این دافعه کولنی را با محاسبه دافعه الکتروستاتیکی دوتریوم در تماس با یکدیگر محاسبه کرد. شعاع دو دوتریوم در حدود $1.5fm$ می‌باشد.

(fm فرمی واحد اندازه گیری طول بوده که بنام فمتومتر $= 10^{-15}m$ است یاد م شود) و انرژی پتانسیل الکتروستاتیکی دو چارج به فاصله $3fm$ در حدود $0.5MeV$ است، یک دوتریوم با انرژی حرکتی $0.5MeV$ می‌تواند بر دافعه کولنی غالب آید و عکس‌العملی را آغاز کند که در آن $4.5MeV$ انرژی ($0.5MeV$ انرژی حرکتی و رودی به اضافه $4MeV$ مربوط به مقدار Q) آزاد کند. برای این منظور باید گاز دوتریوم تا درجه حرارت‌های به اندازه کافی گرم شود، طوریکه هر اتم دوتریوم دارای انرژی حرارتی $0.25MeV$ شود. اگر بتوانیم از این روش برای استخراج انرژی اتحاد حاصل از دوتریوم موجود در یک پیاله «آب سنگین»

(D_2O) استفاده کنیم، می‌توانیم انرژی در حدود $5 \times 10^{12} J$ به دست آوریم؛ حتی اگر این تبدیل در مدت یک روز انجام شود، توان خروجی در حدود $50 Mw$ می‌شود! آب معمولی حاوی حدود 0.015% آب سنگین است؛ انرژی اتحاد حاصل از دوتریوم موجود در یک لیتر آب معمولی معادل با انرژی کیمیاوی حاصل از حدود 300 لیتر تیل است.

مشکل این روش گرم کردن گاز دوتریوم تا درجه‌های حرارت کافی است؛ از رابطه $E = \frac{3}{2} kT$ انرژی حرکی حرارتی یک مالیکول گاز را که در آن $k = 8.6174 \times 10^{-5} \text{ eV/K}$ ثابت بولتزمن و T درجه حرارت را به حسب کلوین نشان می‌دهد، می‌توان محاسبه کرد که انرژی 0.25 MeV با درجه حرارت حدود $10^9 K$ متناظر است. بصورت عموم که بتوان چنین درجه‌های حرارت را تولید کرد، دشوار است. اما، این شرایط در داخل ستاره گان، که انرژی خود را از طریق عکس‌العمل‌های اتحاد تولید می‌کنند، وجود دارد. پس پروسه‌های اتحاد باعث تداوم حیات بر روی زمین است.

یک تعریف ساده و اساسی دیگر از اتحاد عبارت است از فرورفتن هسته‌های چند اتم سبک‌تر و تشکیل یک هسته سنگین‌تر است. مثلاً، تعامل کلی اتحاد که در خورشید رخ می‌دهد عبارت است از برخورد هسته‌های چهار اتم هایدروجن و تبدیل آن‌ها به یک هسته اتم هیلیم. ولی مشکل اساسی آن است، که هسته اتم از ذرات کوچکی مانند پروتون با چارج مثبت، نیوترون بدون چارج ... تشکیل شده است. اگر پروتون‌ها (هسته‌های هایدروجن معمولی) به هم نزدیک شوند یک دیگر را دفع می‌کنند، بناءً چگونه می‌توان آن‌ها را در اتحاد شرکت داد؟ راه حل اساسی آن است که به این پروتون‌ها آنقدر انرژی داده شود که انرژی حرکی آن‌ها بیشتر از نیروی دافعه کولنی آن‌ها شود و پروتون‌ها بتوانند به اندازه کافی به هم نزدیک شوند. حال چگونه این انرژی حرکی را تولید کنیم؟ حرارت راه حل خوبی است، زیرا در اثر افزایش درجه حرارت انرژی حرکی ذرات افزایش یافته و تعداد برخوردها بیشتر و بیشتر شده زمینه اتحاد مساعد می‌گردد.

بسیاری از دانشمندان و مهندسان در صدد استفاده از پروسه‌های اتحاد برای تولید انرژی الکتریکی هستند؛ آن‌ها با چالش همانند سازی شرایط موجود در داخل ستاره گان، برای لحظه‌ای کوتاهی از زمان و در مقیاس کوچک‌تر، روبه‌رو هستند.

قوه دافعه کولنی مانع این پروسه شده به این ترتیب که قوه دافعه کولنی مانع کافی برای نزدیک شدن دو ذره چارج‌دار مثبت در محدوده نیروهای جاذبه هسته‌یی و در نتیجه «اتحاد» به شمار می‌رود. ارتفاع این سد یا مانع کولنی به چارج و شعاع دو هسته

برهمکنش کننده بستگی دارد. چنانچه برای دو پروتون ($Z=1$) ارتفاع سد کولنی برابر با 400KeV است. البته برای ذرات با چارج بیشتر، مانع بلندتر است (Krance, ۱۹۹۶: ۴۱۲).

برای تولید مقدار مفید توان، اتحاد هسته‌ای باید این پروسه در حجم زیاد ماده رخ دهد. بهترین امید برای چنین امری، افزایش درجه حرارت ماده تا حدی است که ذرات انرژی کافی، تنها بر دلیل حرکات حرارتی خود، برای نفوذ در مانع کولنی داشته باشند. این پروسه را اتحاد گرما (حرارت) هسته‌ای می‌نامند.

در بررسی‌های گرما هسته‌ای، حرارت‌ها برحسب انرژی حرکتی، ذرات تعامل کننده از طریق رابطه را $E = \frac{3}{2}kT$ گزارش می‌شوند. در نتیجه به جای «درجه حرارت در مرکز خورشید ($1.5 \times 10^7\text{ K}$) است» معمولاً گفته می‌توانیم که «حرارت در مرکز خورشید 1.3keV است». زیرا طبق رابطه انرژی که در فوق نشان داده شده است این درجه حرارت و انرژی حرارتی با هم متناظر اند (Johnson, ۱۹۹۲: ۴۷).

۳- اتحاد هستوی در ستاره گان

منشاء انرژی تشعشعی خورشید و دیگر ستارگان یک سلسله عکس‌العمل‌های هسته‌ای انرژی‌زا است. انوم‌های که در این عکس‌العمل‌ها در داخل ستاره شرکت می‌کنند کاملاً حالت پلازمایی دارند. این ذرات در درجه حرارت بسیار زیاد تا 10^8 K قرار دارند با سرعت بسیار زیاد حرکت می‌کنند، و چندین دفعه با یکدیگر برخورد می‌کنند. انرژی متوسط هر ذره در درجه حرارت $T = 10^7\text{ K}$ تقریباً یک کیلو الکترون ولت است.

بنا براین، در برخوردهای میان هسته‌ها امکان دارد قوه دافعه کولنی بین هسته‌های با چارج مثبت مغلوب شود؛ به طوریکه برخی از هسته‌ها که سریع‌تر حرکت می‌کنند آنقدر با هم نزدیک می‌شوند که از طریق قوه‌های هستوی تعامل کنند، و عکس‌العمل‌ها با احتمال زیاد رخ دهند. یک عکس‌العمل هسته‌ای که بر اساس افزایش حرکت حرارتی ذرات تعامل کننده در درجه حرارت زیاد رخ می‌دهد تعامل گرما (حرارت) هسته‌ای نامیده می‌شود.

در هر مرحله مقدار کل انرژی آزاد شده 26.7MeV است. منبع اصلی اتحاد در خورشید تبدیل چهار پروتون به هسته هلیوم و انرژی داخلی آفتاب است. تعاملات کیمیایی نمی‌توانند آنقدر زیاد یا آنقدر دوامدار انرژی ایجاد کنند که جوابگوی تولید انرژی در آفتاب باشد، لیکن تعاملات اتحاد هسته‌ها در آفتاب از عهده این کار بر می‌آیند. هایدروجن و هلیوم مجموعاً حدود ۹۹٪ کتله آفتاب را تشکیل می‌دهند که در آن تقریباً هایدروجن و

برابر هیلیموم است. بنابر این در آفتاب ذخیره هایدروجن کافی وجود دارد که می توان انرژی آفتاب را برای میلیون ها سال آینده تامین نمایند. (رومی، ۱۳۹۲:۹۹).

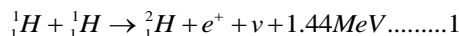
سرعت پیشرفت تعامل بر تعداد هسته ها در واحد حجم، به درجه حرارت بستگی دارد. به هر اندازه که درجه حرارت بیشتر باشد، حرکت و یا انرژی حرارتی ذرات بیشتر و برخورد بین ذره ها سریع تر، مکرر تر و پر انرژی تر خواهد بود. در درجه حرارت هسته آفتاب که به ۱۰ تا ۲۰ میلیون درجه کلونین بالغ می گردد، انرژی های حرکتی حاصل از حرکت حرارتی ذرات در حدود $1keV$ می باشد.

آزاد شدن انرژی زیاد با پروسه تعاملات اتحاد، تاکنون فقط به وسیله انفجارهای حرارت هسته ای از قبیل بمب های هایدروجنی در روی زمین ممکن بوده است. یک بمب هایدروجنی، مخلوطی از عناصر سبک با یک بمب متلاشی شده است. ذرات پر انرژی که به وسیله تعامل متلاشی شدن ایجاد می شود، به عنوان آغازگر تعامل اتحاد به کار می آیند. انفجار بمب متلاشی شده، درجه حرارتی در حدود $5 \times 10^7 K$ تولید می کند که برای ایجاد تعامل اتحاد کافی است. به دنبال آن تعاملات اتحاد مقادیر عظیمی انرژی اضافی آزاد می کند (هالیدی، ۱۳۸۳: ۴۳۱).

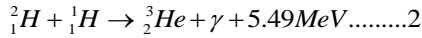
۴- دوره (پروتون-پروتون) در ستارگان

دوره عکس العمل های گرما هسته ای که در خورشید و دیگر ستارگان مشابه انرژی آزاد می کنند، دوره **پروتون - پروتون** است. در این پروسه چهار پروتون یک جا شده یک هیلیموم را تشکیل می دهند. چون خورشید به جای دوتریوم از هایدروجن معمولی تشکیل شده است ابتدا باید هایدروجن به دوتریوم تبدیل گردد. این تبدیل طبق تعاملات ذیل صورت می گیرد.

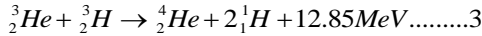
مرحله اول: در این مرحله دو پروتون (1_1H) باهم یکجا شده یک دوتریوم (2_1H) را تشکیل نموده و با خارج نمودن هم زمان یک پوزیترون و یک نیوترینو ختم می شود.



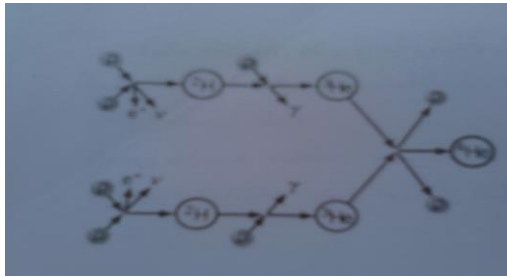
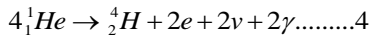
مرحله دوم: در این مرحله وقتیکه 2_1H (دوتریوم) به دست آمد، عکس العمل بعدی که می تواند رخ دهد، یک پروتون (1_1H) با دوتریوم (2_1H) یک جا شده و با تولید یک هیلیموم (3_2He) و اشعه گاما می انجامد.



مرحله سوم: در مرحله سوم دو هسته $({}^3_2He)$ ترکیب شده که منجر به تشکیل هلیوم معمولی $({}^4_2He)$ و خارج نمودن همزمان دو پروتون پر انرژی می شود.



چون در مرحله سومی به دو هسته $({}^3_2He)$ نیاز است، بناءً این مرحله زمانی می تواند انجام شود که دو پروسه قبلی باید دو مرتبه رخ داده باشند. به عبارت دیگر دو عکس العمل اول باید دوبار واقع شود تا دو $({}^2_2He)$ لازم برای عکس العمل سوم را تولید کند؛ نگاه کنید به طرح کلی شکل (۲)، بناءً این پروسه را به طور کلی به شکل ذیل می توان نوشت:



شکل شماره (۲) طرح کل پروسه پروتون - پروتون. (اس کرین، ۱۳۷۹: ۵۷۶)

۵- محاسبه انرژی آزاد شده در پروسه پروتون-پروتون

انرژی آزاد شده در تعاملات اتحاد دوره پروتون - پروتون چنین بدست می آید:

چنانچه قبلاً ذکر شد، نتیجه خالص دوره پروتون - پروتون عبارت از ترکیب چهار پروتون و تشکیل یک ذره الفا $({}^4_2He)$ می باشد. بناءً با استفاده از تفاوت کتله های چهار پروتون و کتله ذره الفا $({}^4_2He)$ انرژی آزاد شده را می توان بدست آورد طوری که: چون کتله اتمی هر پروتون $m(H^1) = 1.007825u$ است بنابراین نتیجه می شود که:

$$m_i = 4(1.007825u) = 4.031300u$$

همچنان کتله اتمی هر ذره الفا $\alpha = 4.002603u$ است پس $m({}^4_2He) = m_i = 4.002603u$

تغییر در کتله سیستم عبارت است از:

$$m_i - m_f = 4.031300u - 4.002603u = 0.028697u$$

حال طبق رابطه زیر کتله را به واحد انرژی تبدیل می‌کنیم:

$$Q = (m_i - m_f)c^2 = 0.028697u(931.5MeV/u) = 26.7MeV$$

Q عبارت از انرژی آزاد شده در تعاملات هستوی می‌باشد، در صورتیکه $O > 0$ باشد تعامل گرمازا یا انرژی‌زا است. و در صورتیکه $O < 0$ باشد تعامل گرماگیر یا انرژی‌گیر است (صمدی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

دیده می‌شود که هر تعامل اتحاد $26.7MeV$ انرژی آزاد می‌کند.

اکنون اندازه وقوع این تعاملات را در خورشید محاسبه می‌کنیم:

چون در هر متر مربع از سطح زمین انرژی خورشیدی به توان حدود $1.4 \times 10^3 W$ می‌تابد. بناءً در فاصله حدود $R = 1.5 \times 10^{11} m$ از خورشید، انرژی در سطح کره زمین به مساحت:

$$4\pi R^2 = 4 \times 3.14 (1.5 \times 10^{11} m)^2 = 28 \times 10^{22} m^2$$

$$1.4 \times 10^3 \times 28 \times 10^{22} = 4 \times 10^{26} w$$

با در نظر داشت رابطه بین MeV و ژول می‌توان انرژی را طور ذیل بدست آورد:

$$1MeV = 1.6 \times 10^{-13} J, \quad 1J = \frac{1}{1.6} \times 10^{13} MeV$$

$$1W = \frac{1J}{1sec} = \frac{1}{1.6} \times 10^{13} MeV / sec = 0.625 \times 10^{13} MeV / sec$$

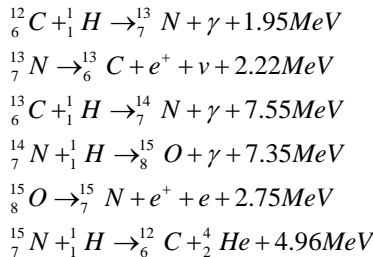
$$4 \times 10^{26} W = 4 \times 10^{26} \times 0.625 \times 10^{13} MeV / sec = 2 \times 10^{39} MeV / sec$$

قبلاً ثابت شد که در هر پروسه اتحاد $26.7MeV$ انرژی آزاد می‌شود و در نتیجه باید در حدود 10^{38} تعامل اتحاد در هر ثانیه رخ دهد که در حدود 4×10^{38} پروتون در هر ثانیه مصرف می‌کند. از طرف دیگر کتله خورشید در حدود $2 \times 10^{30} kg$ و کتله پروتون تقریباً $1.67 \times 10^{-27} kg$ است. پس کتله خورشید معادل به 10^{57} پروتون است، که برای سوختن چند میلیارد سال آینده کافی است. دوره پروتون به احتمال زیاد منبع انرژی خورشید

است اما احتمال منبع انرژی ستاره‌های بزرگتر نمی‌باشد. به احتمال زیاد که دوره کاربن منبع انرژی ستاره‌های بزرگتر را تشکیل می‌دهد (فرامرز، ۱۳۹۳: ۵۶).

۶- دوره کاربن

دومین پروسه یا سایکل عکس‌العمل‌های گرما هسته‌ای، که در برخی از ستارگان بوقوع می‌پیوندد دوره کاربن است. در ذیل یک سلسله تعاملات احتمالی دوره کاربن نیز نشان داده شده است:



(عزیز، ۱۳۹۵: ۲۸۹).

مشاهده می‌شود که در این عملیه‌ها هسته کاربن ۱۲ صرف به صفت یک کتلاست عمل نموده و پروسه تعامل را سریع می‌سازد. عملیه با یک هسته کاربن شروع شده و با یک هسته کاربن ختم می‌شود، در دوره کاربن نیز مانند دوره پروتون-پروتون، پروسه خالص باهم عبارت است از: $4 {}_1^1H \rightarrow {}_2^4He$ می‌باشد. باید یاد آور شد که مقدار Q هم تغییر نکرده است. دوره کاربن در درجه حرارت $20 \times 10^6 K$ اهمیت می‌یابد، در حالی که درجه حرارت داخل خورشید در حدود $15 \times 10^6 K$ است. باید یادآور شد که دافعه کولنی بین هایدروجن و کاربن از دافعه کولنی بین هایدروجن و هایدروجن بیشتر است، در دوره کاربن انرژی حرارتی بیشتر ضرور است. وقتی که تمام هایدروجن به هیلیم تبدیل شد خورشید منقبض شده و درجه حرارت آن افزایش می‌یابد تا هیلیم سوزی رخ دهد.

دافعه کولنی متقابل دو هسته هیلیم بزرگتر از دو هسته هایدروجن است، پس اتحاد هیلیم نسبت به اتحاد هایدروجن به انرژی بیشتر نیاز دارد. وقتی که هیلیم تمام شد، درجه حرارت باز هم بیشتر باعث اتحاد کاربن و تشکیل عناصر سنگین می‌شود تا به Fe^{56} برسد.

تعاملات همجوشی بنیادی که قبلاً بررسی شدند انرژی تشعشعی ستاره را تامین می‌کنند. با ترکیب چهار پروتون، یک هسته هیلیم تولید و $26.7MeV$ انرژی آزاد می‌شود،

ستارگانی چون خورشید بیشتر انرژی خود را در دوره پروتون-پروتون تولید می‌کنند، چنین ستارگانی یا برای دوره کاربن به اندازه کافی داغ نیستند، و یا کاربن در آنها وجود ندارد. با توجه به موجودی ${}^4_2\text{He}$ ، سایر دوره‌های پروتون-پروتون نیز می‌توانند بوقوع بپیوند که در این مقاله گنجایش ندارند.

انرژی اتحاد بیشتر به شکل ۹۵٪ اشعه گاما، و ۵۰٪ نوترینوها گسیل می‌شود، که از مرکز خورشید بطرف سطح انتشار یافته و در فضا می‌تابد. اشعه‌های گاما با ماده دارای کثافت بیشتر خورشیدی پراکندگی‌های مکرر کامپتونی را انجام می‌دهند، ممکن است 10^5 تا 10^6 سال طول بکشد تا به سطح خورشید برسند. نور خورشیدی که ما امروز می‌بینیم به احتمال زیاد در تعاملات هسته‌ای یک میلیون سال قبل تولید شده باشد، برعلاوه اشعه‌های گاما، انرژی از دست می‌دهند تا بصورت فوتون‌های نورمرعی قابل دید در آیند. بنابراین، آنچه را ما می‌بینیم بیشتر مشخصه سطح خورشید است نه داخل آن (اس کرین، ۱۳۷۹: ۵۵۶).

نتیجه گیری

نتایجی که از بررسی موضوع این مقاله بدست آمده، نشان دهنده آن است که اساس اتحاد هستوی را طبیعتاً یک سلسله تعاملات گرما (حرارت) هسته‌ای تشکیل می‌دهد. در پروسه اتحاد هسته‌ای، هسته‌های نسبتاً سبک‌تر مانند هایدروجن معمولی، دوتریوم و تریتیوم با یکدیگر اتحاد (جوش) نموده باعث تولید هسته‌های سنگین‌تر شده و مقدار زیادی انرژی آزاد می‌شود. برای اینکه پروسه اتحاد امکان‌پذیر شود هسته‌های تعامل کننده باید دارای انرژی حرکتی کافی باشند تا بر میدان الکتروستاتیکی پیرامون‌شان فایق آیند. بناءً برای اینکه تعامل اتحاد رخ دهد، به درجه حرارت و انرژی حرارتی زیادی نیاز است. یعنی هسته‌های که در پروسه اتحاد شامل می‌شوند باید حالت پلازما را به خود بگیرند. در پروسه اتحاد هستوی انرژی خیلی زیاد آزاد می‌شود، زیرا طبق نظریه نسبیت خاص انیشتین، قسمتی از ماده در این تعامل به انرژی تبدیل می‌شود. ما هر روز اثر این تعامل را در طبیعت احساس می‌کنیم. اتحاد هسته‌ای همان چیزی است که در مرکز خورشید و دیگر ستاره‌ها رخ می‌دهد. در حقیقت خورشید یک ریاکتور عظیم اتحاد طبیعی هسته‌ای است؛ در این ستاره هایدروجن به عناصر سنگین‌تر تبدیل شده، نور و حرارت حاصل از آن برای ما که در روی زمین هستیم، ارسال شده، باعث تداوم حیات در روی زمین می‌گردد.

مآخذ

۱. اس کرین، کنت؛ ترجمه: منیژه رهبر، بهرام معلمی (۱۳۷۹). فزیک جدید، مرکز نشر، دانشگاه ص. ص. (۵۷۶-۵۵۶).
۲. چاندرا، رامش، (۱۳۹۱). اصول فزیک پزشکی هسته‌ای، کتابخانه رایانه‌یی، ص.ص. (۸۶-۵۰).
۳. رومی، هادی، (۱۳۹۲). کاربرد انرژی هسته‌ای در زندگی روزمره، مرکز نشر انتشارات دانشگاهی تهران ص. ص. (۸۸-۹۹).
۴. صمدی، دکتر علی افضل، (۱۳۹۱). دانش و فن برای همه، مرکز نشر: انتشارات جهان کتاب، ص. ص. (۱۴۵-۱۲۰).
۵. مجید فرامرزی، اردگانی محمد رضا، (۱۳۹۳). تکنیک‌های هسته‌ای در علوم کشاورزی، انتشارات دانشگاهی تهران، ص. (۵۰-۷۸).
۶. عزیز، رشید، (۱۳۹۵). فزیک اتم و هسته، چاپ اول. افغانستان - کابل؛ انتشارات نویسا ص. ص. (۲۸۹-۲۹۱).
۷. یدریان، مهندس رضا، (۱۳۹۰). انرژی هسته‌ای و غنی‌سازی یورانیوم مرکز نشر: انتشارات مرتسل، ص. (۹۷-۱۱۲).
8. C. Johnson, (1992). Physics, John Wiley and Sons. Inc. p-p:47-78
9. K. Krance, (1996). Modern Physics, 2nd edition, p-p:407-416

Abstract:

Nuclear energy is known to be the strongest and most effective forms of energy in recent times. Nuclear energy is generated by the splitting of large atoms during nuclear reactions. These reactions consist of two steps. Fissions and Fusion. In Fission one large nucleus split into two small ones and in Fusion two small nucleuses combine to form a large one. Significant amount of energy is released during both steps of reactions which can be utilized for several constructive and peaceful purposes such as electricity generation and other life demands; however, this energy can be used for destructive purposes such as nuclear weapons as well. The main purpose of this article consists of Fusion process on surface of stars particularly on Sun. The fundamental objective of this paper is acquaintance and obtaining information about the fusion process on the surface of stars and the applied objective is to study the necessity and significance of released energy and its utilization in peaceful way in different parts of life. Related to this topic investigation has been done via bibliographical method using reliable national and international sources, qualitative and quantitative research has been done. The necessary calculations have been done via relations between specific quantities and their units.

Keywords: fission, Fusion, process, reconstruction, Reactor, Residue.

مروری بر تولید دانه های مصنوعی و اهمیت آن در تکثیر نباتات

پوهندوی فریده شعیب ویدی

چکیده

تکنالوژی تولید دانه های مصنوعی یک انقلاب علمی در تکثیر نباتات است. تولید دانه های مصنوعی اهمیت بزرگی در تکثیر و اصلاح نباتات دارد. این پروسه به زارعین و باغبانان کمک می کند، تا نباتات را با خصوصیات جدید به راحتی تولید کنند. علاوه بر آن، با استفاده از تولید دانه های مصنوعی، می توان نباتاتی را که در شرایط طبیعی به سختی تولید می شوند، به آسانی تکثیر کرد. طورمثال نباتاتی که دانه های کوچک دارند و یا جهت جوانه زنی به شرایط خاصی نیاز دارند. فواید دیگر آن اینست که، انتقال شان به مناطق دوردست آسان است. یعنی دانه های مصنوعی می توانند به مناطقی که شرایط مناسب طبیعی برای تولید دانه ندارند، منتقل و در آنجا تکثیر شوند. این امر به زارعین و باغبانان کمک می کند، تا انواع جدید را در مناطق جدید تولید نموده و به تنوع بیولوژیکی منطقه کمک نمایند. این تکنالوژی به حفظ تنوع انواع کمک نموده و از انقراض آنها جلوگیری می کند. دانه های مصنوعی، به دلیل داشتن محیط رشد و مواد غذایی لازم در داخل آنها، می توانند برای مدت طولانی حفظ و ذخیره شوند. این مقاله تولید دانه های مصنوعی اهمیت و استفاده آنها مورد مطالعه قرار می دهد.

کلمات کلیدی: دانه های مصنوعی؛ تنوع بیولوژیکی؛ انواع جدید؛ مواد غذایی؛ انقراض؛ تکثیر نباتات.

مقدمه

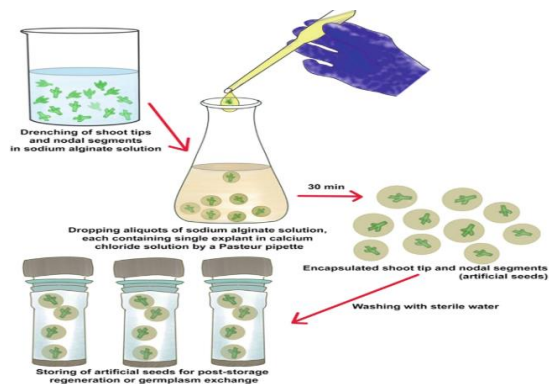
تولید دانه های مصنوعی یک تکنالوژی مهم برای کشت انساج نباتی است. تحقیقات علمی ثابت کرده است که، اکنون می توان دانه های مصنوعی را با استفاده از مواد نباتی مختلف تولید کرد. در بیشتر موارد، دانه های مصنوعی عملکردی شبیه دانه های واقعی دارند. دانشمندان معروف موراشیگ برای اولین بار مفهوم دانه های مصنوعی را مطرح کرد و آنها را "دانه های مصنوعی" نامید. در میان روش های مختلف کشت انساج نباتی، تولید جنین از انساج جسمی (Somatic) یکی از رایج ترین روش هایی است که، در آن می توان از هر حجره غیرجنسی نبات، یک جنین کامل را تشکیل داد. این عامل منجر به افزایش تقاضا برای دانه های مصنوعی گردید و در نتیجه تکنالوژی تولید دانه های مصنوعی

توسعه یافت. دانه های مصنوعی موادی برای تکثیر نبات هستند که به طور مصنوعی محصور شده اند. این ماده می تواند جنین های زوماتیک، گروهی از حشرات یا انساج دیگری باشند، که بتوانیم از آن به عنوان دانه برای تکثیر نبات استفاده کنیم. (Bapat et al, 2017:6) دانه های مصنوعی موارد استفاده زیادی دارند. آنها را می توان به راحتی از یک کشور به کشور دیگر بدون هیچ گونه تعهد قرنطینه حمل کرد. از این رو، این دانه ها به طور قطع می توانند روش جدیدی برای افزایش تولید جهانی غذا در سال های آینده باشند. دانه های مصنوعی در ظاهر و اندازه شبیه به دانه های طبیعی هستند، اما با مزایای اضافی طراحی شده اند، تا مواد جنتیکی داخل آنها را حفاظت کرده و شرایط رابرای جوانه زنی و رشد فراهم کنند. یکی از مزایای مهم دیگر تکنالوژی دانه مصنوعی، قابلیت حفظ و تکثیر انواع نباتات نادر یا در خطر انقراض است. بسیاری از نباتات ارزشمند به خاطر از بین رفتن محیط زیست یا بهره برداری بیش از حد با خطر انقراض روبرو هستند.

دانه های مصنوعی با ارائه یک راه حل قابل قبول، به محققین اجازه می دهد، این انواع را در محیط های کنترل شده ذخیره و تکثیر کنند (Yoshida, 1996:11). علاوه بر این، از این طریق می توان نباتات عاری از امراض را تولید کرد. با انتخاب دقیق انساج نباتی سالم برای قرار دادن درون پوشش، دانه های مصنوعی می توانند از انتقال عوامل بیماری یا بیماری هایی که ممکن است در دانه های طبیعی یا روش های سنتی وجود داشته باشد، جلوگیری کنند. فناوری دانه مصنوعی نشان دهنده یک نقطه عطف قابل توجه در زمینه تکثیر نباتات است. با توانایی افزایش بهره گیری، حفظ انواع نادر، تولید نباتات بدون بیماری و کمک به تلاش های بازسازی جنگل، این تکنالوژی در بخش زراعت نیز اهمیت زیادی دارد. با پیشرفت تحقیقات و توسعه این تکنالوژی، دانه های مصنوعی ممکن است به عنوان یک ابزار حیاتی در تامین نیازهای جهانی به غذا و حفظ تنوع بیولوژیکی سیاره ما تبدیل شوند (Piccioni, Standardi, 1995:9).

۱. پروسه تولید

پروسه تولید دانه های مصنوعی شامل چند مرحله است. ابتدا انساج نباتی مورد نظر (مانند برگ، ساقه یا ریشه) را از نبات اصلی جدا نموده، سپس انساج مورد نظر را در محیط کشت مناسب قرار داده تا رشد نمایند. بعد از رشد و تکثیر انساج، آن ها را به داخل یک پوشش محافظت کننده قرار داده می دهند. این دانه ها نه تنها به یک پوشش محافظ، بلکه به مواد غذایی کامل نیز نیاز دارند، که سبب رشد بهتر جنین می گردد.



شکل 1: پروسه تولید دانه مصنوعی (<https://www.learnpick.in>)



شکل 2: کپسول های دانه های مصنوعی (<https://www.sciencephoto.com>)

این پوشش معمولاً حاوی یک ماده جلاتینی است، که شرایط مناسب برای رشد و تکثیر جنین ها را فراهم می سازد.

در تولید دانه های مصنوعی، از مواد کیمیایی مختلفی استفاده می کنند (Asmah et al, 2011:3) برای ساخت پوشش محافظت کننده دانه ها، از مواد جیلی مانند آگار آگار، سودیم الجنت استفاده می شود. همچنین، برای افزایش عمر مفید دانه ها و کنترل رطوبت آن ها، از مواد جاذب رطوبت مانند سیلیکا جیل و گلیسرول استفاده نموده، در برخی موارد، از هورمون های نباتی نیز برای تحریک جوانه زنی و رشد دانه ها استفاده می شود. پس از ایجاد دانه های مصنوعی، جهت جوانه زنی آنها را به محیط کشت خاصی انتقال می دهند. بعد از جوانه زنی، نباتات مصنوعی به زمین های زراعتی منتقل و پس از رشد و تکثیر، محصولات جدید را تولید می کنند. دانه های مصنوعی ممکن است با استفاده از

روش های دیگری مانند روش های تکثیر جنسی یا تکثیر از طریق سلول های بنیادی نیز تولید شوند (Bapat et al, 2017:6). هر یک از این روش ها مزایا و محدودیت های خود را دارند و بسته به نوع نبات و هدف تولید و مورد استفاده قرار می گیرند.

در نهایت، دانه های مصنوعی به شکل مناسب بسته بندی و ذخیره می شوند. این بسته بندی شامل استفاده از جعبه ها و کیسه های مناسب است که دانه ها را در شرایط مناسب حفظ کنند. همچنین، برچسب های مناسبی نیز بر روی بسته بندی قرار داده می شود، تا معلومات مربوط به نوع نبات و شرایط تکثیر آن نشان داده شود (Murashige, 2014:1).

2. فواید دانه های مصنوعی

1. **حفظ تنوع جنتیکی:** با استفاده از تخنیک تولید دانه های مصنوعی، می توان تنوع نباتی را حفظ کرده و تنوع جنتیکی را افزایش داد. این امر بسیار مهم است زیرا تنوع جنتیکی به مقابله با بیماری ها، آفات و تغییرات شرایط زندگی کمک می کند (Datta et al, 1999:5).

2. **افزایش محصولات:** دانه ها معمولاً از نباتات با خصوصیات مطلوب تولید می شوند.

این کار به زارعین کمک می کند، تا محصولاتی با عملکرد بهتر و کمترین ضایعات را بدست آورند. (Singh, 2009:7)

3. **صرفه جویی از مصارف بیشتتر:** تولید دانه های مصنوعی به صورت صنعتی و انبوه صورت گرفته، که در وقت کم به مقدار بیشتر تولید می گردد. علاوه بر آن، دانه های مصنوعی قابلیت حمل و نقل آسان را دارند و از این رو زارعین می توانند به راحتی آنها را به مناطق دیگر منتقل کنند.

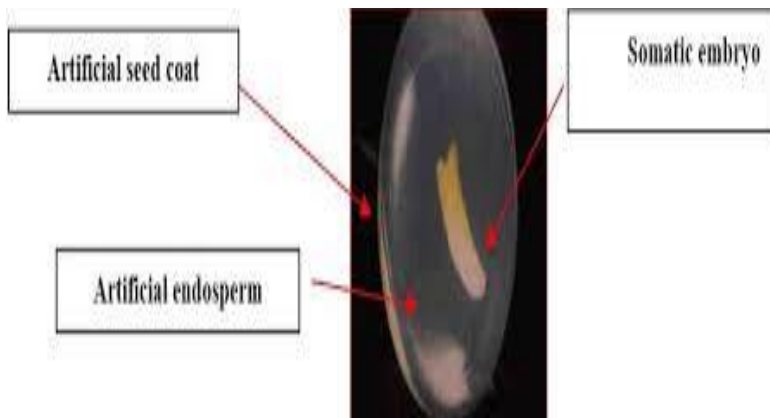
4. **کاهش امراض و آفات:** دانه های مصنوعی معمولاً از نباتات سالم تولید می شوند. این کار به زارعین کمک می کند تا امراض و آفات را در مرحله اول کنترل نموده و از خسارات ناشی از آنها جلوگیری کنند. (Reddy et al, 2012:4)

5. **افزایش مقاومت به شرایط غیر مناسب:** دانه های مصنوعی معمولاً از نباتاتی تولید می شوند که مقاومت به شرایط غیر مناسب مانند خشکی، شوری خاک و سرما دارند.

6. **حفظ محیط زیست:** با تولید دانه های مصنوعی، نیاز به استفاده از کودها و آفت کش ها کاهش می یابد. این کارمنجر به حفظ محیط زیست و کاهش آلودگی می شود (Corrie and Tandon, 2011:8)

7. حمل و نقل دانه های مصنوعی آسان است.

8. این روش برای برخی از انواع نباتات بدون دانه مهم است، به عنوان مثال، انگور که در آن تکثیر موفقیت آمیز از طریق دانه دشوار است (Das et al, 2008:12).



شکل 3: نمونه از دانه مصنوعی (<https://www3.rdi>)

۳. محدودیت ها

با وجود اینکه دانه های مصنوعی فواید زیادی دارند، هنوز هم محدودیت هایی وجود دارد، که می تواند مانع استفاده گسترده از آنها شود، برخی از این محدودیت ها عبارتند از:

1. تخنیک: تولید دانه های مصنوعی به تخنیک و تجهیزات پیشرفته نیاز دارد.
2. عدم تطابق با شرایط محیطی: دانه های مصنوعی ممکن است در شرایط خاص خود عملکرد بهتری داشته، اما در شرایط دیگر ممکن است عملکرد ضعیف تری داشته باشند.
3. کاهش تنوع جنتیکی: در برخی موارد، تولید دانه های مصنوعی ممکن است منجر به کاهش تنوع جنتیکی نباتات شود (Chen et al, 2013:10).

4. قوانین و مقررات: در برخی کشورها، قوانین و مقررات ممکن است استفاده از دانه های مصنوعی را محدود کنند. این کار ممکن مانع استفاده گسترده از دانه های مصنوعی شود.
5. غلظت مواد پوشش دهنده نیز یک عامل محدود کننده برای تولید دانه های مصنوعی است. باید دارای مواد مکمل غذایی برای تسهیل جوانه زنی و رشد باشد.
6. یکی از مشکلات عمده این دانه ها خشک شدن سریع کپسول ها است. برای جلوگیری از خشک شدن باید آنها را در محیط مرطوب نگهداری کنند (Lambardi et al:2).

نتیجه گیری

استفاده از دانه های مصنوعی در تکثیر نباتات دارای فواید زیادی است. با تولید این دانه ها میتوان نباتاتی را که در شرایط طبیعی به سختی تولید می شوند، به آسانی تکثیر کرد.

همچنین، انتقال دانه های مصنوعی به مناطق دوردست نیز آسانتر است و به زارعین و باغبانان امکان می دهد تا انواع جدید را در مناطق جدید تولید کنند. بر علاوه، استفاده از دانه های مصنوعی به حفظ تنوع انواع کمک نموده و از انقراض آنها جلوگیری می کند. دانه های مصنوعی، به دلیل داشتن محیط رشد و مواد غذایی لازم در داخل آنها، می توانند برای مدت طولانی حفظ شوند و به حفظ تنوع زیستی کمک کنند. با توجه به اینکه تکنالوژی تولید دانه های مصنوعی در تکثیر و اصلاح نباتات نقش بسیار مهمی دارد، مطالعه و پژوهش در این زمینه بسیار حائز اهمیت است.

دانه های مصنوعی به دلیل وابستگی به تکنیک پیشرفته، کمبود منابع طبیعی، عدم تطابق با شرایط محیطی، مقاومت علیه دانه های مصنوعی و اختلاف قوانین و مقررات، هنوز هم محدودیت هایی دارند، که می تواند مانع استفاده گسترده از آنها شود. بنابراین، قبل از استفاده از دانه های مصنوعی، باید به دقت به محدودیت ها و مشکلات مرتبط با آنها توجه کرد. هم چنین، نیاز به تحقیقات بیشتر در این زمینه وجود دارد تا مزایا و معایب کامل این تکنالوژی مشخص شود. با این حال، تکنالوژی دانه های مصنوعی به عنوان روش نوین در تکثیر نباتات و حفظ تنوع انواع بسیار مهم است.

References

- [1]. Murashige, T. (1977) Plant Cell and Organ Cultures as Horticultural Practices. Symposium on Tissue Culture for Horticultural Purposes, 78, 17-
- [2]. Lambardi, M., Benelli, C., Ozudogru, E.A. and Ozden-Tokatli, Y. (2006) Synthetic Seed Technology in Ornamental Plants. Floriculture, Ornamental and Plant Biotechnology: Advances and Topical Issues, 2, 347-354.
- [3]. Asmah, H.N., Hasnida, H.N., Zaimah, N.N., Noraliza, A. and Salmi, N.N. (2011) Synthetic Seed Technology for Encapsulation and Regrowth of In Vitro-Derived Acacia Hybrid Shoot and Axillary Buds. African Journal of Biotechnology.
- [4]. Reddy, M.C., Murthy, K.S.R. and Pullaiah, T. (2012) Synthetic Seeds: A Review in Agriculture and Forestry. African Journal of Biotechnology, 11.
- [5]. Datta, K.B., Kanjilal, B. and De Sarker, D. (1999) Artificial Seed Technology: Development of a Protocol in *Geodorum densiflorum* (Lam) Schltr.—An Endangered Orchid. Current Science, 76, 1142-1145.
- [6]. Bapat, V.A., Mhatre, M. and Rao, P.S. (1987) Propagation of *Morusindica* L. (Mulberry) by Encapsulated Shoot Buds. Plant Cell Reports.
- [7]. Singh, F. (1991) Encapsulation of *Spathoglottis plicata* Protocorms. Lindleyana, 6, 61-63.
- [8]. Corrie, S. and Tandon, P. (1993) Propagation of *Cymbidium giganteum* Wall, through high Frequency Conversion of Encapsulated Protocorms under In Vivo and In Vitro Conditions. Indian Journal of Experimental Biology, 31.
- [9]. Piccioni, E. and Standardi, A. (1995) Encapsulation of Micropropagated Buds of Six Woody Species. Plant Cell, Tissue and Organ Culture.

- [10]. Chen, D.F., Chen, X.W. and Li, Z.D. (1996) Germination and Storage Characteristics of Ramie Artificial Seeds Made of Adventitious Buds. *China's Fibre Crops*, 2, 1-5.
- [11]. Yoshida, T. (1996) In Vitro Propagation of Hybrid Rice (*Oryzasativa* L.) "Tissue Cultured" Shoot Primordia. *Japan Agricultural Research Quarterly*,
- [12]. Das, P.K., Sahoo, S. and Bal, S. (2008) Ethnobotanical Studies on Orchids of Niyamgiri Hill Ranges, Orissa, India.

Abstract

Artificial seed production technology is a revolution in plant propagation. Producing artificial seeds has great importance in plant propagation and improvement. This process helps farmers and gardeners easily produce plants with new characteristics. In addition, using artificial seed production, plants that are difficult to produce under natural conditions can be easily propagated. For example, plants that have small seeds or require specific conditions for germination. Another benefit is that they can be easily transferred to remote areas. This means that artificial seeds can be transferred to areas where there are no suitable natural conditions for seed production and reproduced there. This helps farmers and gardeners produce new varieties in new areas and contribute to the biological diversity of the region. This technology helps preserve the diversity of various species and prevents their extinction. Artificial seeds, due to their growth medium and necessary nutrients inside them, can be preserved for a long time. This article examines various methods of producing artificial seeds and their use.

Keywords: Artificial seed; Biological diversity ;New varieties; nutrients extinction; propagation.

بیماری Salmonellosis و مقاومت انتی بیوتیکی Salmonella بدست آمده از منابع مختلف غذایی

پوهنمل حمیدالله علیزاده استاد پوهنچی علوم و ترنری پوهنتون بلخ

چکیده

بیماری های زونوز (بیماری های مشترک بین انسان و حیوان) یکی از مشکلات عمده در کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشور ما افغانستان است، بدلیل این که بیشتر افراد جامعه ما بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم با حیوانات و محصولات حیوانی سر و کار دارند. یکی از بیماری های مهم زونوز سالمونلوز است که از آن بیشتر به عنوان مسمومیت های غذایی یاد می شود. Salmonella از جمله باکتری های گرم منفی، میله ای شکل و غیر هوازی اختیاری است که مربوط فامیل Entrobacteriaceae می باشد. تعداد زیادی اعضای این فامیل بصورت میکرواورگانیزم های طبیعی بدن در روده انسان ها و حیوانات وجود دارد اما حضور تعدادی از Salmonella در بدن انسان ها و حیوانات بیانگر بیماری سالمونلوز است نکته قابل توجه این است که به مرور زمان سروتایپ های بیماریزای این باکتری نسبت به انتی بیوتیک های رایج مقاوم می شوند که این امر تداوی بیماری سالمونلوز را با مشکل مواجه ساخته است. مطالعه به روش کیفی با هدف مشخص ساختن توان مقاومت انتی بیوتیکی سالمونلا جدا شده از منابع مختلف غذایی بود که در نتیجه معلوم شد که مقاومت این باکتری در مقابل انتی بیوتیک ها مروج روز نسبتا بالا بوده و تداوی افراد آلوده به سالمونلا را در آینده ها با مشکل جدی روبرو خواهد کرد.

کلمات کلیدی: بیماری، Salmonellosis، Salmonella، مقاومت انتی بیوتیکی، منابع

غذایی

هدف

بیماری سالمونلوز یکی از بیماری های زونوز است که در این مطالعه انواع Salmonella بیماری زا بخصوص مشترک بین انسان ها و حیوانات بررسی می شود. بحث مقاومت انتی بیوتیکی که یک معضل جهانی در برابر تداوی بیماری های عفونی است و در مطالعه

حاضر مقاومت آنتی‌بیوتیکی و جن‌های مقاوم به آنتی‌بیوتیک در *Salmonella* مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

Salmonella از جمله بکتری‌های دا خل روده‌ای (*Enterobacteriaceae*) بوده که سروتایپ‌های (*serotype*) متعدد آن شناسایی شده است. تعدادی از سروتایپ‌های این گروه از بکتریا، عامل بیماری انسان‌ها و حیوانات محسوب می‌شوند (تاج بخش، ۱۳۹۵، صص ۷۳۸-۷۴۰). بیماری‌های را که *Salmonella* در حیوانات بوجود می‌آوردن زیاد است و انواع مختلف را آلوده می‌سازد ولی در انسان بیشتر مسمومیت‌های غذایی را بوجود می‌آوردن که از اهمیت بالا برخوردار است (راد، ۱۳۹۳، صص ۷۶-۸۲).

جنس *Salmonella* دارای دو نوع بنام‌های *Salmonella bongory* و *Salmonella enterica* می‌باشد. *Salmonella bongory* دارای ۲۱ سروتایپ است که در حیوانات خون گرم ثابت نشده ولی *Salmonella enterica* در اکثر حیوانات و انسان ایجاد بیماری مینمایند. *Salmonella enterica* به شش تحت نوع (*Subspecies*) تقسیم می‌شود که تحت نوع *enterica*، *salamae*، *arizonae*، *diarizonae*، *houtenae* و *indica* را شامل می‌باشد (کوئین و همکاران، ۲۰۱۱، صص ۴۲۵-۴۲۷).

مقاومت آنتی‌بیوتیکی یکی از مشکلات عمده در عصر تداوی بیماری‌های عفونی است که این معضل روز به روز به افزایش است و مقاومت دارویی در باکتری‌ها بدو شکل طبیعی و اکتسابی صورت می‌گیرد. در مقاومت طبیعی بکتریا بصورت ذاتی و طبیعی در مقابل بعضی از داروها مقاوم است و این یک مشخصه از نوع بکتریا می‌باشد بطور مثال بکتریا *Brucilla* در مقابل *Penicillin* مقاومت می‌کند، بکتریای *Proteus* و *Pseudomonas aeruginosa* در مقابل *Tetracycline* و غیره. اما در مقاومت اکتسابی بکتریا اول نسبت به یک آنتی‌بیوتیک حساس می‌باشد اما بعداً مقاوم می‌شود که این مقاومت در اثر عوامل مختلف بوجود می‌آید. از جمله مقاومت در اثر جهش (*Mutation*) است، وقتی که *Mutation* کروموزومی رخ می‌دهد و بکتریا جهش یافته (*Mutated*) در اثر دست دادن نفوذپذیری غشا و جایگاه پذیرش آنتی‌بیوتیک‌ها، مقاوم می‌شوند و دیگر از اثر انتقالات جن که توسط پلاسمیدها (*Plasmid*) صورت می‌گیرد بکتریا مقاوم می‌شوند. انتقال ژن از باکتریای مقاوم به باکتریای حساس ممکن به

روش transformation، تبادلۀ مواد جنتیکی توسط خار جنسی و transduction باشد و دایره برخی از پلاسمیدها خیلی وسیع است. از نظر انتقال جن پلاسمید را به دو دسته پلاسمیدهای الحاق پذیر (Conjugative plasmids) و غیر الحاق پذیر (Non conjugative plasmid) تقسیم بندی می‌کنند. پلاسمیدهای الحاق پذیر بصورت خود بخود منتقل می‌شوند و منطقه‌ای برای جفت‌گیری دارند و تولید خار جنسی از همانجا می‌باشد. پلاسمیدی که تعیین‌کننده مقاومت دارویی و انتقال ناشی از جفت‌گیری را دارند عوامل R نامیده می‌شوند. در حالیکه پلاسمیدهای غیر الحاق پذیر نسبت به الحاق‌پذیر کوچکتر اند و کمتر از دو جن مقاوم به انتی‌بیوتیک را دارند، خود بخود منتقل نمی‌شوند بلکه توسط پلاسمیدهای الحاق‌پذیر انتقال می‌یابند مثلاً در بکتری *Neisseria gonorrhoeae* این نوع پلاسمیدها وجود دارد. نکته مهم اینکه بسیاری از جن‌های مقاومت دارویی در ترانسپوزن‌ها (Transposons) قرار دارند که این‌ها قادر اند خود را از یک Genome خارج کنند و به Genome دیگر جابجا شوند به این ترتیب جن‌های مقاومت را از پلاسمید به پلاسمید، از پلاسمید به کروموزوم و از پلاسمید به بکتری فاژ جابجا می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۹۵، صص ۷۳۸-۷۴۰). نظر به اهمیت موضوع مطالعه حاضر با هدف بررسی سالمونلاهای بیماری‌زا و مشخص ساختن توان مقاومت انتی‌بیوتیکی سالمونلا جدا شده از منابع مختلف غذایی صورت گرفت.

اهمیت تحقیق

منابع غذایی مختلف از جمله گوشت گاو و مرغ و همینطور تخم مرغ از منابع مهم پروتئینی است که روزانه از این منابع به پیمانۀ بسیار زیاد استفاده می‌شود و آلودگی آن‌ها به *Salmonella* باعث مسمومیت‌های غذایی و سایر بیماری‌ها می‌شود (راد، ۱۳۹۳، صص ۸۲-۷۶). و این مطالعه کمک خواهد کرد تا با دانستن آلودگی مواد غذایی منابع آلوده شونده را بهتر بشناسیم. بعد از اینکه میزان حضور *Salmonella* در منابع غذایی معلوم شد مسئولین صحت عامه و مردم آگاهی بیشتر پیدا نموده و راه‌های جلوگیری از آلودگی را به پیش خواهند گرفت. *Salmonella* بر علاوه که حیوانات را مریض می‌سازد از محصولات حیوانی به انسان نیز قابل انتقال است که مشکلات عمده صحتی را بخصوص در اطفال، افراد مسن و افرادی با ضعف سیستم‌معاظیتی ایجاد می‌کند (کوئین، ۲۰۱۱، صص ۴۲۵-۴۲۷). بناءً دانستن میزبان‌های حیوانی این باکتری‌ها بخصوص حیوانات فارم و پرندۀ گان مهم است. تاثیر استفاده از انتی‌بیوتیک‌ها بر باکتری‌های مشخص کمک می‌کند تا انتی‌بیوتیک مناسب را برای تداوی بیماری *Salmonellosis* انتخاب کنیم با این کار

بر علاوه تداوی موثر، از به وجود آمدن سروتاپ‌های مقاوم به انتی‌بیوتیک جلوگیری به عمل می‌آید (Yang et al., 2020).

بیماری‌های ناشی از *Salmonella*

Salmonella از جمله باکتری‌های بیماری‌زای عمده (Major pathogen) است که از بین شش Subspecies آن که در فوق ذکر شد مهم‌ترین آن‌ها برای انسان و حیوان Subspecies یا تحت نوع enterica می‌باشد به اساس طبقه بندی کافمن-وایت بیشتر از ۲۵۰۰ سروتاپ (Serotype) در این Subspecies شناسای شده است (تاج بخش، ۱۳۹۵، صص ۷۳۸-۷۴۰). سالمونلوز (Salmonellosis) از آن جمله بیماری‌های زونوز است که در انسان‌ها عفونت‌های مثل Typhoid fever، Enteritis، و Septicemia را بوجود آورده و انسان اکثراً از طریق مواد خوراکی آلوده، دچار این نوع مسمومیت‌ها می‌شوند. در حیوانات سالمونلوز (Salmonellosis) اکثراً با یک التهاب روده (Enteritis) شروع می‌شود و بعد از ورود باکتری در خون، Septicemia، Meningitis، Arthritis، Pneumonia، و Abortion یا تعدادی از این‌ها بوجود می‌آید. بصورت کل سالمونلوز در حیوانات به سه شکل (Septicemia، Enteritis، و Abortion) رخ می‌دهد که Septicemia و سقط جنین را تحت عنوان عفونت‌های خارج روده ای می‌نامند (حسینی طباطبایی و فیروزی، ۱۳۹۳، صص ۲۳۲-۲۶۱).

بر اساس ایجاد بیماری و میزبان *Salmonella* را به سه گروه تقسیم می‌کنند اول - آن‌های که وابسته به یک میزبان است و در سایر موجودات بیمار ایجاد نمی‌تواند

میزبانانند
Salmonella Typhi که باعث محرقه انسان می‌شود ولی در سایر موجودات زنده
 حضور ندارد.

دوم - آن‌هایی که یک میزبان اصلی دارد ولی در سایر موجودات هم ایجاد بیماری
 می‌نمایند
Salmonella Dublin که میزبان اصلی آن گاو است و برای سایر حیوانات نیز عفونی
 است.

سوم - آن‌های که کدام میزبان مشخص ندارد و تقریباً در تمام حیوانات ایجاد بیماری
 می‌کنند مثل *Salmonella Typhimurium* که برای اکثر حیوانات به شمول انسان
 بی‌مباری‌هاست
 (Markey et al., 2013, pp 260-265).

No	Salmonella serotype	Host	Disease
۱	S. Typhi	Humans	Typhoid fever
۲	S. Paratyphi A	Humans	Paratyphoid fever
۳	S. Enteritidis, S. Typhimurium	Humans	Food poisoning
۴	S. Dublin	Cattle	enteritis, septicaemia, meningitis, abortion, osteomyelitis, joint ill, terminal dry gangrene in calves
۵	S. Typhimurium, S. Bovismorbificans	Cattle	Enteritis or septicaemia
۶	S. Abortusovis S. Montevideo S. Dublin	Sheep	Abortion and diarrhoea in ewes
7	S. Typhimurium and others	Sheep	Enteritis or septicaemia
8	S. Abortusequi	Horses	Abortion in mares.
9	S. Typhimurium and others	Horses	Enteritis or septicaemia, especially in foals and stressed adults
10	S. Pullorum	Poultry and other birds	Pullorum disease (bacillary white diarrhoea) in chicks.
11	S. Gallinarum	Poultry and other birds	Fowl typhoid in all ages, mainly adults. Egg transmitted
	S. Enteritidis,	Poultry and other birds	Inapparent infections, enteritis and septicaemia.

جدول (۱) سرو تایپ های مهم Salmonella بیماریزا در انسان ها و حیوانات.

(Markey et al., 2013, pp 260-265)

نتیجه و مناقشه

با در نظر داشت این که *Salmonella* یک باکتری مسموم کننده برای انسان است و مشکلات هضمی شدید را برای انسان ایجاد می کند دارای اهمیت زیاد است بناء از این مطالعه نتیجه می گیریم که *Salmonella* بر علاوه مشکلات صحت عامه مشکلاتی را در تولید و نگهداری حیوانات بوجود آورده و خسارات هنگفتی را برای انسان وارد می سازد.

مقاومت انتی بیوتیکی پدیده ای خطرناک در مقابل تداوی امراض است بخاطریکه باکتریهای مقاوم قابلیت انتقال جن های مقاوم را به سایر باکتریها دارند. از مطالعه فوق به این نتیجه میرسیم که منابع غذایی بخصوص گوشت حیوانات و تخم مرغ شدیداً در معرض آلودگی به *Salmonella* قرار داشته و از طرف دیگر استفاده بی رویه انتی بیوتیک ها برای تداوی حیوانات زمینه ساز مقاومت این باکتریها شده است. نظر به اهمیت موضوع مطالعات زیادی درین زمینه صورت گرفته که به بعضی از آنها اشاره می شود.

در یک تحقیق در کشور چین که ۶۶۴ نمونه گوشت پرندگان (به ترتیب از گوشت مرغ، مرغابی و کبوتر ۵۱۸، ۱۱۸ و ۲۸ نمونه بودند) جمع آوری شده بود از ۲۴۹ (۳۷/۵٪) نمونه *Salmonella* جدا گردید که ۱۹۰ (۳۶/۷٪) نمونه گوشت مرغ، ۴۸ (۴۰/۷٪) نمونه گوشت مرغابی و ۱۱ (۳۹/۲٪) نمونه گوشت کبوتر بودند از مجموع *Salmonella* جدا شده ۳۵ Serovars شناسایی شدند که ۳۲/۷٪ آن *Salmonella enterica serovar Enteritidis*، ۱۴/۲٪ آن *Salmonella enterica serovar Indiana*، ۱۱/۹٪ آن *Salmonella enterica serovar Typhimurium* و باقی سایر سروتایپها بودند و مقاومت انتی بیوتیکی آنها در مقابل Nalidixic acid (۷۲/۳٪)، Ampicillin (۵۵/۳٪) و Streptomycin (۴۸/۷٪) بود و همینطور ۵ (۱/۶٪) نمونه در مقابل ۲۲ انتی بیوتیک و ۱۹۱ (۶۰/۱٪) از نمونه ها در مقابل سه کلاس از انتی بیوتیکها مقاوم بودند (Yang et al., 2020).

تحقیقی که در سال ۱۳۸۸ در شهر ارومیه ایران بالای زرده تخم مرغ صورت گرفته در حدود ۶٪ آلودگی به *Salmonella* را نشان می دهد (امانی زر و همکاران، ۱۳۸۸). در تحقیقی دیگری که در سال ۱۳۹۲ در شهرستان تالش ایران، بالای پوست و محتوای داخل تخم مرغ صورت گرفت میزان آلودگی به *Salmonella* در محتویات داخل تخم مرغ صفر ولی در پوست تخم مرغ های صنعتی ۱۹٪ و تخم مرغ های محلی ۴٪ بوده است (مظفری و همکاران، ۱۳۹۲).

در تحقیقی که در شهر قم ایران در سال ۱۳۹۴ صورت گرفته است، آلودگی محتوای داخل تخم مرغ به *Salmonella* را ۱٪ و پوست تخم مرغ را ۵٪ نشان می‌دهد (پیرحاجاتی مهاباتی، ۱۳۹۴). اعتمادی‌فر مطالعاتی که در شهر خرم‌آباد بالای تخم مرغ‌های صنعتی و محلی انجام داده است، آلوده گی تخم مرغ‌های صنعتی به *Salmonella* را صفر و از تخم مرغ‌های محلی را ۱،۱٪ نشان داد. (اعتمادی‌فر، ۱۳۹۷).

نقی زاده و مرادلی در سال ۱۳۹۴ از کشتارگاه‌ها و مراکز توزیع گوشت سرخ ۲۳۰ نمونه را جمع‌آوری کرده و نمونه‌های مذکور را از لحاظ آلودگی به *Salmonella* و مقاومت انتی‌بیوتیکی آن‌ها مورد بررسی قرار دادند که از جمع آن ۶۰ نمونه مثبت بوده و همه آن‌ها مربوط گروه D سروتایپ Enteritidis شناسایی شدند. بیشترین میزان مقاومت به انتی‌بیوتیک Amoxicillin و کمترین میزان مقاومت به Gentamicin نشان می‌داد. از این مجموعه ۷ نمونه جدا شده (۴۶،۶٪) واجد ژن tetA و یک نمونه جدا شده واجد ژن tetB بودند (نقی زاده و مرادلی، ۱۳۹۶).

در تحقیقی که در سال ۲۰۱۹ در آفریقای جنوبی صورت گرفت از ۲۰ نمونه *Salmonella enteric* جدا شده از گوشت که بر اساس تست انتی بیوگرام به روش Disk diffusion مقاومت چند گانه نشان داده بودند در روش مالیکولی (PCR) جن‌های مقاوم در مقابل Aminoglycosides هر کدام aadA (۸۹٪) -aacC2 (۱۰۰٪)، aphA1 (۳۸٪)، aphA2 (۰٪) و strA (۷٪) و در مقابل β -lactams هر کدام ampC (۱۰۰٪)، blaTEM (۳۳٪)، blaZ (۱۷٪) و blaOXA (۱۰٪) و در مقابل Tetracyclines هر کدام tetA (۵۷٪)، tetB (۳۰٪)، tetC (۱۱٪)، tetD (۷۳٪)، tetK (۲۰٪) و tetM (۴۳٪) و بالاخره در مقابل Sulfonamides هر کدام sulI (۸۲٪) و sulIII (۷٪) حضور داشتند (Jaja et al., 2019). در یک تحقیق که از ۲۰۳ نمونه مواد فضله حیوانات علف خوار در ایران جمع‌آوری شده بود ۹/۷٪ حیوانات مذکور از لحاظ آلودگی به *Salmonella* مثبت بودند و ۸ نوع مختلفی از *Salmonella* بدست آمد که همه آن‌ها ژن invA را داشتند و از ۱۰ انتی‌بیوتیک که تست شد در مقابل Amoxicillin ۱۰۰٪، Tetracycline ۸۰٪، Neomycin ۶۰٪، Lincospectin ۵۰٪ و Anroflexacin ۴۰٪ مقاومت نشان دادند (Koochaczadeh et al., 2015).

نتیجه گیری

بیماری سالمونلوز خسارات اقتصادی و مشکلات عمده صحتی را بوجود آورده و درصد آلودگی و مقاومت انتی‌بیوتیکی باکتریای عامل نسبتاً بالا می‌باشد که مقاوم به دارو در این

باکتریها اکتسابی بوده و جن‌های مقاومت نقش مهمی در افزایش روز افزون مقاومت آن‌ها دارد.

پیشنهادهات

- ✓ یکی از عامل مسمومیت غذایی *Salmonella* است که ضرورت است به مردم آگاهی دهی صورت گیرد تا مردم عام از آلوده شدن به این باکتری آگاهی داشته باشند.
- ✓ کارکنان بخش صحت حیوانی و همچنان داکتران انسانی توجه خیلی زیاد در قسمت تداوی حیوانات و انسان‌ها داشته باشند تا از انتی‌بیوتیک‌های زیاد در تداوی استفاده نمایند و قبل از تداوی تست‌های انتی‌بیوگرام از حیوانات و انسان‌ها گرفته شود تا انتی‌بیوتیک مناسب تجویز گردد.
- ✓ زمینه تحقیق برای شناسایی این باکتری در کشور مساعد شود تا سطح آلودگی بیماری برای کارکنان صحتی و مردم پائین بیاید.

منابع

۱. اعتمادی فر، لیدا، دولت، آذر، محزونیه، محمدرضا و شمس، نعمت، (۱۳۹۷)، بررسی شیوع و مقایسه سروتیپ‌های *Salmonella* در نمونه تخم مرغ‌های طیور بومی و صنعتی شهرستان خرم‌آباد با استفاده از کشت و PCR، مجله میکروب‌شناسی ایران، شماره ۲.
۲. پیرحاجاتی مهاباتی، طیبی، مریم، یعقوبی، سمانه، بختیاری زاده، فاطمه، سادات موسوی، نجمه، (۱۳۹۴)، بررسی مقاومت انتی‌بیوتیکی باکتری‌های جدا شده از محتویات و پوست تخم مرغ‌های صنعتی در شهر قم، مجله علوم پزشکی قم، دوره ۹، شماره ۱۱.
۳. تاج‌بخش، حسن، (۱۳۹۵)، باکتری‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. حسنی طباطبایی، عبدالمحمد و فیروزی، رویا (۱۳۹۳)، بیماری‌های باکتریایی دام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. راد، محمدعلی (۱۳۹۳)، بیماری‌های مشترک انسان و دام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. کوئین و همکاران (۲۰۱۱). میکروب‌شناسی دامپزشکی و بیماری‌های میکروبی، ترجمه: زهرایی صالحی، تقی و شایق، جلال (۱۳۸۷)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. مظفری، نورامیر. رحمانی، زینب و عیسی زاده، خسرو، (۱۳۹۲)، بررسی میزان آلودگی گوشت قرمز، گوشت مرغ و تخم مرغ های صنعتی و محلی به گونه های *Salmonella* در شهرستان تالش و ارزیابی الگوی مقاومت انتی بیوتیکی در آنها، مجله علوم پزشکی قم دوره هفتم، شماره پنجم.
۸. نقی زاده، سمیه و مرادلی، غلامعلی (۱۳۹۶)، تعیین الگوی مقاومت انتی بیوتیکی سویه های *Salmonella Enteritidis* جدا شده از منابع غذایی و شناسایی ژن های مقاومت به تتراسایکلین (tetA/B/C)، مجله میکروب شناسی پزشکی ایران.
۹. Jaja, I. F., Bhembe, N. L., Green, E., Oguttu, J., & Muchenje, V. (2019). Molecular characterisation of antibiotic-resistant *Salmonella enterica* isolates recovered from meat in South Africa. *Acta tropica*, 190, 129-136.
۱۰. Koochakzadeh, A., Zahraei Saleh, T., Nayeri Fasaei, B., Askari Badouei, M., & Markey, BK. Cullinane, A. Leonard, FC. Maguire, D. Archambault, M (2013), *Clinical Veterinary Microbiology* second edition, Publishers MOSBY
۱۲. Yang, X., Huang, J., Zhang, Y., Liu, S., Chen, L., Xiao, C.,... & Wu, Q. (2020). Prevalence, abundance, serovars and antimicrobial resistance of *Salmonella* isolated from retail raw poultry meat in China. *Science of The Total Environment*, 713, 136385.

Abstract

Zoonotic disease is one of the major problems in developing countries, especially Afghanistan, because most of the people in our society work directly or indirectly with animals and animal products. Salmonellosis is one of the most important zoonotic diseases, which is often referred to as food poisoning. Salmonella is one of the Gram-negative, rod-shaped and facultative anaerobic bacteria that belongs to the Entrobacteriaceae family. There are many members of this family as natural body flora in the intestines of humans and animals, but the presence of a number of Salmonella in the body of humans and animals indicates salmonellosis. The important thing is that over time, the pathogenic serotypes of these bacteria become resistant to common antibiotics, which has made the treatment of salmonellosis difficult. Antibiotic resistance of bacteria is natural and acquired, which in current conditions is the most resistance of the acquired type, and Salmonella has the most resistance of this type.

Key words: Disease, Salmonellosis .Salmonella, Antibiotic-resistance, Food source

مشاوره جنتیک قبل از ازدواج : Genetic Consultation before marriage

پوهنمل محمد شعیب شریعتی

چکیده

در هر هشت دقیقه یک نوزاد معلول به دنیا می آید. تولد یک نوزاد معلول در خانواده ها هزینه های گزافی را بر خانواده و جامعه تحمیل می کند و آرامش و سلامت خانواده ها را به خطر می اندازد، با توجه به اینکه همیشه پیشگیری مقدم بر درمان است و هزینه کمتری نیز دارد، انجام مشاوره جنتیک قبل از ازدواج اقدامی مؤثر برای ارتقای سطح سلامت و تحکیم بنیان خانواده است. بیماریهای جنتیکی در کشور ها و مناطق مختلف تنوع گسترده ای داشته و در کشور ما نیز به علت تعدد ازدواج های فامیلی و قومی از شیوع بالایی برخوردار است. بیماریهای جنتیکی یا ارثی جزوی بیماری خاصی محسوب می شوند که می تواند کل خانواده را سالیان سال درگیر کند. بیشتر بیماری های جنتیکی غیر قابل درمان هستند و یا درمان آن بسیار پرهزینه است و با درد سختی بسیاری همراه است. بعضی از این بیماری ها باعث مرگ زود رس نیز می شود که همین مسأله می تواند بر روح و روان خانواده تأثیر منفی داشته باشد. در حدود نیمی از معلولیت های مختلف مانند: نابینایی، ناشنوایی، عقب ماندگی ذهنی، سقط پیایی جنین، قد کوتاهی، تاخیر در رشد، بد شکلی ها و نقایص مادرزادی، مرگ نوزاد، فلج نوزاد، سرطان های ارثی بعلت اختلالات جنتیکی است. در واقع هدف از تحقیق حاضر ارائه اطلاعات مفید و علمی در مورد ازدواج های فامیلی و بروز بیماری های جنتیکی و حمایت از خانواده های در معرض خطر داشتن فرزندان با اختلالات جنتیکی با خانواده هایی که هم اکنون دارای فرزندان مبتلا به نقایص مادر زادی یا اختلالات جنتیکی می باشد است.

واژه های کلیدی: مشاوره جنتیک، ازدواج فامیلی، اختلالات جنتیکی، معلولیت ها، نقایص مادر زادی، زوجین.

۱- مقدمه

قرآن کریم می فرماید: از نشانه های قدرت و رحمت خدا این است که همسران شما را از جنس شما آفرید تا در کنار آن ها احساس آرامش کنید و میان شما محبت و رحمت قرار داد. به تحقیق در این نکته نشانه هایی است برای آن ها که می اندیشند. خانواده واحد

تشکیل دهنده جامعه اسلامی است و ازدواج زیربنای این واحد است. ازدواج نوعی قرارداد و تعهد است به گونه ای که فرد در زندگی فردی دیگر شریک می شود و به طور متقابل دیگری را شریک زندگی خود می سازد تا نسل بشر امتداد داشته باشد اما! ازدواج فامیلی یا همخونی *Consanguineous marriage* در کشور ما رایج می باشد و آمارهای متفاوتی در مطالعات مختلف در این خصوص ارائه شده است. جلوگیری از تولد نوزادان معلول همواره از اهداف دانشمندان بوده است. احتمال تولد فرزندان معلول و به خصوص بیماری های ارثی مغلوب، در ازدواج های فامیلی بیشتر از بیگانه است. با توجه به شیوع بالای ازدواج فامیلی در کشور ما، مطالعه حاضر با هدف بررسی مشاوره جنتیک قبل از ازدواج انجام شده است. مشاوره جنتیک عبارت از ارائه اطلاعات و حمایت از خانواده های در معرض خطر داشتن فرزند با اختلالات جنتیکی یا خانواده هایی که هم اکنون دارای اعضای مبتلا به نقایص مادرزادی یا اختلالات جنتیکی می باشند، است. با توجه به اینکه مشاوره جنتیک قبل از ازدواج نقش بسزایی در پیشگیری از بروز ناهنجاری های جنتیکی یا ارثی دارد و از آنجا که هر یک از ناهنجاری های مادرزادی فشار زیادی از نظر اقتصادی، اجتماعی، روانی، عاطفی بر خانواده ها و در نتیجه بر جامعه وارد می کند، لذا لازم است برنامه ریزی دقیقی برای بالا بردن سطح آگاهی عمومی در باره موارد لزوم مشاوره جنتیک قبل از ازدواج انجام پذیرد. هدف از انجام این کار، ارائه اطلاعات علمی جهت بلند بردن سطح آگاهی جوانان در مورد بیماری های ارثی ناشی از ازدواج های خویشاوندی و حمایت از جوانان و خانواده های در معرض خطر داشتن فرزند با اختلالات جنتیکی یا خانواده هایی که هم اکنون دارای فرزندان مبتلا به بیماری های جنتیکی می باشند است تا بدینوسیله از شیوع بیماری های ارثی و انواع معلولیت ها پیشگیری کرد.

. بسیاری از ناهنجاری های جنتیکی قابل پیش بینی بوده و با در نظر گرفتن قوانین وراثت و انجام آزمایش های مختلف قبل از ازدواج می توان از تولد تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان مبتلا به این بیماری ها جلوگیری کرد.

خطر تولد نوزادی با این بیماری ها در هر حاملگی وجود دارد که این خطر در ازدواج فامیلی به دلیل تشابه ژنی زیاد و چند برابر می شود. تحقیقات و آزمایشات مختلف علمی نشان داده اند که عامل هم خونی احتمال انتقال ژن های مشابه از دو والد خویشاوند به فرزندان شان که در ازدواج های خویشاوندی، معمول است، در ایجاد ناهنجاری های مختلف جنتیکی، دخیل می باشد. ناهنجاری های مادرزادی علت مهم مرگ و میر، موارد بستری، مشکلات خانوادگی و معلولیت ها در جامعه می باشد. مشاوره جنتیک شاخه ای از جنتیک طبی است که به افراد مبتلا یا خانواده های در معرض خطر کمک میکند تا ماهیت اختلالات جنتیکی و نحوه وراثت آنها را بهتر بشناسند و گزینه های مرتبط یا

پیشگیری و تشخیص و درمان بیماری‌های جنتیکی را بهتر درک کرده و نهایتاً بهترین تصمیم را برای ازدواج اتخاذ کنند. بنا بر این از اصلی‌ترین اهداف مشاوره جنتیک، مشخص کردن خطر وقوع یا تکرار یک بیماری ارثی است. تمام افرادی که در مواردی همچون ازدواج فامیلی، حاملگی در سن 35 سال یا بالاتر، نازایی یا سقط‌های مکرر یا عقیمی، وجود نقایص مادرزادی، عقب ماندگی ذهنی، اختلال رشد، وجود بیماری‌های جنتیکی در فامیل، باید قبل از تصمیم به ازدواج یا قبل از بچه دار شدن یا در حین حاملگی و یا بعد از زایمان تحت مشاوره جنتیک قرار گیرند.

2- شناخت مشاوره جنتیک:

مشاوره جنتیک در واقع شاخه‌ای از جنتیک طبی است که به بررسی احتمال بروز بیماری‌های جنتیکی و ارائه راهکارهای مناسب جهت جلوگیری از تکرار بیماری‌های ارثی با هدف آینده و نسلی سالم می‌پردازد. مشاوره جنتیک برقراری ارتباط بین متخصص جنتیک (فرد مشاور) و والدین یا یکی از اعضای فامیل در مورد یک بیماری جنتیکی می‌باشد. این مشاوره منجر به رهنمایی اعضای خانواده نسبت به بیماری، شناخت درمان‌های موجود و آشنایی با نتیجه بیماری از بعد جنتیکی، احتمال بروز مجدد آن در خانواده و دانستن راه‌های پیشگیری و روش‌های آزمایشگاهی تشخیص بیماری خواهد شد. با مشاوره جنتیک، می‌توان بهترین انتخاب را در خصوص اقدامات پیش‌رو بر اساس وضعیت بیماری، وضعیت اجتماعی، یا اقتصادی و شرایط روحی و روانی خانواده و فامیل برگزید. خدمات مشاوره جنتیک نقش مهمی را در کاهش این بیماری‌ها ایفا می‌کند.

در مشاوره جنتیک تشخیص بیماری از اهمیت زیادی برخوردار است. تشخیص با گرفتن تاریخچه بیماری در خانواده، معاینه و در صورت لزوم انجام تست‌های آزمایشگاهی، بیوشیمیایی و سایتوجنتیک داده می‌شود. رسم شجره نامه (Pedigree) به تشخیص بیماری کمک می‌کند. شجره نامه خلاصه‌ای از مجموعه خصایص ارثی اعضای یک خانواده است که روی کاغذ ثبت می‌شود. در افراد خویشاوند بدلیل تشابه ژنی، امکان بروز بیماری‌های ارثی افزایش می‌یابد.

این امر در خویشاوندان نزدیک بیشتر دیده می‌شود. میزان ژن‌های مشترک به درجه خویشاوندی بستگی دارد. احتمال تشابه ژنی در خواهران و برادران %۵۰، بین هر فرد با اقوام درجه ۲ یعنی کاکا، خاله، ماما، عمه خود %۲۵ و بین فرد با فرزندان اقوام درجه ۲ خود، برابر ۵/۱۲ درصد می‌باشد.

پس از تشخیص، میزان خطر بروز بیماری در فرزندان زوجینی که ناقل بیماری تشخیص داده شده‌اند محاسبه می‌شود و در مورد طبیعت بیماری، روش‌های درمانی، حمایت‌های اجتماعی موجود و روش‌های پیشگیری از بروز بیماری با زوجین صحبت می‌شود. در

مشاوره جنتیک، اطلاعات لازم به زوجین داده می شود و به آنها کمک می شود تا خودشان آگاهانه و مسئولانه تصمیم گیری نمایند. چون آنها باید تصمیماتی را اتخاذ کنند که مجبور هستند با پیامدهای آن در بقیه دوران عمرشان زندگی کنند.

در این امر کارکنان بهداشتی نقش شناسایی، ارجاع، آموزش و حمایت را بعهده دارند و کلیه افرادی که نیاز به مشاوره تخصصی دارند باید به متخصص جنتیک ارجاع داده شوند. بهترین زمان انجام مشاوره با متخصص جنتیک قبل از ازدواج است. در مشاوره جنتیک بیماران و خانواده هایی که در معرض یک اختلال ارثی قرار دارند، نسبت به نتایج آن بیماری، احتمال بوجود آمدن یا انتقال بیماری به فرزندان و راه های پیشگیری از آن آگاهی پیدا می کنند.

مشاوره جنتیک از چند بخش مهم تشکیل می شود. تشخیص بیماری مهمترین بخش محسوب می شود که به کمک شرح حال خانواده و رسم شجره نامه Pedigree و انجام انواع ازمون های خاص نظیر بیوشیمی، هورمونی، مالیکولی، و سائیتوجنتیک امکان پذیر می گردد. محاسبه میزان خطر Recurrence risk ایجاد بیماری در سایر افراد خانواده و مطلع کردن بیمار و اطرافیان و توضیح روش های پیش رو نظیر درمان، پیشگیری، تشخیص قبل از تولد و اقدامات حمایتی سایر مراحل این فرایند را تشکیل می دهند.



تصویر شماره ۱: یک متخصص و مشاوره جنتیک با گرفتن شرح حال و اطلاعات لازم و رسم دقیق شجرنامه زوج میتواند تشخیص دهد که آیا لازم است آزمایش جنتیک انجام شود یا خیر.

امروزه در حوزه صحت و سلامت عبارت مشاوره جنتیک بسیار مطرح می باشد. و یا اگر بعباره دیگر عنوان کنیم مشاوره جنتیک از جمله خدمات صحتی و بهداشتی است که جهت

حمایت و اطلاع دهی به افرادی که مبتلاء شده و یا درچانس ابتلاء به اختلال یا بیماری جنتیکی قرار دارند، ارائه می‌شود. پیشرفت امکانات بهداشتی، تغذیه ای و درمانی، بیماریها و مرگ ناشی از عوامل محیطی، از قبیل عفونت‌ها، کمبودهای غذایی، عوامل فیزیکی مثل گرما و سرما را به حد اقل رسانده است. لیکن به دلیل نبودن امکان درمان در اکثر بیماری‌های وراثتی، رنجوری و مرگ و میر ناشی از عوامل ارثی جای وسیعی را به خصوص در بیماری‌های کودکان اشغال کرده است. به نحوی که ۳۰٪ کودکان بستری در شفاخانه‌ها و ۵۰٪-۴۰٪ مرگ و میر، ناشی از عوامل ارثی و بیماری‌های جنتیکی است.

امروزه بهترین راه برای کاستن این نوع بیماری‌ها، آگاهی دادن به والدین و جلوگیری از تولد فرزندان معیوب می‌باشد که از طریق Genetic Consultation بخصوص قبل از ازدواج و بررسی جنتیکی قبل از تولد جنین، امکان پذیر می‌باشد. متخصصان جنتیک مالیکولی، کلینیکی و مشاوران جنتیک (کسانی که در زمینه جنتیک طبی و مشاوره با تجربه‌اند و مجوز رسمی برای اینکار از وزارت صحت عامه دارند) و سایر متخصصان کلینیکی نظیر پرستاران، روانشناسان و مددکاران اجتماعی که در زمینه جنتیک آموزش دیده‌اند، شرایط لازم برای مشاوره دادن را دارند. عموماً مجوز مشاوران برای کار در مطب دکتوران، شفاخانه‌ها، مراکز تشخیص جنتیک و مراکز درمانی، است. مشاوره گرفتن غالباً به صورت ملاقات‌های فردی و یا با افراد خانواده صورت می‌گیرد اما به صورت گروهی یا از طریق تلیفون نیز صورت می‌گیرد.

این راهکار به بررسی احتمال بروز بیماری‌های جنتیکی جهت جلوگیری از تکرار بیماری با هدف آینده و نسلی سالم می‌پردازد. ازدواج هر دو فرد غیرفامیل نیز احتمال خطری در حدود ۲ تا ۳ درصد را دارد. این احتمال در ازدواج با خویشاوندان بالاتر بوده و برحسب درجه خویشاوندی متفاوت است. اگرچه اکثر متخصصین جنتیک بشرط وجود سابقه خانوادگی عاری از بیماری‌های وراثتی، برای ازدواج خویشاوندان درجه سه به بالا مانعی نمی‌بینند ولی در صورت امکان، بهتر است قبل از ازدواج در هر مورد با متخصص جنتیک مشورت کنند. از اصلی‌ترین اهداف مشاوره جنتیکی می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

کمک به شناخت بهتر بیماری جنتیکی، علائم و روش‌های تشخیصی، پیش‌بینی و کنترل بهتر علائم بیماری، جلوگیری از ابتلاء یا تکرار بیماری، پیش‌بینی و کنترل بهتر علائم بیماری، پیشنهاد و راهکارهای مناسب چون تشخیص پیش از تولد منطبق بر اصول، ارزش‌ها و اعتقادات خانواده، مشخص کردن خطر وقوع یا تکرار یک بیماری ارثی. تمام افرادی که هر یک از موارد ذکر شده در جدول شماره (۱) را در خود یا اجداد خود دارا باشند، باید قبل از تصمیم به ازدواج یا قبل از بچه دار شدن یا در حین حاملگی و یا بعد

از زایمان تحت مشاوره قرار گیرند. (هوشمند، ۱۳۸۸: ص ۷۷)

موارد نیازمند به مشاوره جنتیک		شماره
Family marriages	ازدواج های فامیلی	۱
Pregnancy at age 35 or order	حاملگی در سن ۳۵ سال یا بالاتر	۲
Sterility	نازایی یا سقط های مکرر یا عقیمی	۳
Congenital defects	وجود نقایص مادرزادی	۴
Intellectual Disability	عقب ماندگی ذهنی	۵
Maturation)	اختلال رشد یا بلوغ یا ابهام دستگاه تناسلی	۶
The presence of genetic Diseases in family	وجود بیماریهای جنتیکی در فامیل	۷
Pregnant Mother against mutagenic agents	قرار گرفتن مادر حامله در معرض عوامل جهش زا	۸
Repeating some diseases in families such as Cancer-Diabetes-hypertension-Heart diseases	تکرار برخی بیماریها در فامیل مانند (سرطان ها، فشارخون بالا، بیماریهای قلبی، دیابت)	۹

جدول شماره (۱) مواردی را نشان میدهد که نیازمند مشاوره جنتیک هستند.

3- اهمیت مشاوره جنتیک:

ازدواج فامیلی در کشور ما امری رایج بوده و آمارهای متفاوتی در این خصوص در مناطق مختلف کشور گزارش شده است. پیامد های زناشویی فامیلی، از نظر سلامت جسمی و روانی فرزندان در دانش طب امروز روشن و بدیهی است. مشاوره جنتیک قبل از ازدواج Genetic Consultation before marriage، یکی از مسایل مهم در تمام جوامع بشری می باشد از همین رو در اکثر جوامع انسانی برای آن برنامه ریزی دقیقی انجام

شده است. در برنامه مشاوره جنتیکی قبل از ازدواج، زوجین با مسایل بیماری‌ها و معلولیت‌های ناشی از بیماری‌های جنتیکی، آشنا شده و اهمیت آن را درک خواهند کرد. این امر به ارتقاء سطح سلامت زوجین کمک موثری خواهد کرد.

با توجه به اهمیت مشاوره جنتیک، زوجین بهتر است قبل از تصمیم به ازدواج در این زمینه آموزش داده شوند و دوران تحصیلات عالی برای این آموزش مناسب می‌باشد. محققان پیشنهاد می‌کنند مطالعه آینده نگر برای تعیین اثربخشی این برنامه قبل از ازدواج انجام شود. (کاظمی، ۱۳۹۰: ص ۱۱۶)

توجه جدی به مشاوره دقیق قبل از ازدواج، می‌تواند از بار بیماری‌ها و معلولیت‌های ارثی بکاهد. دانستن اصول مشاوره جنتیک قبل از ازدواج و راهنمایی صحیح و علمی خانواده‌ها برای تمام گروه‌های تخصصی به خصوص دکتوران عمومی، نرسان و پرستاران و به ویژه متخصصین کودکان ضروری بنظر میرسد.

اهمیت مشاوره جنتیک بعنوان بخش اصلی مدیریت بیماری‌های ارثی، باید توسط همه دکتوران لحاظ گردد زیرا می‌تواند نقش حیاتی در تشخیص بیماری‌ها داشته باشد، ارثی بودن یک اختلال را نشان دهد، اطلاعاتی پیرامون تنوع و نحوه بروز بیماری فراهم کند و می‌تواند طرح توارث بیماری را آشکار کند. با انجام مشاوره جنتیک می‌توان خطر ابتلا برای سایر اعضای خانواده را تخمین زد و بر اساس آن روش‌های درمانی، پیشگیری و مشاوره مناسب برای بیمار و خانواده‌اش در نظر گرفت. هر چند که تشخیص جنتیکی بیماری‌ها ممکن است برای فرد مبتلا فایده چندانی نداشته باشد اما با انجام آن می‌توان از بروز موارد مشابه در فامیل جلوگیری کرد.

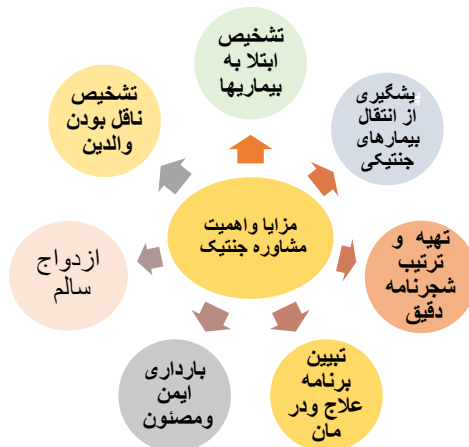
(اکرمی و سید محمد، ۱۳۸۵: ص ۳۵۳)

اهمیت دیگر این است که می‌تواند نقش حیاتی در تشخیص بیماری‌ها داشته باشد، ارثی بودن یک اختلال را نشان دهد، اطلاعاتی پیرامون تنوع و نحوه بروز بیماری فراهم کند و می‌تواند طرح توارث بیماری را آشکار کند. با انجام کار می‌توان خطر ابتلا برای سایر اعضای خانواده را تخمین زد. با افزایش روز افزون تعداد بیماری‌های جنتیکی لزوم انجام مشاوره‌های جنتیک قبل از ازدواج برای پیشگیری از این بیماری‌ها ضرورت دو چندانی پیدا کرده است. به طوریکه امروزه از جدیدترین امکانات برای این کار انجام می‌شود. یکی از عوامل پیدایش کودکان عقب مانده ذهنی، اختلالات و نارسایی‌های جنتیکی است، که بروز این موارد در ازدواج‌های فامیلی و پیوندهای خویشاوندی بیشتر می‌شود. در ازدواج‌های فامیلی تشابه جنتیکی زوج می‌تواند مشکل ساز شود که البته این تشابه وابسته به نوع ژن‌هایی است که فرد به نسل بعد منتقل می‌کند. در کشور ما ازدواج‌های فامیلی در روستاها و قریه‌جات بیشتر از نقاط شهری است و این به دلیل بافت‌های فرهنگی و

روابط غنی قومی حاکم بر این مناطق است. بسیاری از موارد عقب ماندگی ذهنی و همچنین دیگر ناهنجاری های جنتیکی و بیماری های ارثی قابل پیش بینی بوده و با در نظر گرفتن قوانین وراثت و مشاوره های جنتیکی و انجام آزمایش های مختلف قبل از ازدواج های فامیلی می توان از تولد تعداد قابل ملاحظه ای از کودکان مبتلا به این بیماری ها جلوگیری کرد که البته در این رابطه ملاحظات اخلاقی نیز بسیار مهم است و باید در نظر گرفته شود.

(اکرمی و سید محمد، ۱۳۸۵: ص ۳۶۰)

قبل از Genetic consultation مشاوره جنتیک



تصویر شماره (۲) اهمیت و مزیت مشاوره جنتیک را که بخش اصلی مدیریت بیماری های جنتیکی در خانواده ها را نشان میدهد که میتواند نقش حیاتی در تشخیص بیماری های جنتیکی داشته و کمک به یک جامعه سالم و صحتمند

4- موارد کاربردی مشاوره جنتیک

فناوری های جنتیکی می توانند در علاج و بیماری ها مورد استفاده قرار گیرند، صرف نظر از اینکه بیماری علت جنتیکی دارد یا خیر، مشاوره جنتیک میتواند بخشی از شیوه های پیشگیرانه درمانی باشد. جنتیک طبی علم تنوع زیستی انسانی، در ارتباط با سلامت و بیماری می باشد. اگرچه انسان از دیر باز از تفاوت بین افراد و شیوع بیماری های خاص در برخی خانواده ها آگاه بوده، اما مبنای علمی این مشاهدات تنها در طی ۱۴۰ سال گذشته کشف شده به طور کلی امروزه نقش مشاور و متخصص جنتیک در تمام حوزه های طب بسیار پر رنگ و موثر می باشد و در یک جمله می توان گفت که جنتیک نقش

اساسی در مدیریت یک بیماری و بیمار در خانواده‌ها دارد و کمک به توسعه یک جامعه سالم می‌کند. بیماری‌های جنتیک معمولاً فرد و خانواده را در تمام عمر درگیر میکنند. این بیماری‌ها معمولاً غیر قابل درمان بوده و یا در مان‌های بسیار پرهزینه دارند. این بیماری‌ها می‌توانند با درد و رنج طاقت فرسا همراه باشند و باعث مرگ زود هنگام افراد شوند. جنتیک طبی به سرعت در حال پیشرفت و تاثیر گذاری بر روی دیگر علوم مخصوصاً دانش طب می‌باشد. پیشرفت‌های جدید امکان تشخیص‌های سریع دقیق تر و ارزان تر را برای بیماران و خانواده‌ها فراهم آورده است. مشاوره جنتیک سعی می‌کند که با مشاوره با خانواده، بررسی دو سیه مریض، درخواست انجام آزمایش‌های تخصصی مورد نیاز، علت بیماری، نحوه توارث، میزان خطر برای حاملگی بعدی، احتمال خطر برای ازدواج افراد، وضعیت سلامت و یا ناقل بودن خواهر، برادر و یا والدین یک بیماری جنتیکی و نظایر آن را تعیین نماید و خانواده را از روش‌های تشخیصی موجود و اقدامات ضروری آگاه سازد. (کرامتی پور، ۱۳۹۱: ص. ۱۹۴-۱۸۸)



(دکتر و متخصص مشاور جنتیک را 3 تصویر شماره)
در حال رهنمای تغییر تعداد کروموزوم‌ها، بررسی
کروموزوم‌های فرد از نظر تعداد و ساختمان جهت تشخیص
بیش از ۲۰۰ نوع بیماری است

5- چرا ممکن است کسی نیاز به مشاوره جنتیک داشته باشد

افراد یا خانواده‌های با نگرانی از احتمال توارث یک اختلال جنتیکی کسانی هستند که از مشاوره جنتیک بهره می‌برند. دلایلی که ممکن است فردی را به مشاور جنتیک یا متخصص جنتیک مالیکولی یا سایر متخصصان جنتیکی ارجاع بدهند: تاریخچه یک شخص یا خانواده با سوابقی از اختلالات جنتیکی، نقایص مادرزادی،

اختلالات کروموزومی یا سرطان‌های وراثتی. سقط‌های مکرر (۲ یا بیش از دو مورد)، مرده زایی یا بچه مرده. کودکی با اختلال جنتیکی شناخته شده، اختلال مادرزادی، عقب ماندگی ذهنی یا تأخیر در رشد. زنی حامله یا در صدد بارداری در، یا بالای سن ۳۵ سال (اغلب اختلالات کروموزومی با نسبت بالاتر فرزندان متولد شده از زنان مسن رخ می‌دهند). نتایج غیر طبیعی آزمایشات که احتمال اختلالات کروموزومی یا جنتیکی را می‌دهند. احتمال افزوده چانس انتقال یا پیشرفت یک اختلال جنتیکی بر اساس زمینه‌ها و سابقه نژادی خاص. در شرف بچه دار شدن خانواده‌های دارای رابطه خونی (مثلاً پسر کاکا و دختر کاکا) که فرزند می‌تواند در معرض چانس بالای ابتلاء به اختلال جنتیکی خاص قرار گیرد. همچنین مشاور جنتیک اهمیت زیادی در تصمیم‌گیری برای انجام آزمایشات جنتیکی است. یک ملاقات با متخصص جنتیک، حتی زمانی که آزمایشات جنتیک در دسترس نباشند، بسیار مفید است. برای دستیابی به اطلاعات بیشتر پیرامون دلایل نیاز به مشاوره‌های جنتیک: آزمایشگاه‌های جنتیک در دانشگاه‌ها و شنگتن لیستی از جزئیات و دلایل نیاز به مشاوره جنتیک و اطلاعاتی را درباره مشاوران جنتیک، ارائه کرده است: (هوشمند، ۱۳۸۸: ص. ۷۸)

6- مسائلی که در هنگام مشاوره جنتیک مطرح و اتفاق می‌افتد

یک مشاوره جنتیک، ضمن اطلاع رسانی و ایجاد حمایت به سؤال و جواب‌های شکل گرفته و اضطرابات مراجعین پاسخ‌دهی می‌کند. تعیین اینکه یک اختلال واجد جزء جنتیکی هست یا نه را یک متخصص جنتیک با سؤال کردن راجع به پیشینه کلینیکی و جزئیات خانوادگی فرد (دوسیه سوابق طبی / اورژانس یا بستری‌های طولانی مدت)، به دست می‌آورد. یک متخصص جنتیک ممکن است معاینات کلینیکی یا آزمایشاتی خاص را بسته به صلاح دیدش تجویز کند. یک متخصص جنتیک اگر در فردی یک اختلال جنتیکی شناسایی شود، اطلاعاتی را درباره روند تشخیص، وراثت، چانس انتقال آن بیماری به نسل‌های بعدی و گزینه‌های تشخیصی و درمانی به فرد می‌دهد. متخصص جنتیک ضمن مشاوره باید:

- اصطلاحات و اطلاعات پیچیده جنتیکی را توضیح و تفسیر بدهد.
- به فرد برای درک بهتر و تصمیم‌گیری درباره وضعیت سلامت و بارداری وی کمک کند.
- به اعتقادات، سنن و احساسات هر فرد احترام بگذارد.
- متخصص جنتیک ضمن مشاوره نباید:
- به هر فرد نظر خود را برای تصمیم‌گیری بدهد.

- به زوج‌ها برای داشتن فرزند، توصیه بدهد.
- به یک زن برای ادامه یا خاتمه بارداری نظر بدهد.

(هوشمند، ۱۳۸۸: ص. ۷۹)

۷- بحث و نتیجه‌گیری:

دانش جنتیک در دنیای امروز با توجه به توانایی‌ها و کاربرد‌های آن از جمله علوم پیشرفته، و استراتژیک محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر کار برد‌های متنوع علم جنتیک در زمینه‌های مختلف مورد توجه جوامع مختلف جهانی قرار گرفته است. کشفیات علمی در این حوزه به طور بی‌سابقه‌ای در جریان بوده که فهم انسان را در میکانیسم‌های پدیده توارث بسیار قوت بخشیده است. از جمله ضروریات این رشته برای حل مشکلات جامعه انسانی به مشاوره جنتیک قبل از ازدواج می‌توان اشاره کرد. بسیاری از بیماری‌های جنتیکی از طریق انتقال ژن‌های مربوط از پدر و مادر به فرزند منتقل می‌شوند که این دسته از بیماری‌ها با مشاوره جنتیک قابل پیشگیری و جلوگیری می‌باشند. مشاوره جنتیک قبل از ازدواج فرایندی است که تمامی سوابق مربوط به سلامتی و بیماری اعضای خانواده را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به همین منظور آزمایش جنتیک قبل از ازدواج تجویز می‌گردد. و یک اقدام موثر در جهت تشخیص بیماری‌های جنتیکی و پیشگیری از تولد کودکان معلول و مبتلا به بیماری جنتیکی است. براساس یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان در رابطه ازدواج خویشاوند و انواع آن در احتمال بروز معلولیت‌ها پی برد، به دنبال ازدواج فامیلی، احتمال ابتلاء فرزندان به معلولیت‌های جسمی، حرکتی، روانی افزایش می‌یابد. در بین ازدواج‌های خویشاوندی، ازدواج فامیلی درجه ۳ نسبت به سایر موارد از نظر انتقال معلولیت خطر بیشتری دارد. بنابراین آگاهی جوانان از خطرات این ازدواج‌ها و انجام مشاوره قبل از ازدواج در این موارد ضروری به نظر می‌رسد. علرغم دیدگاه طب و جنتیک بر نهي از انجام این ازدواج‌ها با توجه به احتمال بالای بروز صفات معلولیت‌ها، این مقاله بر پررنگ کردن نقش مشاوره جنتیک برای یافتن خانواده‌های در معرض خطر و توضیح احتمال بروز بیماری خانواده و آزمایش حاملین در موارد ممکن تأکید می‌نماید. با توجه به اهمیت موضوع و تأثیر آن بر سلامت خانواده و جامعه، به افرادی که قصد ازدواج دارند و با تأکید بیشتر به افرادی که در خانواده آنان افراد مبتلا به بیماری‌های ارثی وجود دارند، باید پیشنهادات زیر را در نظر داشته باشند.

- در اخیر برای تمامی علاقمندان و مطالعه کنندگان پیشنهاد می‌کنم تا از محتوای متن این مقاله عملی استفاده اعظمی را ببرند تا با انجام مشاوره جنتیک بیماری‌های که هیچ علاج و درمانی برای آنها وجود ندارد آشنا شوند.

- جوانان پسر و دختر قبل از ازدواج باید در مورد شجره نامه خانوادگی، اطلاعات و معلومات کسب نمایند.
- دانستن اصول مشاوره جنتیک قبل از ازدواج برای همه جوانان ضروریست زیرا زوجین با مسائل بیماری ها و معلولیت های ناشی از بیماری های جنتیکی آشنا می شوند و از بار بیماری ها و معلولیت ها میکاهند.
- امکان انجام آزمایشات مورد نظر در هر دو زوج مورد توجه قرار گیرد و برنامه ریزی لازم برای این امر مهم، فراهم گردد.
- لازم است مشاوره جنتیک تنها برای مقاصد درمانی و به انگیزه خدمت به نوع بشر به کار رود، و اصلی ترین هدف، خدمت به انسان باشد. مشاوره جنتیک قبل از ازدواج باید اجباری شود
- مقاله فوق نشان دهنده لزوم انجام مشاوره جنتیک برای بسیاری از مزدوجین جدید میباشد و بهتر است سازمان های ذیربط با برنامه ریزی مناسب نسبت به آگاه نمودن جوانان درباره اهمیت و هدف مشاوره جنتیک و اینکه در چه مواردی لازم است مشاوره انجام پذیرد، اقدامات لازم را بعمل آورند

منابع و مراجع

- ۱- هو شمند، مسعود (۱۳۹۲). کمک کن تا ژنتیک را بفهمم. تهران: انتشارات اندیشه معاصر
- ۲- موحدیان، ا.، مسیبی، ز.، یوسفیان، س. و... (۱۳۸۱). بررسی شیوع آنومالی های مادرزادی در ازدواج های فامیلی و غیر فامیلی. ص.ص 84-88.
- ۳- نصرت الله، زرغام (۱۳۸۰). بیوتکنالوژی در سده بیست و یکم. محل انتشار دومین همایش ملی علوم و فناوری های نوین ایران.
- ۳- سینگر، سام، (۱۳۷۰). ژنتیک از سان. ترجمه علی فرارمند: انتشارات علمی و فرهنگی پژوهشگران، تهران
- ۴- افروز، غ.، (۱۳۸۳). مبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش های اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۵: پناهی، پرویز. (۱۳۹۰). ژنتیک مندلی، مالیکولی، روش ها و پزشکی: انتشارات امید.
- ۶: آرمرتز، توماس. (۱۳۸۲) ژنتیک کاربردی تحقیق در آزمایشگاه. انتشارات علوم کشاورزی.

- 7: نصرت الله، ضرغام (۱۳۸۰) بیوتکنالوژی در سده بیست و یکم. محل انتشار دومین همایش ملی علوم و فناوری های نوین ایران.
- 8: اکرمی، س. م.، (۱۳۸۵). مجله بیماریهای کودکان ایران، دانشگاه علوم پزشکی تهران
- 9- کاظمی، ز. (1390). بررسی تأثیر آرمان گرایی توسعه ای بر شکاف بین نگرشهای نسلیها بر ازدواج خویشاوندی. مجله خانواده پژوهی. ص.ص. 106 - 116
- 10- فتح زاده، م؛ هادی، ن؛ بابایی بیگی، م. ع.؛ بذرگرم، م..... (1384) ناهنجاریهای ژنتیکی و غیرژنتیکی در فرزندان پدر و مادر خویشاوند و غیرخویشاوند. مجله تحقیقات علوم پزشکی. ص.ص. 78-89.
- 11- اکرمی، س. م.، (۱۳۸۶). ازدواج فامیلی از دیدگاه مشاوره ژنتیک و عقاید. مجله بیماریهای کودکان ایران. ص.ص. ۳۵-۵۰.
- 12- کاکا برایی، ک.، صیدی، م.، (۱۳۹۰). بررسی مقایسه فراوانی ازدواج های خویشاوندی و غیرخویشاوندی در والدین کودکان استثنایی و عادی. مجله پژوهش و سلامت، ص.ص. 162-167
- 13: موفق، ا.، (1388). بررسی پرهیز از ازدواج با اقوام نزدیک و آثار بروز ناتوانی در فرزندان. فصلنامه اخلاق پزشکی. ص.ص. 124 - 136.

Abstract

A disabled baby is born every eight minutes. The birth of a disabled baby in families imposes huge costs on the family and society and endangers the health and safety of families, considering that prevention always precedes treatment and it costs less, genetic counseling before marriage is an effective measure for improving the level of health and strengthening the foundation of the family. Genetic diseases have a wide variety in different countries and regions, and in our country, due to multiple family and ethnic marriages, it has a high prevalence. Genetic or hereditary diseases are considered as a special disease that can affect the whole family for years. Most of the genetic diseases are incurable or its treatment is very expensive and involves a lot of pain. Some of these diseases also cause early death, which can have a negative effect on the family's spirit. About half of the various disabilities such as: blindness, deafness, mental retardation, consecutive abortions, short stature, growth delay, deformities and congenital defects, infant death, infant paralysis, hereditary cancers are due to genetic disorders. In fact, the purpose of the current research is to provide useful and scientific information about family marriages and the occurrence of genetic diseases and to support families at risk of having children with genetic disorders with families who currently have children with birth defects or genetic disorders.

Keywords: Genetic Consultation, family marriage, Genetic disorders, Disabilities and diseases and Birth defect

معرفی سلول‌های بنیادی و عمل کرد آن‌ها در بدن انسان

پوهنیار عبیدالله عالمیار

چکیده

سلول‌های بنیادی به سلولی گفته می‌شود که دارای دو ویژه‌گی باشد. اول سلولی که قابلیت تکثیر داشته یا قادر به انجام تقسیمات میتوز به منظور حفظ جمعیت خود باشند و دوم اینکه بتواند به سلول‌های مختلف تمایز پیدا کند. سلول‌های بنیادی جنینی که از توده ای داخلی بلاستوسیت جدا می‌شوند و سلول‌های بینادی بالغ که در انساج‌های بالغ وجود دارند و به نوعی ترمیمی بدن محسوب می‌شوند. سلول‌های بنیادی سلول‌های نامتمیزی هستند که در بین سلول‌های تمایز یافته انساج‌ها و ارگان‌های بدن انسان یافت می‌شوند و توانایی نوسازی و تمایز به انواع سلول‌های اختصاصی اصلی انساج یا ارگان را دارند. نقش‌های اولیه این سلول‌ها در یک ارگان زنده شامل حمایت کردن و تعمیر انساج‌هایی است که از آنها به دست می‌آیند. سلول‌های بنیادی قادر به ایجاد هر نوع سلولی در بدن هستند آنها می‌توانند تحت تاثیر بعضی شرایط فیزیولوژیک یا آزمایش‌گاهی به سلول‌هایی با عمل کرد اختصاصی مانند سلول‌های عضلاتی قلب یا سلول‌های تولید کننده انسولین در پانکراس و... تبدیل شوند. دانشمندان در خیلی از آزمایش‌گاه‌ها تلاش می‌کنند تا بتوانند که سلول‌های بنیادی بالغ را در کشت سلول به انواع سلول‌های اختصاصی تبدیل کنند تا از آنها برای درمان بیماری‌ها و صدمات بافتی استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: سلول‌ها، جنین، بنیادی، درمان، انساج.

۱- مقدمه

سلول‌های بنیادی سلول‌های اولیه‌ای هستند که برخی از انواع آن به نام سلول‌های بنیادی پرتوان و توانایی ایجاد هر نوع سلولی در بدن را دارند. آن‌ها با تقسیم می‌توانند سلول‌های مشابه خود را ایجاد نمایند و تحت تحریکات فیزیولوژیک یا آزمایش‌گاهی به سلول‌هایی با عمل کرد اختصاصی مانند سلول‌های عضلاتی قلب سلول‌های پوست و سلول‌های کبد تبدیل شوند. سلول بنیادی اگر تکثیر یابد می‌تواند میلیون‌ها سلول ایجاد کند که اگر این سلول‌ها تولید شده خود غیر تمایز یافته باشند می‌توانند به مدت طولانی به تکثیر ادامه دهند. اولین تحقیقات روی سلول‌های بنیادی در سال ۱۹۶۰م صورت گرفت و در

سال ۱۹۸۱م دانشمندان توانستند سلول‌های بنیادی موش را جدا نموده و در آزمایش‌گاه کشت دهند و در سال ۱۹۹۸م توانستند سلول‌های جنینی انسانی را کشت داده به طوری که بعد از دوره‌های مکرر خصوصیات خود را حفظ کنند. سلول‌های بنیادی در بافت‌های مختلف دارای ظرفیت تزاینده‌ای وجود دارند و می‌توانند با تکثیر رده‌های سلولی اختصاصی بافت ایجاد کنند و بافت‌های معیوب را تعمیر نمایند. این سلول‌ها در سیستم عصبی انسان‌های بالغ نیز وجود دارند. و تحت سیگنال‌های خارج سلولی می‌توانند به سلول‌های عصبی تمایز یابند در سلول‌ها بنیادی سه ویژه‌گی قدرت تقسیم و نوسازی طولانی مدت عدم تخصصی بودن جهت بافت خاص و قدرت تبدیل به سلول‌های تخصصی وجود دارد. سلول‌های بنیادی دو ویژه‌گی منحصر به فرد دارد که آنها را قادر می‌سازد تا این کار را انجام دهند. این سلول‌ها توانایی تقسیم‌های متوالی را برای تولید سلول‌های جدید دارند همزمان که این سلول‌ها تقسیم می‌شوند می‌توانند به انواع سلول‌های مختلف و تخصصی تمایز پیدا کنند. مطالعات و تحقیقات در این زمینه به ما در درک بهتر از بیولوژی پایه چگونگی عمل کردهای سلول‌های زنده و اتفاقات رخ داده در انواع متفاوت سلول‌ها در طول بیماری کمک می‌کند این سلول‌ها سلول‌های جدید را برای رشد و جایگزینی سلول‌های آسیب دیده ارگان‌یسم ذخیره می‌کنند. سلول‌های بنیادی بالغ می‌توانند به‌طور نامحدود تقسیم یا سلول‌های جدید از نوع خود را تولید کنند این بدان معنی است که آنها می‌توانند انواع مختلف سلول را برای یک اندام تولید کنند و یا حتی اندام اصلی را به‌طور کامل باز سازی کنند. در این مقاله مروری به انواع سلول‌های بنیادی و خصوصیات آنها و کاربردهای بالینی آنها خواهیم داشت.

۲- تاریخچه سلول بنیادی

پیوند سلول بنیادی از سال ۱۹۶۰ م آغاز شد. استفاده از سلول بنیادی بدون هیچ‌انگیزه خاص در ذهن محققان بود تا اینکه خبر رشد عروق خونی جدید در تومورها در سال ۱۹۹۰ م آغاز شد. دانشمندان تصور می‌کردند عروق خونی جدید فقط در فاز جنینی ساخته می‌شوند که آنها را به سمت کشف سلول‌های رگ‌ساز سوق داد و تحولی عظیم در پیشرفت سلول درمانی در انسان ایجاد کرد. پژوهش‌گران دریافتند که نوع خاصی از سلول در مغز استخوان وجود ندارد که می‌تواند به برخی از بافت‌های بدن تبدیل شود. در سال ۱۹۹۸ م دانشمندان موفق به جدا کردن سلول‌های بنیادی جنینی انسان و رشد آنها در محیط آزمایش‌گاه شدند و این سلول‌ها را سلول‌های بنیادی جنینی نامیدند. این سلول همان طوری که از نامش پیداست از جنین‌های ۳ الی ۵ روزه که از تخمک‌های آزمایش



<https://fa.wikifeqh.ir>

گاهی بارور می‌شوند به دست می‌آیند و در محیط‌های اختصاصی کشت داده می‌شوند (شفیعی، ۱۳۹۲: ۴۴).

۳- کاربرد تحقیقاتی سلول‌های بنیادی

تحقیقات در این زمینه برای درک بهتر ویژگی

های بنیادی انجام می‌گیرد تا بتوانیم مراحل و روش‌های رشد و نمو سلول‌های بدن را بشناسیم. سلول‌های بنیادی در توسعه داروهای جدید می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. دانشمندان می‌توانند تاثیر دارو را بر روی سلول‌ها و انساج‌های حاصل از رشد سلول‌های بنیادی مورد بررسی قرار دهند. در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی در مورد امکان

تبدیل سلول بنیادی مخصوص یک انساج به سلول‌های تخصصی یک انساج کاملاً متفاوت انجام شده است.

این فرایند را در اصطلاح **plasticity** می‌نامند. برای مثال تبدیل سلول‌های بنیادی مغز استخوان به نیورون‌ها و یا تبدیل سلول‌های بنیادی کبد به سلول‌های تولید کننده انسولین و یا تبدیل سلول‌های خون‌ساز به سلول‌های عضله قلبی.

اهدا یا برداشت سلول‌های بنیادی افراد می‌توانند سلول‌های بنیادی خود را برای کمک به بیماران یا احتمالاً برای استفاده مشخص خود در آینده به بانک‌های نگهداری سلول‌های بنیادی اهدا کنند. سلول‌های اهدایی می‌توانند شامل موارد زیر باشند.

مغز استخوان (Bone Marrow) این سلول‌ها تحت بی‌هوشی عمومی معمولاً از استخوان لگن خالص گرفته می‌شوند. و سلول‌های بنیادی آنها برای ذخیره یا اهدا از مغز استخوان جدا می‌شوند. (شفیعی، ۱۳۹۲: ۴۵).

<https://www.generalab.ir>

۴- سلول‌های بنیادی محیطی (Peripheral stem cells)

این سلول‌ها به سلول‌های مغز استخوان فرمان می‌دهند که سلول‌های بنیادی خود را در خون آزاد کند. پس از این مرحله از فرد خون گرفته می‌شود و در دستگاهی قرار داده می‌شود که می‌تواند سلول‌های بنیادی را شناسایی کرده و جدا کند و سپس این خون به بدن فرد انتقال می‌یابد.

انواع مختلفی از سلول‌ها وجود دارد. به عنوان مثال در بدن انسان سلول‌های خونی و سلول‌های پوستی سلول‌های استخوانی و حتی باکتری‌ها وجود دارد با این حال همه سلول‌ها چه از باکتری و چه از انسان با هر موجود دیگری از دو نوع کلی پروکاریوتی یا یوکاریوتی خواهند بود. همه چیز بستگی به این دارد که سلول چگونه DNA خود را ذخیره می‌کند همان طور که بیان شد دو نوع سلول وجود دارد. پروکاریوت و یوکاریوت. سلول‌های پروکاریوتیک معمولاً تک سلولی و کوچکتر از سلول‌های یوکاریوتیک هستند سلول‌های یوکاریوتیک معمولاً در موجودات چند سلولی یافت می‌شوند. سلول‌های بنیادی از دو منبع اصلی حاصل می‌شوند. انساج‌های بالغ، انساج‌ها و سلول‌های جنینی. نیکبخت، (۱۳۸۸: ۸۹)

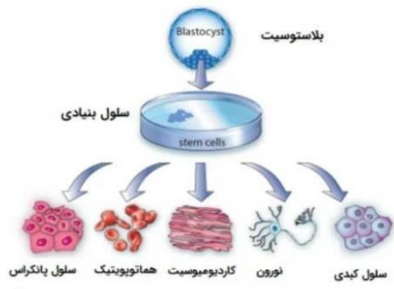
۵- سلول‌های بنیادی بالغ (Adult Stem Cells)

بدن هر فرد در طول زندگی خود دارای سلول‌های بنیادی مشخص است. بدن می‌تواند از این سلول‌ها در هنگام نیاز نیز استفاده کند به این گروه از سلول‌ها سلول‌های انساج اختصاصی یا سلول‌های بنیادی بالغ سوماتیک می‌گویند که از دوران جنینی در بدن وجود دارند. این سلول‌ها در حالت غیر اختصاصی قرار دارند اما از سلول‌های بنیادی جنینی تخصصی‌تر هستند. آن‌ها در این حالت باقی می‌مانند تا زمانیکه بدن برای یک هدف خاص مثلاً به عنوان سلول‌های پوستی یا عضلات به آن‌ها نیاز داشته است. سلول‌های بالغ می‌توانند بطور نامحدود تقسیم یا سلول‌های جدید از نوع خود را تولید کنند (مصطفی، ۱۳۹۴: ۶۶).

۶- سلول‌های بنیادی جنینی (Embryonic Stem Cells)

از همان مراحل اولیه بار داری پس از این که اسپرم تخمک را بارور کرد جنین تشکیل می‌شود. حدود ۳ الی ۵ روز پس از بارور شدن تخمک جنین به صورت بلاستوسیت یا توبی از سلول‌ها تشکیل می‌شود. بلاستوسیت‌ها حاوی سلول‌های بنیادی هستند که پس از چند روز در رحم لانه‌گزینی می‌کنند. یک بلاستوسیت توده‌ای متشکل از ۱۰۰ سلول و یا بیشتر است. سلول‌های بنیادی همزمان با رشد ارگانیسم سلول‌های جدیدی را برای بدن فراهم می‌کنند و آن‌ها را جایگزین سلول‌های تخصص یافته آسیب دیده یا از دست رفته می‌کنند. به‌طور کلی مطالعات سلول‌های بنیادی زمینه‌ای امید بخش برای درمان بسیاری از بیماری‌هایی است که در حال حاضر هیچ‌گونه روش درمانی برای آن‌ها وجود ندارد. نیکبخت، (۱۳۸۸: ۹۱)

می‌دانیم که همه سلول‌های بدن دارای ژنوم واحد و کاملاً یکسانی هستند. اما فرایند تمایز هر سلول به صورت هدفمند گروه خاصی از ژن‌ها را خاموش و گروه دیگر را روشن



می‌کند و با یک برنامه هماهنگ با سایر سلول‌ها فعالیت‌های خود را به صورت تخصصی انجام می‌دهد. اما گروهی از سلول‌ها که سلول‌های بنیادی نام دارند نقش و فعالیت ویژه‌ای در بدن ندارند و می‌توانند به هر سلول تخصصی که بدن به آن نیاز دارد تبدیل شوند. هنگامی که

دانشمندان سلول‌های بنیادی را از جنین می‌گیرند آن‌ها معمولاً جنین‌های اضافی هستند که از لقاح آزمایش‌گاهی یا مصنوعی (IVF) حاصل می‌شوند. هنگامی که اسپرم تخمک را بارور می‌کند این سلول‌ها برای تشکیل یک سلول واحد به نام زایگوت یا تخم با یکدیگر ترکیب می‌شوند. سپس این زایگوت تک سلولی شروع به تقسیم می‌کند و سلول‌های ۲.۴.۸.۱۶... را تشکیل می‌دهد در این محل جنین به وجود می‌آید (مرسلی، ۱۳۸۷: ۶۶).

۷- انواع سلول‌های بالغ

۱- سلول‌های بنیادی مغز استخوان

مغز استخوان منبع اصلی سلول‌های بنیادی بالغ می‌باشد و در مغز استخوان دو نوع سلول بنیادی وجود دارد.

الف- سلول‌های بنیادی خون ساز مغز استخوان

این سلول‌های بنیادی سلول‌های پیش ساز اولیه بوده و تمام سلول‌های خونی قادر هستند مغز استخوان را بعد از خالی شدن از بیماری رادیوتراپی ایجاد نمایند.

ب- سلول‌های میزانشیمال مغز استخوان

سلول‌های میزانشیمال مغز استخوان از سلول‌های خون ساز متفاوت می‌باشند. سلول‌های میزانشیمال بالغ مغز استخوان یک جمعیت سلولی مخلوط بوده و توانایی خون‌سازی و تمایز به سلول‌های غیر خون‌ساز مانند سلول‌های آندوتلیال، استخوان، عضله و عصب را دارا می‌باشند. (نوربخش، ۱۳۹۱: ۷۳).

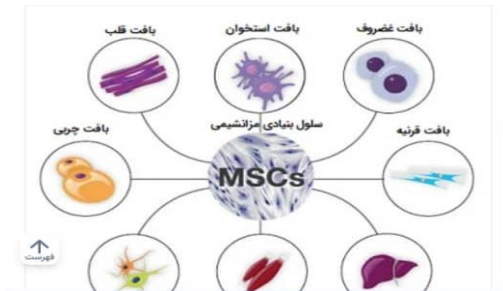
۲- سلول‌های بنیادی عصب

سلول‌های غیر تمایز یافته هستند که از سلول‌های بنیادی جنینی حاصل می‌گردند و مسئول عصب‌زایی هستند و دارای توانایی تکثیر و تمایز به سلول‌های تخصصی نیروی

آستروسیت. الیگودندروسیت در سیستم عصبی مرکزی می‌باشند. سلول‌های بنیادی عصب در آزمایش‌گاه قابل کشت می‌باشند. و از آن‌ها می‌توان جهت تولید سایر سلول‌ها برای موارد درمانی استفاده نمود. نوربخش، (۱۳۹۱: ۴۷).

۳- سلول‌های بنیادی خون بند ناف (Umbilical Cord blood)

خون بند ناف خونی است که پس از تولد در بند ناف وجود دارد این خون یکی از مهمترین منابع سلول‌های غیر جنینی می‌باشد و دارای سلول‌های بنیادی خون ساز و سلول‌های



بنیادی میزانشیمی می‌باشد. سلول‌های بنیادی خون‌ساز بند ناف می‌توانند موجب تولید گلبول‌های قرمز و سلول‌های سیستم ایمنی شود این‌ها در درمان لو سمی آنمی و بیماری‌های خود ایمنی مورد استفاده قرار می‌گیرند. سلول‌های بنیادی را می‌توان بعد از

زایمان از بند ناف برداشت کرد. این کار هیچ آسیبی به کودک وارد نمی‌کند. برخی از افراد خون بند ناف را اهدا کرده و برخی دیگر آن را ذخیره می‌کنند. (کیان‌مهر، ۱۳۸۱: ۸۷).

شفیعی، یحیی (۱۳۹۲)، میکروبیولوژی عمومی

۸- تولید سلول‌های بنیادی

با توجه به پیشرفت‌ها در مطالعات حجرات بنیادی تکنیک‌ها و روش‌هایی برای معرفی انواع دیگر حجرات بنیادی و اهدا ویژگی‌های سلول‌های جنینی بنیادی به آن‌ها ابداع شده است.



هر سلول بنیادی جنینی از جمله انواع پرتوان است که می‌تواند تقریباً به تمام انواع سلول‌ها در بدن تمایز پیدا کند. در مان نقص سلولی دانشمندان امیدوارند که یک روز بتوانند سلول‌های قلب سالم را در آزمایش‌گاه بسازند تا بتوانند به

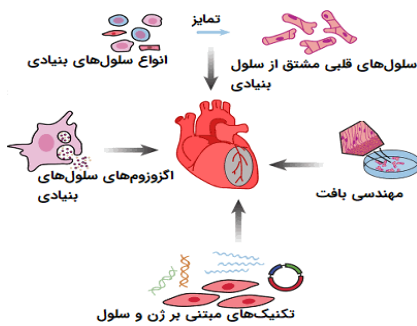
افرادی که بیماری قلبی دارند پیوند بزنند. این سلول‌های جدید می‌توانند با باز گرداندن انساج سالم به قلب،

آسیب‌های قلبی را ترمیم کنند. به همین ترتیب افراد مبتلا به دیابت می‌توانند سلول‌های پانکراس را دریافت کنند تا سلول‌های تولید کننده انسولین را که سیستم ایمنی بدن خود آن‌ها را از دست داده یا از بین برده است جایگزین کنند (مرسلی، ۱۳۸۷: ۶۶).

مرسلی، تقی (۱۳۸۷) بیولوژی شکمبه

۹- درمان بیماری‌های قلبی

بیماری‌های ایسکمیک قلبی ناشی از انسداد عروق. یکی از علل اصلی مرگ و میر در بسیاری از کشورهای غربی است بعد از حمله قلبی به جهت کمبود اکسیژن و مواد

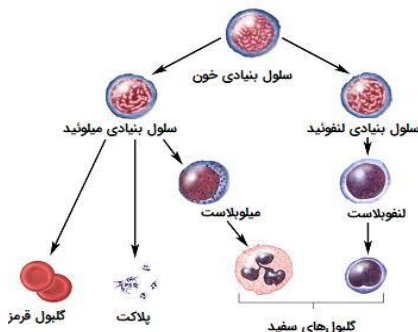


غذایی برخی سلول‌های قلب می‌میرند. مطالعات پتانسیل سلول‌های بنیادی را در ترمیم انساج آسیب دیده قلبی بعد از یک حمله قلبی ثابت کرده است اما با وجود سلول‌های کاندید بی شمار در ترمیم قلب هیچ کدام انتخاب قطعی و بدیهی نمی‌باشند زیرا چند نوع سلول برای باز سازی استخوان‌ها، ماهیچه‌های قلب و عروق آن مورد نیاز است (کیان مهر، ۱۳۸۱: ۸۸).

۱۰- خصوصیات سلول‌های بنیادی

سلول‌های بنیادی با دیگر انواع سلول‌های موجود در بدن متفاوت هستند. از جمله خصوصیات مشترک این سلول‌ها قرار ذیل است:

۱- توانایی تکثیر و افزایش تعداد آنها برای مدت طولانی
۲- خصوصیت پر توانایی یا اصطلاحی Pluripotency به عباره دیگر این سلول‌ها قادر



هستند تا در محیط آزمایشگاهی انواع مختلفی از سلول‌ها را به وجود بیاورند. Stem Cell ها قادر به تقسیم شدن (dividing) و یا نو سازی خود شان برای مدت طولانی میباشند. پدیده‌ای که در سلول‌های عضلاتی خونی و یا عصبی به صورت طبیعی دیده نمی‌شود اما سلول‌های بنیادی این عمل را بارها و بارها

انجام می‌دهند. ویژگی اصلی سلول‌های بنیادی این است که این سلول‌ها پتانسیل قابل توجهی در تجدید و نوسازی خود دارند. این نوع سلول‌ها می‌توانند در طول زندگی و رشد شان به انواع مختلفی از سلول‌های بدن تبدیل شوند. محققان انواع مختلفی از سلول‌های بنیادی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. چند دسته اصلی از سلول‌های بنیادی وجود دارد (وجدانی، ۱۳۹۴: ۷۲).

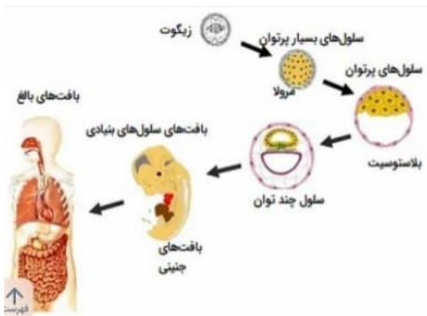
مصطفی، سید علی (۱۳۹۴) نقش سلول‌ها و کاربرد آن

۱۱- سلول‌های چند توان (nt)

این سلول‌ها می‌توانند به خانواده‌ای از سلول‌های مرتبط تمایز پیدا کنند. به‌عنوان مثال سلول‌های بنیادی خونی یا Hematopoietic می‌توانند به گلبول‌های قرمز و سفید و یا پلاکت‌ها تبدیل شوند.

۱۲- سلول‌های کم‌توان (Oligopotent)

این گروه قادر هستند که به انواع بسیار کمی از سلول‌ها تمایز پیدا کنند.



نیکبخت، حجب (۱۳۸۸) نقش سلول‌های بنیادی

۱۳- سلول‌های بسیار پرتوان (Totipotent)

این سلول‌ها می‌توانند به تمام انواع ممکن سلولی در بدن تمایز یابند. چند سلول اولیه که از تقسیم زایگوت به وجود می‌آیند حجرات‌های بنیادی پرتوان یا توتی پوتنت هستند. اصطلاح پرتوان به این واقعیت

اشاره دارد که آن‌ها پتانسیل بالایی در تبدیل شدن به انواع سلول‌های بدن دارند. سلول پرتوان القایی دانشمندان با استفاده از سلول‌های پوستی و سایر سلول‌های انساج خاص. این حجرات پرتوان را در آزمایش‌گاه‌ها ایجاد می‌کنند. این سلول‌ها با روشی مشابه سلول‌های بنیادی جنینی رفتار می‌کنند. بنابر این می‌توانند برای ایجاد طیف وسیعی از روش‌های درمانی مفید باشند (مصفا، ۱۳۹۳: ۴۳).

۱۴- سلول‌های بنیادی خون (Haematopoietic)

تنها قادر هستند انواع سلول‌های خونی را تولید کرده و جایگزین کنند. سلول‌های بنیادی پوستی می‌توانند انواع متفاوتی از سلول‌های پوست و مو را ترمیم و جای‌گزین کنند. حجرات بنیادی که در یک محیط کشت کنترل شده در حال تقسیم و تولید مثل هستند خط سلول بنیادی نامیده می‌شوند.

توانایی خود نو سازی سلول‌های بنیادی برخلاف سلول‌های ماهیچه‌ای سلول‌های خونی یا سلول‌های عصبی که معمولاً تکثیر نمی‌شوند. سلول‌های بنیادی می‌توانند بارها تکثیر شوند. وقتی یک سلول بنیادی تقسیم می‌شود ممکن است دو سلول به نام سلول دختر (daughter cell) در چند حالت ایجاد شود.

۱- هر دو سلول بنیادی باشند. ۲- یک سلول بنیادی و یک سلول تمایز یافته باشد. ۳- هر دو سلول‌های تمایز یافته باشند. سلول‌های بنیادی توانایی‌های منحصر به فردی برای خود نوسازی و باز سازی انساج‌ها دارند. نیکبخت، (۱۳۸۸: ۷۶)

۱۵- توانایی بازسازی بافت‌های عمل‌کردی سلول‌های بنیادی

این سلول‌ها هیچ ویژگی بافتی خاصی (مانند مورفولوژی یا الگوی بیان ژن) را ندارند که به آنها امکان انجام عمل‌کردهای تخصصی را بدهد. با این حال می‌توانند تمام سلول‌های بدن مانند سلول‌های ماهیچه قلب. سلول‌های خونی و سلول‌های عصبی را ایجاد کنند. انواع مختلف سلول‌های بنیادی درجات مختلفی از قدرت را دارند. یعنی تعداد انواع سلول‌های مختلفی که می‌توانند تشکیل دهند متفاوت است. سلول در حین تمایز معمولاً چند مرحله را طی می‌کند و در هر مرحله تخصصی‌تر می‌شود. سلول‌های بنیادی با توجه به منشاء و نحوه استفاده دارای مشخصه‌هایی هستند که محدودیت‌هایی را برای کاربرد گسترده آنها به وجود می‌آورد. سلول‌های بنیادی نظر متخصصین مختلف را به خود معطوف داشته است طوری که تحقیقات گسترده‌ای در این خصوص صورت می‌گیرد. امروزه سلول‌های بنیادی امید اول ترمیم‌گاه انساج‌های آسیب دیده و شاید در آینده ساخت اندام‌های انسانی به شمار می‌روند (ظهیری، ۱۳۹۳: ۳۲)

۱۶- نتیجه‌گیری

سلول واحد اساسی ساختاری عمل‌کردی و بیولوژیکی همه موجودات زنده است سلول کوچک‌ترین واحد حیات است انواع سلول در بدن موجودات مختلف وظایف متعددی را بر عهده دارند و به مرور سازگاری‌های مناسبی پیدا کرده‌اند. بدن انسان هر روز از نو زنده می‌شود. به بیان دیگر بدن دایماً بافت‌های خود را تجدید می‌کند. در بعضی از قسمت‌های بدن مانند روده و مغز استخوان سلول‌های بنیادی به‌طور مرتب تقسیم می‌شوند تا انساج‌های جدید بدن را برای نگهداری و ترسیم اندام‌ها تولید کنند.

با پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه کشت و تمایز سلول‌های بنیادی آینده درخشانی در درمان بیماری‌های مختلفی خواهد بود به طوری که از شالله در آینده نه‌چندان دور بتوان با کشت سلول‌های بنیادی خون ساز در آزمایش‌گاه در حضور اریتروپوئیتین گلبول قرمز تهیه شود و هم‌چنین بتوان در سرهای طاس با کمک سلول‌های بنیادی موجود در فولیکول مو، مو رویند. افراد کور و دیابتی را درمان کرد و دندان‌های افتاده را جایگزین نمود.

منابع

۱. شفیعی، یحیی. (۱۳۹۲). میکروبیولوژی (چهارم). تهران: انتشارات جامع.
۲. ظهیری، وشفی. (۱۳۹۳). مروری بر سلول‌های بنیادی. تهران: انتشارات علوم پزشکی.
۳. کیان‌مهر، هرمزدیار. (۱۳۸۱). مبانی میکروبیولوژی. تهران: انتشارات خانه زیست‌شناسی.
۴. مرسلی، تقی. قربانی، بهنام. (۱۳۸۷). بیولوژی شکمبه. تهران: انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی.
۵. مصفا، نریمان. (۱۳۹۳). میکروبیولوژی و کاربردهای نوین آنها در علوم پزشکی. تهران: انتشارات علوم پزشکی شهید قدس.
۶. مصطفی، سیدعلی. (۱۳۹۴). نقش سلول‌ها و کاربرد آنها در بدن. کابل: انتشارات سعادت.
۷. نوربخش، شمیم‌له. (۱۳۹۱). نقش میکروبیولوژی در کنترل بیماری‌ها. تهران: انتشارات پایگاه جامع اهل قلم.
۸. نیکبخت، حجت. (۱۳۸۸). نقش سلول‌های بنیادی در درمان بیماری‌های قلبی. تهران: انتشارات اندیشمند.
۹. وجدانی، ریحانه. (۱۳۹۴). بیولوژی عمومی (جلد دوم). تهران: اندیشمند.

Abstract

The cell is the basic structural functional and biological unit of all living organisms. Cell is the smallest unit of life. Types in the body of different organisms are responsible for many tasks and over time they have found appropriate adaptations. Whether cells live alone or as part of a multicellular organism, they are usually very small and cannot be seen without a light microscope. The human body regenerates every body is constantly renewing its tissues. In some parts of the body such as the intestine and bone marrow. Stem cells divide regularly to produce new tissues for maintaining and drawing organs. Due to the significant progress in the field of cultivation and variation of stem cells. The future will be bright in the treatment of various. so that god willing in not too distant future. red blood cells can be prepared by cultivating hematopoietic stem cells in the laboratory in the presence of erythropoietin. And also it is possible to treat bald people with the help of stem cells in the hair follicle grow hair, treat blind and diabetic people ,and replace fallen teeth.

Keywords: Cells, Embryo, Fundamental, Treatment, Tissue.

آزمایش ثبات معافیتی Calcium Phosphate-Outer Membrane Protein Vaccine (CAP-OMP vaccine) نگهداری شده در حرارت اتاق در موش‌ها

پوهنمل محمودالله راسخ

چکیده

در حال حاضر استفاده از واکسین‌های مختلف برای جلوگیری از عفونت سالمونلا انتریتیدیس (*Salmonella Enteritidis*) و سالمونلا تایفی‌موریوم (*Salmonella Typhimurium*) رو به افزایش است. پروتئین غشاء خارجی (OMP) نقش مهمی در پاسخ معافیتی علیه میکرواورگانیزم مربوطه دارد و می‌تواند به عنوان یک واکسین مؤثر کاندید گردد. OMP‌ها انتی‌جن ضعیف‌اند، بنابراین نیاز به اجوانت‌هایی (adjuvants) دارد که به طور غیر اختصاصی پاسخ معافیتی این انتی‌جن‌های ضعیف را افزایش دهد. ذرات کلسیم فاسفیت (CAP) به اندازه‌ای نانو، به دلیل سهولت در تولید و اقتصادی بودن شان، به‌طور وسیع به‌عنوان ادجوانت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در کشورهای در حال توسعه به دلیل عدم تأمین برق مداوم، حفظ زنجیر-سرد (cold-chain) مهم است، بنابراین نیاز است تا واکسین‌های انکشاف داده شوند که در حرارت اتاق ثبات بیشتر داشته باشند. در مطالعه حاضر، از نظر تولید معافیت، ثبات OMP سالمونلا تایفی‌موریوم که نانوذرات کلسیم فاسفیت منحل ادجوانت با آن یکجا گردیده و ثبات آن منحصراً یک واکسین مستقل بنام (CAP-OMP vaccine)، در موش مورد بررسی قرار گرفته است. واکسین CAP-OMP که به مدت ۳۰ روز در ۴ درجه سانتی‌گرید و ۶۰ روز در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید نگهداری شده (Incubation) است. بعد از نگهداری، واکسین مذکور جهت معافیت‌زایی در موش‌ها تطبیق گردید. واکسین CAP-OMP که در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید نگهداری شده بود، به طور قابل توجهی پاسخ (IgG) Immunglobulin G آن بالاتر از واکسین CAP-OMP نگهداری شده در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید بود. مشاهده شد که واکسین CAP-OMP احتمالاً به دلیل از دست دادن یکپارچگی انتی‌جن که در پروفایل تشخیصی رابطه (باند) پروتئینی در SDS-PAGE مشاهده می‌شد، در حرارت اتاق ثبات خود را از دست دهد.

واژه‌های کلیدی: ثبات، کلسیم فاسفیت- پروتئین غشایی خارجی، سالمونلا، نگهداری، واکسین

مقدمه

سالمونلوزس (Salmonellosis) بیماری است که توسط باکتریای به نام سالمونلا بوجود می‌آید. این باکتری در مجرای روده حیوانات از جمله پرندگان موجود می‌باشد. و معمولاً از طریق مصرف غذاهای آلوده به مواد فضله حیوانات، به انسان منتقل می‌شود. سالمونلا انتریکا نوع فرعی انتریکا سرووار تایفی‌موریوم (*Salmonella enterica subsp. enterica serovar Typhimurium*) شایع‌ترین سرووار تجرید شده است که باعث شیوع جهانی از طریق غذا می‌شود. استفاده از واکسین‌ها به طور روز افزون برای جلوگیری از عفونت *S. Typhimurium* و *S. Enteritidis* رو به افزایش است. پروتئین غشاء خارجی (OMP) نقش مهمی در تحریک پاسخ معافیتی علیه مایکروارگانیزم دارد و می‌تواند به عنوان یک واکسین‌کننده مؤثر تمام شود. OMP سالمونلا دارای خانواده‌ای از پروتئین‌های منفذدار است که به نام پورین (porins) یاد می‌شود (Balaji et al., 2006). OMP‌ها ایمونوجن ضعیف‌اند. این پروتئین‌ها و پپتاید‌ها به ترکیبات یا ادجوانت‌های محرک معافیتی نیاز دارند که به طور غیر اختصاصی برای افزایش پاسخ معافیتی این انتی‌جین‌های ضعیف، عمل کنند (He et al., 2000). یکی از جنبه‌های مهم واکسیناسیون، نگهداری صحیح زنجیر سرد است که به دلیل عدم تأمین برق مداوم، یکی از بزرگترین مشکلات در کشورهای در حال توسعه می‌باشد. باور به این بود اگر نانوذرات کلسیم فاسفیت در حرارت ۳۷ درجه سانتی‌گرید نگهداری گردند، هیچ گونه تغییر فیزیکی-کیمیایی در آن رخ نمی‌دهد (He et al. 2002). اما، بر اساس مطالعه ما، هیچ کاری از نظر معافیت‌زایی جهت ارزیابی ثبات انتی‌جن (پروتئین) جذب شده در نانوذرات کلسیم فاسفیت انجام نشده است. در مطالعه حاضر، ثبات معافیت‌زایی تمام پروتئین غشاء خارجی مربوط به سالمونلا تایفی‌موریوم MTCC-98 گیرمانده در نانوذرات کلسیم فاسفیت (CAP-OMP vaccine) پس از یک دوره نگهداری به مدت ۳۰ یا ۶۰ روز در حرارت ۴ یا ۲۵ درجه سانتی‌گرید، مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش کار

موش‌های آلبینو سوئیدی از دیپارتمنت فارماکولوژی و توکسیکولوژی کالج علوم وترنری، پوهنتون زراعتی آسام، هندوستان گرفته شده‌اند. اجازه آزمایشات روی موش‌ها توسط کمیته مدافع حقوق حیوانات (Ethics) حیوانی پوهنتون زراعتی آسام، خاناپرا تأیید شد.

کل پروتئین غشاء خارجی سالمونلا تایفی‌موریوم توسط روش Cho-Kim et al., (1991) جدا شد. به طور خلاصه در این روش، سالمونلا تایفی‌موریوم در Brain hearth Infusion Broth (BHI) تا مرحله اوسط-لاگ (mid-log phase) رشد داده شد. حجرات توسط سانتریفیوژ $100,000 \times g$ به مدت ۱۰ دقیقه جمع آوری گردیدند. حجرات در بافر HEPES دوباره به حالت تعلیق قرار داده شدند. غشای حجروی توسط فراصوت (ultrasonication) شکسته شد. بقایای حجره توسط سانتریفیوژ $10,000 \times g$ به مدت ۱۰ دقیقه جدا شد. غشاء توسط اولتراسانتریفیوژ $100,000 \times g$ در مدت ۱ ساعت رسوب داده شد، به تعقیب آن پارچه‌های غشاء در ۲٪ سودیم لوریل سارسیسونیت (sodium lauryl sarcisonate) به مدت ۱ ساعت در حرارت اتاق (۲۵ درجه سانتی‌گرید) نگهداری گردید. سو سپینشن دوباره به مدت ۱ ساعت در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید اولتراسانتریفیوژ $100,000 \times g$ گردید. قرص‌های بدست آمده OMP بود که دوباره در آب مقطر (سه بار تقطیر شده) به حالت تعلیق قرار داده شد.

تهیه واکسین (CAP-OMP)

CAP-OMP طبق روشی He et al. (2002) تهیه گردید. به طور خلاصه، ۱ میلی‌گرم از OMP به یک فلاسک مخروطی شوردهنده (Stirring conical flask) اضافه شد و سپس ۷٫۵ میلی‌لیتر از ۱۲٫۵ میلی‌مولار کلسیم کلوراید و ۱۲٫۵ میلی‌مولار سودیم فاسفیت (Dibasic) در موجودیت ۱٫۵ میلی‌لیتر سودیم سیترات ۱۵٫۶ میلی‌مولار اضافه شد. محلول به مدت یک ساعت به هم زده شد (شورداده شد). سو سپینشن با سلوبیوز پوشانده شده و سپس ۴ میلی‌گرم OMP به آن علاوه گردید. CAP-OMP حاصل در حرارت بسیار سرد خشک گردید یا (Lyophilized) شد. پروتئین مجموعی (پروتئین‌گیرداده شده) با CAP به اضافه پروتئین پوشش داده شده توسط سلوبیوز، خارج از نانوذرات (نانوذرات کلسیم فاسفیت با روش اصلاح شده لوری (modified Lowry's method) اندازه‌گیری شد (Stoscheck, 1990).

نگهداری CAP-OMP و تجربه بالای حیوان

CAP-OMP در ۲۵ درجه سانتی‌گرید به مدت ۳۰ روز و ۴ درجه سانتی‌گرید به مدت ۶۰ روز نگهداری گردید. CAP-OMP بلافاصله پس از پایان انکوبیشن (نگهداری) در ۰٫۱ مولر PBS حل شد و به مقدار ۵۰ میکروگرام در هر موش تزریق شد. گروه کنترولی CAP-OMP بلافاصله پس از آماده‌سازی تزریق شد. دوز تقویت‌کننده (۵۰ میکروگرام در هر موش) در ۱۴ روز پس از معافیت دهی اولیه تجویز شد. گروه موش‌های معافیت

داده شده با CAP-OMP و شرایط انکوبیشن در جدول (۱) ذکر شده است. نمونه خون از ورید دم موش در روز صفر قبل از معافیت دهی، روزهای هفتم، چهاردهم، بیست و یکم و بیست و هشتم پس از تطبیق دوز تقویتی جمع آوری شد. پس از جداسازی سرم، پاسخ معافیتی خونی همه گروپ‌های آزمایشی با استفاده از الایزا غیرمستقیم (indirect ELISA) تعیین گردید.

جدول ۱- شرایط نگهداری (انکوبیشن) واکسین CAP-OMP (S Tamuly, 2018) (M Rasikh; S Sarma;

گروپ موش‌ها (تعداد=۶)	شرایط نگهداری واکسین که تحت جلدی در موش‌ها تطبیق گردید است	دوز (مقدار) در موش (اولی یا دوز تقویتی)
I (اول)	محلول نمکی بفر فاسفیت (Phosphate buffered saline)	100µl (۱۰۰ مایکرولیتر)
II (دوم)	واکسین CAP-OMP نگهداری شده در 4°C به مدت ۳۰ روز	50µg (۵۰ مایکروگرام)
III (سوم)	واکسین CAP-OMP نگهداری شده در 4°C به مدت ۶۰ روز	50µg (۵۰ مایکروگرام)
IV (چهارم)	واکسین CAP-OMP نگهداری شده در 25°C به مدت ۳۰ روز	50µg (۵۰ مایکروگرام)
V (پنجم)	واکسین CAP-OMP نگهداری شده در 25°C به مدت ۶۰ روز	50µg (۵۰ مایکروگرام)
VI (ششم)	واکسین CAP-OMP در نخستین روز تهیه آن (بدون انکوبیشن)	50µg (۵۰ مایکروگرام)

تعیین یکپارچگی پروتئین‌های به دام افتاده در نانو ذرات کلسیم فاسفیت

یک پارچگی پروتئین به دام افتاده در CAP-OMP توسط SDS-PAGE تعیین شد. به طور خلاصه، CAP-OMP در (2×SDS PAGE gel loading buffer) حل گردید و ما شین در ۱۲٪ SDS-PAGE به حرکت آورده شد. وزن مالیکولی نوارهای (bands) جدا شده پروتئین با مقایسه حرکت باندهای پروتئین استاندارد (standard protein marker) تعیین شد.

تحلیل ارقام

تمامی ارقام بر اساس اوسط \pm خطای استاندارد اوسط (mean \pm standard error of mean) بیان شد. تفاوت بین گروپ‌ها با دو فکتور انووا (two factors ANOVA) تجزیه و تحلیل گردید. مقایسه چندگانه پوست هاگ اوسط در سطح ۹۵ فیصد اطمینان خانوادگی (The post-hoc multiple comparison of the mean at 95%) با استفاده از آزمایش HSD توکی (family-wise confidence level) انجام شد. p-value کمتر از ۰,۰۵ از نظر ارقام معنی دار در نظر گرفته شد. تمامی تجزیه و تحلیل در نرم افزار آماری برنامه R (نسخه ۳,۴,۱) انجام شد.

نتایج و بحث

پاسخ آنتی بادی موش‌های واکسین شده (CAP-OMP vaccine) با روش ELISA غیرمستقیم تعیین شد. جدول ۲ مقادیر اوسط پاسخ آنتی بادی موش‌های واکسین شده را تا ۳۰ روز پس از تطبیق دوز تقویت کننده نشان می‌دهد. اوسط پاسخ IgG گروپ VI واکسین شده با واکسین CAP-OMP تا ۱۴ روز به طور معنی داری افزایش یافت. پس از واکسیناسیون تقویتی در روز چهاردهم، تا ۲۱ روز به طور قابل توجهی افزایش یافت که تا روز ۲۸ حفظ شد. اوسط پاسخ IgG گروپ دوم واکسین شده با واکسین CAP-OMP (ذخیره شده در ۴ درجه سانتی گراد به مدت ۳۰ روز) تا ۱۴ روز حفظ شد. پس از واکسیناسیون تقویتی در روز چهاردهم، تا ۲۸ روز پس از معافیت دهی اولیه به طور قابل توجهی افزایش یافت. اوسط پاسخ IgG گروه III واکسین شده با واکسین CAP-OMP (نگهداری در حرارت ۴ درجه سانتی گراد به مدت ۶۰ روز) تا روز چهاردهم پس از واکسیناسیون اولیه به طور معنی داری افزایش یافت. پس از واکسیناسیون تقویتی در روز چهاردهم، تا روز ۲۸ پس از معافیت دهی اولیه به طور قابل توجهی افزایش یافت. اوسط پاسخ IgG گروه IV واکسین شده با واکسین CAP-OMP (در حرارت ۲۵ درجه سانتی گراد به مدت ۳۰ روز) بدون تغییر قابل توجه تا ۱۴ روز حفظ شد. پس از واکسیناسیون تقویتی در روز ۱۴، تا ۲۸ روز پس از معافیت دهی اولیه به طور قابل توجهی افزایش یافت. اوسط پاسخ IgG گروه V واکسین شده با واکسین CAP-OMP (که در حرارت ۲۵ درجه سانتی گراد به مدت ۶۰ روز) تا ۱۴ روز حفظ شد. پس از واکسیناسیون تقویتی در روز چهاردهم، تا ۲۸ روز پس از معافیت دهی اولیه به طور قابل توجهی افزایش یافت.

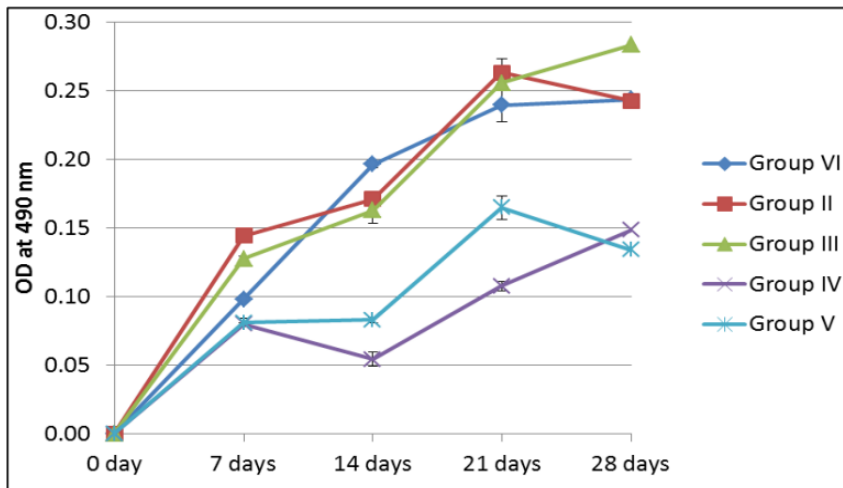
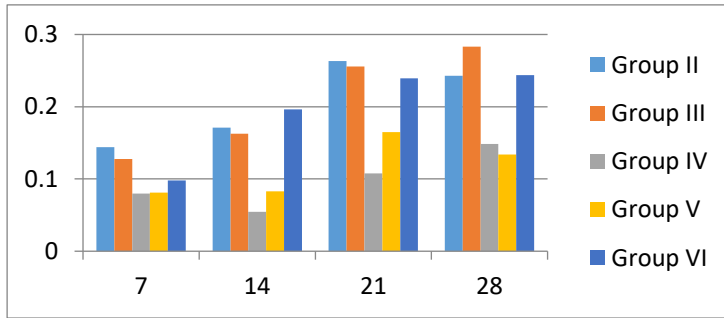
اوسط پاسخ IgG واکسین ذخیره شده در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید به طور قابل توجهی بالاتر از واکسین ذخیره شده در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید بود.

جدول ۲: اوسط پاسخ انتی‌بادی تا ۳۰ روز بعد از ذرق دومی توسط موش‌های واکسین‌شده را نشان می‌دهد.

روزها	روزهای پس از واکسینشن اولی				
	0	7	14	21	28
گروپ	Mean± SE	Mean± SE	Mean± SE	Mean± SE	Mean ± SE
VI گروپ	0.00	0.098 ^a ; I _± 0.0021	0.19 ^a ; II _± 0.0025	0.23 ^a ; III _± 0.0023	0.24 ^a ; III _± 0.01
II گروپ	0.000	0.14 ^b ; I _± 0.0009	0.17 ^{a,b} ; I _± 0.0038	0.26 ^a ; II _± 0.003	0.24 ^a ; III _± 0.01
III گروپ	0.00	0.12 ^b ; I _± 0.0037	0.16 ^b ; II _± 0.002	0.25 ^a ; III _± 0.009	0.28 ^b ; IV _± 0.003
IV گروپ	0.0001	0.08 ^a ; I, III _± 0.0027	0.05 ^c ; I _± 0.0007	0.10 ^b ; III _± 0.005	0.14 ^c ; II _± 0.003
V گروپ	0.0001	0.08 ^a ; I _± 0.0040	0.08 ^d ; I _± 0.003	0.16 ^c ; II _± 0.002	0.13 ^c ; III _± 0.008

حروف الفبا مختلف در داخل ستون (کالم) تفاوت معنی دار را در بین گروپها نشان میدهد. ارقام رومی مختلف در ردیفها، تفاوت معنی دار را در درون گروپها در زنانهای مختلف نشان میدهد (M Rasikh; S Sarma; S Tamuly, 2018).

گروپ VI: واکسین CAP-OMP در نخستین روز تهیه آن.
 گروپ II: واکسین CAP-OMP نگهداری شده در ۴ درجه سانتی‌گراد برای ۳۰ روز.
 گروپ III: واکسین CAP-OMP نگهداری شده در ۴ درجه سانتی‌گراد برای ۶۰ روز.
 گروپ VI: واکسین CAP-OMP نگهداری شده در ۲۵ درجه سانتی‌گراد برای ۳۰ روز.
 گروپ V: واکسین CAP-OMP نگهداری شده در ۲۵ درجه سانتی‌گراد برای ۶۰ روز.



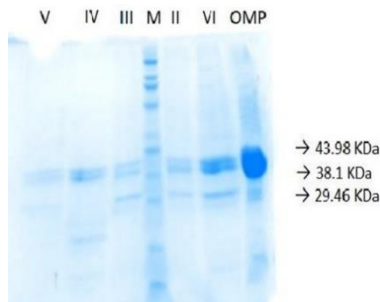
شکل-۱: نمایش گرافیکی پاسخ معافیتی در برابر واکنش CAP OMP

(M Rasikh; S Sarma; S Tamuly, 2018)

He et al. (2000) کلسیم فاسفیت (CAP) را با واکسین واحد فرعی (subunit vaccine) گلیکوپروتئین‌ها علیه ویروس HSV-2 در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید، حرارت اتاق، ۳۷ درجه سانتی‌گرید و ۵۰ درجه سانتی‌گرید برای یک دوره ۶ ماهه مورد ارزیابی قرار داد که در نتیجه هیچ تغییر قابل ملاحظه در pH، اندازه یا مورفولوژی سطحی مشاهده نشد. در مطالعه حاضر پاسخ آنتی‌بادی در برابر واکسین CAP-OMP که در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گراد به مدت ۳۰ و ۶۰ روز انکوبیت شده بود، کاهش یافت. تفاوت در خواص بیوفیزیکی واکسین واحد فرعی که با CAP استفاده شده بود، می‌تواند دلیل احتمالی آن باشد.

مقایسه ثبات OMP پس از انکوبیشن

برای درک بهتر ثبات پروتئین پس از انکوبیشن، SDS-PAGE (۱۲٪) برای تمام پروتئین‌های مربوط به واکسین CAP-OMP که در حرارت‌های مختلف ذخیره شده بود، اجرا شد. و الگوی باند به دست آمده برای هر یک از آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. واکسین CAP-OMP که در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید به مدت ۳۰ و ۶۰ روز نگهداری شد، نوار پروتئینی ۲۹/۶۴ کیلو دالتون را نشان نداد اما این باند در واکسین CAP-OMP که در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید به مدت ۳۰ و ۶۰ روز نگهداری شده بود، وجود داشت.



شکل ۲: پروفایل SDS-PAGE (12%) پروتئین غشاء خارجی سالمونلا تایفی‌موریم بعد از نگهداری، یکجا با نشانگر وزن مالیکولی ستاندرد که توسط Coomassie Brilliant Blue رنگ آمیزی شده است (M S Sarma; S Tamuly, 2018) (Rasikh).

Mei et al. (2002) گزارش داد که کونجوگیت‌های TT می‌توانند در حرارت ذخیره سازی بالاتر (تا ۵۵ درجه سانتی‌گرید به مدت ۵ هفته) ایمنوجن باقی بمانند و در برابر حرارت پایدارتر اند. به طور مشابه، پاسخ آنتی بادی در برابر پروتئین حامل TT تقریباً بدون تغییر بود، زمانی که واکسین‌ها در معرض سایکل‌های انجماد-ذوب قرار گرفتند و در حرارت ۲۳ یا ۳۷ درجه سانتی‌گرید ذخیره شدند. ذخیره سازی واکسین‌های Hib-TT در حرارت بالا (۵۵ درجه سانتی‌گرید) پاسخ ضد TT را کاهش داد، اما مجدداً این واکسین تفاوت معنی داری ($P < 0.05$) با واکسین‌های ذخیره شده در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید نداشت. این نتایج برخلاف نتایج مطالعه حاضر است که در آن پروتئین با وزن مولکولی پایین در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید از بین رفت.

نتیجه

بررسی مقالات موجود نشان داد که تا به امروز هیچ مطالعه‌ای جهت ارزیابی ثبات واکسین‌های مبتنی بر OMP سالمونلا تایفی موریوم گیرمانده در نانوذرات کلسیم فوسفیت در حرارت اتاق انجام نشده است. در مطالعه حاضر، ثبات واکسین CAP-OMP در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید یا ۲۵ درجه سانتی‌گرید به مدت ۳۰ یا ۶۰ روز بررسی شد. واکسین CAP-OMP که در حرارت ۴ درجه سانتی‌گرید انکوبیت شده بود، پاسخ IgG به طور قابل توجهی بالاتر از واکسین CAP-OMP انکوبیت شده در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید نشان داد. SDS-PAGE برای تمام واکسین‌های CAP-OMP پس از انکوبیشن در حرارت‌های مختلف اجرا شد. نتایج نشان داد که واکسین CAP-OMP ذخیره شده در حرارت ۲۵ درجه سانتی‌گرید یک باند پروتئینی ۲۹/۴۶ کیلو دالتون را که توسط (Sing, 2018) معافیت‌زا گزارش شده بود، از دست داد. مشاهده شد که واکسین CAP-OMP در حرارت اتاق پایدار نمی‌ماند احتمالاً به دلیل از دست دادن یکپارچگی آنتی‌جین که در پروفایل تفریقی باند پروتئینی در SDS-Page مشهود بود.

References

1. Balaji NS, Mathew MK, Krhnaswamy S. Functional assay of Salmonella Typhi OmpC using reconstitute large unilamellar vesicles: a general method for characterization of outer membrane protein. *Biochemie*, 2006; 88:1419-1424.
2. Choi-Kim H, Maheswaran SK, Feelice LJ, Molitor TW. Relationship between the iron regulated membrane proteins and the outer membrane protein of in vivo grown *Pasteurella multocida*. *Vet. Microbial*. 1991; 28:75-92.
3. He Q, Alaina R, Mitchell SL, Johnson CWB, Tulin M, Steve JDB. Calcium Phosphate Nanoparticle Adjuvant. *BioSante Pharmaceuticals*. 2000; 6:5-10.
4. He Q, Mitchell AR, Johnson ST, Wagner-Bartar C, Morcol T, Bell SDJ. Calcium Phosphate Nanoparticle induces mucosal immunity and protection against herpes simplex virus type 2. *Clin. Diagn. Lab. Immunol*. 2002; 5:1021-1024.
5. Mei M, Ho FM, Barbara B, Xavier L, Dennis TC, Rachel H et al. Physico-chemical and immunological examination of the thermal stability Institute for Biological Standards and Control,

Blanche Lane, Control, Blanche Lane, South Mimms, Potters Bar, Herts., EN6 3QG, UK. 2002, 3510- 3524.

Abstract

Vaccines are increasingly being used for Salmonella Enteritidis and Salmonella Typhimurium infection. Outer membrane protein (OMP) plays an important role in induction of immune response in the subject against the organism and can be used as an effective candidate vaccine. OMPs are weak antigen; require adjuvants which act non-specifically to increase the immune response of these weak antigens. Calcium phosphate nanoparticles (CAP) have been widely used as adjuvant given to its ease in large scale production and economical. One of the important aspects of vaccination is the proper maintenance of cold-chain that is one of the greatest issues in the developing countries owing to lack of continuous power supply hence, there is a need for stable vaccine against salmonellosis. In the present study, the stability of Salmonella Typhimurium OMP entrapped in calcium phosphate nanoparticle, in terms of immunogenicity, was studied in mice. The CAP-OMP vaccine incubated either for 30 or 60 days in 4°C or 25°C was used to immunize the mice. The CAP-OMP vaccine incubated at 4°C showed significantly higher IgG response than the CAP-OMP vaccine incubated at 25°C. It was observed that CAP-OMP vaccine does not remain stable in room temperature probably due to loss of integrity of antigen that was evident in differential protein band profile in SDS-PAGE.

Key words: Stability, CAP-OMP, Salmonella, incubation, vaccine

نقش سیاسی محمدولی خان دروازی در دولت امانی

پوهندوی در محمد ابراهیمی

چکیده

محمد ولی خان دروازی به‌هیئت نماینده و سفیر سیار حکومت مستقل وقت افغانستان برای اولین بار روابط سیاسی کشور را با جهان به‌مثابه یک دولت مستقل و آزاد تأمین نمود. وی به قاره‌های آسیا، اروپا و آمریکا سفر کرد و از این طریق استقلال و آزادی افغانستان را به‌معرفی گرفت. محمدولی خان دروازی بر علاوه سفیر سیار در حکومت امان‌الله خان در پست‌های کلیدی دیگر مانند وزیر خارجه، وزیر حربیه و نایب‌السلطنه شاه امان‌الله خان کار کرده است. او به عنوان یک آزادی‌خواه در مبارزه علیه استعمار و کسب استقلال افغانستان از هند برتانوی نقش مهم و ارزشمندی داشته است. بنابر این هدف این تحقیق توصیف جایگاه؛ و سوال تحقیق چيستی نقش سیاسی محمد ولی خان دروازی در حکومت امان‌الله خان می‌باشد. داده‌های این تحقیق با استفاده از میتود کیفی به شیوه کتاب‌خانه‌ای و با تکیه بر اسناد و روایت‌ها در منابع علمی - تاریخی گردآوری و مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دروازی چه در نقش سفیر سیار، وزیر خارجه، وزیر حرب و نایب‌السلطنه حکومت امان‌الله کار کرده و با درایت و فره‌مندی سیاسی که داشته جایگاه خویش را از نقش یک اسیر در دربار امیر عبدالرحمن تا نایب و وزیر در سلطنت شاه امان‌الله خان ارتقا بخشیده و جایگاه خویش را به‌هیئت یک شهزاده در تاریخ اثبات نموده است.

کلید واژه‌های: نقش، سیاسی، استقلال، نایب‌السلطنه، وزیر حرب و محمدولی خان دروازی.

مقدمه

بعد از ترور امیر حبیب‌الله خان در کله‌گوش لغمان و به‌قدرت رسیدن امان‌الله خان در سال ۱۹۱۹م در کابینه او، محمود طرزی به‌صفت وزیر امور خارجه و منسب کتابت دربار و متعاقب آن پست سفارت سیار به محمدولی خان دروازی سپرده شد. رحمت‌الله بیژن‌پور می‌نویسد که دروازی دارای شخصیت سیاسی با ثبات و طرز فکر ملی و ارزش‌گرا بود که در نهایت امانت داری به اجرایی و وظایف محوله می‌پرداخت. او دارای مهارت ویژه و هوشمندی

سیاسی بوده که کمتر شتاب‌زدگی و آشفتگی در رفتارش مشاهده می‌شد. باید اعتراف کنم که بحث در مورد افکار و نقش یکی از شخصیت‌های بزرگ سیاسی قرن بیستم افغانستان کار آسانی نیست. زیرا تحقیق علمی حد اقل تا کنون پیرامون جایگاه و شخصیت سیاسی و اجتماعی محمدولی خان دروازی صورت نگرفته است و سیمای آن سیاست‌مدار مطرح در هاله از ابهام باقی مانده است.

آن‌چه از ورایی روایت‌های تاریخی استنباط می‌شود، نشان می‌دهد که دروازی در میدان سیاست مرد عمل و دیپلمات ورزیده و در عرصه اداری و سیاست داخلی اصلاح‌طلب و میهن‌دوست بوده است. مبارزه او علیه استعمار خارجی و عقب‌ماندگی و استبداد داخلی و سپس تلاش او جهت بسیج نخبگان سیاسی و مسوولیت‌پذیری در راستای روشنگری و سهم او در مجله سراج الاخبار جنبه‌مختلف شخصیت او را تبارز می‌دهند. حبیب پنج‌شیری در مقاله نشر شده در روزنامه راه مدنیت ۱۴ آگوست ۲۰۲۰ می‌نویسد: در اندیشه دروازی هیچ اصلی بالاتر از منافع ملی و خدمت‌گذاری نسبت به مردم، برای یک سیاست‌مدار یا مسوول سیاسی وجود ندارد.

زندگی‌نامه محمدولی خان دروازی



عکس شماره (۱) گرفته شده از سایت روزنامه راه مدنیت

محمدولی خان دروازی فرزند شاه ابوالفیض یکی از خوانین محلی ولسوالی درواز ولایت بدخشان در سال ۱۲۷۰ هـ.ش مطابق به ۱۸۹۱م در درواز بدخشان دیده به جهان هستی

گشود (پو یان، ۱۳۹۳: ۱). شاه ابوالفیض خان و شاه محمود خان دروازی برادر او نسبت مخالفت که با شاه بخارا داشتند، دروازه‌ها را رها کرده در بخارا مهاجر شده زندگی می‌کردند

(لمر، ۲۰۲۳: ۱). جغرافیای سیاسی که

شاهان درواز در آن حکومت داشتند، شامل دروازه‌های هر دو طرف رود آمو (دریای پنج)، پامیر بزرگ، ولایت بدخشان (تاجیکستان امروزی)، ونج، گرم، کولاب، حصار، راغ، خواهان، چاه آب و برخی مناطق دیگر بدخشان کنونی افغانستان می‌شد.

وقتی امیر عبدالرحمن‌خان از ترس امیر شیر علی‌خان پادشاه افغانستان به بخارا فرار نمود و در آن‌جا نیز از طرف اعمال روسیه تزاری نظر بند بود، در دیداری با شاه محمود خان کاکای محمودلی‌خان دروازی تعهد می‌کنند که علیه حکومت امیر شیرعلی‌خان بخاطر بدست آوردن قلمرو خراسان و تاسیس دولت مستقیم در نواحی خود مختار درواز و بخشی از خراسان، قیام نمایند. خلاصه هر دو وارد بدخشان می‌شوند بعد از سربازگیری بطرف کابل حرکت می‌کنند. وقتی که به پل متک جبل اسراج می‌رسند، انگلیس‌ها نماینده خویش را نزد عبدالرحمن‌خان فرستاده و به وی وعده تاج و تخت کابل را بدون خون ریزی می‌دهند (عظیمی، ۲۰۲۰). قابل یادآوری است که در عهد نامه بین عبدالرحمن‌خان و شاه محمود خان تعهد شده بوده که مقام شاهی به عبدالرحمن و مقام صدارت به شاه محمود خان تفویض شود. در حالی که امیر عبدالرحمن بیش‌تر از یک هفته به تعهداتش با شاه محمود‌خان کاکای محمودلی‌خان دروازی وفادار نمی‌ماند و خود هم مقام شاهی و هم صدارت را یک‌جا بدوش می‌گیرد.

شاه محمودخان ناگزیر دوباره روانه بدخشان می‌شود. اما برادرزاده‌اش به بهانه‌ای تعلیم و تربیه از طرف امیر در کابل گروگان گرفته می‌شود تا شاه محمودخان اقدام به مخالفت با حکومت مرکزی را نکند و از طرف دیگر این شهزاده مطیع و فرمان‌بردار دربار شاهی باقی بماند. محمودلی‌خان دروازی ازین ماجرا غافل نبوده و هوش مندانه به تحصیلات خویش ادامه می‌دهد. دوره ابتدائیه را در مکتب "بابای خودی" در کابل و سپس بخاطر کسب علم سیاست و فلسفه وارد دارالفنون ایران می‌شود. پس از اتمام تحصیل دروازی با ذکاوت و فره‌مندی که داشته در زمان حبیب‌الله خان به عنوان سرجماعه جوانان دربار شهرت حاصل می‌نماید (مو سوی، ۲۰۱۹: ۲). و در زمان امان‌الله خان، محمودلی‌خان دروازی در



سمت‌های مهم دولتی مانند: سفیر سیار دولت مستقل افغانستان، وزیر خارجه، وزیر حربیه (دفاع) و نایب‌السلطنه حکومت شاه امان‌الله خان را بر عهده داشته است زمانی که دولت امانی سقوط می‌کند دروازی هیچ‌گونه مسوولیت رسمی و دولتی نداشت (لمر، ۲۰۲۳: ۱). محمودلی‌خان دروازی شخص نیکونام در زمان سلطنت محمد

نادر خان از آدرس رهبری حکومت به <http://www.afgahan-getman.com> عکس شماره (۲)

خیانت ملی متهم در جریده اصلاح به نشر می‌رسد و در زمستان ۱۹۲۹م، در یک محکمه علنی در حضور محمد نادر به هشت سال زندان محکوم و محبوس گردید. سرانجام به عمر ۴۲ سالگی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۳۳م مطابق به ۲۴ سنبله سال ۱۳۱۲ خورشیدی محمولی خان دروازی را بدون علت و دلیل با چند تن از شخصیت‌های تاثیرگذار در زندان دهمزنگ کابل به دار آویخته می‌شوند و پیکر آن شخصیت والا مقام را در آرامگاه قول آبچکان

کابل بخاک می‌سپارند و مقبره او نیز هم‌سان صدها مبارز راستین دیگر تا امروز به صورت مخروبه باقی مانده است (غبار، ۱۳۶۶: ۶۱-۶۶).

نقش سیاسی محمولی خان دروازی در حکومت امان الله خان

محمولی خان دروازی در خانواده سیاست پیشه زاده شد و در کل عمر اش در میدان سیاست سپری کرد. او هجرت سیاسی خانواده خود را مشاهده و سرنگونی قدرت شاهان درواز و واژگون شدن شان را به چشم دیده بود. اصول اداری و مملکت داری دروازیان را می‌دانست و چگونگی پیشبرد دولت‌داری و سیستم اداری شاهان بخارا و تسلط روس‌ها بر سمرقند و نواحی آن را عملاً مشاهده نموده بود. او در بار امیر عبدالرحمن خان بزرگ شد و عهد شکنی او را با بزرگان خانواده‌اش بیاد داشت. فکر و اندیشه خود جاداده بود و از میان رفتن میران بدخشان را که سال‌ها متمادی حکم راندند، دوره قهارترین و دیکتاتور ترین پادشاهی امیر عبدالرحمن را مشاهده کرد. عهد شکنی‌های امیر عبدالرحمن خان را با بزرگان خانواده‌اش بیاد داشت. شاه مستبد و دیکتاتوری که هزاران انسان را به کام مرگ فرستاده بود. او از مهر امیر عبدالرحمن خان در حاشیه قرآن عظیم الشان و عهد شکنی‌های مکرر دیگر او نیز آگاه بود همانند این ده‌ها حوادث دیگر در تجربه سیاسی و شخصیت محمولی خان دروازی تأثیر به‌سزایی گذاشته‌اند.

بر علاوه آن محمولی خان دروازی ۱۸ سال دیگر را در دربار امیر حبیب الله خان پادشاه نرم خو و عیاش سپری نمود و از گرمی‌ها و سردی‌های روزگار تجارب کافی کسب کرده بود. با انتشار جریده سراج الاخبار و اعضای آن و با افکار و شخصیت‌های عمده و هم عصر اش از نزدیک شناسایی حاصل نمود. کشته شدن امیر حبیب الله خان را که در حقیقت کودتای مشترک که توسط اعضای خانواده سلطنتی و دیگران راه اندازی شده بود را عملاً مشاهده کرده بود، بعد از مرگ امیر حبیب الله خان دروازی از سوی دربار ماموریت یافت که پیکر امیر را به جلال آباد منتقل سازد و به خاک بسپارد (غبار، ۱۳۶۶: ۷۴۱).

فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دروازی: شاه محمد ولی‌خان دروازی بنابر اسناد و شواهد دست داشته اولین ماموریت خود را در سن ۱۶ سالگی به حیث رئیس دفتر مطبوعاتی و مسوول کتابخانه ارگ و رئیس سرجماعه‌جوانان دربار شروع کرد، با مرگ امیر عبدالرحمن‌خان و به قدرت رسیدن حبیب‌الله‌خان محمودلی‌خان دروازی حزب سری دربار را از آزادگان اسیر در دربار تأسیس نمود (darwazi2,tarikh,ariaye). دروازی یکی از مبارزان تأثیرگذار در مشروطیت دوم و نهضت تجدد و نوگرایی افغانستان بود (اندیشمند، ۱۳۸۷: ۳). و به فعالیت‌های سیاسی خویش جهت رهایی از استبداد داخلی و استعمار خارجی آغاز نمود. سرجماعگی جوانان دربار در دوره سلطنت حبیب‌الله‌خان فرصت مناسب برای دروازی بوده چون از این طریق با شهزاده امان‌الله‌خان آشنایی از نزدیک پیدانموده امان‌الله‌خان در فکر طرح فعالیت‌های سیاسی در درون دربار بود با محمودلی‌خان دروازی هرزگاه‌ای مشوره می‌کرد (www.ariaye.com). داکتر لودویک آدمک در کتاب خود می‌نویسد: که محمد ولی‌خان دروازی آمر اداره مطبوعات و اطلاعات خصوصی امیر حبیب‌الله‌خان نیز بوده است. موصوف وابسته به گروهی بود که شهزاده شاه امان‌الله‌خان، سرور سلطان سراج‌الخوانین (علیا حضرت) مادر امان‌الله‌خان و خاندان شاغاسی شیردل‌خان بارکزیایی هم بدان متعلق بودند (شهرانی، ۲۰۰۹م: ۱۰). محمد ولی‌خان دروازی در مواقع جلوس امانی فعالیت شایانی از خود نشان داد بتاریخ دهم حوت ۱۲۹۸هـ ش (۱۹۱۹م) برتبه جنرالی و نشان حسن خدمت نایل گردید. از این‌جا بود که دوره عروج دروازی آغاز شد و شاه امان‌الله‌خان در سیاست و کاردانی از استعداد خداداد او استفاده می‌کند و دروازی همه امور کاری را صادقانه و موفقانه انجام میدهد (پوهنیار، ۱۳۷۹: ۹۰).

اولین ماموریت سیاسی دروازی: در ماه اپریل سال ۱۹۱۹م محمودلی‌خان دروازی از جانب شاه امان‌الله‌خان به حیث سفیر بخارا مقرر گردید و با عبدالوهاب‌خان به بخارا می‌رود، روز سوم ماه جون سال ۱۹۱۹م به هم‌رایی کرنیل حبیب‌الله‌خان به تاشکند می‌رسد و برای ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا خبر میدهد که وی (محمودلی‌خان دروازی) در رأس یک هیأت بخاطر کنفرانس صلح جانب پاریس روان می‌باشد. محمودلی‌خان دروازی در ماه اکتوبر سال ۱۹۱۹م جهت مذاکرات و امضای معاهده دوستی به مسکو می‌رود و در ماه جنوری سال ۱۹۲۰م واپس خود را به هرات رسانیده و در ماه جون سال ۱۹۲۰م دوباره وارد مسکو می‌گردد (زمانی، ۱۳۹۴: ۹۵). و به تاریخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱م در مسکو بین افغانستان و شوروی سابق، عهدنامه‌یی امضاء می‌نماید. موافق این عهدنامه طرفین متعهد شدند که علیه یکدیگر با دولت ثالث به گفت و شنود نمی‌پردازند. دولت شوروی حاضر شد که به افغانستان کمک اقتصادی، تخنیکی و پولی نماید. این اولین

عهدنامه افغانستان با دولت شوروی بود که حقوق مساویانه بین دو کشور رعایت شده بود (پنجشیری، ۱۳۹۹: ۸۱). دولت روسیه به مجرد رسیدن هیأت افغانی ضمن اعلامیه‌ی به عنوان اولین کشور، دولت جدید افغانستان را به رهبری شاه امان الله خان به رسمیت شناخت (جامی: ۱۲۲). لینن وقتیکه استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت در باره رئیس هیأت افغانی (محمودلی خان دروازی) گفته بود که افغانستان این چنین شخصیت‌های فهیم و کاردان دارد که توانستند استقلال خود را از بریتانیه عظمی حاصل نمایند. محمودلی خان دروازی بعد از مسکور با هیأت معیتی‌اش از آن طریق به ترکیه سفر می‌کند (پوهنار، ۱۳۷۹: ۹۳). محمد اکرم اندیشمند در رونامه کابل ناتھ - می‌نویسد: هیأتی بریاست محمودلی خان دروازی بسوی اروپا و ایالات متحده امریکا اعزام گردید. این هیأت در یک دوره‌ی زمانی دو ساله از طریق تاشکند تا مسکو و کشورهای اروپایی و تا واشنگتن سفر کرد و با یک دیپلوماسی فعال، افغانستان را به‌حیث یک کشور مستقل معرفی نمودند و به دست آورد مهم خروج افغانستان از انزوای منطقوی و بین‌المللی نایل گردیدند (اندیشمند، ۱۳۸۷: ۲-۳).



شاه ولی خان دروازی در راس هیئت شناسایی استقلال افغانستان در آلمان با غلام صدیق خان چرخ، فیض محمد خان ذکریا و دیگران. (عکس از صفحه شاه‌ولی خان دروازی در فیسیوک)

<http://www.afgahan-> عکس شماره (۳)

قبلاً تذکر رفت که دروازی در رأس هیئتی به روسیه شوروی سفر نمود و او وظیفه داشت که به کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای جهان سفر نموده روابط دیپلماتیک با آنها ایجاد نماید، افغانستان را از حالت انزوا بیرون کند گرچه در نخست بنابر سنگ‌اندازی‌های انگلیس مشکلات برای هیأت افغانستانی خلق گردید، ولی در

کل هیئت توانست روابط دیپلماتیک کشور را با یک تعداد از کشورها برقرار نماید، تقریباً سفر این هیأت که دروازی در رأس آن قرار داشت مدت دو سال را در بر گرفت (غبار، ۱۳۶۶: ۷۸۸).

محمودلی خان دروازی جهت ایجاد روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۲۱م به آلمان سفر کرد. او حاوی دونامه با خود بود: یکی از طرف وزارت امور خارجه، دیگری از جانب شاه امان الله خان. هر دو مکتوب استقلال و سلطنت امان الله خان را اعلام می‌کرد (آدمک، ۱۳۷۱: ۷۸). هیأت افغانی بعد از یک نیمه موفقیت به تاریخ ۳ جون سال ۱۹۲۱م از آلمان عازم ایتالیا شد و در آنجا از طرف امانیول سوم وزیر خارجه کشور ایتالیا استقبال گردید.

هیئت افغانی در ایتالیا توانست به موافقه تبادل سفرا بین دو کشور برسد بعدها روابط دیپلوماتیک بین این دو کشور ارتقاء قابل ملاحظه یافت.



ولی‌خان دروازی حین دیدار از طیاره‌های نظامی فرانسه که پسان‌ها چندین قرارداد با این کشور بسته شد. (عکس از: صفحه فیسبوک شاه‌محمد ولی‌خان دروازی)

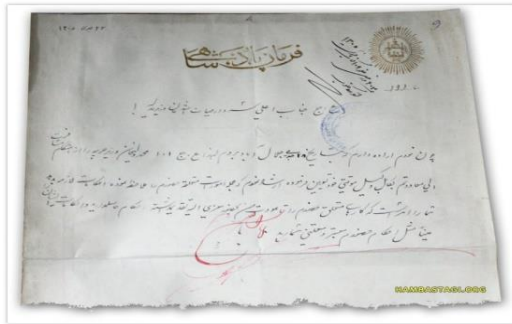
پس از موفقیت‌های هیئت افغانی در ایتالیا دروازی با هیأت همراهی وارد فرانسه شد و در آنجا هیئت به گرمی استقبال گردید، قرارداد روابط سیاسی فرانسه و افغانستان در ۲۸ اپریل ۱۹۲۲م به امضاء طرفین رسید، متعاقباً معاهدات دیگری با فرانسه عقد گردید و فرانسویان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و صحتی کشور سهم ارزنده گرفتند (فریاد افغان، ۱۳۸۸: ۲۰۵). به سلسله

<http://www.afgahan->عکس شماره (۴)

همان ماموریت سفارت سیاری که محمولی‌خان دروازی وارد لندن پایتخت انگلیس گردید، در آنجا وزیر مستعمرات انگلستان می‌خواست که جهت معرفی او به (کرزن) وزیر خارجه انگلیس با او همراهی نماید، اما دروازی قبول نکرده گفت که او حاضر است بایک کاتب وزارت خارجه نزد وزیر خارجه برود نه با وزیر مستعمرات، در غیر آن بدون ملاقات از انگلستان خارج می‌شود، بلاخره بعد از چند روز تعلل او را توسط رئیس تشریفات وزارت خارجه به نزد (کرزن) بردند (پوهنیار، ۱۳۷۹: ۹۳). ملاقات محمولی‌خان دروازی با لارد کرزن در لندن در یک فضای بسیار سرد صورت گرفت. در ملاقات لارد مذکور با یک تکبر استعمار جویانه اظهار کرد که مذاکرات کابل مربوط به وزارت خارجه بریتانیا نیست بلکه به دولت هند بریتانوی تعلق دارد. به این شکل در لندن مساعی هیأت افغانستان با سیاست دور از واقع بینی لارد کرزن مواجه شد و محمولی‌خان دروازی بنابر مذاکرات سرد کرزن و آزدگی از دولت انگلیس دعوت شاه انگلیس را نپذیرفت و از انگلستان خارج شد (زمانی، ۱۳۹۴: ۹۸). علاوه بر سفارتخانه‌های روس و انگلیس، نمایندگی‌های سیاسی کشورهای ترکیه، ایران، فرانسه، آلمان و ایتالیا در کابل و سفارتخانه‌ها و وزارت مختاری‌های افغانستان در کشورهای متذکره تأسیس شد (فرهنگ، ۱۳: ۵۲۲). از اثر این اقدامات سیاسی هیأت افغانی در امر گسترش روابط خارجی، افغانستان از انزوای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در سطح بین‌المللی رهایی یافت، و مسافرت افغان‌ها به خارج و اتباع کشورهای خارجی به افغانستان آغاز شد و همچنان عده‌یی از محصلان برای اكمال تحصیل در رشته‌های مختلف از جمله مسایل نظامی به آلمان، روسیه، ترکیه و ایتالیا اعزام شدند بلاخره محمولی‌خان دروازی بعد از موفقیت‌های زیاد در سفرهای خویش در ممالک مختلفه دوباره بادست پر به کشور برگشت (رهمند، ۱۳۹۲: ۲۰).

دومین ماموریت سیاسی دروازی: محمدولی خان دروازی بعد از سفر موفقیت آمیز که در رأس هیأت افغانی به کشورهای آسیایی، اروپا و آمریکا انجام داد به کشور برگشت، هیأت در ماه جون سال ۱۹۲۲م بدربار شاه امان الله خان رسید جهت تقدیر از هیأت افغانی مخصوصاً شاه محمدولی خان دروازی شاه او را به جای محمود طرزی در پست وزارت امور خارجه افغانستان گماشت، روابط خارجی کشور تحت مدیریت سیاستمدار میهن دوست چون دروازی موفقیت‌های روز افزونی را شاهد بود و چندین کشور دیگر نیز سفارت خانه‌های شان را در افغانستان گشودند(لمر، ۲۰۲۳: ۶). محمد ولی خان دروازی مدت دو سال دستگاه دیپلماسی کشور را رهبری کرد و سپس در سال ۱۹۲۴م محمودبیک طرزی مجدداً بجای او وزیر امور خارجه مقرر گشت و محمدولی خان دروازی در همین سال بجای محمد نادرخان به حیث وزیر حرب (دفاع) تقرر حاصل نمود(شهرانی، ۲۰۲۳: ۱۲). تقرر وی به وزارت حرب زمانی بود که شورش منگل‌ها در جنوب وضعیت امنیتی جنوب را به مخاطره انداخته بود، دروازی در مدت یک سال توانست این شورش بزرگ را که دست پنهان انگلیس در عقب او بود خاموش و شورشیان را سرکوب نماید و در سال ۱۹۲۵م موفقانه به کابل برگشت و مصروف کارهای اداری وزارت حرب و دربار شد(غبار، ۱۳۶۶: ۸۱۴-۸۱۰).

سومین ماموریت سیاسی محمد ولی خان دروازی نایب‌السلطنه افغانستان: در



فرمان شاه امان الله که در ۲۲ جدی ۱۳۰۵ صادر شده و طی آن ولی خان دروازی را در سفرش به جلال آباد وکیل سلطنت در کابل تعیین نموده است.

طول آشنایی دروازی با شاه امان الله خان، امیر بر وی اعتماد کلی پیدا نموده بود و این اعتماد تنها پایه دوستی نداشت از کاردانی و فهمیدگی و صداقتش نسبت به او ناشی می‌شد. از همین سبب در وقت سفرهای شاه امان الله خان به خارج از کشور در سال ۱۹۲۸م دروازی به‌حیث نایب‌السلطنه افغانستان تعیین گردید. دوره نایبی محمدولی خان دروازی دوره اوج عروج او در سیاست افغانستان بود وی را رجال سیاسی و مردم افغانستان به‌حیث نایب‌السلطنه وکیل شاه امان الله خان

<http://www.afgahan-getman.com> عکس شماره (۵)

می‌شناختند(موسوی، ۲۰۱۹: ۵). باید یاد آور شده که محمدولی خان در دوره نه ساله پادشاهی شاه امان الله خان هر وقتی که شاه به سفر میرفت به‌حیث وکیل سلطنت کار

می‌شناختند(موسوی، ۲۰۱۹: ۵). باید یاد آور شده که محمدولی خان در دوره نه ساله پادشاهی شاه امان الله خان هر وقتی که شاه به سفر میرفت به‌حیث وکیل سلطنت کار

می‌کرد و یکی از آن اوراق را در میان اسناد این مقاله مشاهده می‌نمایید که در سفر قندهار محمدولی خان دروازی را به عوض خود وکیل سلطنت انتخاب کرده می‌فرماید که در اوامر تحریری کلمه امر (به امر شاه امان الله خان) را در کنار امضاء خود بنویسید، خلاصه اینکه دروازی از هر نگاه در نزد شاه امان الله خان مقرب بود و دوره شاهی امان الله خان برای محمدولی خان دروازی یک دوره طلایی بوده که با عزت و حرمت تمام در فعالیت‌های سیاسی و اداری و در بلندترین مقام سلطنت نقش عمده داشته است.

(لمر، ۲۰۲۳: ۴).

نتیجه‌گیری

محمد ولی خان دروازی بنابر اسناد و شواهد دست‌داشته اولین ماموریت خود را در سن ۱۶ سالگی به حیث رئیس دفتر مطبوعاتی و مسوول کتابخانه ارگ و رئیس سرجماعه جوانان دربار شروع کرد، با مرگ امیر عبدالرحمن خان و به قدرت رسیدن حبیب الله خان محمدولی خان دروازی حزب سری دربار را از آزادگان اسیر در دربار تأسیس نمود و به فعالیت‌های سیاسی خویش جهت رهایی از استبداد داخلی و استعمار خارجی آغاز نمود.

با به قدرت رسیدن شاه امان الله خان در حقیقت دوره اوج عروج او در دستگاه دیپلماسی افغانستان آغاز می‌شود، دروازی در این دوره در قدم نخست به حیث سفیر افغانستان در بخارا، متعاقب آن به حیث سفیر سیار افغانستان به کشورهای آسیایی، اروپایی و آمریکا، به کشورهای روسیه شوروی، ترکیه، آلمان، ایتالیا، فرانسه، آمریکا و بریتانیا سفر می‌کند و کشور را از انزوای سیاسی و بین‌المللی بیرون نموده تفاهم‌نامه‌هایی را با کشورهای متذکره امضاء سفارتخانه‌های کشورهای فوق در افغانستان به فعالیت آغاز کردند و در عین زمان سفارتخانه و وزارت مختاری افغانستان در کشورهای متذکره به فعالیت دیپلماتیک خویش آغاز نمود.

دروازی بعد از ماموریت سیاسی موفقیت‌آمیز خارجی از طرف امان الله خان تقدیر و در پوست وزارت خارجه کشور به عوض محمود طرزی گماشته می‌شود، نام برده دستگاه دیپلماسی کشور را به خوبی در بحرانی‌ترین شرایط و مداخلات سریع و پنهانی هندبریتانوی از ۱۹۲۲-۱۹۲۴م مدت دو سال مدیریت می‌کند. به هر حال شاه قبل از آنکه نادرخان از وزارت حرب بر طرف شود نخست امور سرحدات آزاد را که اهمیت خاص در مجاری سیاست افغانستان و انگلیس داشت، از اختیار نادرخان گرفت و به رقیب سیاسی‌اش محمدولی خان دروازی داد و متعاقباً محمدولی خان که تنها یک نفر سیاست‌مدار مورد

اعتماد شاه بود در جای محمدنادر خان به وزارت حرب (دفاع) گماشته شد. دروازی در شکست شورش منگل (پاکتیا) در سال ۱۹۲۴م نقش کلیدی داشت و بعد از یک سال مدیریت جنگ در جنوب و شرق افغانستان در سال ۱۹۲۵م پیروزمندانه به کابل برگشت و به کارهای اداری وزارت حرب پرداخت تا اینکه شاه امان الله خان در سال ۱۹۲۸م به سفر اروپایی و آسیایی خود پرداخت و شاه محمولی خان دروازی را به حیث نایب السلطنه خویش (وکیل سلطنت) در کابل تعیین گرد و در مدت ۶ الی ۷ ماه دوری شاه از سلطنت به خوبی از عهده کارهای سیاسی و اداری دربار بدر آمد.

محمولی خان دروازی در دوره نُه ساله سلطنت شاه امان الله خان علاوه بر مسوولیت‌های مشخص فوق هر وقت که شاه به سفری میرفت دروازی به حیث نایب السلطنه کار می‌کرد، خلاصه اینکه دروازی از هر نگاه در نزد شاه امان الله خان مقرب بود و دوره شاهی امان الله خان برای دروازی یک دوره طلایی بوده با عزت و حرمت تمام در فعالیت‌های سیاسی و اداری و در بلندترین مقام سلطنت نقش عمده را بازی نموده است. براینده این اعتماد و رسالت‌مداری محمولی خان دروازی، باعث می‌شود که او را به‌عنوان یکی از معماران و هسته‌گذاران واقعی استقلال و ترقی خواهی افغانستان بدانیم.

منابع و مأخذ:

۱. آدمک، لودیک. (۱۳۷۱). روابط خارجی افغانهستان در نیمه اول قرن بیست. مترجم پوهاند فاضل صاحبزاده. کانون ترجمه آثار جهاد افغان.
۲. اندیشمند، محمداکرم. (۱۳۸۷). نقش محمودطرزی در نهضت و شنگری و نوگرایی دهی دوم و سوم قرن بیستم. کابل ناتھ: شماره مسلسل ۸۳ سال چهارم عقرب ۱۳۸۷ اکتوبر/ نومبر ۲۰۰۸.
۳. پنجشیری، حبیب. (۱۳۹۹). تاریخ معا صر افغانهستان. کابل: انتشارات سید حبیب الله.
۴. پوهنیار، سید مسعود. (۱۳۷۹). ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانهستان. پشاور: ناشر، میوند سبا.
۵. پویان، بهروز. (۱۳۹۳). ولی خان دروازی، معرف استقلال افغانهستان. (New/fa/category/history.html/)
۶. جامی، خلیل احمد. نگاهی به تاریخ معا صر افغانهستان از قرن ۱۱۸ الی ۲۰. ناشر: مدیریت فرهنگ پوهنتون سلام.
۷. حبیبی، عبدالحی. (۱۳۶۷). جنبش مشروطیت در افغانهستان. مطبعه دولتی: کابل افغانهستان.
۸. رهمند، عزیز احمد. (۱۳۹۲). تاریخ روابط بین المللی افغانهستان. انتشارات خراسان: کابل.
۹. زمانی، خیرمحمد. (۱۳۹۴). تاریخ روابط خارجی افغانهستان ۱۷۴۷-۱۹۷۸م. کابل- افغانهستان: مطبعه عازم.
۱۰. غبار، میرغلام محمد. (۱۳۴۶). افغانهستان در مسیر تاریخ. دوره کامل دو جلدی، کابل: مطبعه دولتی.
۱۱. فرهنگ، محمد صدیق. (۱۳۷۴). افغانهستان در پنج قرن اخیر. موسسه انتشارات: عرفان.
۱۲. فریاد افغان، نجم الدین. (۱۳۸۸). نگرشی بر تاریخ معا صر افغانهستان. پشاور: بخش تخنیکي انجمن نشراتی دانش.
۱۳. لمر، احسان. (۲۰۲۳). قاموس کبیر افغانهستان. <http://www.afghan-dic.com>
۱۴. موسوی، سعادت. (۲۰۱۹). محمودلی خان دروازی؛ معمار استقلال. ناشر: روزنامه راه مدنیت.

Abstract

Mohammad Wali Khan "Darwazi" was the Minister of Foreign Affairs, Minister of Defense and Viceroy of Shah Amanullah Khan and one of the real independence seekers. He played an important and valuable role in the struggle against internal tyranny and foreign colonialism and in gaining the country's independence from British rule. Darwazi as a representative and Ambassador-at-large of independent government of Afghanistan, has ensured the country's political relations with the world for the first time, traveled to Asian, European and American countries and introduced the national identity, independence and freedom of Afghanistan.

The purpose of this investigation is to find the role of Mohammad Wali Khan Darwazi in the reign of Shah Amanullah Khan and it answers to the question, what role did Derwazi play in the Amani independent government and what position did he enjoy in the monarchy? as well as What were the most important tasks entrusted to her and how did she manage them? The findings of this research show that Darwazi worked in important and key positions in Shah Amanullah Khan's cabinet, he did all the assigned tasks honestly and successfully and played a key role in removing the internal tyranny and external independence of Afghanistan, which has been discussed in detail. The research method in this article is qualitative in a library style.

Key words: Mohammad Wali Khan Darwazi, Shah Amanullah Khan, independence, politics, diplomacy.

علل و پیامدهای بی‌طرفی دولت افغانستان در جنگ جهانی دوم

پوهنیار حکمت‌الله میرزاده

چکیده

جنگ جهانی دوم^{۱۶} یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای تاریخ بشر بود، که در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۳۹م به وقوع پیوست. دولت افغانستان بنابر دلایلی در آن جنگ بی‌طرف ماند. مطرح بودن عوامل متعدد داخلی و خارجی در مسئله‌ی بی‌طرفی و پیامدهای سنگین ناشی از آن بر افغانستان، اهمیت و ضرورت تحقیق در این زمینه را افزایش داده است. روش مورد استفاده در این مقاله، کیفی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در سطح داخلی، عوامل چون: دو دسته‌گی در رهبری دولت، نقش برخی از مقامات خارج از حلقه‌ی خانواده‌ی شاهی، تصامیم لویه جرگه سال ۱۹۴۱م و در سطح خارجی، قرارگرفتن افغانستان میان روسیه و هند بریتانیایی، حمله‌ی آلمان به روسیه و حمله‌ی روسیه و انگلیس بر ایران و... سبب بی‌طرفی دولت افغانستان گردید؛ در حالی‌که جوانان، روحانیون و شماری از رجال دولتی و اعضای جوان خانواده‌ی شاهی مانند محمدظاهر، محمدداوود و... مصمم بودند تا افغانستان به حمایت از آلمان وارد جنگ شود؛ اما سیاست بی‌طرفی برای افغانستان بهای سنگین داشته و این کشور را از قضایای مهم جهانی منزوی و درگیر چالش‌های داخلی نمود. افزون بر آن، برآورده شدن اهداف هند بریتانیایی جهت کنترل قبایل سرحدی و اهداف روسیه جهت راندن انجیران آلمانی و ایتالیایی از افغانستان و به چالش کشیدن برنامه‌های عمرانی این کشور، ایجاد کشور پاکستان و شکل‌گیری منازعات مرزی، تغییرات در رهبری حکومت، فراهم‌شدن زمینه‌ی دموکراسی‌خواهی، آغاز فعالیت احزاب، نفوذ ایدئولوژیک شوروی، برقرار شدن روابط افغانستان با امریکا، رکود اقتصادی، رشد جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی و بهبودی اوضاع مراکز آموزشی از مهمترین پیامدهای دیگری سیاست بی‌طرفی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: سیاست بی‌طرفی، افغانستان، جنگ جهانی دوم، علل، پیامدها

¹⁶ Second World War

۱- مقدمه

بی‌تردید تاریخ با انسان و عملکرد انسانی سر و کار دارد و در پی کشف، بازسازی و نشان‌دادن واقعیت‌های می‌باشد که در گذشته زندگی آدمی رخ داده است. از سوی دیگر، رویدادهای چون جنگ جهانی دوم نیز در گستره‌ی تاریخ اتفاق افتاده و به بررسی و تحلیل گرفته می‌شوند. باید خاطرنشان ساخت، که آستانه‌ی وقوع رویدادها ست که مناسبات طرف‌های دخیل در یک رویداد پیچیده‌تر شده و از هر گزینه‌ی برای رسیدن به اهداف و تامین منافع خویش استفاده می‌کنند. کشورها در راستای تطبیق اهداف و تامین منافع‌شان با کشورهای داخل تعامل می‌شوند که دارای موقعیت مهم و تعیین‌کننده‌ی برای‌شان باشند. یکی از این کشورها که برای طرف‌های دخیل در جنگ جهانی دوم، بیشترین از لحاظ موقعیت جغرافیایی و نیروی رزمنده بشری اهمیت داشت، افغانستان بود. بدیهی است موقعیت ژئوپلیتیک^{۱۷} و ژئواستراتیژیک^{۱۸} هر کشور در سرنوشت و وضعیت آن کشور در نظام بین‌الملل پیامدهای به‌سزایی دارد؛ زیرا سیاست خارجی کشورها، همواره از وضعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتیژیک‌شان تأثیر می‌پذیرند.

جنگ جهانی دوم، یکی از رویدادهای بزرگ و مهم جهانی بود که در میان سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۴۵ میلادی اتفاق افتاد. این جنگ بیشترین در واکنش به پیامدهای ناشی از جنگ جهانی اول، از سوی آلمان، ایتالیا، ژاپن و متحدین آنها آغاز گردید. رفته رفته، این واقعه، جهان را به دو محور بنام‌های «متحدین» و «متفقین» تقسیم نمود. چنانچه تاریخ و مردم افغانستان شاهد تلاش کشورهای چون آلمان، ایتالیا، بریتانیا، ترکیه، روسیه، ایران و... جهت کشاندن دولت وقت افغانستان به صف یکی از طرف‌های درگیر جنگ می‌باشند. این تلاش‌ها منجر به دودسته‌گی در میان دربار شاه گردیده و در نهایت دولت افغانستان ظاهراً تصمیم به بی‌طرفی می‌گیرد. قابل ذکر است، آن بی‌طرفی در «۶ سپتامبر ۱۹۳۹م» طی فرمانی اعلام و به تاریخ «۵-۶ نوامبر ۱۹۴۱» آن فرمان در لویه جرگه تأیید و عملی گردید.

اهمیت و ضرورت تحقیق روی این موضوع از آنجا برجسته می‌شود که مسائل چون دو دسته‌گی در میان دربار شاهی، وجود تناقض میان خواست‌های مردم و دولت، وابسته‌گی‌های برخی از افراد با نفوذ درون و بیرون دربار شاهی با کشورهای منطقه و جهان و فعالیت‌های بسیاری از آن کشورها جهت دخیل ساختن افغانستان و یا هم بی‌طرف نگاه‌داشتن آن در جنگ و... همه در بحث بی‌طرفی دولت افغانستان نقش پیدا می‌کند. از

¹⁷ Geo Plutics

¹⁸ Geo Strategy

سوی دیگر، اعلام سیاست بی‌طرفی برای مردم و دولت افغانستان بهای سنگین داشت و این کشور از ردیف کشورهای مطرح و دخیل در قضایای مهم جهانی منزوی ساخته و درگیر چالش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داخلی نمود. لذا، در این مقاله تلاش شده است تا عوامل و پیامدهای سیاست بی‌طرفی دولت افغانستان را در جریان جنگ جهانی دوم تشخیص شوند؛ تا باشد موضع‌گیری‌های بعدی دولت‌های افغانستان بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط عینی این کشور تعریف و اعلام شود. بنابر این، پژوهش روی این موضوع از اهمیت و ضرورتی ویژه برخوردار می‌شود. از سوی دیگر، محتوای این مقاله می‌تواند به سهم خود در غنای بحث‌های مضمون‌درسی تاریخ معاصر افغانستان کمک نماید و نیاز دانشجویان حوزه‌ی تاریخ را در زمینه‌ی موضوع متذکره مرفوع نماید. قابل‌یادمانی است هدف اصلی مقاله را برجسته‌سازی علل اتخاذ سیاست بی‌طرفی دولت افغانستان در جنگ جهانی دوم و پیامدهای ناشی از آن تشکیل می‌دهد. این‌که کدام علل در مسئله‌ی سیاست بی‌طرفی دولت افغانستان در جنگ جهانی دوم نقش داشته و منجر به چه پیامدهای شده‌است؟، پرسش اصلی این مقاله می‌باشد. از آن‌جایی که این یک تحقیق کیفی است، نویسنده از روش اسنادی با رویکرد تحلیل محتوا استفاده کرده و با بهره‌گیری از منابع معتبر کتاب‌خانه‌ای، اینترنتی و رسانه‌ای از طریق فیش‌برداری به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و آنها را پس از دسته‌بندی و تحلیل وارد متن اصلی نموده است.

۲- پیشینه‌ی تاریخی موضوع

هرگاه به تاریخچه‌ی مسایل مربوط به جنگ جهانی دوم و سیاست بی‌طرفی دولت افغانستان در آن نگاه کنیم، بر می‌گردد به قرن بیستم؛ قرن‌ی که دومین جنگ بزرگ جهانی در آن اتفاق افتاد و جهان را تا حدی ویران و خساره‌مند ساخت. در این برهه‌ی زمانی بود که یک باری دیگر افغانستان مورد توجه جهان به ویژه طرف‌های درگیر جنگ قرار گرفت. هریک از طرف‌ها با استفاده از ترفندها و گاهی هم فشارها، خواستند دولت افغانستان طرفی را بگیرد و یا بی‌طرف بماند؛ تا این‌که با توجه به عوامل مختلف داخلی و خارجی دولت افغانستان سیاست بی‌طرفی اختیار نمود؛ اما پس از ختم جنگ جهانی دوم و شکست محور متحدین از جمله آلمان، این کشور از اوضاع پیش آمده متاثر گردید. بنابر این، در سال‌های جنگ سرد^{۱۹} (۱۹۴۶-۱۹۹۱م) مورد توجه اتحاد جماهیر شوروی و امریکا که بعد از آن جاگزین هند بریتانیایی در جنوب شرق آسیا شده بود، قرار گرفت.

¹⁹ Cold war

مطالعات اکتشافی و مراجعه‌ی به آثار نویسندگی‌های دیگر نشان داده است، که تا کنون هیچ تحقیق علمی تحت همین عنوان (علل و پیامدهای بی‌طرفی دولت افغانستان در جنگ جهانی دوم) از سوی سایر نویسندگان به رشته‌ی تحریر درنیامده است. صرفاً در تعدادی از کتاب‌ها و مقالات نشر شده در ژورنال‌ها و سایت‌ها، به شکل کلی و عمومی به مسئله‌ی سیاست خارجی پادشاهی محمدظاهر و بی‌طرفی آن در جریان جنگ جهانی دوم پرداخته شده است. ناگفته نباید گذشت که تنها یک نوشته از آقای حشمت‌علی سینا تحت عنوان «جنگ جهانی دوم و پیامدهای آن برای افغانستان» در وبسایت شخصی‌اش به نشر رسیده بود که در واقع محتوای آن به شکل پراکنده و بدون منابع و مأخذ و در نظرداشت قواعد علمی تحقیق به نظر می‌رسید. دیگر هیچ مقاله یا کتابی مشخصاً در این زمینه نگاشته نشده است. فلذا پژوهش این روی موضوع یک اقدام کاملاً جدید و ضرورت مبرم می‌باشد.

۳- اعلام سیاست بی‌طرفی

باتوجه به شرایط شکننده‌ی سیاسی و اقتصادی افغانستان و سیاست‌های بی‌رویه و پراکنده‌ی دولت‌مردان آن زمان و به دنبال این اظهارات محمدعلی وزیر امور خارجه افغانستان که گفته بود: «... دیگر افغانستان نه پیرو انگلیس نه پیرو روس نه پیرو آلمان بوده بلکه پیرو افغانستان است.» (مبارز، ۱۳۹۰: ۳۱۳)، رهبری نظام شاهی ظاهراً تصمیم به بی‌طرفی گرفته و به اساس فرمان تاریخی «۶ سپتامبر ۱۹۳۹» این تصمیم خویش را اعلام نمودند که بعداً از طریق «لویه جرگه مورخ ۵-۶ نوامبر ۱۹۴۱» این تصمیم را تأیید کرده و مشروعیت بخشیدند.

۴- علل بی‌طرفی

۴-۱ دو دسته‌گی در رهبری دولت: یکی از عواملی بسیار مهم دو دسته‌گی میان رهبران و دولت‌مردان آن نظام بود. در دیدگاه‌های اعضای مهم خانواده شاهی تردد و تزلزل به وضوح دیده می‌شود. این دو دسته‌گی میان اعضای تصمیم‌گیر خانواده‌ی شاهی را زنده‌یاد فرهنگ این‌گونه شرح می‌دهد که در این بحث به آن بسنده می‌کنیم:

«... پس از آنکه حزب ناسیونال سوسیالیست زمام قدرت را در آلمان در دست گرفت و تاثیر خود را در سیاست بین‌المللی توسط اقدامات جدی و کامیاب مانند احیای نیروی نظامی آلمان و اشغال مجدد ساحل رودخانه راین به اثبات رسانید، در قشر حاکمه افغانستان دو نظر متمایز راجع مناسبات با این نیروی جدید نمودار گردید. اعضای کلانسال خانواده بخصوص محمدهاشم خان صدر اعظم به این فکر بود که این تحول را نادیده گرفته سیاست

خارجی کشور را مانند سابق بر مبنای مناسبات ویژه با انگلستان ادامه بدهد. اما عده دیگر که جوانان خانواده چون محمدظاهر شاه، محمد داوود خان و محمدنعیم خان جزء آن بودند... میخواستند روابط نزدیکتر با آلمان برقرار نموده از تخنیک و صنعت و امداد مالی آن در تطبیق طرح‌های اقتصادی استفاده نمایند.» (فرهنگ، ۱۳۹۱: ۶۳۳).

۲-۴ نقش برخی از مقامات خارج از حلقه‌ی خانواده‌ی شاهی: برخی از مقامات خارج از حلقه خانواده‌گی نظام شاهی نیز در سیاست‌گذاری خارجی نقش تعیین کننده‌ای داشتند، مانند عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد ملی و علی محمد و فیض محمد ذکریا بالنوبه وزرای امور خارجه. چون در ابتدا دولت محمدظاهر از طریق این افراد روابط نزدیک و حسنه‌ی با آلمان برقرار کرده بودند. طوری که در صفحات قبل تذکر داده شد، فیض محمد ذکریا در سفر به آلمان و در دیدار با ادولف هیتلر رهبر آلمان نازی، آلمانی‌ها را برادر بزرگ آریایی خطاب کرده بود. همین‌گونه عبدالمجید زابلی نیز قبل از آغاز جنگ گفته بود: «... افغانستان پس از بدست آوردن سلاح کافی از آلمان، حاضر است به طرفداری آلمان داخل جنگ گردیده، اقدامات قبایل سرحد را علیه دولت برتانیه تقویت نماید به شرطی که در پایان جنگ، آلمان سرزمین‌های واقع در شرق و جنوب افغانستان را تا رودخانه سند و بندر کراچی به ما واگذار شود.» (نعیم‌رها، ۱۳۹۰: ۲۴۳)؛ این در حالی است که بعدتر دیده می‌شود آقای زابلی و برخی دیگر از مقامات دولت محمدظاهر تغییر دیدگاه داده، این‌گونه سیاست اتحاد می‌نمایند: «... افغانستان به هر بهایی که باشد بیطرفی کامل خود را حفظ کند... بیطرفی افغانستان شاید سودمند باشد...» (مبارز، ۱۳۹۰: ۳۱۹). در حالی که این یک سیاست دو رویه و ابن‌الوقت و در نهایت ناکام بود.

۳-۴ تصامیم لویه جرگه سال ۱۹۴۱م: محمدها شم برای این که تصمیم‌اش را که ظاهراً بی‌طرف نگه‌داشتن دولت افغانستان بود، صبغه‌ی ملی و مردمی بخشیده و تایید و عملی کند و از طرفی هم بتواند خود از قضاوت تاریخ برحذر داشته باشد، اقدام به برگزاری لویه جرگه نمود. پس از آن که لویه جرگه به دستور محمدها شم دایر گردید، تصامیم مورد نظر دولت را تایید و مشروعیت بخشید. چنانچه بخشی از اعلامیه‌ی لویه جرگه متذکره چنین صراحت دارد: «... ما نمایندگان ملت افغانستان به موجب اختیاراتی که از مؤکلین به ما داده شده است و برای لویه جرگه به کابل آمده‌ایم... بیان می‌داریم: خط مشی سیاسی که حکومت المتوکل علی‌الله تا کنون تعقیب نموده، مطابق آرزوی ما بوده کاملاً درست است. لهذا ما نمایندگان لویه جرگه سیاست بیطرفی کامل را که تا حال نگهداشته شده و در آینده هم بطور قطعی و حکم باید حفظ شود، تصدیق می‌نماییم...» (ننگیال، ۱۳۷۹: ۸).

۴-۴ قرارگرفتن افغانستان میان دو قدرت بزرگ منطقه‌ای (روسیه و هند بریتانیایی): افغانستان با وصف روابط نزدیک سیاسی و تجارتي که با کشورهای بریتانیا و آلمان داشت، از نقطه نظر جغرافیایی میان دو متحد جنگ جهانی دوم (روسیه و هند بریتانیایی) که مخالف آلمان و هم‌پیمانان‌اش بودند نیز قرار گرفته بود. طوری که برخی از تاریخ‌نگاران چنین می‌نویسند: «این مساله باید در نظر گرفته شود که افغانستان در بین دو کشور قدرتمند اروپایی موقعیت داشت. از طرف شمال اتحاد شوروی و از جنوب و شرق هند برتانوی. در آن حالت کشور سومی وجود نداشت و جامعه ملل از موثریت برخوردار نبود. در چنان حالت برای افغانستان سیاست خارجی بسیار اهمیت داشت و این مساله مهم بود که چطور بین دو کشور قدرتمند بی‌طرفی و آزادی خویش را حفظ کنند.» (اغنداوی، ۱۳۷۷: ۴۱). با توجه به همین موضوع، تاکید می‌شود: «... اگر افغانستان سیاست بیطرفی را در پیش نمی‌گرفت مانند ایران یک قسمت آن زیر تاثیر شوروی و قسمت دیگری آن زیر تاثیر انگلیس قرار می‌گرفت. به این اساس افغانستان تشخیص کرد که باید بیطرف باشد...» (همان اثر، ۴۳). این دیدگاه‌ها در حالی مطرح می‌شود که اسناد زیادی تاریخی وجود دارد مبنی بر این که محمدنادر پدر محمدظاهر به حمایت وسیع هند بریتانیایی در برابر پادشاهی امان‌الله و حبیب‌الله کلکانی مبارزه می‌نمود تا این که به قدرت رسید. علاوه بر آن، سلاله‌ی وی چون محمدهاشم نیز یکی از افراد مورد اعتماد و حمایت انگلیس‌ها بود. در مورد محمدهاشم می‌نویسند: «بعد از به قدرت رسیدن ظاهرشاه، عده‌ی از وزرای کشور به آلمان مسافرت کردند که این امر باعث نزدیک شدن روابط هر دو کشور شد. بریتانیا متوجه این اوضاع بود چون اعتماد به محمدهاشم‌خان داشتند بناءً هیچ نوع مداخله نکردند.» (فریاد افغان، ۱۳۸۴: ۲۶۳)؛ اما پس از آن که آلمانی‌ها بر خاک روسیه حمله می‌کند، روس‌ها و انگلیس‌ها یکی پس از دیگری خواهان اخراج فوری متخصصین آلمانی، ایتالیایی و دول محور از افغانستان می‌شود. طوری گفته شده است، درخواست روسیه به تاریخ «۱۱ اکتوبر ۱۹۴۱» و درخواست انگلیس در «۱۹ اکتوبر ۱۹۴۱» صورت گرفت. به هر حال، این وابسته‌گی‌ها، همه نشان‌گر این مهم است که دولت وقت افغانستان نه آزاد بوده و نه بی‌طرف. این درست است که قرار گرفتن در میان دو قدرت متحد در جنگ، می‌تواند یک محدودیت تلقی شود و تصمیم‌گیری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را دشوار سازد؛ اما این به این معنا نیست که ادعا شود که «بی‌طرفی تصمیم مفید برای آزادی و آبادی» بوده است. چون پس از پایان جنگ دیده می‌شود این بی‌طرفی هیچ نفعی برای افغانستان نداشت است، جز برآورده شدن اهداف هندبریتانیایی مبنی بر کنترل قبایل سرحدی و اهداف روسیه مبنی بر راندن متخصصان و انجیران آلمانی و ایتالیایی از افغانستان و به کندی مواجه کردن برنامه‌های عمرانی کشور.

۵-۴ حمله‌ی آلمان به روسیه و قطع شدن رابطه‌ی آن کشور با افغانستان: با گرم شدن صحنه‌ی محاربه میان نیروهای متفقین و متحدین، آلمان از بهر زمین‌گیر کردن روسیه به آن کشور حمله‌ی وسیعی نظامی انجام داد که این مسئله بر روابط افغانستان با آن کشور تاثیر منفی گذاشت. چون: «... حمله آلمان به روسیه، روسیه و انگلیس را در اتحاد قرار داد و روابط افغانستان با آلمان قطع شد. و دیگر، سقوط حکومت رشیدعلی گیلانی در عراق سیاست‌مداران افغانستان را متوجه نتایج جنگ اول جهانی کرد که فکر کردند که سیاست یک جانبه به ضرر است و اگر دو کشور متحد یعنی انگلیس و روس به افغانستان حمله نمایند افغانستان از بین می‌رود... بناءً طی فرمانی اعلیحضرت ظاهرشاه بیطرفی را اعلان کردند.» (مبارز، ۱۳۹۰: ۳۲۳).

۶-۴ حمله‌ی روسیه و انگلیس به ایران: این مسئله تأثیر مستقیم بر سیاست خارجی افغانستان داشت. به همین خاطر، می‌بینیم که انگلیس از افغانستان درخواست می‌کند تا مشاورین و متخصصان آلمانی، اتریشی و ژاپنی را از این کشور اخراج نماید و افغانستان نیز با دادن جواب مثبت به این درخواست و اخراج آن‌ها از راه هند، عراق و ترکیه حیثیت خود را نزد انگلیس‌ها بالا می‌برد؛ ولی با آن‌هم گفته می‌شود: «... پس از داخل شدن نیروی نظامی دو کشور مذکور [روس و انگلیس] در ایران در تابستان سال ۱۹۴۰ به بهانه اخراج اتباع دولت محور از آنجا بی‌طرفی افغانستان قطعی گردید...» (میهن‌ورد، ۱۳۹۰: ۴۳). چون دولت محمدهاشم می‌هراسید که مبدا آن دو کشور به افغانستان حمله کنند و سبب ویرانی کشور شوند.

۵- پیامدهای بی‌طرفی بالای افغانستان

۱-۵ ایجاد کشور پاک‌ستان و شکل‌گیری منازعات مرزی میان افغانه‌ستان و آن کشور: یکی از پیامدهای بین‌المللی جنگ جهانی دوم، آمدن تغییرات اساسی در نقشه‌ی سیاسی جهان و تجزیه‌ی قلمروهای سیاسی بعضی کشورها به ویژه نیم‌قاره‌ی هند بود، که طی آن، کشور پاکستان در سال ۱۹۴۷م به وجود آمد. این مسئله، معاهدات مرزی را که قبلاً میان افغانستان و هند بریتانیایی امضاء شده بود، مورد توجه قرار داد. اختلافات افغانستان و پاکستان بر سر مسئله‌ی پشتونستان به پیمانه‌ی قابل توجهی زمینه‌ساز نزدیکی میان هند و افغانستان گردید. طوری که گفته می‌شود: «... به میان آمدن پاکستان به عنوان یک کشور مستقل مساله مشکلات مرزی را برای افغانستان سر از نو ایجاد کرد که هرگز نتوانست به وضاحت کامل حدبخشی قانع کننده به عمل آید و نقاط مرزی میان هر دو کشور در ساحه‌های معین تثبیت و تعیین گردد.» (ارغنداوی، ۱۳۷۷: ۳۹۶). پس از

آن که محمد داوود پسر کاکای محمد ظاهر به نخست‌وزیری رسید، روابط شوروی با افغانستان محکم‌تر شد. محمد داوود با توجه سیاست ناسیونالیستی خودش و دیکته‌های شوروی، مسئله‌ی پشتونستان را جدی‌تر از قبل دنبال کرد و همسایه جدید و مهم افغانستان (پاکستان) را که قسماً از حمایت امریکا و کشورهای امپریالیست غربی برخوردار بود، به دشمن جدی این کشور تبدیل کرد؛ تا این که زخم ناسور معاهده دیورند و پشتونستان خواهی تا کنون افغانستان را درگیر چالش‌های ناخواسته ساخته است. در زمینه‌ی این که چرا محمد داوود جدا از بحث شدت ایده‌ی ناسونالیستی قومی‌اش، به مسئله‌ی پشتونستان بها می‌داد و آن را جدی گرفته بود؟، چنین روایت شده است: «... محمد داوود خان بخاطر با این مسئله دلچسپی داشت که پشاور در عهد سلطان محمد طلابی جد محمد داوود خان بدست هند برتانوی رفته بود به همین خاطر سخت علاقه داشت تا به آزادی و خودمختاری پشتونستان، آنرا جبران نماید.» (قاسمی، ۱۳۷۸: ۵۲).

۲-۵ آمدن تغییرات در رهبری حکومت: یک‌سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، در سال ۱۹۴۶م بود که تغییراتی در رهبری حکومت به وجود آمد و دوره‌ی جدیدی آغاز شد، که بعضی از ناظران سیاسی، آن را دوران دموکراسی خوانده‌اند، که مصادف است با آغاز صدارت شاه محمود. در مورد علت تغییر در رهبری حکومت گفته شده است: «ماه مه ۱۹۴۶م اثر فشارهای بین‌المللی و بر اثر فشاری که سازمان ملل متحد بر افغانستان وارد آورد که حقوق افراد در اینجا مراعات نمی‌شود و آزادی انسانی وجود ندارد، تغییری در ساختار سیاسی افغانستان و دولت این کشور اتفاق افتاد. شاه محمود خان که به اندازه‌ی هاشم خان قسی‌القلب نبود و مرد رؤوف و مهربانی بود، بر اریکه قدرت نشست...» (طنین، ۱۳۸۴: ۸۳). از سوی دیگر، گفته‌اند: «محمد هاشم... در ماه می ۱۹۴۶م به اثر فشار خانواده و شخص پادشاه که اکنون بیشتر از سی سال داشت و میخواست از تندروری‌های کاکایش در داخل کشور که باعث انعکاسات منفی در خارج گردیده بود جلوگیری نماید مجبور به استعفاء گردید.» (فریاد افغان، ۱۳۸۴: ۲۶۶)؛ اما آقای شهرت ننگیال در کتاب خویش (شاه سابق محمد ظاهر شاه) به نقل از عبدالرحمان پژواک استعفای محمد هاشم ناشی از فشارهای خانواده‌گی و جهانی رد نموده، این موضوع را ناشی از «کهولت سن، ضعیفی و رضایت» خود محمد هاشم عنوان می‌کند (ننگیال، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۳). به هر حال، آنچه را به عنوان گپ اصلی می‌توان گفت، این است که محمد هاشم به اثر فشارهای داخلی و خارجی و سازگار نبودن سیاست وی با سیاست جهان پساجنگ و خاطرات بدی که از خود در دل مردم به ویژه جوانان و روشن‌فکران افغانستان گذاشته بود، از سمت کنار کشیده شد.

۳-۵ فراهم شدن زمینه‌های دموکراسی خواهی و آزادی در کشور: روایت است در دوره‌ی شاه‌محمود: «... عده‌ی از افراد وطنپرست کشور که در مناطق مختلف تبعید گردیده بودند. امکانات بازگشت به وطن شان یافتند که میتوان از غلام‌محمد غبار نویسنده‌ی مشهور کشور نام برد. عده‌ی از طرفداران امان‌الله‌خان که در زندان‌های مختلف حبس بودند، از حبس رها شدند... مردم افغانستان کم‌کم لذت آزادی را چشیدند.» (فریادافغان، ۱۳۸۴: ۲۶۷). روی‌هم‌رفته، در سال دوم نخست‌وزیری شاه‌محمود بود که برای نخستین بار جرقه‌های دموکراسی در کشور به صدا درآمد. مانند این‌که: «...شاه‌محمدخان... انتخابات را در شاروالی‌ها به راه انداخت، مردمان شهر به صورت آزاد، مستقیم و سری رأی خود را به صندوق‌ها انداختند و در این کار دولت مداخله نکرد. در کابل مردم غلام‌محمد فرهاد را که تحصیل کرده آلمان بود به عنوان شاروال کابل تعیین کردند...» (همان اثر، ۲۶۸). در دوره‌ی شاه‌محمود به اهتمام شورای ملی وقت، «اصول‌نامه مطبوعات» تدوین گردید که نشان دهنده‌ی آزادی نسبی بیان و گرم شدن بازار «نشرات آزاد» در کشور می‌باشد. نشریات آزاد آن دوره عبارت بودند از: «انگار، ندای خلق، وطن، نیلاب، آئینه، اتوم، پامیر، صدای ملت، پیام افغان و الفبا.» (تنویر، ۱۳۸۰: ۱۴۶).

۴-۵ آغاز فعالیت شماری از احزاب سیاسی: هم‌زمان با فراهم شدن زمینه‌ی آزادی‌های نسبی، برخی از احزاب و جریانات سیاسی نیز برای نخستین بار به شکل آشکار و نیمه‌آشکار فعالیت‌های خویش را آغاز کردند.

نهضت «ویش زلمیان» یکی از نخستین احزاب سیاسی افغان‌ستان بود که در سال ۱۳۲۶هـ.ش توسط افرادی چون «عبدالرؤف بینوا»، «گل‌پاچا الفت»، «عبدالحی حبیبی» و... تأسیس گردید و به شکل علنی فعالیت‌های خویش را آغاز نموده بود. باورها بر این است که: «... جنبش ویش زلمیان عمدتاً توسط یک‌عده روشنفکران پشتون به وجود آمد و بیشتر یک جنبش پشتونی بود.» (طنین، ۱۳۸۳: ۸۶). یکی از احزاب مهم دیگر آن دوره، همانا «حزب وطن» است. این حزب در سال «۱۳۲۹هـ.ش» توسط «میرغلام‌محمد غبار» تأسیس شده است. از «میرمحمد صدیق فرهنگ» و «احمدعلی کهزاد» به عنوان اعضاء برجسته‌ی این حزب نام برده می‌شود. سرانجام این حزب در سال ۱۳۳۵ میلادی از طرف محمد داوود منحل گردید. یکی از احزاب مشهور و تاثیرگذار دیگر در جوء سیاسی افغانستان آن‌زمان، حزب خلق بود که در سال «۱۹۵۰م» توسط یک داکتر طب بنام «عبدالرحمان محمودی» بنیان‌گذاری شد. آراء این حزب به واسطه‌ی ارگان نشراتی رسمی آن (ندای خلق) نشر و تبلیغ می‌شد. گفته می‌شود: «... این حزب به اصول دموکراسی پابند و خیلی‌ها علاقه‌مند به حکومت مردمی بود که توسط مردم انتخاب شود. زندگی سیاسی

این حزب تقریباً دو سال دوام کرد و رهبر این حزب مدت ده سال زندان را سپری نمود... بعد از رهایی از زندان به اثر مشقت و تکالیفی که این رادمرد آزادی در زندان دیده بود، پدورد حیات گفت.» (فریادافغان، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

توسعه‌ی افکار سیاسی و گردهم‌آمدن اشخاص وطن‌دوست و آزادی‌خواه، قسماً دولت‌مردان نظام شاهی را نگران ساخته بود؛ در این میان، برای اولین بار یکی از اعضاء ارشد خانواده‌ی شاهی (محمدداوود) تصور کرد که با انکشاف دموکراسی، روزی چانس به قدرت رسیدنش کاهش خواهد یافت. بنابر این، وارد فعالیت‌های سیاسی شده، تشکیلات جدیدی سیاسی را بنام «کلوپ ملی» یا «حزب دموکراتیک ملی» به حمایتی مالی عبدالمجید زابلی تأسیس نمود. هم‌زمان، یک گروه نیمه‌آشکاری هم به عنوان «اتحادیه‌ی آزادی پشتونستان» نیز پی‌ریزی شده بود که رهبر ظاهری آن، شخصی بنام «غلام‌حیدرخان» بود؛ اما در اصل بنیان‌گذار آن را «محمدداوود» گفته‌اند و در این گروه «ببرک کارمل» نیز فعالیت داشته است. گفتنی‌ست در ظاهر مرام این گروه کمک به داعیه «پشتونستان» بود؛ اما در واقع برای به قدرت رسانیدن محمدداوود کار می‌کرده است (دریچ، ۱۳۷۹: ۲۹).

۵-۵ نفوذ ایدئولوژیک شوروی بر جوء سیاسی افغانستان: با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، اتحاد جماهیر شوروی به عنوان طلایه‌دار بلوک «کمونیسم»^{۲۰} ادر برابر ایالات متحده امریکا که در رأس بلوک «امپریالیسم»^{۲۱} بود، قرار گرفته و جهان را به سوی «جنگ سرد» سوق دادند. لذا هریک از طرف‌های درگیر جنگ سرد در تلاش بودند تا با کشاندن کشورهای دیگر، صف خویش تقویت و صف مخالف را تضعیف کند. بناءً افغانستان نیز در آن کشمکش‌های جهانی به نحوی دخیل ساخته شد و این کشور در ابتدا به میدان رقابت ایدئولوژی‌های مارکسیستی، امپریالیستی و اسلامی و بعدتر به میدان نبردهای نیابتی مبدل گردانیده شد. طوری که گفته می‌شود: «عصر موصوف [عصر محمدظاهر] باعث تغییرات عمیق در کشور گردیده از ترقی و تعالی کشور گرفته تا نشأت و پرورش احزاب و ایدئولوژی‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی، مداخلات و تجاوزات همسایگان و کشورهای استعماری همه منتج به همین دوره است...» (منیب، ۱۳۸۰: ۳۲).

روابط شوروی در دوره‌ی نخست‌وزیری محمدهاشم «عادی و معمولی» توصیف شده است و صرف یک قرارداد میان افغانستان و شوروی به تاریخ «۶ می ۱۹۳۵م» در «دوازده

²⁰ Communism

²¹ Imperialism

ماده» توسط «فیض‌محمدخان وزیر خارجه افغانستان و «ستارک»^{۲۲} سفیر روسیه به امضاء رسیده که هدف از آن «مجادله با ملخ در سرحدات» گفته شده است (حق شناس، ۱۳۶۸: ۱۶۰). در دوره‌ی نخست‌وزیری شاه‌محمود نیز همانند دوره‌ی محمدهاشم، جای و مجال رابطه با شوروی وجود نداشت؛ اگر روابط هم بود، در سطح بسیار پائین و مربوط به مسایل بسیار فرعی بوده است. چنانچه گفته می‌شود: «در ماه جون ۱۹۴۶ موافقت‌نامه مسایل سرحدی میان دو کشور به امضا رسید... سال بعد یعنی در اپریل ۱۹۴۷ موافقت‌نامه رادیو تلگرافی میان دو کشور به امضا رسید... در ماه جولای ۱۹۵۰ موافقت‌نامه راجع به تبادل اجناس بین دو کشور به امضا رسید...» (میهن‌ورد، ۱۳۹۰: ۳۹-۴۱). قابل ذکر است، در موافقت‌نامه‌هایی که طی سال‌های ۱۹۴۶-۱۹۵۰ م صورت گرفته است، هدف شوروی اغفال افغانستان بود و در ضمن آن‌ها می‌خواستند از نفوذ و گسترش مناسبات افغانستان با سایر کشورها خصوصاً جهان امپریالیستی و در رأس آمریکا جلوگیری کنند. به قول آقای حسین احمدی: «رویکار آمدن داوودخان را می‌توان دوره نفوذ شوروی‌ها در افغانستان قلمداد نمود. سرنوشت داوودخان با انعقاد قراردادهای متعدد اقتصادی، نظامی و سیاسی کشور افغانستان را به زیر سلطه شوروی برد. مراودات فرهنگی افغانستان و شوروی با اعزام جوانان افغانی برای آموزش مارکسیستی وارد دوره تازه‌ای شد.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۸).

۵-۶ پُر شدن جای خالی هند بریتانیایی توسط آمریکا در مناسبات سیاسی با افغانستان: در دورنمای طولانی ارتباط و تماس دولت افغانستان با دولت‌های جهان، دوره‌ی روابط با ایالات متحده آمریکا بسیار کوتاه و ناچیز است. اتحاد جماهیر شوروی منحیث یک نیروی بزرگ در آن ناحیه تبارز نموده بود. از جانب دیگر، بریتانیا تصمیم گرفت تا شبه‌قاره‌ی هند را ترک نماید. بنابر این، توازی را که افغانستان به‌گونه‌ی سنتی؛ اما با بی‌میلی بر آن تکیه می‌کرد، در حال از میان رفتن بود. با این حال، سیاست‌مداران از شد افغانستان از جمله محمدهاشم و شاه‌محمود مشتاقانه در جستجوی نیروی بزرگ دیگری بودند تا این خلاء را پُر کنند. بنابراین، حاکمان افغانستان سیاستی را در پیش گرفتند تا شرکت‌های مهم آمریکایی را به داخل افغانستان جلب و جذب کنند. چنانچه که شده است: «آمریکا در ۱۱ اگست سال ۱۹۳۴ م افغانستان را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۳۶ م [افغانستان] با ایالات متحده آمریکا روابط سیاسی قایم نمود... در سال ۱۹۴۸ م نمایندگان ایالات متحده و افغانستان در پایتخت‌های همدیگر بسوی سفرای کبار قبول گردید...» (فریادافغان، ۱۳۸۴: ۲۷۷). بعدتر هم در «هفتم فبروری ۱۹۵۹ اولین موافقت‌نامه همکاری تخنیکی میان افغانستان و ایالات متحده به امضا رسید...» (پاولادا، بی‌تا: ۲۳۵).

آغاز جنگ سرد، میان شوروی و امریکا روابط افغانستان و امریکا را پیچیده ساخت. در سال ۱۹۵۲م ایالات متحده به منظور سازماندهی یک اتحاد منطقه‌ی، مبارزه‌ای را راه انداخت، تا از توسعه طلبی احتمالی شوروی جلوگیری نماید. روی هم رفته، هنگامی که محمد داوود به قدرت رسید، این وضع پیچیده تر گردید و ایالات متحده در شرایط دشوار قرار گرفت؛ تا این که بعدها با فروپاشی جمهوریت محمد داوود، آن دوست قدیمی شوروی و دوست جدید ایالات متحده و هم چنان بعد از تجاوز نظامی شوروی به افغانستان، ایالات متحده‌ی امریکا از پاکستان و کشورهای عربی برای نفوذ در میان گروه‌های جهادی و اسلام‌گرای افغانستان استفاده کرده و عملاً در قضیه جهاد افغانستان دخیل گردید. این کشمکش‌ها تا سال ۱۹۹۱ میلادی، یعنی زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ادامه یافت.

۷-۵ رکود اقتصادی ناشی از جنگ: در پایان جنگ جهانی دوم، آلمان و دول محور به شکست شدید مواجه شدند. افغانستان نیز یکی از کشورهای بود که با وجود اعلام سیاست بی‌طرفی از ناحیه‌ی اقتصادی آسیب جدی دید. چنان چه گفته می‌شود: «متأسفانه در اثر مداخلات شوروی بود دولت [افغانستان] قراردادی را در مورد استخراج معادن سمت شمال با کشورهای غربی به امضاء نرساند. صرف رویه شوروی به تفحصات در بعضی مناطق کشور دست زد ولی گامی در جهت استخراج آن بلند نکرد تا ما بتوانیم به کمک آن از ذخایر زیرزمینی خود استفاده کنیم.» (فریادافغان، ۱۳۸۴: ۲۷۶). قابل یادآوری است اوضاع اقتصادی افغانستان را آقای ننگیال آن را این گونه توصیف می‌کند: «... دولت در برابر مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ جهانی دوم دست به اقدامات مؤثر زده، سیستم ذخیره را به میان آورد و نسبت کمبود تیل، برای انتقال صدر اعظم و وزیران بالای کار شان، بجای موتر از گادی کار گرفته شد و تنها امتیاز صدر اعظم این بود که گادی حامل وی توسط دو اسپ کشانده میشد و بس.» (ننگیال، ۱۳۷۹: ۹).

۸-۵ شکل‌گیری و رشد جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی: برای «نمایش‌گاه‌ها» و «کانفرانس‌ها» برگزار می‌نموده‌اند (فریادافغان، ۱۳۸۴: ۲۶۹-۲۷۰). از سوی بلندبدرن استعدادهای اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره‌ی نخست‌وزیری شاه‌محمود، به اثر پیشنهاد عبدالمجید زابلی، «موسسه خیره نسوان»، بعداً «مرستون» و «روزنتون» در سال «۱۹۴۶» تأسیس گردید. این مؤسسات در اثر تلاش‌های خسته‌گی‌ناپذیر زنان کشور به پا ایستاد. بعدتر مؤسسه‌ی دیگری بنام «میرمنو تولنه» نیز ساخته شد، که برای زنان دیگر، دانشجویان فعالیت‌های سیاسی شان را از دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل آغاز کردند و در یکی از جلسات شان تصمیم گرفتند تا درخواستی عنوانی نخست‌وزیری داشته باشند که با اخذ جواز فعالیت بتوانند به برنامه‌های کاری‌شان جنبه‌ی قانونی

بخشند. نخست‌وزیر شاه‌محمود نیز اجازه فعالیت را برای‌شان داد؛ اما گفته می‌شود: «...در یکی از متینگ‌های که تو سبب این اتحادیه دایر شد با وجود مخالفت تعدادی از افراد سالم این اتحادیه، بیانیه‌های ضد دولت خوانده شد که بالاخره دولت تصمیم گرفت فعالیت این اتحادیه را ممنوع قرار دهد.» (دریچ، ۱۳۷۹: ۲۸۶)

۹-۵ پدیدار شدن بهبودی نسبی در اوضاع نهادها و مراکز تعلیمی و تحصیلی:
یکی تحولات مهم پس‌از جنگ در افغانستان، تحول در عرصه تعلیم و تحصیل گفته شده‌است. برای مثال: «در دوره صدارت شاه‌محمود تغییراتی در مکاتب بوجود آمد و قبلاً در زمان‌ها شم‌خان تمام کتاب‌های درسی به زبان پشتو بود، ولی او [شاه‌محمود] فی‌صله کرد در مناطق دری‌زبان همه مضامین به زبان دری و پشتو به حیث لسان در مناطق پشتوزبان همه و مضامین پشتو و دری به حیث لسان تدریس شود.» (فریادافغان، ۱۳۸۴: ۲۶۷). روی هم رفته، دانشکده‌های مختلف در چوکات دانشگاه کابل اضافه گردید و آن دانشگاه در واقع آهسته‌آهسته مسیر ارتقایی خویش را می‌پیمود. طوری گفته شده‌است: «... در پهلوی استادان و محصلان افغان، عده‌یی از استادان و محصلان از خارج کشور جهت تدریس و آموزش مصروف شدند.» (دریچ، ۱۳۷۹: ۲۷۲). هم‌چنان گفته می‌شود: «در سال ۱۹۵۰-۱۹۵۱ میلادی در مکاتب ابتدایی و متوسطه افغانستان بیش از ۹۶۰۰۰ نفر مشغول تحصیل بودند، در سال ۱۹۷۹ میلادی این رقم به ۱۲۶۳۰۰۰ نفر می‌رسید. هم‌چنان فارغان دانشگاه... در همین سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۵۱ به ۴۶۱ نفر می‌رسید، در حالی که در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۲۲۰۰۰ نفر از این مؤسسات فارغ‌التحصیل می‌شوند...» (طنین، ۱۳۸۴: ۱۱۴). قابل یادآوری است، متعاقب ایجاد و رشد دانشگاه کابل، «انجمن ادبی» و خصوصاً «انجمن تاریخ» که در سال «۱۹۳۰م» تأسیس شده بود، در این دوره در عرصه‌ی تحقیقات، فعالیت‌های چشمگیر داشته است (همان اثر، ۱۱۵).

نتیجه‌گیری

از پژوهش روی این موضوع چنین نتیجه گرفته می‌شود که جنگ جهانی دوم یکی از بزرگ‌ترین و مخرب‌ترین جنگ‌های بشریت تا آن زمان بوده است. این نبرد در واقع خسارات مالی و جانی بی‌شماری برای طرف‌های درگیر آن به‌جا گذاشته بود. قبل و در جریان جنگ هر یکی از طرف‌های درگیر، تلاش می‌کردند تا افغانستان را با توجه به موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی و نیروی رزمنده‌ی بشری‌اش وارد کارزار نماید؛ اما اعضای ارشد و تصمیم‌گیر خانواده‌ی شاهی افغانستان حسب لزوم خویش و با توجه به وابستگی‌های که با هند بریتانیایی داشتند، نخواستند شامل جنگ شوند. بناءً آن‌ها برای این که در معرض قضاوت تاریخ قرار نگیرند، این تصمیم خویش را با برگذاری لویه جرگه که این نهاد

زیاد در تاریخ افغانستان یک تجربه ناکام پنداشته می‌شود، مشروعیت و صبغه‌ی ملی بخشیده، تایید و عملی کردند.

اعلام سیاست بی‌طرفی به اساس فرمان تاریخی ۶ سپتامبر ۱۹۳۹ محمداظهر پادشاه افغانستان صورت گرفت و چنانچه که گفته شد بعدتر از طریق لویه جرگه مورخ ۵-۶ نوامبر ۱۹۴۱ این تصمیم را تایید و عملی گردید. بدیهی است که این بی‌طرفی ناشی از عوامل مختلف بود، از دو دوستانه‌گی در رهبری دولت گرفته تا نقش برخی از مقامات جدا از حلقه‌ی خانواده شاهی، تصامیم لویه جرگه، قرار داشتن افغانستان به لحاظ موقعیت در میان دو قدرت بزرگ و متحد چون روسیه و هند بریتانیایی، حمله‌ی آلمان نازی به روسیه و قطع شدن روابط آن با افغانستان و بالاخره حمله مشترک روسیه و انگلیس بر ایران که در واقع زنگ خطری برای افغانستان از سوی دولت‌مردان این کشور تلقی می‌شد، شامل می‌شود.

قابل ذکر است، برخلاف محاسبه‌ی دولت‌مردان افغانستان، سیاست بی‌طرفی بیشتر از اینکه به منفعت کشور تمام شود، به ضرر آن تمام شد. چون دیده می‌شود که پس از پایان جنگ جهانی دوم، افغانستان از متن مناسبات جهانی به حاشیه کشیده می‌شود و صرفاً دولت‌های قدرت‌مند دوران جنگ سرد از این کشور به عنوان یک میدان و لابراتوار رقابت‌های ایدئولوژیک و جنگ‌های نیابتی‌شان استفاده می‌نمایند. به همین ترتیب، اقتصاد افغانستان ور شکست می‌شود، چالش‌های اجتماعی و سیاسی افزایش می‌یابد. آنچه که می‌شود از آن به عنوان یک نقطه‌ی مثبت در اوضاع پسا جنگ در افغانستان اشاره کرد، بعضی از آزادی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی است که منجر به رشد نسبی مطبوعات و به همین ترتیب ظهور تعدادی از احزاب و جنبش‌های سیاسی و اجتماعی بود، که در واقع برای آینده‌ها راه دموکراسی‌خواهی و گذار از دولت شاهی را به جمهوری هموار می‌نماید.

منابع و مأخذ

- 1- احمدی، حسین. (۱۳۸۷). **تحولات منطقه‌ای افغانستان**. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ۲- ارغنداوی، عبدالعلی. (۱۳۷۷). **خاطره‌ها و تحلیل‌ها؛ تاریخ مختصر افغانستان در نود سال اخیر (۱۹۰۰-۱۹۹۲)**. برنامه تاریخ شفایی رادیو بی‌بی‌سی. ترجمه: حامد علمی. پشاور: مرکز نشرات اسلامی صبور.

- ۳- پاولادا، لیون و پاولادا، لیلدا. (بی‌تا). **کشور شاهی افغانستان و ایالات متحده از سال ۱۸۲۸ تا ۱۹۷۳**. مترجم: غلام صفر پنج‌شیری. پشاور: انتشارات مرکز پخش و نشر کتب فارسی فضل.
- ۴- تنویر، محمدحلیم. (۱۳۸۰). **افغانستان تاریخ او خپرونی**. پشاور: انتشارات بیا ودانولو انستیتوت.
- ۵- حق‌شناس، (۱۳۶۸). **دسایس و جنایات روس در افغانستان**. تا میر دوست‌محمدخان تا ببرک، چاپ دوم. پشاور: بی‌نا.
- ۶- دریح، امین‌الله. (۱۳۷۹). **افغانستان در قرن بیستم**. پشاور: انتشارات دانش.
- ۷- غبار، میر غلام محمد. (۱۳۶۶). **افغانستان در مسیر تاریخ**، جلد ۱ و ۲. چاپ دوم، کابل: انتشارات جمهوری.
- ۸- فرهنگ، میر محمد صدیق. (۱۳۹۱). **افغانستان در پنج قرن اخیر**، جلد ۱ و ۲. کابل: انتشارات خیبر.
- ۹- فریادافغان، نجم‌الدین. (۱۳۸۴). **نگرشی بر تاریخ معاصر افغانستان**. پشاور: انتشارات انجمن نشراتی دانش.
- ۱۰- قاسمی، نجی‌الله. (۱۳۷۸). **رژیم‌های افغانستان طی یک قرن اخیر**. پشاور: انتشارات دانش کتاب‌خانه.
- ۱۱- مبارز، عبدالحمید. (۱۳۹۰). **سیاست خارجی افغانستان از احمد شاه بابای درانی تا حامد کرزی**، چاپ اول. کابل: انتشارات سعید.
- ۱۲- منیب. (۱۳۸۰). **وقایع مختصر افغانستان**. پشاور: مؤسسه‌ی انتشارات الازهر.
- ۱۳- میهن‌ورد، شاه‌محمد. (۱۳۹۰). **روابط سیاسی و دیپلماتیک افغانستان و روسیه طی سال‌های ۱۱۰۸-۱۳۸۱ هـ ش مطابق ۱۷۲۹-۲۰۰۱ م**. کابل: نشرات اکادمی علوم.
- ۱۴- نعیم‌رها، عبدالاحد. (۱۳۹۰). **سلطه‌ی زعمای محمدزایی در افغانستان**. مترجم: قوی کوشان. کابل: انتشارات فضل.
- ۱۵- ننگیال، شهرت. (۱۳۷۹). **شاه سابق؛ محمدظاهر شاه**. برگردان: دکتر کامگار و نصیراحمد نشاط. پشاور: مرکز نشراتی میوند. کتاب‌خانه سبا.
- ۱۶- طنین، ظاهر. (۱۳۸۴). **افغانستان در قرن بیستم ۱۹۰۰-۱۹۹۶**. تهران: انتشارات عرفان.

The Second World War was one of the biggest events in human history, which took place in 1945-1939. The Afghan government somehow remained neutral in that war for some reasons. The presence of numerous internal and external factors in the issue of neutrality and its heavy consequences on Afghanistan has increased the importance and necessity of research in this field. The method used in this article is qualitative. The findings show that at the domestic level, factors such as: two factions in the leadership of the government, the role of some officials outside the circle of the royal family, the decisions of the Loya Jirga in 1941 And on the foreign level, the location of Afghanistan between Russia and British India, Germany's attack on Russia and Russia and England's attack on Iran, etc. caused the neutrality of the Afghan government; While the youth, clerics, and a number of government officials and young members of the royal family such as Mohammad Zahir, Mohammad Dawood, etc., were determined for Afghanistan to enter the war in support of Germany; But the policy of neutrality has had a heavy price for Afghanistan and isolated this country from important global issues and involved in internal challenges. In addition, the fulfillment of the goals of British India to control the border tribes and the goals of Russia to drive German and Italian engineers from Afghanistan and challenge the country's construction plans, to create the country of Pakistan and the formation of border conflicts, changes in the leadership of the government, providing the basis for democracy, the beginning of political parties, the ideological influence of the Soviet Union, the establishment of relations between Afghanistan and the United States, economic stagnation, the growth of social and cultural movements, and the improvement of the condition of educational centers are among the other most important consequences of neutrality policy.

Keywords: neutrality policy, Afghanistan, World War II, causes, consequences.

بررسی وضعیت ژئوپولیتیکی کشورهای اسلامی با تأکید بر منابع نفتی آن

پوهنمل ملاجان رحمانی

چکیده

جهان اسلام از قلمرو بسیار بزرگی شکل یافته است که مهمترین مناطق و نقاط استراتژیژیک و پر درآمد جهان را تشکیل میدهد که از بحیره مدیترانه شروع شده و قسمت بیشتر جغرافیای کشورهای افریقای را در بر گرفته، تا مناطق غربی، جنوب غربی، آسیای مرکزی، جنوب و جنوب شرق آسیا را شامل میشود. وحدت سیاسی جهان اسلام بعد از قرن یازدهم میلادی تضعیف شده و قدرت سیاسی از نزد مسلمانان چیده شده و با تجزیه امپراتوری ترکان عثمانی قدرت سیاسی و ژئوپولیتیکی جهان اسلام به انحطاط رفته. با وجود آنکه مهمترین و با ارزش ترین منابع طبیعی که شامل نفت و گاز میباشد در قلمرو کشورهای اسلامی قرار دارد، همچنان مهمترین مناطق استراتژیژیک مانند خلیج فارس، کانال سوئز، تنگه های دردانیل، باسفورس و باب المندب، بحیره عمان، احمر، تنگه جبل الطارق در قلمرو کشورهای اسلامی قرار گرفته؛ اگر جهان اسلام دارای وحدت سیاسی باشد، از منابع طبیعی و موقعیتی خویش به درستی استفاده نماید، بزرگترین قدرت در سطح جهانی مبدل خواهد شد، اما بازم وضعیت ژئوپولیتیکی کشورهای اسلامی شکننده بوده، چندانگی اقتصادی میان کشورهای اسلامی وجود داشته و کشورهای غربی در رأس آن امریکا به شکل مستقیم و غیر مستقیم بالای تعداد بیشتر این کشورها حاکمیت داشته و از منابع آنها بهره می‌برند، هدف این تحقیق بررسی وضعیت ژئوپولیتیکی کشورهای اسلامی که با تأکید بر منابع نفتی بوده تحریر یافته. شیوه پژوهش این موضوع به شکل کتابخانه‌ای و انترنتی بوده که نتیجه تحقیق کسب معلومات و آگاهی در رابطه بر وضعیت ژئوپولیتیکی کشورهای اسلامی با تأکید بر منابع نفتی آن میباشد.

واژه های کلیدی: وضعیت ژئوپولیتیکی، ژئوپولیتیک، اسلام، نفت و کشورهای اسلامی.

مقدمه

اینکه ژئوپولیتیک یک علم جدید بوده و یک بخشی از مطالعه جغرافیه سیاسی را تشکیل میدهد و از اواخر قرن بیستم در تحولات بزرگ جهان نقش مهمی داشته، بناءً ژئوپولیتیک را علم مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرت ها بر اساس امکاناتی که محیط

جغرافیایی شان در اختیار آنها میگذارد بحث میکند، یا امکاناتی که از محیط جغرافیایی میتوان گرفت مورد مطالعه قرار میدهد. یا ژئوپولیتیک عبارت از مطالعه اثر گذاری عوامل جغرافیایی بر تصمیم گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت میباشد؛ مانند ارزیابی نقش عوارض و موقعیت‌های جغرافیایی و منابع طبیعی در برنامه ریزی‌های مربوط به پیشبرد اهداف سیاسی قدرت‌ها.

زمانی که دین اسلام با ظهور حضرت محمد (ص) در قرن هفتم میلادی شکل گرفت، به سرعت گسترش یافت و از سمت غرب تا کناره اقیانوس اطلس و از جانب شرق تا حواشی اقیانوس آرام گسرش یافت، در حال حاضر، مجموعه عظیم جغرافیای جهان اسلام، سرزمینی را به طول ۱۱ هزار کیلومتر و عرض ۵ هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع در بر گرفته است.

وحدت سیاسی جهان اسلام تا قبل از قرن یازدهم میلادی تا حد زیادی ادامه داشت ولی از قرن یازدهم به بعد به تدریج وحدت سیاسی جهان اسلام تضعیف و در نتیجه وحدت ارضی گسسته شد و این مرحله ابتدای تراژیدی ژئوپولیتیک جهان اسلام بوده که عوامل اساسی در ایجاد این شکافها نقش داشته عبارت از: ایجاد و پیدایش اختلافات فرهنگی و تاریخی میان مسلمانان، مداخله اقوام ترک آسیای مرکزی (ترکان عثمانی)، رخنه یافتن و مداخله کشورهای استعماری، ضعف زمامداران و حاکمان سیاسی و غیره میتوان نام برد. بر اساس استراتژی کشور انگلیس که بعد از جنگ اول جهانی پیاده شد، امپراتوری بزرگ عثمانی را از هم پاشاند و اختلافات عمیقی را میان مسلمانان انداختند، چون در آن زمان حدوداً چهار امپراتوری وجود داشت که بزرگترین آن امپراتوری مسلمانان به رهبری ترکان عثمانی بوده که کشورهای اروپایی، مخصوصاً انگلیس و هم‌پیمانان آن از این قوت و قدرت مسلمانان در هراس بودند که در نتیجه با اتفاق انگلیس و فرانسه قلمرو بزرگ جهان اسلام، اشغال، تجزیه و ازهم پاشید که تاثیر بسیار منفی را بر مهد جهان اسلام و ارزش‌های ژئوپولیتیکی آن گذاشت. جهان اسلام جزء مکمل‌های ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی دو قدرت بزرگ و بحری جهان محسوب شده. جهان اسلام دارای قلمرو بزرگ و وسیع بوده که از کانال سوئز شروع شده که تعداد بیشتر کشورهای افریقایی، کشورهای خاورمیانه، غرب آسیا، آسیای مرکزی، جنوبی و جنوب شرقی قاره آسیا را شامل میشود که به شکل متمرکز واقع شده، اما مرکز جهان اسلام شامل شبه جزیره عرب که دارای قلمرو بزرگ اقتصادی، سیاسی، استراتژیکی و مرکز منابع طبیعی بوده که شامل مناطق بحیره احمر، عرب و خلیج فارس میباشد که این محدوده مرکزی، در واقع نقش گره مواصلاتی جهان اسلام را بازی میکند که شامل مناطق استراتژیکی نظامی بزرگ و هم بحری بوده که

به عنوان مرکز و قطب جهان اسلام نامیده میشود. شبه جزیره عرب، به عنوان پل عملیاتی در میان سه قاره بزرگ جهان واقع شده که بنام هارتلند اورآسیا می نامند، نفت، خون صنعت مدرن است و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را به جریان می اندازد. کشورهای صاحب نفت مرکز جهان اسلام که در رأس آنها چهار کشور عبارت از عربستان سعودی، کویت، ایران و عراق میباشد. در اوایل کشورهای عربی میخواستند که یک استراتژی در قبال قیمت نفت به پیش بگیرد و از عاید آن برای خریداری تسلیحات نظامی در مقابل «اسرائیل» به کار برد، چون که ایالات متحده امریکا خود را ملزم به دفاع از تمامیت ارضی رژیم اشغالگر اسرائیل بود و کشورهای عرب موفق به این کار نشدند، اینکه افزایش قیمت نفت در مرکز جهان اسلام سبب رشد اقتصادی و رفاهی کشورهای این منطقه شده و از جانب دیگر تاثیر منفی را بر تولیدات نفت امریکا گذاشت.

نتیجه اینکه اگر کشورهای صادرکننده نفت، بیش از این ابتکار عمل خود را از دست بدهند، این ماده مؤلد انرژی در حکم یک تقویت کننده نه، بر عکس در قطعه قطعه کردن آنها عمل خواهد کرد؛ که در نتیجه بخش مرکزی جهان اسلام شکننده تر خواهد شد. بناءً کشورهای صادر کننده نفت باید در مقابل قیمت نفت، خواستار ورود تکنالوژی پیشرفته به کشورهای خود باشند، در غیر این صورت ژئوپولیتیک نفت موجب از هم پاشیده گی و تفرقه اندازی و ایجاد بحران های سیاسی، نظامی و اجتماعی در منطقه (مرکز جهان اسلام) خواهد شد.

البته دو عامل عمده در توجه بیش از حد غرب به حوزه نفتی خلیج فارس، قابل درک است:

الف: وجود میدان های عظیم نفتی که بیش از ۶۵,۵٪ ذخایر شناخته شده نفت جهان را در خود جای داده است.

ب: نیاز روز افزون کشورهای صنعتی که در مجموع مکمل استراتژی یکدیگر اند. بنابراین میتوان جهانی را پیش بینی کنیم که به منطقه خلیج فارس برای منابع انرژی و عملکرد اقتصادی اش به شکل فزاینده ای وابسته است، در این صورت جنوب غرب آسیا (خاور میانه) به صورت نقطه تلاقی نیروهای رقیب در جهان و یک بشکه باروت در حال انفجار در خواهد آمد، اگر مناقشه بزرگی در این منطقه روی دهد، به احتمال قوی خاور میانه (مرکز جهان اسلام) در گرداب آن خواهد افتاد، همان طوری که تحلیلگر نفتی انگلیس گفته است «اگر جنگ جهانی سوم روزی اتفاق افتاد بر سر ذخایر نفتی خاور میانه خواهد بود».

چیستی ژئوپولیتیک

ژئوپولیتیک از دو کلمه لاتین گرفته شده که واژه ژئو Geo به معنی کره زمین یا جهان کروی یا دانش زمین معنی میدهد و واژه Politic آن عبارت از سیاست، بررسی عوامل سیاسی، دستور و غیره یاد شده است. این واژه در زبان انگلیسی مدرن با مفهوم واژه Globe همخوانی دارد، بنابراین ژئوپولیتیک عبارت از مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌ها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار آن میگذارد یا امکاناتی که در این راستا میتوان از محیط جغرافیایی گرفت مورد بحث قرار میدهد. ژئوپولیتیک را میتوان هنر ایجاد موازنه قدرت با رقیبان در سطوح منطقه‌یی و جهانی در راستای تأمین امنیت جهت حفظ و گسترش منافع ملی در سطوح منطقه‌یی و جهانی دانست، مبحث اصلی ژئوپولیتیک به مطالعه سیاست‌های جهان شمول مربوط میشود، اختیار و ظرفیت این سیاست‌ها را منابع طبیعی، موقعیت‌های جغرافیایی و امکانات محیطی در دسترس قرار میدهد، که مورد مطالعه ژئوپولیتیک می‌باشد. بنابراین سیاست جغرافیایی یا ژئوپولیتیک مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌ها به اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی و طبیعی و موقعیت‌های جغرافیایی در اختیار میگذارد است (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۶: ۴۲۷).

از دید مطالعات نظری باید یادآوری شد که جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک دو مبحث مکمل هم از یک دانش هستند که به مطالعه نقش آفرینی قدرت سیاسی در محیط جغرافیایی میپردازد. در حالیکه جغرافیای سیاسی، تاثیر انسان بر محیط را مورد مطالعه قرار میدهد، اما ژئوپولیتیک عبارت از مطالعه اثر گذاری عوامل جغرافیایی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی صاحبان قدرت دانست؛ ژئوپولیتیک به عنوان دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی در پی کسب قدرت تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت میدهد و امکان چیرگی بر رقیب را فراهم میکند، آنها برای تصرف فرست‌ها و توانمندی‌ها در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت می‌پردازند و میکوشند در فضاهای جغرافیایی نفوذ خود را بیشتر بگسترانند و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و بر عکس، رقبا را از فضای مورد رقابت برانند. از این دیدگاه ژئوپولیتیک به مطالعه الگوهای رقابتی فرصت‌ها و ابزارهای رقابت آمیز، انگیزه‌های رقابت، کارکردهای مکان و فضا در شکل دهی به فرایندهای رقابت و تأثیر آن بر فراز و فرود قدرت میپردازد (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۹۵).

نگاهی به تاریخچه جهان اسلام!

دین اسلام با ظهور پیامبر خدا حضرت محمد بن عبد الله (ص) در قرن هفتم میلادی شکل گرفت. نقطه شروع حرکت اسلام در حقیقت سرزمینی بود که تا آن زمان بستر حوادث و کشمکش‌های بزرگ تاریخ بوده است، این سرزمین شبه جزیره‌ای، در جنوب غربی قاره آسیا قرار گرفته و امروز آن را خاورمیانه میخوانند. دین اسلام به سرعت گسترش یافت و از سمت غرب تا کناره اقیانوس اطلس و از جانب شرق تا حواشی اقیانوس آرام پیش رفت در حال حاضر، مجموعه عظیم جغرافیای جهان اسلام، سرزمینی را به طول ۱۱ هزار کیلومتر و عرض ۵ هزار کیلومتر، با ترکیبی بسیار متنوع در بر گرفته است. وحدت سیاسی جهان اسلام تا قبل از قرن یازدهم میلادی تا حد زیادی ادامه داشت ولی از قرن یازدهم به بعد به تدریج وحدت سیاسی تضعیف و در نتیجه وحدت ارضی گسسته شد و این مرحله ابتدای تراژیدی ژئوپولیتیک جهان اسلام بود؛ زیرا عدم وحدت بین مسلمانان موجب بروز شکاف‌هایی شد و این شکاف‌ها به تدریج با عوامل جغرافیایی پیوند خورد و موجب شد واحدهای سیاسی واقع در آنها در حد قابل قبولی جدا از دیگر واحدها به حیات خود ادامه دهند عوامل مؤثر در ایجاد این شکافها عبارت بودند از: ۱- اختلافات فرهنگی و تاریخی که به شکلی خود را در لباس مذاهب مختلف جای داده بودند تا از این طریق بتوانند به حیات خود ادامه دهند و درحقیقت بین ملیت و مذهب پیوندی ایجاد کردند. ۲- مداخله اقوام ترک آسیای مرکزی (ترکان عثمانی) که موفق شدند با اعمال و قدرت نظامی خویش رهبری سیاسی- نظامی را از دست اعراب بیرون آورند. ۳- گسترش جغرافیایی عظیم جهان اسلام بعد از قرون وسطی در جنوب صحرا، هندوستان. اندونزی و فلیپین موجب شد ارزش‌های اسلامی به تدریج بر قسطنطنیه فرهنگ‌های بسیار متفاوتی که با بستر اولیه جغرافیای اسلام کاملاً متمایز بود، چیره گردد. البته از قرون هجدهم و نوزدهم به بعد به این عوامل قدیمی اختلاف‌های ژئوپولیتیک دیگری نیز افزوده شد که ناشی از اقدام‌های دول استعمارگر بود؛ از آن جمله حضور انگلیس‌ها در هندوستان که به فتح و توسعه امپراتوری بزرگ مغول (سلسله سلطنتی بابر از بازماندگان تیمور منجر شد، فتح به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ میلادی، موجب انتقال مرکز خلافت از بغداد به استانبول گردید، سرزمین‌های وسیع تحت حکومت امپراتوری عثمانی نزدیک به پنج قرن تحت لوای مردمی که منشأ آسیای مرکزی داشتند با قدرت اداره شد، وسعت قلمرو امپراتوری به حدی بود که سلاطین عثمانی نمی توانستند به طور شایسته‌ای از اداره سرزمین‌های خود برآیند، در نتیجه حکومت‌های محلی هر یک منتظر بودند به شکلی خود را از تابعیت حکومت مرکزی خارج کنند. بنابراین توجهات ظاهر پسند در تفکرات دینی و بی توجهی به دستورات سلاطین عثمانی به صورت‌های مختلف در حال شکل گیری بود.

در این وضعیت روس‌ها به آسیای مرکزی تاختند و آنجا را ترکستان نامیدند که بعدها آن را بر اساس ژئوپولیتیک ملیت‌های موجود به پنج جمهوری تقسیم کردند پس از آن نیز جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) آغاز شد؛ اساس استراتژی انگلیس در جنگ این بوده که باید چهار امپراتوری بزرگ موجود جهان و در رأس آنها امپراتوری عثمانی تجزیه شود. پس از جنگ جهانی اول، سرزمین‌های قلمرو امپراتوری عثمانی بین دو کشور فرانسه و انگلستان تقسیم گردید، قطعه قطعه شدن مهد جهان اسلام چنان تاثیری بر ژئوپولیتیک جهان اسلام گذاشت که هنوز آثار زیان‌بار و تفرقه‌انگیز آن باقی مانده است (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۸).

جایگاه جهان اسلام در نظریه‌های ژئوپولیتیک

کلیه نظریه‌های ژئوپولیتیک جهان بر اساس وجود دو محور مهم استوار بوده که عبارت از آب و خشکی می‌باشد و این استمرار جنگ بین آب و خشکی، مسئله‌ی است که از دیر باز آغاز شده، باز هم تکرار خواهد شد؛ تنها تغییری که در آن به وجود آمده ناشی از گسترده‌تر شدن قلمروهای جغرافیایی آنهاست، به نحوی که در نظریه‌های مختلف ژئوپولیتیک و حتی آخرین آنها که توسط کوهن طراحی گردیده، جهان اسلام جزء مکمل‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیکی دو قدرت بری و بحری جهان محسوب گردیده‌اند و این خود، چند پارچگی جهان اسلام را در دید استراتژیک مطرح می‌کند (یزدام‌فام، ۱۳۹۷: ۴۵). بنابراین باز هم مشکل ژئوپولیتیک قبل از هر چیز خودنمایی خواهد کرد. نگاهی به نقشه جهان، ما را با این حقیقت آشنا می‌سازد که اگر جهان اسلام با توجه به موقعیت جغرافیایی‌اش جایگاه واقعی خود را در جهان درک کند، میتواند علاوه بر آنکه مکمل قدرت‌های بزرگ نباشد، خود هسته اصلی یک قدرت بزرگ جهان به حساب می‌آید، در این خصوص برای اولین بار در سال ۱۹۵۴م «پیژرژ» گروه بندی ژئوپولیتیک که انجام داد در آن واضح ساخته بوده که جهان اسلام به عنوان قدرت سومی ژئوپولیتیک کره زمین بوده، بنابراین شناخت عوامل ژئوپولیتیک تا حد زیادی میتواند ما را در حرکت به سوی واقعی رهنمون بسازد، در این بررسی ژئوپولیتیک، قبل از هر چیز لازم است قلمروهای ژئوپولیتیک جهان اسلام معرفی شود و سپس برای هر قلمرو با توجه به عوامل سازنده ژئوپولیتیک خاص آن به ارایه راهکارهای مبادرت شود، با توجه به محدودیت‌های بی‌شمار هر دو قلمرو ژئوپولیتیک غرب و شرق جهان اسلام با توجه به موقعیت جغرافیایی خود می‌تواند با داشتن حد اقل محدودیت‌های ژئوپولیتیک به صورت یک قدرت جهانی درآید و راه توسعه و پیشرفت خود را هموار کند (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۶۸-۱۶۹).

تقسیم بندی جهان اسلام

در مورد تقسیم جهان اسلام نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که متداول ترین آنها، دیدگاه اسلام شناسان بر مبنای تاریخ است از دیدگاه اسلام شناسان، قلمرو جغرافیایی جهان اسلام شامل یک بخش مرکزی به عنوان قطب جهان اسلام است که این دین از آنجا شروع شده و توسعه و گسترش یافته است و همچنان بخش دوم آن مناطق و جغرافیای پیرامون آن میباشد. اگر چه قائل شدن مرزی مشخص بین این دو قلمرو کار مشکلی است اما بهترین و مشخص ترین عاملی که در این خصوص میتواند به ما کمک کند همان عوامل جغرافیایی است. البته به نظر میرسد هر اندازه در این مرزبندی متکی به عوامل طبیعی باشیم بهتر میتوانیم برای حل مشکلات ژئوپولیتیکای آن راهکارهایی معقول و عملی بیابیم به همین دلیل در این قسمت مجموعه شبه، جزیره‌ای جنوب غربی آسیا به دلیل وحدت همه جانبه آن به عنوان بهترین قلمرو مرکز جهان اسلام و سرزمین‌هایی که به هر شکلی دین اسلام در آنها گسترش یافته است و مسلمانان آن در اکثریت هستند جزء پیرامون آن پیشنهاد میشود، البته چنین تقسیم بندی نیز خالی از اشکال نخواهد بود و این مشکل بیشتر شامل سرزمین‌های پیرامون خواهد بود (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۶۹-۱۷۰).

بنابراین لازم است به تقسیم بندی دیگری دست یابیم که جوابگوی حل مشکلات این مجموعه های ژئوپولیتیکای در سراسر جهان اسلام باشد در غیر این صورت اگر ما به همان تقسیماتی که دیگران برای ما قائل شده اند اکتفا کنیم در حالیکه خود ما در بطن این مجموعه قرار داریم و از نزدیک مشکلات را لمس میکنیم وضع به همین منوال خواهد بود که هست، در حالیکه هیچ کس به جز انسان‌های مسئول این قلمرو جغرافیایی نمیتواند راهکاری منطبق با موقعیت ژئوپولیتیکای حاکم بر این کشورها ارائه دهد؛ گرچه تمیز میان مرکز و پیرامون در بطن جهان اسلام تنها دارای ارزش تاریخی محض نیست و استدلال‌های ژئوپولیتیکای فراوانی نیز به دنبال دارد، اما لازم است برای حل مشکلات ژئوپولیتیکای جهان اسلام طرح قضیه به شکلی دیگر مورد توجه قرار گیرد (یزدان فام، ۱۳۹۷: ۴۵-۴۶).

تقسیم بندی جهان اسلام بر مبنای تقاطع جغرافیایی

با توجه به گسترش جغرافیایی جهان اسلام و تحولات که هر روز در حال شکل گیری است تیوری‌های ژئوپولیتیکای سابق با طبقه بندی آبی، خشکی و هوایی، دیگر نمیتواند اساساً استراتژی‌های قدرت جهان باشد، زیرا به این نظر میرسد که قلب جهان اسلام که در مرکز جغرافیایی آن نیز قرار دارد، در حکم هارتلند اوراسیا است، چون امروز هارتلند مفهوم قبلی خود را که مکیندر به دلیل عدم دسترسی قدرت دریایی روی آن تکیه

میکرد- از دست داده است. در حال حاضر روسیه هنگام با قدرت دریایی ایالات متحده آمریکا، در پهنه اقیانوسها حضور دارد و تنها با مشکل تمرکز قوا رو به رو است. بنابر این اگر قلمرو جهان اسلام به سه ناحیه جغرافیایی غرب، شرق و مرکز تقسیم شود، به طوری که تعیین حدود جغرافیایی هر یک متکی، بر عوامل محیط طبیعی و جغرافیایی باشد و سپس با تعیین حق تقدمها در بین این نواحی، عوامل ژئوپولیتیکی و ساختارهای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، سرانجام راهکارهای رسیدن به وحدت جهان اسلام، به ما ارایه خواهد شد (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۷۰-۱۷۱).

ویژه گی های سه گانه جهان اسلام

در این تقسیم بندی غرب، جهان اسلام از کانال سوئز شروع شده و مجموعه کشورهای مسلمان قاره افریقا را در بر خواهد گرفت، یکی از محاسن ژئوپولیتیکی این ناحیه، وحدت سرزمینی است. شمال آن به عنوان حساس ترین بخش این ناحیه، متأثر از ژئوپولیتیک مدیترانه است که خود مجموعه جدا از دیگر قلمروها است و می تواند پیوند ژئواستراتژیک با جنوب غربی آسیا (مرکز جهان اسلام) نداشته باشد (حافظنیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

مرکز جهان اسلام شامل شبه جزیره جنوب غربی آسیا بوده که محدوده مرزهای شرقی ایران، حد شرقی آنرا تعیین میکند و دیگر مرزهای آن بر آب های مدیترانه شرقی بحیره احمر، دریای عرب و دریای عمان و خلیج فارس تکیه دارد که این محدوده مرکز، در واقع نقش گره مواصلاتی جهان اسلام را بازی میکند که هم نقطه استراتژیک نظامی بّری و هم بحری بوده که به عنوان مرکز و قطب جهان اسلام نامیده میشود، اگر بتوانیم راه حلی برای مشکلات ژئوپولیتیکی مرکز جهان اسلام بیابیم، بنابر این نواحی غرب و شرق آن، به خصوص شرق جهان اسلام، هیچ مشکلی نخواهد داشت؛ زیرا گره کور معما همین ناحیه است که همه چیز به ظاهر با ترکیبی منظم ولی عمیقاً نامنظم و ناهماهنگ به هم پیوند خورده است، به نحوی که مجموعه از امور متجانس در کنار هم تظاهر به تجانس میکند. این منطقه بیش از ۲۴ قرن (یعنی قرنهای قبل از اسلام) این بخش از جهان یک صحنه بزرگ ژئوپولیتیکی بوده است. ولی از قرن یازدهم م به بعد این جغرافیا به طور مداوم در حال تغییر شکل و دیگر گونی است، زیرا در این بخش، اسلام به فرقه های مختلفی تقسیم شده است و هر روز با شکلی نو و ترکیبی جدید به صدور مذاهب جدید پرداخته میشود (جعفری، ۱۳۹۴: ۳۴).

شرق جهان اسلام از مرزهای شرقی ایران شروع می شود و کلیه مسلمانان آسیای مرکزی، غرب و شمال هندوستان، بنگلادیش و مسلمانان جنوب شرق و مشرق آسیا را در بر میگیرد. اهمیت این قلمرو جغرافیایی در این است که حد اکثر جمعیت جهان در همینجا

مسکون هستند، در اینجا مذاهب یک پارچگی خود را حفظ کرده است، با نگرش مطالب ذکر شده اگر بخواهیم قلمرو ژئوپولیتیکی جهان اسلام را از لحاظ حق تقدم دسته بندی کنیم، مرکز جهان اسلام در رتبه اول، غرب جهان اسلام در رتبه دوم و سرانجام شرق آن در رتبه سوم موقعیتی قرار گرفته اند، نتیجه کلی از این تقسیم بندی و ابراز نظرها وحدت دوباره جهان اسلام می باشد شکل بگیرد. اینکه ناهنجاری ها و ناهماهنگی های مختلف سبب پارچه شدن و قطعه قطعه شدن جهان اسلام شده، جای خود را به همبستگی اعتقادی، رجعت به معنویت و پیوند با تاریخ و استفاده اصولی از منابع بی کران طبیعت (به ویژه نفت) و درک موقعیت جغرافیایی در این قلمرو وسیع بدهد، میتوان امیدوار بود که اسلام در پرتو جاذبه مکتب و اصالت خود توانست در مقابل بلوک بندی های غرب و شرق و به نحوه تعیین کننده ابراز وجود کند، البته تردیدی نیست که در صورت برطرف شدن موانع موجود، جهان اسلام می تواند در آینده نقش بسیار کارساز و تعیین کننده را در سرنوشت جهان ایفا کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۵: ۱۶).

بررسی ژئوپولیتیکی مرکز جهان اسلام

مرکز جهان اسلام با شرحی که گذشت، عبارت از مجموعه ای جغرافیایی است که به شکل شبه جزیره ای در جنوب غرب آسیا قرار گرفته است (یزدان فام، ۱۳۹۷: ۵۲). امروزه در دنیا، جزیره جهانی اوراسیا به عنوان یک سرزمین وسیع دفاعی است که به علت ویژه گی های ژئواستراتژیکی خود شمال و شمال شرق افریقا را شامل شده، بنابر این بخش مرکزی (شبه جزیره عرب) جهان اسلام در حکم یک سر پل عملیاتی بین سه قاره دنیا واقع شده که عبارت از قاره های آسیا، اروپا و افریقا می باشد، گرچه این نقش تازه نیست، ولی امروزه خیلی پر اهمیت بوده و منابع بزرگ طبیعی جهان در این جغرافیا واقع شده است و از جانب دیگر در مرکز سه جبهه استراتژیکی قرار گرفته است و به همین دلیل آنرا هارتلند (قلب سرزمینی) اوراسیا می نامد، باوجود اینکه در یک محدوده جغرافیایی کوچک قرار گرفته ولی نقطه بیش از شش مرکز مهم استراتژیکی جهان بوده که برخی از آنها عامل وجودی کشور بوده، موجودیت دو تنگه جغرافیایی مانند بسفر و دردانیل که رقابت بزرگ جهانی روی آن می باشد، به همین شکل کانال های سوئز و باب المندب که در کوتاه بودن فاصله جهان شرق و غرب نقش ارزنده و بارزی داشته، تنگه هرمز و موقعیت و منابع خلیج فارس یکی از ویژه گی های دیگر ژئوپولیتیکی منطقه مرکزی کشورهای جهان اسلام بوده که میتواند از آن منافع بیش از حد اقتصادی، سیاسی، نظامی و... به دست بیاورد، این موقعیت های یاد شده به شکلی است که بر سر تصاحب آن قدرت های بزرگ جهانی درگیر هم اند. وجود همه این منابع طبیعی و ویژه گی های انسانی موجب شده

کلیه سرزمین‌های این شبه جزیره یک جبهه استراتژیکی واحد برای غربی‌ها به حساب آید، اما شرقی‌ها هم در اهداف استراتژیکی خود تلاش میکنند که این جبهه‌های مهم استراتژیکی و سوق الجیشی را به خود بگیرد، که با تلاش و فعالیت‌های دیپلوماتیک بیشتر خود که مرکز جبهه که مرکز جهان اسلام است با خود همسو بسازد. علاوه بر عوامل و موقعیت‌های یاد شده، وجود منابع عظیم نفت نیز که حالت انحصاری دارد، در مقیاس وسیع در این بخش از جهان اسلام قرار گرفته - بر اهمیت این منطقه افزوده است و همین دلیل زیوپولیتیک نفت، در این منطقه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا محور زیوپولیتیک مرکز جهان اسلام بر پایه زیوپولیتیک نفت قرار گرفته است (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۷۶).

جهان اسلام و ژئوپولیتیک نفت

نفت، خون صنعت مدرن است و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می‌اندازد و راه‌های دریایی پیرامون خلیج فارس نیز شریان‌هایی هستند که این خون حیاتی از آنها می‌گذرد. کشورهای صاحب نفت مرکز جهان اسلام که در رأس آنها چهار کشور عبارت از عربستان سعودی، کویت، ایران و عراق بوده، در اوایل این تعداد کشورها (مخصوصاً کشورهای عربی) می‌خواستند که یک استراتژی در قبال قیمت نفت به پیش بگیرد و از عاید آن برای خریداری تسلیحات نظامی در مقابل (اسرائیل) به کار ببرد، چون که ایالات متحده آمریکا خود را ملزم به دفاع از تمامیت ارضی رژیم اشغالگر اسرائیل بود و کشورهای عرب موفق به این کار نشدند و آمریکا با قدرت نظامی و اقتصادی خویش رژیم اسرائیل را با بزرگترین قدرت اقتصادی مبدل نمود و تا امروزه از تمام جنایات آن دفاع می‌نماید. اینکه افزایش قیمت نفت در مرکز جهان اسلام سبب سطح اقتصادی و رفاهی کشورهای این منطقه شده و از جانب دیگر تاثیر منفی را بر تولیدات نفت آمریکا گذاشت، در حالی که ایالات متحده آمریکا مقدم‌ترین کشور در جهان بود که ذخایر نفتی کشف، استخراج و به جهان عرضه می‌داشت، اما زمانیکه منابع نفتی و گازی در کشورهای مرکز جهان اسلام مخصوصاً منطقه خلیج فارس، این منطقه به بزرگترین منابع نفتی جهان تبدیل شد (شیرازی، ۱۳۹۳: ۲۵-۲۷).

نتیجه اینکه اگر کشورهای صادرکننده نفت جهان اسلام، بیش از این ابتکار عمل خود را از دست بدهند، این ماده مؤلد انرژی در حکم یک تقویت کننده در قطعه قطعه کردن آنها، عمل خواهد کرد؛ که در نتیجه بخش مرکزی جهان اسلام شکننده تر خواهد شد. خلاصه اینکه قیمت یک بشکه نفت اگر هر اندازه افزایش یابد باز هم قیمت واقعی آن نمی‌باشد، بناءً کشورهای صادرکننده نفت باید در مقابل قیمت نفت، خواستار ورود

تنکنالوژی پیشرفته به کشورهای خود باشند، در غیر این صورت ژئوپلیتیک نفت موجب از هم پاشیده‌گی و تفرقه اندازی و ایجاد بحران‌های سیاسی، نظامی در منطقه (مرکز جهان اسلام) خواهد شد (همان، ۲۸).

استراتژی نفت و جهان اسلام

از آنجا که در قلمرو جغرافیایی جهان اسلام، بخش مرکزی آن از ویژه‌گی‌های خاصی برخوردار است، محور استراتژی نفت جهان در این منطقه قرار گرفته است. این اهمیت ناشی از دلایل فراوانی است که منشأ آن تفکرات ژئواستراتژیک است و به همین علت حوزه خلیج فارس مانند شاهین ترازویی منطقه‌ای عمل میکند، از این رو ملاحظه خواهد شد که در هر تحولی، حوزه خلیج فارس به عنوان صحنه عملیات انتخاب و سناریوها یکی پس از دیگری، به اشکال مختلف در آنجا پیاده میشود (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

آنچه که موجب پیدایش استراتژی نفت شد، در حقیقت ناشی از تحولی بود که در قیمت‌های نفت به وجود آمده بود، بنابر این توجه به قیمت‌های نفت و درآمد شرکت‌های نفتی در زمان‌های مختلف، میتواند تا حد بسیاری رهنمای آن در مطالعه اصول استراتژی نفت باشد. در اوایل دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ م درآمد هر بشکه نفتی که استخراج میشد، به نسبت هفتاد درصد برای شرکت‌ها و سی درصد برای کشورهای تولیدکننده تقسیم میشد، که بلاخره بعد از سال‌های ۱۹۶۰ م با تأسیس سازمان اوپک بی آنکه قیمت‌ها تغییر کند، تقسیم درآمد به نسبت پنجاه درصد برای شرکت‌ها و پنجاه درصد دیگر برای کشورهای تولیدکننده تغییر یافت، اما در سال ۱۹۷۰-۱۹۷۱ م پس از کودتای لیبی و قرار داد تهران، این تقسیمات تغییر یافت که در نتیجه تقسیم به نسبت سی درصد برای شرکت‌ها و هفتاد درصد برای کشورهای تولیدکننده نفت بود، که سرانجام یک سال بعد طرحی نهایی صورت میگیرد که نود پنج درصد برای کشورهای تولیدکننده نفت و پنج درصد برای شرکت‌های استخراجکننده نفت (شرکت‌های استخراجکننده دنیای غرب) داده میشود، که این طرح سبب پای کشانیدن دنیای غرب مخصوصاً آمریکا به این منطقه میشود و در رأس شرکت‌ها و حاکم (بازار) کشورهای عربی میشود که تا امروز بازی را به نفع خود می‌چرخاند. در نتیجه جنگ عراق و ایران، ایالات متحده آمریکا استراتژی خویش را در این منطقه چنین تنظیم میکند:

- ۱- دسترسی به نفت خلیج فارس و آزادی تردد کشتی‌ها؛
 - ۲- جلوگیری از توسعه طلبی شوروی سابق در حوزه خلیج فارس؛
 - ۳- حفظ روابط تجاری، اقتصادی و دیپلماتیک با کشورهای منطقه.
- البته دو عامل عمده در توجه بیش از حد غرب به حوزه نفتی خلیج فارس، قابل درک است:

الف: وجود میدان‌های عظیم نفتی که بیش از ۶۵٫۵٪ ذخایر شناخته شده نفت جهان را در خود جای داده است.

ب: نیاز روز افزون کشورهای صنعتی که در مجموع مکمل استراتژی یکدیگر اند. اینکه ایالات متحده امریکا تا اواسط دهه ۱۹۶۰م از واردات نفی بی نیاز بوده، اما پس از آن هر روز نیازهای آن به منابع نفتی بیشتر می‌شود تا اینکه در شرایط فعلی روزانه بیشتر از ۱۲ میلیون بشکه مواد نفتی را از این حوزه وارد می‌سازد، از همین اساس اندک امریکا بارها از حوزه خلیج فارس بنام منطقه حیاتی خود یاد کرده است (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

نتیجه گیری

کشورهای جهان اسلام از وضعیت ژئوپولیتیک بسیار پیچیده و مغلق برخوردار بوده و قلمرو جغرافیایی بسیار بزرگ را شامل شده، مناطقی که در قلمرو کشورهای اسلامی قرار گرفته یکی از مناطق پردرآمد کره زمین بوده و دارای منابع سرشار طبیعی بوده و مهمترین مناطق استراتژیک جهان را تشکیل می‌دهد.

وحدت سیاسی جهان اسلام بعد از قرن یازدهم میلادی تضعیف شده و قدرت سیاسی از نزد مسلمانان چیده شده و با تجزیه و همپاشی امپراتوری ترکان عثمانی قدرت سیاسی و ژئوپولیتیک جهان اسلام به انحطاط رفته که این مرحله ابتدای تراژیدی ژئوپولیتیک جهان اسلام می‌باشد که عوامل مؤثر در ایجاد این شکافها نقش داشته عبارت از ایجاد و پیدایش اختلافات فرهنگی و تاریخی میان مسلمانان، مداخله اقوام ترک آسیای مرکزی (ترکان عثمانی) که موفق شدند با اعمال و قدرت نظامی خویش رهبری سیاسی - نظامی را از دست اعراب بیرون آورند. مداخله کشورهای استعماری و گماشتن تعدادی از زمامداران و حاکمان ضعیف و دور از بینش و انگیزه اسلامی توسط استعمار، قلمرو وسیع مسلمانان و ضعف رهبری آن و ده‌ها عوامل دیگری سبب آن شده است. جهان اسلام جزء مکمل‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک دو قدرت بری و بحری جهان محسوب گردیده و این خود، چند پارچگی جهان اسلام را در دید استراتژیک مطرح می‌کند.

جهان اسلام قلمرو بزرگ و وسیع بوده که از کانال سوئز شروع شده که تعداد بیشتر کشورهای آفریقایی، کشورهای خاورمیانه، غرب آسیا، آسیای مرکزی، جنوبی و جنوب شرقی قاره آسیا به شکل متمرکز واقع شده، اما مرکز جهان اسلام شامل شبه جزیره عرب که دارای قلمرو بزرگ اقتصادی، سیاسی، استراتژیک و مرکز منابع طبیعی بوده که شامل مناطق بحیره احمر و عرب و همچنان خلیج فارس و... که این محدوده مرکزی، در واقع نقش گره مواصلاتی جهان اسلام را بازی می‌کند که هم نقطه استراتژیک نظامی بری و هم بحری بوده که به عنوان مرکز و قطب جهان اسلام نامیده می‌شود. شبه جزیره عرب، به

عنوان پل عملیاتی در میان سه قاره بزرگ جهان واقع شده که بنام هارتلند (قلب سرزمینی) اورآسیا می نامند.

نفت، خون صنعت مدرن است و منطقه خلیج فارس قلبی است که این خون را به جریان می اندازد. کشورهای صاحب نفت مرکز جهان اسلام که در رأس آنها چهار کشور عبارت از عربستان سعودی، کویت، ایران و عراق میباشند، اگر کشورهای اسلامی دست وحدت را باهم داشته باشد و از منابع طبیعی خود برای کمک بر سایر کشورهای ضعیف و عقب مانده اسلامی به مصرف برساند و سیستم اقتصادی زیربنایی خود را تقویه بسازد، مراکز تعلیمی و تحصیلی بزرگ را انکشاف دهد و از نقاط استراتژیک خود به خوبی به نفع خود استفاده کند و دارای سیستم اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی و پولی واحد باشد، در نتیجه به بزرگترین قدرت سیاسی و ژئوپولیتیک کره زمین مبدل خواهد شد، که دیگر هیچ رقیب سیاسی و نظامی در مقابل آن پیدا نخواهد شد و افتخارات و قدرت دست رفته مسلمانان دوباره اعاده خواهد شد.

منابع

- ۱- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۶). فرهنگ جغرافیای سیاسی، تهران: انتخاب.
- ۲- جعفری و لدانی، اصغر، (۱۳۹۴). چالش ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳- حافظنیا، محمد رضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: استان قدس رضوی.
- ۴- حافظنیا، محمد رضا و سیدهادی زر قانی (۱۳۹۱). چالش های ژئوپولیتیک همگرایی در جهان اسلام، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰ صفحه ۱۳۹-۱۵۴.
- ۵- شیرازی، حبیب الله ابوالحسن، (۱۳۹۳)، سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران: سمت.
- ۶- عزتی، عزت الله (۱۳۹۴). ژئوپولیتیک، تهران: سمت.
- ۷- عزتی، عزت الله (۱۳۹۴). ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سمت.
- ۸- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- ۹- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۵). فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک (مفاهیم و نظریه ها در عصر فضای مجازی)، تهران: سمت.
- ۱۰- یزدان فام، محمود و مهدی میرزاده کوهشاهی (۱۳۹۷). مناطق راهبردی جهان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Abstract

The Islamic world is formed from a very large territory, which forms the most important strategic and profitable regions and points of the world, starting from the Mediterranean Sea and covering most of the geography of African countries, to the western, southwestern, central Asia, southern and It includes Southeast Asia. The political unity of the Islamic world has been weakened after the 11th century, and the political power has been taken away from the Muslims, the political and geopolitical power of the Islamic world has declined. Despite the fact that the most important and valuable natural resources, which include oil and gas, are located in the territory of Islamic countries, it will become the biggest power in the world, but still the geopolitical situation of Islamic countries is fragile, there is economic diversity among Islamic countries and Western countries (America) They directly and indirectly rule over most of these countries and benefit from their important resources, the purpose of this research is to investigate the geopolitical situation of Islamic countries, The method of researching this issue is in the form of library and internet, which is the result of the research of obtaining information and awareness regarding the geopolitical situation of Islamic countries with an emphasis on its oil resources.

Keywords: geopolitical situation, geopolitics, Islam, oil and Islamic countries.

بررسی مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد نسبی‌گرایی فرهنگی در افغانستان پوهنیار شریف الله نیکویی

چکیده

هویت و مؤلفه‌های آن از جمله پدیده‌های مهم و ارزش‌مندی اند که احساس تعلق و پیوند مشترک بین اعضای یک جامعه را تقویت نموده و یک ملت را از ملت‌های دیگر متمایز می‌سازد. شناخت و درک از مؤلفه‌های هویت ملی شرط اساسی پیدایش هویت ملی و عامل اصلی ایجاد وفاق، همبستگی و وحدت ملی در جامعه قلمداد می‌شود. بحث مهم در جوامع کثیرالقومی مانند افغانستان، تعریف و تعیین مؤلفه‌های هویت ملی است. باوجودی که در میان متفکران علوم اجتماعی در مورد تعریف هویت و مؤلفه‌های آن توافق نظر وجود ندارد، روابط و تعاملات اجتماعی، اشتراکات فرهنگی، هنجارها و ارزش‌های مشترک در یک جامعه، نشانه‌های اند که می‌توان بر مبنای آن الگوهای وحدت و همبستگی در میان ملت‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری هویت ملی را تشخیص و تعریف نمود. به همین اساس در این مقاله؛ مؤلفه‌های هویت ملی در افغانستان با تمرکز بر دیدگاه نسبی‌گرایی فرهنگی به بررسی گرفته شده است. اطلاعات و داده‌ها با استفاده از میتود کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در نتیجه نشان داده شده است که مدنیت‌های تاریخی، دین، سرزمین، زبان، ویژگی‌های فرهنگی مشترک و قوم و قومیت از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی در کشور به حساب می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: هویت، فرهنگ، هویت ملی، نسبی‌گرایی و افغانستان.

مقدمه

برخی از جامعه‌شناسان، شاخصه‌های مانند: تمدن، ادبیات، فرهنگ، ارزش‌ها، سرزمین، اسطوره‌ها، خاطرات، نهادهای مشترک، آداب و رسوم مشترک را از جمله شاخصه‌های مهم هویت بر می‌شمارند. آن‌ها احساس وابستگی جمعی، تعمیم یافتگی و انسجام بخشی را از ویژگی‌های بارز هویت میدانند. هویت یک جمع از مجموعه احساس‌های درونی شده مانند وحدت، همدردی، تعلق، ارزش‌ها و استقلال که همه بر محور جمعی استوار اند و می‌توانند در ایجاد همگونی جمعی و وفاق اجتماعی بین افراد نقش داشته باشند، ترکیب می‌شود. هویت ملی به شکل بالفعل برساخته‌ی واحدهای سیاسی برای ایجاد تمایز و سلطه بر دیگران است. اما به دلیل بی‌ثباتی در ساحت واحدهای سیاسی (دولت ملی) امروزه

بیش از هر زمان دیگر، مسأله هویت ملی در کشورهای جهان سوم به عنوان عامل اصلی برای انسجام سیاسی و اجتماعی مطرح می‌باشد. دهه‌ها است که در افغانستان تلاش صورت می‌گیرد تا هویت ملی واحد و منسجمی تعریف شود. آنچه محل منازعه و مسأله محوری تلقی می‌شود مؤلفه‌های هویت ملی است که بر مبنای آن انسجام سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شوند. پرسش این است که آیا شاخصه‌های خاصی وجود دارند که تعریف هویت ملی بر اساس آن تمام گروه‌های اجتماعی را بر محور خود جمع کند، یا نه؟ به عبارتی هویت احساس و تعهد فرد به مجموع مشترکات ملی با در نظر داشت گوناگونی‌ها و خرده فرهنگ‌ها است که ویژگی آن انعطاف پذیری می‌باشد. با این وصف هویت ملی به شکل سیستماتیک در واحد سیاسی یا دولت نهادینه شده و احساسات مشترک، تجانس و وحدت ملی را خلق می‌نماید که در محور آن گروه‌های قومی نیز به توافق می‌رسند.

تعریف مفاهیم

هویت: در زبان لاتین، واژه‌ی هویت به دو معنای متناقض به کار می‌رود: یکی تداوم و دیگر تمایز. هویت یعنی احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی داشتن. برخی نیز هویت را دارای دو معنای اصلی می‌دانند «معنای اول آن بیان‌گر تشابه مطلق است و معنای دوم آن تمایز است» (چنگیز، ۱۳۸۱: ۵). هویت مربوط به فهم افراد درباره‌ی این است که چه کسی هستند و چه چیزی برای آن‌ها مهم است. پس هویت به معنی چیستی و کیستی است که از نیاز طبیعی انسانی، شی و یا مکانی به شناخته شدن بر می‌آید» (قالیباف و پوپنده، ۱۳۸۹). به تعبیر مانوئل کاستلز هویت فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک دسته از ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع برتری دارند. البته باید توجه داشت که هویت‌ها در خلاء ساخته نمی‌شوند. هویت با «مقوله‌های مکان، فضا و زمان (تاریخ) پیوندی وثیق دارد» (همان، ۱۳۸۹: ۷).

هویت ملی: «هویت ملی عبارت است از باز تولید و باز تفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل داده و به اعضای یک ملت نیز هویت شناختی می‌بخشد» (اسمیت، ۱۳۹۴: ۲۱). هویت ملی به دلیل نقش تعیین کننده‌اش، مشروعیت دهنده‌ی نظام‌های سیاسی و اجتماعی بوده و عامل مهم در ایجاد وحدت ملی می‌باشد. هویت ملی اصطلاحی نسبتاً متأخر است که به جای «منش ملی» و «آگاهی ملی» بکار می‌رود. هویت ملی در تعریف جوامع و تعیین حدود و مرز آن‌ها نقش اساسی دارد. هویت ملی را هویت جمعی به نام ملت نیز می‌نامند زیرا معنی احساس تعلق به یک ملت را می‌دهد. هویت ملی به معنی مدرن، یعنی احساس تعلق به

دولت‌های مدرن‌ای که از قرون هفده به بعد در اروپا و بعدها در دیگر نقاط جهان پیدا شدند.

مؤلفه‌های هویت: مقصود از مؤلفه‌های هویت‌ملی، موارد ارزش‌مندی هستند که جوامع نسبت به آن‌ها احساس افتخار می‌کنند و چگونگی دارایی میراث در آن‌ها هستند، خود را به‌وسیله‌ای آن‌ها از دیگران بازمی‌شناسند. به‌طور کلی، تا زمانی که افراد یک جامعه نسبت به مؤلفه‌های هویت‌ملی به خودآگاهی دست پیدا نکنند، هویت‌ملی تشکیل نخواهد شد (قالیباف و پوینده، ۱۳۹۸). درباره مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ای هویت‌ملی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، اما با توجه به ویژگی‌های مشترک ملی بین اعضای جامعه می‌توان سرزمین، تاریخ، دین، فرهنگ، زبان و ادبیات، ملیت، نظام سیاسی، اسطوره‌های خاص، سنن و آداب، فرهنگ عمومی و غیره را از مهم‌ترین شاخصه‌های هویت‌ملی دانست.

دیدگاه‌های قدیمی، مدرن و فرامدرنیستی در باره هویت

در خصوص شکل‌گیری هویت‌ملی در علوم اجتماعی دو الگوی مهم وجود دارد: یکی آن‌گویی قدیمی و طبیعی است که در آن ملت‌ها ویژگی‌های مشترکی دارند که به تحکیم طبیعی هویت کمک کرده و مشکلی در آن دیده نمی‌شود؛ دیگر الگویی هویت‌های مدرن و مصنوعی است که در عصر جدید از طریق ناسیونالیسم شکل گرفته‌اند.

دیدگاه قدیمی یا رویکرد ازلی‌گرایی هویت بر این اصل تأکید می‌کند که جهان و نظم حاکم بر آن تحت اقتدار مطلق خداوند قرار دارد. در چنین جامعه‌ای افراد تسلیم اراده خداوند بوده و یک‌پارچگی، انسجام و اتحاد طبیعی قلمداد شده و هویت مقوله‌ای ثابت و فاقد هرگونه پارادوکسی فرض می‌شود (صالحی، ۱۳۸۸). هویت به‌مثابه‌ای پدیده‌ی سیاسی و اجتماعی بحث جدید در علوم اجتماعی است که به جای مفهوم «خُلق و خوی» بکار گرفته می‌شود. هویت‌های ملی که در دوره‌ای مدرن ایجاد شده و متأثر از ظهور دولت‌های ملی و اندیشه‌های ناسیونالیستی در اروپای قرون هجدهم و نوزدهم هستند (حسنی‌فر و مرزبالی، ۱۳۰۰). هویت و مؤلفه‌های هویت‌ملی در اصل نسبی است (ابوالحسنی، ۱۳۸۷). هویت‌ملی بستگی به تعریف پارامترهای هم‌چون «سرزمین، تاریخ، دین و ادراک‌های ارزشی چون برابری، آزادی، توسعه، عدالت و درک اولویت‌ها و مقاصد ملی دارد» (قالیباف و پوینده، ۱۳۸۹: ۹).

اکثر کشورهای کنونی جهان از چنین هویت‌ملی برخوردارند. پس هویت‌ملی مدرن، یعنی احساس تعلق به دولت‌های مدرن که از قرن هجدهم (۱۶۴۸ وست‌فالی) به بعد در اروپا و بعدها در دیگر نقاط جهان پیدا شدند. از دیدگاه برگسون نیز هویت‌های مدرن

بر ساخته‌ای است که عناصر ترکیبی آن از گذشته وام گرفته شده‌اند. به طور کل «بازتاب هویت ویژگی جهان مدرن است که بر پایه آن افراد در ارتباط با دیگران شناخته می‌شوند» (چنگینز، ۱۳۸۱: ۲۸۵).

از مهم‌ترین رهیافت‌های فرامدرنیستی در مورد هویت رهیافت گفتمانی است که بر چگونگی پیدایش و سامان یافتن تمایزات و کنش‌های گفتمانی و انکار نقش هرگونه عامل طبیعی و نیز عنصر کارگذار اجتماعی از قبل موجود در شکل‌گیری و تعریف هویت‌ها تمرکز دارد.

ژاک دریدا نظریه پرداز پست‌مدرن معتقد به هویت‌های تثبیت شده نبوده و تنها زبان را وسیله احراز هویت می‌داند. «به عبارتی دریدا معتقد است بین هویت‌های مختلف مرز شفافی وجود ندارد. هیچ فرهنگ، تمدن و قومی را نمی‌توان یافت که هویت‌ناب و خالص داشته باشد» (صالحی، ۱۳۸۸: ۴۸). در وضعیت پست‌مدرن، هویت‌های کلان، تجویزی، یک‌پارچه و واحد به تدریج رنگ می‌بازند و در بستر مناسبات کثرت‌گرایانه، تردیدآمیز، نسبی و دائماً در حال تغییر و تحول، قاطعیت و وجهه غالب خود را از دست می‌دهند. در این جستار چالش هویت‌ملی در افغانستان مطابق الگوی دومی یعنی هویت به مثابه بر ساخت واحدهای سیاسی به تبیین و تحلیل گرفته می‌شود زیرا در تاریخ معاصر افغانستان به خاطر حفظ یک‌پارچگی و خلق هویت‌ملی متناسب با رهیافت‌های جدید ملت‌سازی طبق مدل‌های اروپایی «ترکیبی از تاریخ و مدنیت‌های گذشته» بهره‌ای زیادی گرفته شده است.

در افغانستان از اوایل قرن بیستم، پروژه دولت-ملت سازی به صورت ترکیبی از تاریخ «مدنیت‌های گذشته» با «هویت قومی» آغاز شده است (خسرو، ۱۳۹۱). بنابراین اگر بحث مدنیت‌های گذشته را کنار بگذاریم، به عامل اصلی بن‌بست در فرایند شکل‌گیری هویت‌ملی پی خواهیم برد. زیرا در مدنیت‌های گذشته و تاریخی افغانستان ارزش‌های تعمیم‌پذیر به هویت‌ملی وجود دارد. هویت در تناسب با محوریت یافتن قومیت، به شکل بالفعل به مانع اصلی شکل‌گیری هویت‌ملی در جامعه مبدل گردیده است. ماهیت قومیت را برتری جویی‌های قومی، زبانی، فرهنگی و رسمیت بخشیدن آن از طریق اقتدار سیاسی به فرهنگ عمومی شکل می‌دهد. از این نگاه هویت قومی در برابر هویت فرهنگی قرار می‌گیرد. زیرا هویت فرهنگی در ارتباط با گذشته تاریخ مشترک ملت‌ها قابل تبیین است و هویت فرهنگی در مقابل هویت قومی کارکرد مثبت و غیر قابل انکار در ایجاد وحدت‌ملی دارد.

به‌طور سنتی بازی‌گران هر دو طیف هویت قومی و فرهنگی (در افغانستان) را نخبه‌گان تشکیل می‌دهند. با توجه به این استدلال می‌توان گفت مانع اساسی شکل‌گیری هویت‌ملی در جامعه افغانستان نخبه‌گان و سیاسی شدن قومیت در جامعه است. پل براس در اثر معروف خود «قومیت و ناسیونالیسم: تئوری و مقایسه» ابزار رقابت نخبه‌ها با دولت به خاطر

کسب قدرت و امتیاز قومیت می‌باشد. قومیت به‌حیث هدف یا به‌عنوان ابزار رقابت سیاسی برای نخبه‌گان جامعه افغانستان یک واقعیت غیر قابل انکار به شمار می‌رود. علی‌رغم تلاش‌های سودجویانه‌ی نخبه‌گان از سیاسی سازی قومیت، مؤلفه‌های دیگر هویت‌ملی به شکل سنتی کارکرد پویا و دوام‌دار خویش را حفظ نموده‌اند که انسجام سیاسی و اجتماعی کنونی جامعه نتیجه آن می‌باشد.

قوم‌مداری و فرهنگ‌مداری

قوم‌مداری تمایل به برتر پنداشتن فرهنگ و سبک زندگی یک فرد و یا به گرایش افراد یک جامعه در جهت برتر پنداشتن فرهنگ ویژه‌شان، از دیگران اطلاق می‌شود. مردم معمولاً به وسیله رویکردهای اجتماعی تلقین شده به قوم‌مدار رو می‌آورند و به ساده‌گی عناصر فرهنگی قوم خود را از دیگران برتر می‌شمارند. قوم‌مداری ریشه در جوامع سنتی دارد زیرا در میان جوامع سنتی باورها محدود به مکان مختص بوده و قبول دیگری غیر قابل درک تلقی می‌شده؛ و در نتیجه هر گروه قومی، قومیت خویش را برتر از دیگران می‌شماریده‌اند. بر همین مبناً اوانس ریچارد قوم‌مداری را اعتقاد به برتری یک گروه بر دیگران تعریف می‌کند. در پیوند به شکل‌گیری قوم‌مداری می‌توان گفت که «گروه‌های قومی به اساس سنت‌های فرهنگی مشترک هویت خود را شناسایی و با تفکیک برخی از ویژگی‌های هویتی، خود را از دیگران برتر تلقی می‌نمایند» (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۵۲۱). در نهایت هویت قومی معطوف به احراز قدرت و تشکیل دولت بر مبنای قومیت از نظر فرهنگی و رسمیت بخشیدن آن به عنوان فرهنگ عمومی است. از نظر اسمیت: «منشاء قوم‌مداری و خلق روایت شکل‌گیری نهضت‌های جدایی‌طلب قومی، ناشی از تمایل و نیاز جامعه‌ی قومی به کسب هویت قومی خود و رسمیت بخشیدن به آن است» (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

در برابر قوم‌مداری که قایل به برتری فرهنگی است، نسبی‌گرایی مبنای درک هر فرهنگ را با معیار خود آن فرهنگ قرار می‌دهد. از نظر فکوهی نسبی‌گرایی بر این فرض استوار است که فرهنگ دارای ترکیب نامتجانس، متغییر و متنوع است که پویایی آن از جامعه به جامعه‌ای دیگر فرق می‌کند. درکل نسبی‌گرایی فرهنگی به ترویج هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در میان فرهنگ‌ها تأکید می‌کند (لوی، ۱۳۹۰). مهم‌ترین کارکرد نسبی‌گرایی فرهنگی پایان دادن به تعصبات و درگیری‌های قومی و فرهنگی است. زیرا قوم‌مداری در نهایت به مقاومت گروه‌های بومی مواجه شده و منجر به درگیری می‌شود. نسبی‌گرایی فرهنگی برعکس قوم‌مداری «اصل داوری در باره اعمال فرهنگی را از دید همان فرهنگ می‌گذارد» و از قضاوت عجولانه دوری می‌جوید. زیرا تمام اعمال و رفتارهای فرهنگی دارای معنا و

کارکردی اند که در صورت عدم شناخت، قضاوت ما در باره‌ای آن‌ها نیز ممکن اشتباه باشد (همان، ۱۳۸۴).

ملی‌گرایی و هویت‌ملی

ملی‌گرایی پدیده‌ای در هم‌تنیده با ملت است و هویت در فرایند شکل‌گیری ملت و هم‌زمان با آن در جامعه شکل می‌گیرد. از این‌رو بین ملی‌گرایی و هویت‌ملی ارتباط نزدیک وجود دارد. شاخصه‌ای مهم ملی‌گرایی در عصر مدرن تقویت احساس وفاداری ملی است (نظری و طهما سبی، ۱۳۹۴). تا کنون ملی‌گرایی از سه طریق به ملت‌سازی انجامیده است. ابتدا از طریق قومیت، تا قبل از قرن نوزده دولت‌ها به اساس مرزهای قومی تعریف می‌شدند. سپس ملی‌گرایی زبانی در نهایت ملی‌گرایی دینی ست که بر پایه آن ملت‌ها نظر به زبان و اعتقاد دینی تعریف می‌شوند.

هر سه ره‌یافت ملی‌گرایی با جنگ‌های جهانی اول و دوم پایان یافت. از این لحاظ ملی‌گرایی که به گفته‌ای آنتونی. دی اسمیت نیروی رهایی بخشی توصیف می‌شد، که با از هم‌پاشیدن بومی‌گرایی به پیدایش دولت-ملت‌های بزرگ و نیرومند، با جاذبه دموکراتیک انجامید و اقتدار مردم و حق تعیین سرنوشت را برای همگان در قرن نوزدهم اعلان داشت؛ در قرن بیستم به ملی‌گرایی توده‌ای به رهبری روشن‌فکران تبدیل شد که به مسائل کوچکی مانند زبان و تفاوت‌های فرهنگی متصل و به داعیه‌ای ملت‌های قومی تنزیل پیدا نمود. تحت تاثیر خودآگاهی قومی و ملت‌های قومی، ملی‌گرایی با توصل به «نژاد» به فاشیسم و نژاد پرستی انجامید (اسمیت، ۱۳۹۴).

مؤلفه‌های اساسی هویت‌ملی در افغانستان

مقصود از شاخصه‌های هویت‌ملی، مجموعی از پدیدارهای ارزش‌مندی هستند که اعضای یک جامعه نسبت به آن‌ها احساس تعلق داشته و آنرا میراث مشترک خویش دانسته و به‌وسیله آن خود را از ملت‌های دیگر تفکیک می‌نمایند (حسینی فر و مرزبلی، ۱۳۹۱). آگاهی از این مؤلفه‌ها شرط مهم پیدایش هویت‌ملی است؛ یعنی تا زمانی که اعضای یک جامعه، شناخت لازم از مؤلفه‌های هویت پیدا نکنند، هویت‌ملی شکل نمی‌گیرد (قالیباف و پوینده، ۱۳۹۰). در مورد مؤلفه‌های اساسی هویت‌ملی در افغانستان توافق نظر وجود ندارد و اتفاقاً ریشه‌ای برخی مشکلات در همین نکته نهفته است. اما الگوهای جامعه‌شناختی هویت نشان می‌دهد که سرزمین و تاریخ مشترک دو مؤلفه عینی مهم در فرایند شکل‌گیری هویت‌ملی اند. زیرا از یک سو گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های متنوع موجود در یک جامعه قابل انکار نیستند و از طرف دیگر خود مؤلفه‌های هویت‌ملی نسبی اند. هم‌چنان

مهم‌ترین مشخصه هویت در قرن بیستم، نسبت آن است. زیرا نسبت قابل شدن به هویت آنرا از مطلق‌گرایی نجات داده و به نحوی تقدس‌زدایی می‌کند. در جوامع چند قومیتی، مطلقیت هویت به انحصار و تحدید خرده فرهنگ‌های موجود و در نتیجه به تضاد و تعصب خاتمه می‌یابد. با آن‌که نقدهای زیادی بر نسبت‌انگاری هویت مطرح شده است، ریچارد رورتی و ژاک دریدا دو تن از طرفداران نسبت‌هویت‌اند. آن‌ها به این باوراند که هویت‌ها تاریخ‌مند، حدوثی و ناشی از تحولات متعدد اجتماعی فرهنگی می‌باشند (طاهایی، ۱۳۹۱). به‌رغم عدم پایداری هر یک از عناصر تشکیل دهنده هویت، مؤلفه‌های اساسی هویت‌ملی را می‌توان قرار ذیل بر شمرد:

جغرافیا و سرزمین مشترک: یکی از عناصر مهم قدرت‌ملی کشورها را، جغرافیای آن تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر هویت مکانی تعلق فرد به جغرافیا را نشان می‌دهد. مکان، فضا، محل، منطقه و ناحیه شاخصه‌های هویت سرزمینی‌اند که هویت اجتماعی افراد را تعریف می‌نمایند (قالیباف و پوینده، ۱۳۹۸). هویت سرزمینی تعلقات قومی، زبانی و مذهبی را فروکاسته و فرد را با جمع یعنی «ما» پیوند می‌دهد (مشرقی، ۱۳۸۹). آنچه برای هویت‌ملی از اهمیت حیاتی برخوردار است، حس وابستگی به یک سرزمین است. به‌رغم اختلافات قومی، حس وابستگی به سرزمین و وطن پرستی از ویژگی‌های خاص افغان‌ها در طول تاریخ به حساب می‌آید. به گواهی تاریخ، در مواقع که تمامیت ارضی افغانستان در تهدید بوده همه مردم افغانستان بدون استثناً در دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی در برابر تجاوز و استعمار ایستاده‌اند. به لحاظ جغرافیایی افغانستان کشوری محاط به خشکه است.

تاریخ مشترک: در خصوص هویت‌های تاریخی، نظریه‌های متعددی وجود دارد. برخی‌ها هویت را محصول تحولات تاریخی می‌پندارند. عده‌ای دیگر هویت را پدیده تاریخی خوانده و منظور از اصطلاح ملت‌های تاریخی را تداوم هویت فرهنگی و استمرار آن از یک دوره به دوره دیگر عنوان می‌کنند. آنچه از گذشته تاریخی افغانستان بر می‌آید هم‌خوانی با نظریه دوم یعنی «ملت‌های تاریخی» دارد. عدم توافق بر سر تقسیم‌بندی دوره‌های تاریخی، این سرزمین باستانی، دلیلی بر انکار پیشینه‌ای تاریخی آن نیست. از سه هزار سال قبل میلاد آریایی‌ها در این سرزمین زندگی می‌نموده‌اند و هخامنشی‌ها در (۵۵۰ ق.م) اولین دولت را در قلمرو آریانا با مرکزیت «بخدی» تأسیس کردند (غبار، ۱۳۴۶: ۴۷۹). از قرن اول هجری و در زمان خلیفه سوم، مردمان این سرزمین به دین اسلام گرویدند و جز خلافت اسلامی شدند که تا قرن ۱۸م و دوره ابدالی‌ها این سرزمین نیز به همین نام یاد می‌شده است (مصباح‌زاده، ۱۳۸۷). در مورد شکوه و جلال خراسان، فریدریک استار در کتاب «روشن‌فکری گم‌شده» می‌نویسد که در کنار آسیای مرکزی، خراسان از سال‌های ۸۰۰ -

۱۲۰۰م در بخش تجارت، علم و فلسفه، هنر و طبابت پیش گام عصر خویش بوده است (عاطفی، ۲۰۱۴).

افغانستان که مشخصاً به معنی سرزمین افغان‌ها است، از نیمه اول قرن ۱۹م به این سونام رسمی کشور می‌باشد (غبار، ۱۳۴۶). مهدی در مقاله‌ی که اخیراً به نشر رسانیده می‌نویسد از دهه‌های دوم تا نهم قرن نوزدهم، کابل نام یک سلطنت نشین بود، که سرزمینی بنام افغانستان جزو آن شمرده می‌شد؛ هم‌اکنون کابل شهر و پایتخت کشوری به نام افغانستان است (مهدی، ۲۰۲۲). میراث مشترک تمدنی، قهرمانان تاریخی، دین، ارزش‌های فرهنگی، زبان و آداب و رسوم شاخصه‌های اند که در طول تاریخ پیوند مشترک بین مردم افغانستان به حیث یک ملت واحد را حفظ نموده اند.

دین و مذهب: اکثریت مطلق مردم افغانستان مسلمان‌اند و به باورهای دینی و اسلامی اعتقاد عمیق دارند. اسلام به مثابه نظام اعتقادی و ارزشی حاکم بر جامعه، در همه ابعاد حیات فردی و جمعی رسوخ کرده و حیات اجتماعی با قوانین و دستورهای آن عجین شده است (سجادی، ۱۳۹۵). از آن‌جا که بیش از ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان هستند؛ اسلام را می‌توان به حیث نیروی پیوند دهنده گروه‌های مختلف در این کشور تلقی نمود. بنابراین تعالیم دین اسلام در عرصه وحدت و یک پارچگی می‌تواند نقش بارز و ارزش‌مندی در شکل‌گیری هویت ملی داشته باشد. زیرا دین تعصب را مردود شمرده و به هم‌دیگر پذیری و اخوت دعوت می‌نماید. دین رسمی مردم افغانستان اسلام و مرجع اجرای احکام آن فقه حنفی است. دین در برابر ایدئولوژی‌های مادینگرا، ملت را اجتماع کل مسلمانان و معادل کلمه «امت» پیغمبر (ص) تعریف می‌کند. در زیر چتر دین؛ مذهب عامل دیگری برای تحکیم هویت است. دو مذهب بزرگ تسنن و تشیع که با ریز فرقه‌های خود بیش از ۹۹ درصد مردم افغانستان را پوشش می‌دهند.

زبان و فرهنگ: زبان هسته اصلی فرهنگ و یکی از عناصر اساسی هویت ملی به شمار می‌رود که از حیث کارکردی علایق مشترک بین اعضای جامعه و پیوند آن‌ها با هم‌دیگر را تقویت می‌بخشد. جامعه‌شناسان کلاسیک به نقش زبان در تحکیم همبستگی ملی و انتقال ارزش‌های مشترک فرهنگی تاکید می‌ورزند. در افغانستان علاوه از دو زبان رسمی «پشتو» و «فارسی دری» زبان‌های اوزبکی، ترکمنی، ایماقی، قرقیزی، پشه‌ای، نورستانی و بیش از سی زبان و لهجه‌ای دیگر در میان اقوام مختلف کشور رایج می‌باشد (نجفی، ۱۳۹۰). قطب‌بندی‌های قومی و زبانی روشن‌فکران و سیاست‌های خصمانه‌ای دولت‌ها طی چند دهه اخیر تنوع زبانی و قومی را که می‌توانست به تکرر و غنای فرهنگی کشور بینجامد، به تهدید برای هویت ملی تبدیل نموده‌اند. قبل از شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی، زبان فارسی از زمان سدوخان به بعد، زبان دربار درانی‌ها و زبان شعر و ادبیات، بازرگانی و دیپلماسی

بود. تردیدی نیست که زبان نقش قابل توجه در شکل‌گیری ملت و هویت‌ملی دارد، اما زبان مشترک به رغم آن که روند ملت‌سازی را تسهیل و تسریع می‌بخشد، اما هرگز به ایجاد ملت واحد نمی‌انجامد. زیرا کشورهای اندک که زبان رسمی‌شان انگلیسی و یا عربی است، اما ملت واحد نیستند. در پروسه گذار از تعصبات زبانی و قومی جامعه‌ما نیازمند طرح سیاست فرهنگی مبتنی بر هم‌دیگرپذیری، تقویت روحیه فرهنگ‌مداری بجای فرهنگ‌ستیزی و توجه به آموزش و پرورش برای خلق آگاهی به حیث ابزار تداوم خرده فرهنگ‌ها و شکل‌گیری هویت‌ملی واحد می‌باشد.

قوم و قومیت: قوم و قومیت مبنایی است برای تعیین رده‌هایی اجتماعی که از تفاوت‌های اجتماعی و ملی، زبانی و یا مذهبی ریشه می‌گیرند. قومیت خصوصیت جمعی و مشترک انسان‌ها است که مشخصه‌های آن عبارت‌اند از ملیت، قبیله، مذهب، زبان مشترک، فرهنگ مشترک، آداب و رسوم مشترک. افغانستان منظومه متشکل از اقوام و قبایل مختلف، با زبان‌ها و فرهنگ‌های متنوع است. این کشور از حیث تنوع قومی مقام چهارم در آسیا و جایگاه سی‌وهفتم در جهان را داراست. طبق تحقیقات مردم‌شناسان و قوم‌شناسان خارجی و داخلی حدود پنجاوپنج گروه قومی با آداب و رسوم متفاوت در افغانستان زندگی می‌کنند (نجفی، ۱۳۹۰).

نژاد شناختی و سنخ‌شناسی اقوام در افغانستان نشان می‌دهد که از میان چهار گروه قومی بزرگ پشتون‌ها با تاجیک‌ها و هزاره‌ها با اوزبیک‌ها دارای ریشه‌ای نژادی مشترک‌اند. پس با توجه به این بافت اجتماعی و فرهنگی میان اقوام می‌توان گفت؛ فقدان شناخت و درک متقابل از ارزش‌های فرهنگی، مشترکات و منافع ملی امکان و اعتبار تلفیق هویت‌های قومی به «هویت‌ملی» را کم‌رنگ ساخته است. پس تنها راه کار مناسب روحیه هم‌دیگرپذیری بر پایه شناخت و درک متقابل از ارزش‌ها و سنت‌های ویژه‌ای اقوام در میان هم‌دیگر است که می‌تواند به شکل‌گیری هویت [افراقومی] ملی بینجامد.

نتیجه‌گیری

سرزمین باستانی با تاریخ کهن که امروز افغانستان نامیده می‌شود در قدیم به نام‌ها «خراسان» و «آرایانا» محسوب می‌شد. تاریخ کهن و جغرافیایی باستانی در کنار دین، فرهنگ، آداب و رسوم، زبان و قومیت‌ها مؤلفه‌های به شمار می‌روند که تا امروز ملت‌ها را با جغرافیایی پیوند داده‌اند.

با وجودی که افغانستان کشوری کثیرالقومی خوانده می‌شود، عناصر مشترکی زیادی وجود دارند که بر مبنای آن می‌توان هویت‌ملی را تعریف و وحدت و همبستگی ملی را تقویت نمود. نتیجه‌ای که از این تحقیق می‌توان ارائه کرد این است که اولاً هویت و مهم‌تر

از آن مؤلفه‌های آن در علوم اجتماعی نسبی تلقی می‌شوند. زیرا با تحولات اجتماعی و سیاسی و تغییرات جمعیتی هویت دیگرگون می‌شود. مثلاً در سه نام تاریخی که برای افغانستان بر شمرده شده است هویت و مؤلفه‌های آن متفاوت اند. ثانیاً بین هویت یک مملکت با هویت اعضای آن تفاوت وجود دارد. سرزمین و تاریخ مشترک مؤلفه‌های هویتی یک مملکت اند. به همین اساس هویت ملی را هویت جمعی نیز می‌گویند. یعنی در عین زمان یک فرد دارای هویت‌های مختلف بوده می‌تواند که تنها هویت ملی پیوند بین همه‌ای افراد و اعضای یک جامعه را تعریف می‌کند. ازین رو گروه‌های قومی مختلف در عین وفاداری به هویت ملی می‌توانند به هویت‌های قومی، فرهنگی و مذهبی خویش نیز وفادار باقی بمانند. پس با توجه به تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در جامعه افغانستان هویت ملی را می‌توان بر مبنای سرزمین، تاریخ و دین به عنوان عناصر مشترک و خرده فرهنگ‌های زبانی، مذهبی، قومی و سایر موارد دیگر استحکام بخشید و گامی به سوی وحدت ملی و همبستگی ملی برداشت.

منابع

- ۲- اسمیت دی. آنتونی. (۱۳۷۷). «منابع قومی ناسیونالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱.
- ۳- اسمیت، دی. آنتونی. (۱۳۹۴). ناسیونالیسم ومدرنیسم، مترجم: کاظم فیروزمند، تهران: ثالث.
- ۴- ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۸۷). «مؤلفه هویت ملی با رویکردی پژوهشی»، فصل‌نامه سیاست، س ۳۸، ش ۴.
- ۵- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت، تهران: فرهنگ گفتمان.
- ۶- چنگیز، ریچادر. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، مترجم: تورج یار احمدی، تهران: شیرازه.
- ۷- حسینی فر، عبدالرحمن و مرزبیلی، مجید عباس زاده. (۱۳۹۹). «مؤلفه‌های شکل دهنده هویت ملی ایران در فرایند تاریخی»، فصل‌نامه علمی، س ۱۱، ش ۱.
- ۸- خسرو، خالد. (۱۳۹۱). «گفتار اول در باب هویت ملی و خوانش تاریخ افغانستان»، قابل دسترس در سایت افغان آسمایی. ۱۴۰۲/۵/۲. <http://www.afghanasamai.com/AS-Homme-2/farhang6.htm>
- ۹- سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۹۵). جامعه شناسی سیاسی افغانستان، کابل: امیری.
- ۱۰- صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۸۸). انسجام ملی تنوع فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۱- طاهایی، سیدجواد. (۱۳۹۱). «علیه هویت، رهیافتی انتقادی پیرامون هویت ملی و سیاست‌های هویت»، فصل‌نامه راهبردی اجتماعی و سیاسی، س ۱، ش ۲.

- ۱۲- عاطفی، کریم. (۲۰۱۴). «شکل‌گیری هویت و ناسیونالیسم و دولت‌سازی در افغانستان و آسیای مرکزی»، کانون مطالعات خراسان، همایش دانشگاه برکبیک لندن.
- ۱۳- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۴). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی.
- ۱۴- غبار، میرغلام محمد. (۱۳۴۶). افغانستان در مسیر تاریخ، مطبوعه دولتی کابل.
- ۱۵- قالیباف، محمدباقر و پوینده، محمدهادی. (۱۳۸۹)، «تبیین جغرافیایی بنیاد های هویت‌ملی»، فصل‌نامه
- ۱۶- مطالعات ملی ۴۵، س ۱۲، ش ۱.
- ۱۷- لوی، نیل. (۱۳۹۰). نسبی‌گرایی اخلاقی، مترجم: استفدیار زندپور، تهران: امیر کبیر.
- ۱۸- مشرقی، دیدارعلی. (۱۳۸۹). بحران هویت‌ملی در افغانستان راهکارها و راه‌حل‌ها، انتشارات سعید.
- ۱۹- مهدی، محی‌الدین (۲۰۲۲)، «تاریخ نام‌گذاری کشور افغانستان»، قابل دسترس در <https://ariapress.org>، ۲۲ دسامبر ۲۰۲۲.
- ۲۰- م‌صباح‌زاده، سیدمحمدباقر. (۱۳۸۸). تاریخ سیاسی مختصر افغانستان، ناشر: مرکز پژوهش‌های آفتاب.
- ۲۱- نجفی، علی. (۱۳۹۰). «تنوع‌قومی، فرهنگی و زبانی افغانستان^(۱)»، فصل‌نامه مطالعات منطقوی، س ۳، ش ۷.
- ۲۲- نظری، علی اشرف، طهماسبی، نوذر خلیل. (۱۳۹۴). «ملت و ملی‌گرایی در نگاه انتقادی آنتونی دی. اسمیت فصل‌نامه سیاست پژوهی س ۲، ش ۳.

Identity and its components are important and valuable phenomena that strengthen the sense of belonging and common bond between the members of a society and distinguish a nation from other nations. Awareness and understanding of the components of national identity is considered the basic condition for the emergence of national identity and the main factor in creating harmony, solidarity and national unity in the society. An important discussion in multinational societies like Afghanistan is defining and determining the components of national identity. Although there is no consensus among social science thinkers about the definition of identity and its components, social relations and interactions, cultural commonalities, common norms and values in a society are signs that can be based on the patterns of unity and solidarity among nations and fields recognized and defined national identity. Therefore, in this article; the components of national identity in Afghanistan have been examined by focusing on the perspective of cultural relativism. Information and data have been collected using the library method and analyzed in an analytical-descriptive way. As a result, it has been shown that historical civilizations, religion, land, language, common cultural characteristics, and ethnicity are among the most important components of national identity in the country.

Keywords: Identity, Culture, National Identity, Relativism and Afghanistan.

چشم‌انداز مدیریت آب در افغانستان با تاکید بر (بند سلما)

پوهنیار سیدحبیب الله رادمش و پوهنیار مجتبی رفیعی

چکیده

باورها براین است که آب و کمبود آن در آینده می‌تواند به عنوان یک چالش مطرح شود، که این چالش خود چالش‌های دیگر را در پی خواهد داشت. به خصوص زمانی که یک مسأله جدی بدل خواهد شد که رودهای فرامرزی روابط دیپلماتیک و سیاسی کشورهای همجوار را تحت تاثیر قرار دهد. افغانستان نیز از جمله کشورهای است که رودهای فرامرزی با همسایگان خود دارد و آب‌های افغانستان یکی از عناصر مهم ژئوپلیتیکی است که امروزه در روابط سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و مرزی با همسایگان تاثیر گذار است. به خصوص در حوزه غربی افغانستان (هریرود) با کشور جمهوری اسلامی ایران بیشتر قابل لمس است. هرچند مشکل آب با ایران سابقه نزدیک به صد سال دارد. که درین اواخر با ساختن بند سلما (دوستی افغان-هند) روی هریرود جدی تر شده است. لذا تحقیق حاضر در پی بررسی مسأله آب در کشور و چشم‌انداز مدیریتی آن با تاکید بر هریرود است. در تحقیق حاضر از روش کاربردی استفاده شده و در جمع‌آوری معلومات از روش کتابخانه‌یی، اسناد و منابع انترنیتی کارگرفته شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که افغانستان در صورت عدم برنامه ریزی بلند مدت در بخش آب با مشکل رو به رو خواهد شد و اگر بتواند با رویکرد چندمنظوره (ذخیره سازی آب، توسعه کشاورزی و تولید برق) با یک پلان مدون و زمان‌مند به مدیریت آب بپردازد می‌تواند چشم‌اندازهای توسعه‌ای و اقتصادی روشن برای آینده کشور رقم بزند.

واژه‌های کلیدی: هیدروپلیتیک، هریرود، مدیریت آب و تنش آبی.

مقدمه:

آب به عنوان ماده حیاتی، به مسأله مهم و قابل بحث در ابعاد ملی و فراملی بدل شده است. افزایش گازهای گلخانه‌یی و بلند رفتن درجه حرارت سراسری زمین که عواقب ناگوار از جمله خشک‌سالی‌ها را در پی خواهد داشت، می‌تواند برای افغانستان که به آب‌های آزاد جهان راه ندارد در آینده نه چندان دور مشکل ساز باشد. کاهش سطح آب

زیر زمینی کابل از شانزده متر به یکصد متر طی بیست سال گذشته دلیل بر این ادعا است. افغانستان پنج حوضه رودخانه‌ای دارد که شامل حوضه کابل، حوضه هلمند، حوضه هریرود و مرغاب، حوضه آمو و حوضه شمال می‌باشد (احمدی، ۱۳۹۳، صفحه ۱۵). از جمله چهار حوضه آن رودهای فرامرزی است، که افغانستان را با کشورهای همسایه، ترکمنستان، ایران، تاجکستان، ازبکستان و پاکستان شریک می‌سازد. با این منابع آبی اما افغانستان در شرایط موجود تنها توان استفاده از ۲۵ تا ۳۰ درصد آب‌های خود را دارد، که باقی‌مانده آن از مرزهای کشور بیرون شده و به صورت یک جانبه مورد استفاده کشورهای همسایه قرار می‌گیرد. در هر ثانیه بیشتر از ۱۰۰۰ متر مکعب آب شیرین افغانستان از این کشور خارج می‌گردد (فهییم، ۱۳۹۵، صفحه ۱۴).

افغانستان به عنوان کشور بالادستی که بهره برداری از منابع آب را به علت دهه‌ها جنگ، بی نظمی و بی ثباتی سیاسی نتوانسته است توسعه دهد. اکنون شدیداً نیازمند است تا سهم خویش از منابع آبی را برای مقاصد تولید برق، آبیاری، استفاده‌ی شهری و صنعتی و همچنان مقاصد اقتصادی دیگر استفاده نماید. از طرف دیگر نگرانی‌های وجود دارد که استفاده افغانستان از منابع آب می‌تواند بهره‌برداری قبلی کشورهای همسایه را به مقدار قابل توجه کاهش دهد. لذا مسأله آب می‌تواند روی روابط افغانستان با همسایگانش به خصوص جمهوری اسلامی ایران در ابعاد سیاسی، اقتصادی، ترانزیتی و امنیتی تاثیر بگذارد. افغانستان در حدود ۹۴۷ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد که سه ولایت غربی هرات، فراه و نیمروز را از ولایت‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سیستان بلوچستان ایران جدami سازد (نامی & اخباری، ۱۳۹۳، صفحه ۱۷۵).

مسأله آب در کل کشورهای واقع در کمربند خشکی آسیا مثل افغانستان، ایران، عربستان و غیره به عنوان یک چالش از گذشته‌ها وجود داشته است. در افغانستان اقتصاد متکی به زراعت بوده و زراعت به شکل مستقیم با وضعیت اقلیمی رابطه دارد. در قدم اول یک بخش بزرگ زراعت در افغانستان به شکل للمی (دیم) صورت می‌گیرد. که مستقیماً از باران‌های فصل بهار و ضخامت برف‌های زمستان متاثر است. با ازدیاد برف و باران حاصلات نیز خوب بوده، اما با خشکی و کم بارانی حاصلات این بخش زراعت کاملاً متاثر شده و نتیجه درست نمی‌دهد.

ثانیاً رودهای افغانستان منبع زیر زمینی ندارد. و مستقیماً وابسته به ذخیره‌های برفی و یخچالی قسمت‌های فوقانی کوه‌های کشور است. به همین علت رودها موسمی است، که در فصل بهار و تابستان در اوج سیرابی بوده و شکل سیلابی دارد، در حالیکه در فصل‌های

خزان و زمستان آب رودهای بزرگ بی‌نهایت کم شده و معاونان آن اکثراً خشک می‌گردند، که برای کشت‌های خزانی به قلت آب مواجه می‌شود. این مشکل در تمامی رودهای افغانستان وجود دارد که ضرورت است تا برای ذخیره سازی آب‌های سیلابی فصل بهار و تابستان بندهای ذخیره ساخته شود. تا بتواند در فصول کم آبی از آب آن استفاده نماید. البته کم آبی تولید برق در بندهای کشور رانیز به مشکل مواجه می‌سازد.

سیاست آبی افغانستان

پس از مشخص شدن سرحدات افغانستان با همسایه غربی آن ایران بحث تقسیم آب همواره سرزبان‌ها بوده است. با گسترش روابط دوستانه میان دولت‌های مرکزی رضاشاه در ایران و دولت محمدنادر شاه و پس از آن محمد ظاهر شاه در افغانستان پس از چندین بار تنش و حکمیت سرانجام در سال ۱۳۵۱ معاهده تقسیم آب رود هلمند فی مابین دولتین افغانستان و ایران با صدارت عظمای افغانستان محمدموسی شفیق و از جانب ایران امیرعباس هویدا به امضا رسید که به موجب آن افغانستان پذیرفته است که ۲۶ متر مکعب آب در ثانیه برای جانب ایران بدهد (معاهده هلمند، ۱۳۵۱، صفحه ۳). اما روی هریرود و تقسیم آب آن هیچ موافقه صورت نگرفته است. هر چند محمد موسی شفیق صدر اعظم وقت کشور تلاش کرد که معضلات آبی را با تمامی کشورهای همسایه حل کند. تحولات و نامالیقات به او چنین فرصت را نداد.

با کودتای سفید ۱۳۵۲ ه ش سردار محمد داوود و تغییر نظام شاهی به جمهوری روزنه جدید برای توسعه افغانستان گشوده شد. سردار محمد داود با طرح پلان‌های پنج ساله برنامه منظم برای توسعه افغانستان داشت. اما تهداب کودتای را که خود گذاشته بود سرانجام سردار داوود را نیز زمین‌گیر کرد. و به آرزو هایش برای ترقی افغانستان دست نیافت. با کودتای کمونس‌تها در ۱۳۵۷ ه ش فصل خون ریزی در افغانستان آغاز شد. کودتاها یکی پی دیگر انجام شد و با اشغال افغانستان توسط شوروی این آتشکده مشتعل‌تر گردید. ده سال جنگ با شوروی سپس جنگ‌های خانه به خانه داخلی الی اکنون این کشور نفس راحتی نکشیده است. چهل سال جنگ نه تنها مانع توسعه کشور شد بل تمامی زیر ساخت‌های بنیادی کشور را نیز نابود کرد. هرچند در طول بیشتر از چهل سال که افغانستان درگیر جنگ بوده استفاده چندانی زراعتی و صنعتی از آب‌های جاری در داخل کشور ما صورت نگرفته است و رودهای فرامرزی ما به صورت یک‌جانبه توسط همسایه‌ها در شرق، جنوب و غرب مورد استفاده قرار گرفته است. اکنون اما با آغاز فصل جدید در افغانستان فرصت نسبی برای برنامه ریزی‌های توسعه‌ی پیش آمده است. به خصوص در

بخش پروژه‌های زراعتی و تولید برق کارهای نسبی انجام شده است. متأسفانه دولت افغانستان طرح مدون برای سیاست گذاری‌های آبی با چشم انداز توسعه نسبت به آینده ندارد. که این مسأله بین افغانستان و کشورهای همجوار مشکل ساز است و نیز چشم انداز آینده افغانستان و ضرورت‌های آبی آن تاریک است.

موقعیت هیدروپلیتیک افغانستان

در شرایط کنونی اختلال در آب می‌تواند موجب اختلال در فعالیت‌های کشاورزی و امنیت غذایی و امور صنعتی نظیر تولید برق، بیکاری و اختلال در بهداشت و سلامت شهروندان گردد (عظیمی، ۱۳۹۱، صفحه ۱۰۱). در مناطق خشک شرق میانه و شمال افریقا که روی کمربند خشک جهان قرار دارند و کمبود آب را بیشتر از دیگر کشورها درک کرده بودند، سال‌ها پیش پیوند آب و امنیت را در نظر گرفته و هیدروپلیتیک را جزء اهداف سیاست خارجی خود قرار داده بودند (فهیم، ۱۳۹۵، صفحه ۱۳).

قرار گرفتن سرچشمه اکثر رودخانه‌ها که به کشورهای همسایه می‌ریزد در افغانستان و وابستگی شدید کشورهای همسایه به آن باعث برتری ژئوپلیتیک افغانستان شده است. مزیت نسبی افغانستان در مقایسه با برخی همسایه‌هایش در این است که اکثر رودخانه‌های منطقه از کوه‌های افغانستان سرچشمه می‌گیرند. آمو، مرغاب، هریرود، هلمند و کابل رودخانه‌هایی اند که از افغانستان سرچشمه گرفته و زندگی را به همسایگان هدیه می‌دهند. سال‌ها جنگ و کشمکش در کشور ما سبب شده که ما نتوانیم منابع آبی خود را مدیریت نموده، از آن در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور استفاده کنیم. آب‌های کشور به سادگی مرزهای جغرافیایی را عبور می‌کند. آب مورد نیاز کشورهای همسایه از تاشکند و عشق‌آباد گرفته تا مشهد و از زاهدان و زابل تا صوبه و خیبر پشتونخواه پاکستان را تأمین می‌کند (فهیم، ۱۳۹۵، صفحه ۱۵). آبریز بسیاری از رودخانه‌های دائمی کشور را حوضه‌های خارجی تشکیل می‌دهد، این بدان معنا است که قسمت عمده آب‌های جاری کشور از دسترس خارج می‌گردد. به عنوان مثال رودخانه‌های کابل، غوربند، سالنگ جنوبی، لوگر، لغمان، علیشینگ، الینگار، کنرها، دره پیچ، لندی سین، کاشغر، المار و سرخ رود به پاکستان سرازیر می‌شود. و رودخانه‌های آمو، بامیان، دوآب، سالنگ شمالی، اندرآب، فرخار، کشم، کوکچه، آلیچین و رود همیه‌ش موج مرغاب وارد کشورهای همسایه شمالی افغانستان می‌گردد. همچنان آب رود بزرگ هلمند، هریرود، خاشرود، فراه رود، سفزار و ارغندآب به جمهوری اسلامی ایران سرازیر می‌گردد (عظیمی، ۱۳۹۱، صفحه ۱۰۲).

با این منابع آبی اما افغانستان در شرایط موجود تنها توان استفاده از ۲۵ تا ۳۰ درصد آب‌های خود را دارد، که باقیمانده آن از مرزهای کشور بیرون شده و به صورت یک جنبه مورد استفاده کشورهای همسایه قرار می‌گیرد. در هر ثانیه بیشتر از ۱۰۰۰ متر مکعب آب شیرین افغانستان از این کشور خارج می‌گردد.

کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ترکمنستان، ازبکستان و پاکستان بیشترین سود از آب‌های جاری افغانستان را برده است. چنانچه ازبکستان با استفاده از آب آمو به چهارمین تولید کننده بزرگ پنبه در جهان تبدیل شده است. ترکمنستان و جمهوری اسلامی ایران با احداث بند دوستی بر روی رودخانه هریرود (بدون مشارکت افغانستان) بیشترین استفاده از آب این رودخانه می‌برند، بند دوستی ترکمنستان - ایران با ظرفیت ۲۶۱ میلیون متر مکعب بطور نسبی ۶۵ درصد آب مشهد را تامین می‌کند (کاویانی راد، ۱۳۹۵، صفحه ۲۹). از سوی دیگر رود سند پاکستان که نقش حیاتی در اقتصاد و کشاورزی این کشور دارد، پذیرای ۲۰ میلیارد مترمکعب آب حوزه کابل است. پاکستان با برنامه‌ریزی‌هایش سالانه میلیاردها دالر از آب‌های افغانستان عاید می‌کند (عظیمی، ۱۳۹۱، صفحه ۱۰۴).

موقعیت هیدروپلیتیک افغانستان که قطعاً یک امتیاز طبیعی برای این کشور به حساب می‌آید. با تغییر و وضعیت اقلیمی و آب و هوایی (گرم شدن زمین) و کمی آب‌های شیرین هر روز با ارزش‌تر می‌شود که بعضاً باعث اختلافات شده و در آینده نیز خواهد شد. البته این موضوع به مدیریت سیاسی حکومت افغانستان و همسایگان شان وابسته است که می‌تواند در ایجاد رابطه همکاری اقتصادی، ترانزیتی دوستانه مکمل هم باشند. وبا استفاده از چنین شرایط عامل اختلاف را به عامل دوستی و همکاری دوطرفه باسیاست تکمیل نیازهای متقابل تبدیل کند (واثق & همکاران، ۱۳۹۶، صفحه ۱۵۰).

چشم‌انداز آینده آبی افغانستان

افغانستان به عنوان یک کشور محاط به خشکه و متأثر از تغییرات اقلیمی نه تنها که باید برنامه ریزی‌های آبی را در اولویت سیاست‌گذاری خویش قرار دهد بلکه باید در صدد جلب توجه مجامع بین المللی و اخذ کمک از کشورها و نهادهای فعال در حوزه مدیریت آب با شد در غیر آن صورت دچار بحران‌های زیستی و طبیعی خواهد شد که ذیلاً به آن می‌پردازیم.

تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی و گرم شدن هوا در سطح جهانی بر تمام کشورها تاثیر می‌گذارد. که کم آبی و میزان بلند تبخیر را در پی دارد. به ویژه کشورهای که در مصب رودخانه قرار

دارند از این ناحیه بیشتر آسیب پذیر است. کشورهای که از سواحل فاصله زیاد دارند و محاط به خشکی است، بیشتر از همه در خطر کم آبی و خشک سالی قرار دارند، که افغانستان در این دسته قرار می‌گیرد. این کشور از نزدیک‌ترین ساحل (بندر کراچی در پاکستان) بیشتر از ۶۰۰ کیلومتر فاصله دارد (احمدی، ۱۳۹۳، صفحه ۹). لذا در صورت مشکل کم آبی امکانات ساحلی نیز ندارد، که از طریق شیرین سازی آب اقیانوس بتواند مشکلاتش را مرفوع سازد.

افغانستان یک کشور کوهستانی بوده که دارای اقلیم خشک و نیمه خشک با زمستان سرد و تابستان گرم می‌باشد. حد اوسط بارندگی سالانه‌ی آن حدود ۲۵۰ ملی متر بوده که این نوع بارندگی‌ها در نقاط مختلف کشور متفاوت می‌باشد که از ۱۲۳۶ ملی متر در سالنگ‌ها تا ۷۶٫۲ ملی متر در ساحات لشکرگاه در تغییر می‌باشد (انصاری، ۱۳۹۰، صفحه ۲۳۲).

مطالعات و تحقیقات که در این اواخر توسط تیم دانشگاه اکسفورد کشور انگلستان و انستیتوت محیط زیست استاکهلم، با استفاده از آمار و ارقام تاریخی کشور بخصوص ارقام و معلومات کشورهای همسایه صورت گرفته نشان دهنده‌ی آن است که افغانستان بعد از سال ۱۹۶۰ در معرض خطرات جدی و رو به افزایش تغییرات اقلیمی قرار گرفته است. درجه حرارت در این کشور از سال ۱۹۶۰ به این سو افزایش یافته که این افزایش را می‌توان در جریان شب‌های فصل گرم سال به وضاحت مشاهده نمود. بنام مطالعات و مدل‌های تحقیقاتی موجود که توسط دو نهاد معتبر علمی بین‌المللی صورت گرفته، یک افزایش قابل ملاحظه‌ی را در درجه حرارت همه‌ی مناطق افغانستان نشان می‌دهد. قرار پیش‌بینی‌های نهادهای مطالعه‌کننده، درجه حرارت تا سال ۲۰۹۰ میان ۲ درجه سانتی‌گراد الی ۶ درجه افزایش خواهد یافت، که وقوع این حادثه وابسته به سناریو تولید انرژی حرارتی جهان بوده و حادثه‌ی گرم شدن اقلیم در فصل بهار و تابستان خصوصاً در مناطق شمالی و مرکزی کشور ما بیشتر متباز می‌باشد. همچنان پیشگویی‌ها نشان دهنده‌ی آن است که الی سال ۲۰۶۰م، با مقایسه‌ی افزایش اوسط درجه حرارت میان سال‌های ۱۹۷۰ الی ۱۹۹۹ از ۱٫۴ درجه سانتی‌گرید الی ۴ درجه سانتی‌گرید افزایش خواهد یافت. بنام همه پیش‌بینی‌ها نشان دهنده افزایش متداوم درجه حرارت در جریان شب و روز در کشور بوده که با مقایسه اقلیم کنونی آن در آینده یک محیط گرم خصوصاً در فصول تابستان را به بار خواهد آورد. همچنان نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که بارندگی‌ها در افغانستان بعد از سال ۱۹۶۰ رو به کاهش بوده که نتیجه آن خشک‌سالی‌های متواتر است (فهیم، ۱۳۹۵، صفحه ۱۹).

اگر وضع بدین منوال ادامه یابد ما شاهد تغییرات سالانه بارندگی‌ها در کشور بوده و افغانستان تا سال ۲۰۹۰م در معرض خشک شدن نسبی اقلیم عمومی قرار خواهد گرفت. بناً از نتیجه مطالعات و تحقیقات که از آن تذکر بعمل آمد چنین وانمود می‌گردد که افغانستان در معرض خطرات جدی تغییرات اقلیمی قرار گرفته که مهم ترین اثرات منفی آن وقوع خشکسالی‌های شدید و متواتر است که نتیجه آن مبدل شدن زمین‌های زراعتی به صحراها می‌باشد. همچنان وقوع سیلاب‌های غافلگیر کننده و مدهش، ذوب شدن سریع برف و یخچال که این خود باعث تغییرات رژیم رودخانه‌ها گردیده و اثرات منفی را بالای بخش زراعتی و صنعتی به بار می‌آورد.

تأثیر تغییر اقلیم بالای بخش آب کشور

خشکسالی‌های شدید و دوامدار یکی از پیامدهای تغییرات اقلیمی در کشور بوده و ارزیابی‌های مشترک سازمان خوراکی و زراعت ملل متحده (FAO) و وزارت انرژی و آب از خشکسالی‌های سال‌های ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۴م که از ولایات کشور صورت گرفته مبین این واقعیت است که منابع آبی کشور از لحاظ کمی و کیفی کاهش قابل ملاحظه نموده است. یعنی کاهش در منابع آب‌های سطحی، ذخایر آبی، پائین آمدن سطح منابع آب زیرزمینی و کاهش مقدار آن بخصوص کاهش قابل ملاحظه در مقدار آب کاریزها، چشمه‌ها، چاه‌ها را شامل می‌شود. که از جمله ۴۰ هزار حلقه چاه آب نوشیدنی ۳۰٪ آن کاملاً خشک گردیده است (فهیم، ۱۳۹۵، صفحه ۲۰).

افزایش درجه حرارت در فصول زمستان و بهار سبب می‌گردد تا برف و یخچال‌ها که حدود ۸۵٪ منابع آبی کشور از آن طریق بدست می‌آید زودتر و پیش از وقت ذوب شود که این خود زمینه وقوع سیلاب را فراهم می‌کند که در نتیجه آن خسارات فراوان به مناطق مختلف کشور وارد شده است. قابل ذکر است خشکسالی‌ها وقوع سیلاب‌های نابهنگام را بیشتر می‌سازد زیرا خشکسالی سبب کاهش رطوبت و خشک شدن خاک شده و نفوذ پذیری آنرا کاهش می‌دهد.

مدیریت آب در کشور

مدیریت و استفاده بهینه از آب کشور در پروژه‌های زراعتی، تولید انرژی و صنعتی که بدون شک از نیازهای اصلی مردم افغانستان است، می‌تواند در ابعاد مختلف از امنیت گرفته تا اقتصاد، کارپایی، کاهش مهاجرت، عودت مهاجران، رفع نیازهای انرژی و صنعتی موثر واقع شود. یک بخش بزرگ ناامنی افغانستان ناشی از بیکاری و اقتصاد ضعیف است. جوانان بیکار اکثراً از مجبوری دست به انواع فعالیت‌های نامشروع می‌زنند که قاچاق مواد مخدر، پیوستن به صفوف مخالفین مسلح دولت، استخدام آنان در جنگ‌های بیرون مرزی توسط کشورهای همسایه، دزدی‌های مسلحانه، آدم ربایی، قاچاق انسان و غیره را شامل می‌گردد. در صورتی که پروژه‌های زراعتی در دهات و قصبات راه اندازی شود قطعاً آنان دیگر مجبور نخواهند بود که دست به کارهای خلاف بزنند. در این قسمت به خاطر جلوگیری از طوالت موضوع به بررسی مدیریت آب در حوضه هریود اکتفا شده است.

بند(دوستی افغان هند)

این پروژه‌ی بزرگ ملی در دو کیلومتری روستای سلما در ولسوالی چشت شریف ولایت هرات روی رودخانه، هریود و ۱۷۶ کیلومتر دورتر از شهر هرات قرار گرفته است. مطالعات تخنیکی تفصیلی بند در محور سلما در آغاز سال ۱۳۵۱ خورشیدی روی دست گرفته شد. سپس کار عملی آن در سال ۱۳۵۵ آغاز یافت. بر بنیاد پلان آن زمان قرار بود تا کار عملی آن در سال ۱۳۶۰ تکمیل و در سال ۱۳۶۱ به بهره برداری سپرده شود، اما بخاطر رویدادهای سیاسی در کشور نشد.



تصویر (بند دوستی افغان-هند) (آوا، ۱۳۹۷).

کارهای مطالعاتی که میان سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ انجام شد شامل: مطالعات امکان‌سنجی، جیولوجیکی، هایدرولوجیکی، سروی توپوگرافی و بعضی دیزاین‌های ابتدایی پروژه بود. از سوی دیگر کارهای ساختمانی که بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ انجام یافت عبارت از ترمیم سرک هرات - چشت شریف به درازایی ۱۷۴ کیلومتر، اعمار ۷۴ ساختمان رهایشی، ساختن کانال انحرافی به قطر ۸,۶ متر و درازایی ۶۳۰ متر حفاری قسمتی از تهداب بند می‌باشد. در سال ۱۳۸۴ خورشیدی موافقت نامه مشترک میان دولت افغانستان و کشور هندوستان صورت گرفت که به بنیاد آن هزینه ساخت بند دو سستی افغان-هند از کمک‌های بلاعوض هندوستان تمویل گردد. بخش مشورتی و نظارت پروژه توسط کمپنی واپکوس هندی و امورساختمانی و برق آن توسط کمپنی‌های انجلیک، SSJV و BHEL به پیش برده می‌شد. ساخت بند دو سستی در سال ۲۰۰۶م از سر گرفته شد و بر بنیاد محاسبات نخستین باید تا سال ۲۰۰۹ میلادی پایان می‌یافت. اما بخاطر تغییرات در طراحی، مشکلات داخلی شرکت‌های پیمان‌کار و دولت هندوستان در راستای پرداخت‌ها، مشکلات لوژیستیکی، نبود سرک اسفالت شده کار ساخت بند به درازا کشید. سرانجام به تاریخ ۴ اسد ۱۳۹۴ خورشیدی دروازه‌ی تونل انحرافی بند دو سستی افغان - هند بسته شد و انتظار شهروندان کشور پایان یافت و آبهای خروشان هریرود تحت کنترل در آمد. از آن زمان تا کنون بیشتر از ۴۶۰ میلیون متر مکعب آب در کاسه بند ذخیره شده و بلندی آب در کاسه‌ی بند بیشتر از ۶۱ متر می‌باشد. نظر به خواست کشاورزان ولسوالی‌های پایین دست بند به مقدار ۲۰۰ متر مکعب آب در ثانیه از بند رها می‌گردد، که در فصل کشت و کار نیازهای کشاورزان از ناحیه آب رفع گردیده است.

نقش بند سلما در توسعه زراعت

براساس اهداف تعیین شده، این بند آب یک پروژه دو منظوره برای توسعه بخش زراعت و تولید برق آبی می‌باشد. باتوجه به خاک و هوایی مناسب موجود در ولایت هرات و تأمین آب مورد نیاز از این بند، زمینه گسترش بخش زراعت و محصولات زراعتی و باغی در این ولایت بسیار بالاست به گونه که طبق اهداف تعیین شده، آب مورد نیاز حدود ۷۵ هزار هکتار زمین کشاورزی از این بند تأمین می‌شود که می‌تواند علاوه بر تأمین مواد غذایی و میوه‌جات مورد نیاز زون غرب کشور، ظرفیت تولید انواع محصولات صادراتی به کشورهای همجوار و فراتر از آن را به خوبی فراهم نماید. ولایت هرات در تولید برخی از محصولات زراعتی مثل تولید زعفران و انگور دارای مزیت نسبی است که این مهم می‌تواند

باتوجه به تأمین آب مورد نیاز آن، حوزه جنوب غرب را به عنوان یک قطب تولید کننده زعفران و انگور با هدف تقویت محصولات صادراتی و ارز آور در منطقه و دنیا مطرح نماید.

تأمین انرژی پایدار و ارزان

امروزه تأمین انرژی پایدار نقش بسیار برجسته در توسعه یافتگی کشورها از بُعد رفاه اجتماعی داشته و همچنین تأمین انرژی بخش صنعت از اهمیت بسیار بالا برخوردار است. یکی از دلایل عمده عدم پیشرفت صنعت در کشور در سال‌های اخیر نبود یا کمبود انرژی مورد نیاز بخش صنعت و شهرک‌های صنعتی است. شهرک صنعتی هرات یکی از شهرک‌های مهم صنعتی در کشور محسوب می‌گردد اما متأسفانه تاکنون از کمبود انرژی برق رنج می‌برد. براساس اهداف اعلام شده مجریان بند سلما، چهار توربین تولید برق با ظرفیت ۴۲ میگاوات برق در این پروژه به کار خواهد افتاد (اداره ملی تنظیم آب، ۱۳۹۹) که در صورت تحقق این موضوع برق تولید شده علاوه بر تأمین برق شهروندان هرات و کارخانه‌های تولیدی و صنعتی، می‌تواند برق مورد نیاز ولایت‌های هم‌جوار از جمله ولایت غور و بادغیس را نیز تأمین نماید. بر بنیاد ماستر پلان ۲۰ ساله برق کشور بنا است در طی ۵ سال آینده از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵م یک خط انتقال ۲۲۰ کیلوولت از بند سلما به مرکز ولایت غور به طول ۱۳۵ کیلومتر احداث گردد که تأمین کننده برق مورد نیاز این لین، برق تولید شده توسط بند سلما است. هرچند تا کنون به علت خشکسالی و کم آبی هریرود هرچهار توربین فعال نشده است. در شرایط فعلی برق مصرفی شهروندان و بخش صنعت ولایت هرات که کمتر از میزان مورد نیاز و با ولتاژ پایین است، از دو کشور هم‌جوار ایران و ترکمنستان با قیمت بالا تأمین می‌گردد، که سالانه می‌بایست مبالغی کلان بابت مصرف برق وارداتی به این کشورها پرداخت گردد. (آوا، ۱۳۹۷) بنابراین بهره برداری نهایی از بند سلما به تولید انرژی پایدار با ولتاژ بالا و قیمت مناسب در حوزه جنوب غرب خواهد انجامید که این مهم علاوه بر افزایش دسترس شهروندان به انرژی برق با قیمت و ولتاژ مناسب، باعث رونق صنعت و اقتصاد کشور نیز خواهد شد.

بهبود وضعیت محیط زیست

با ایجاد بند سلما با طول ۲۰ کیلومتر و عرض ۳ کیلومتر و همچنین زیر کشت رفتن هزاران هکتار زمین بدون کشت و سرزمین‌های بایر در حوضه آبریز بند سلما، اقلیم آب و هوایی این منطقه نیز به سمت بهبودی تغییر کرده است. با ایجاد بند آب مناطق اطراف بند با استفاده از رطوبت برخاسته از آن به سمت سرسبزی و طراوت در طول سال مانند تغییر مثبت وادی ننگرهار بعد از اجرای پروژه‌های این وادی در ده‌ها سال پیش، پیش

می رود و این موضوع می تواند به حفظ محیط زیست از آسیب های که در طول سالیان دراز به آن وارد شده و هر سال نسبت به گذشته بدتر می شود، کمک قابل توجهی نماید.

نقش بند سلما در ایجاد اشتغال

با اتمام پروژه ساخت بند سلما و استفاده دو منظوره از آن، می تواند در میان مدت و دراز مدت باعث کاهش نرخ بیکاری در حوزه جنوب غرب و کل کشور گردد. زیرا زیر کشت رفتن بیش از هفتاد هزار هکتار زمین زراعتی می تواند برای هزاران نفر به صورت مستقیم و برای صدها هزار نفر به صورت غیر مستقیم شغل ایجاد نماید. بخشی عظیمی از مردم فاقد زمین زراعتی را صاحب زمین و کار سازد. هم چنین تأمین برق مورد نیازهای کارخانه های تولیدی و صنعتی به خصوص شهرک صنعتی هرات، باعث افزایش تولید، کاهش قیمت کالاهای تولید شده و جذب کارگران بیشتر در واحدهای تولیدی گردد. این مهم می تواند با توجه به حمایت دولت از تولیدات داخلی و الزام بخش عمومی (وزارتخانه ها و ارگانهای دولتی) به خرید و مصرف کالاهای ساخت و تولید داخلی، در اقتصاد ملی نیز تحرک و رونق ایجاد نموده و نرخ بیکاری در سطح کشور را تا حدودی کاهش دهد.

نتیجه گیری

کنترول و استفاده از آب در داخل افغانستان به اهداف مختلف (اقتصادی، تنویر، صنعت و زراعت) می تواند مسیر ترقی این کشور را جهت بدهد و این کشور بحران زده را به سوی توسعه و رونق رهنمون کند. چنانچه پروژه بند سلما این تغییرات را به خوبی نشان داده است. برق که از احتیاجات و ضروریات اولی کشور است عمدتاً وارداتی بوده و از کشورهای تاجکستان، ترکمنستان و ایران وارد می شود. بدون شک توسعه و افزایش بندهای چون سلما می تواند کشور را از لحاظ مصرف برق به مسیر خودکفایی قرار دهد. واضح است که ساختن بندها و کنترول آبها در افغانستان باعث رشد زراعت می گردد، رشد زراعت باعث اشتغال زایی، تولید مواد اولیه، رشد اقتصاد و محو بیکاری می گردد. این عوامل باعث امنیت اقتصادی (غذایی) شده و طبعاً امنیت عمومی را بهبود خواهد بخشید. با توسعه سیستم آبیاری و ایجاد کشت بدیل می توان بدنامی ناشی از تولید مواد مخدر را محو کرد. از سوی دیگر با گذشت هر روز و با در نظر داشت شرایط اقلیمی ضرورت ایجاد سیاست های مشخص آبی، پلان مدون و ترسیم چشم اندازهای هیدروپلیتیکی کشور جدی تر می شود، امید است که سیاست گزاران کشور تا دیر نشده به این مهم توجه جدی نمایند.

منابع

- ۱) احمدی، میرهارون. (۱۳۹۳). جغرافیای اقتصادی افغانستان. کابل: نامی.
- ۲) اداره ملی تنظیم آب. (۱۱، جوزا، ۱۳۹۹). رسانه ها، اطلاعیه. <https://mew.gov.af/dr/>وضاحت
- ۳) انصاری، سلطان محمد. (۱۳۹۰). دانستنی های پیرامون جغرافیای عمومی افغانستان. کابل: سعادت.
- ۴) آوا. (۲، دلو، ۱۳۹۷). اقتصاد - آوا. <https://www.avapress.com/fa/news/178336/>
- ۵) راد کاویانی، مراد. (۱۳۹۵). ساخت سد سلما و امنیت شمال خاوری ایران. مجله دیده بان امنیت ملی. شماره پنجاویکم.
- ۶) عظیمی، محمد عظیم. (۱۳۹۱). در آمدی بر جغرافیای طبیعی افغانستان. تهران: علم ودانش.
- ۷) معاهده هلمند. (۲۲، کب، ۱۳۵۱). دهلمند/هیرمند د سیند د اوبو په باره کی د افغانستان او ایران ترمنح ټلون. د عامه ارتباطاتو د اداری خپرونه. کابل، افغانستان: د اطلاعاتو او کلتور وزارت
- ۸) فهیم، نجیب آقا. (۱۳۹۵). آب صلح و امنیت برای همه. کابل: بنیاد هانریش بل.
- ۹) نامی محمدحسن و محمد اخباری. (۱۳۹۳). نگرش نو بر مطالعات مرزی. تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- ۱۰) واثق و همکاران. (۱۳۹۶). حل و فصل چالش هیدروپلیتیکی رودخانه هیرمند براساس رهیافت هم تکمیلی. همایش دیپلماسی آب و فرصت های هیدروپلیتیک غرب آسیا. تهران: دانشگاه خوارزمی.

Abstract

It is believed that water and scarcity of water will pose a challenge in the future, which this challenge consequence many other challenges, It particularly becomes a severe issue when Transboundary Rivers affect neighboring countries' diplomatic and political relations. Afghanistan is also one of the countries that share Transboundary Rivers with its neighboring countries, improving its geopolitical position among neighboring countries. Afghanistan's water is one of the significant geopolitical elements that currently influence political, economic, diplomatic, and border relations. It is particularly noticeable in the western part of Afghanistan (Harirud) with the country of the Islamic Republic of Iran. Although the water problem with Iran has a history of almost a century, it has recently worsened with the construction of the Salma dam (Afghan-Indian friendship) on the Hari River. Therefore, this research aims to investigate the water issue in the country and its management perspective with a focus on the Harirud River. In this research, applied method was used and the library method, documents, and internet resources were used to collect information. The result of this study indicates that Afghanistan could encounter challenges in the absence of a long-term strategy for the water sector, and if it can use a multi-purpose approach (water storage, agricultural development, and electricity generation) with a written plan and timeframe for dealing with water management, it can provide clear economic and developmental perspectives for the future of the country

Keywords: hydrophilic, landscape, Harirud River, water management, Afghanistan



CHERAGH-E-HEKMAT

Quarterly Academic-Research Journal of
Parwan University Jun 2023

Publishing Authority

Parwan University

Editor – in – Chief

Assoc. prof (PhD). Mohammadullah Bahadur

E-mail: M.tawhedi@gmail.com

Phone: +93786007675

Circulation Manager

Assoc. prof (PhD). Hakimullah Aminy

E-mail: hakim.aminy2016@yandex.ru

Phone: +93728909303

Consultant Editors

Assoc. prof. Habibullah Kashifi

E-mail: habibullahkashfi@gmail.com

Phone: +93777217218

Assoc. prof. Zabihullah Zaher

E-mail: zabihullahzahir116@gmail.com

Phone: +93786730846

**Address: Parwan university – charikar city
Afghanistan**

Approved by Higher Education of
Afghanistan, № RCTD-GNJR -0010-
23

E-mail: Ch.hakmat@gmail.com

Phone: +93728909303-
+93786007675

Editorial Board

Social science

1. Assoc. Prof. Mohammad Saber Sarwari
2. Assist. Prof (PhD). Abdul Haq Hanif
3. Assist. Prof (PhD). Sayd Mobin Hashmi
4. Assist. prof (PhD). Said Agha Riza Alavi
5. Senior Teaching. Assist(PhD). Mohammad Jan sotuda
6. Assit. prof. Rahmudin Rasekh
7. Senior Teaching. Assist. shamsulaq Hanif
8. Senior Teaching. Assist. Mahfuz Faqiri
9. Senior Teaching. Assist. Eid Mohammad Fallah

Natural science

1. Senior Teaching. Assist (PhD). Hamidullah Unesi
2. Senior Teaching. Assist. Mahmudullah Rasikh
3. Teaching. Assist. Khalid arfan
4. Teaching. Assist. Ahmad Zubair Qazi zada
5. Senior Teaching. Assist. Aziz Aqa Azizi
6. Senior Teaching. Assist. Multan zarawar
7. Senior Teaching. Assist. SaydAbdul Alim Tawana

Reviewers

1. Senior Teaching. Assist. Ezatullah khuram
2. Senior Teaching. Assist. shir Gul Zaland Shinwari
3. Teaching. Assist. Hijratullah Mubasher
4. Senior Teaching. Assist. Mulajan Rahmani
5. Senior Teaching. Assist. Fazlaluah Fazli
6. Senior Teaching. Assist. Fazilurabi Khair khwa
7. Teaching. Assist. Khalid Joya

